

حقائق و معارف

پس از امیر المومنین علیه السلام، علم جفر مخصوص امام صادق علیه السلام گشته و معروف شد. و به دلیل کثرت استفاده از کلمه جعفر "جفر" گشته است. علامه فخر رازی معنای جفر را "چاه روشن و پر از آب" و "پوست گاو نر" می خواند. ممکن است در ابتداء و برای حفظ این علم شاگردان امام علیه السلام آن را روی پوست گاو نوشته باشند و یا این علم را "آئینه اوضاع عالم" دانسته آن را به چاه پر از آب تشبیه کرده باشند.

دو قسم بزرگ این علم "علم الآثار" و "علم الاخبار" است. علم الآثار مشتمل است بر عملیات، تعویذات، عزائم و اعداد، وفق و غیره. اما منتها و مقصود علم الاخبار استخراج مستحصلات است که نیر به دو قسم تقسیم میشود: خفیه (مخفی) و خبریه. تعداد قواعد خفیه را کسی جز خداوند متعال نمیداند، اما تعداد قواعد خبریه حاوی سه صد هزار قاعده است که یکی قاعده خاص الخاص آن رم بوطالبی نام دارد و اینقدر وسعت دارد که تنها همین یک قاعده را میتوان با بیست و یک روش حل کرد.

نام دوم علم الاخبار علم الاحکام نیز هست. جفر دارای اقسام زیادی است مانند جفر جامع، جفر کبیر، جفر لندن، جفر خافیه، جفر احمر، جفر اصغر، جفر اسود و جفر... و غیره. این که آصف برخیا (وزیر حضرت سلیمان علیه السلام) توانست به چشم بر هم زدن، تخت بلقیس را برای ایشان بیاورد، هم یکی از کمالات علم جفر بود؛ زیرا توسط مستحصله هر نوع عمل، عزیمت و اسم اعظم خداوند متعال را میتواند استخراج کرد.

بزرگترین خوبی مستحصله باید این باشد که جواب سطر بدون هیچ دخالت بخودی خود ظاهر گردد و فکر و عقل هیچ دخالتی در آن نداشته باشد و این امتیاز این مستحصله است. دراصل ابوطالبی یک سر غیب است. تمامی سوالات دنیا را میتوان با این حل کرد؛ فرقی هم ندارد سوال محوری باشد، یا مرکزی، و هیچ کسی نمیتواند جوابی را که از این طریق در می آید، اشتباه بخواند. با وجود قاعده ای همچون قاعده ابوطالبی آرزوی قاعده ای دیگری یا رفتن به سراغ قاعده ای دیگری اصلا کفران نعمت محض است. اما این که کسی بتواند سطر مستحصله را بفهمد، بستگی به عنایتی از جانب پروردگار دارد.

نزد حکماء علم الجفر از علوم ظنیه به شمار رفته است. اما ارباب تحقیق این علم را یکی از شاخه های ریاضی می دانند. همانطور که از این کتاب ظاهر است. بنا بر این، این علم هم در یقینیات شامل است. دو به اضافه دو همواره چهار میشود و هیچگاه سه یا پنج نمیشود. اگر حساب درست باشد، جواب قطعا درست خواهد بود. علمای حق می گویند که این علم نفیس بر ذره غالیه حضرت آدم علیه السلام به صورت صحف و اسفار نازل شده است. و پس از آن به مراتب و سلسله به سلسله برای انبیای بعدی روشن و منکشف تر شده است، تا زمانیکه سید اولین و آخرین بر مسند رسالت نشستند و به ایشان تمامی علوم مخزونه و مکتومه به عنوان امانت و اگذار گردید و ایشان به باب العلم (امام علی ع) همه علوم را همانگونه که دریافت کرده بودند، یاد دادند که پس از ایشان یکی پس از دیگری به ائمه معصومین علیهم السلام منتقل گردید و از فیض ایشان بود که دیگر اولیاء الله و اصفیا نیز از این علم سیراب گردیدند. در کتاب "بحر الوقوف فی علم الاسرار والحروف" علمای جفر بر کتمان اسرار این علم به شدت پافشاری کرده اند. یکی از بزرگان گفته است: "خدا رحمت کند کسی را که این علم را بیاموزد ولی آن را مخفی نگه دارد. امام الفن علامه ابن عربی تا جایی گفته است: "افشاء سر ربوبیه کفر" یعنی علنی کردن اسرار حق سازگار است، و تهدید کرد "من هتک السر هلك". نظر دیگر علماء راجع به این علم نیز همین است و میگویند که هر آنکس که این سر را بر عوام مردم ظاهر کند، خودش را به هلاکت می اندازد و یا حد اقل ضرر مالی حتما برایش رخ داد، زیرا اگر این علم به جاهلان منتقل گردد، فتنه های گوناگونی خواهد رخ داد. به همین دلیل است که در زبانهای عربی و ترکی و فارسی راجع به اخبار جفر کم و بیش کتب فراوانی نوشته شده است، اما جایی که اصل مطلب می آید، "جف ههنا القلم" نوشته و ساکت میشوند. لال مونی می گیرند، نه علامتی میارند، نه مثالی می زنند. اگر حرفی بدون قصد از دهانشان در بیاید، داد می زنند که من چه سمی خورده ام.

البته شاگردانی زیادی بوده اند که برای سالیان دراز به استادان خود خدمت کرده و این علم را آموختند. و اینگونه این علم به کلی از بین نرفته است. قول نویسنده کتاب کوکب الدرریه و اعظ موصلی در این باره بسیار دلپسند است که گفته است: ترجمه شعر: هر کسی این علم را به جاهلان آموخت، مانند این است که این علم را نابود کرده است و کسی که آن را از مستحق آن دریغ کرد، حق آن را تلف کرده است.

بهرحال این علم اصلا تکلم بالغیب نیست و یک علم واقعی است که دارای قواعد درست و اصول محکم است. که پس از یادگیری و تمرین آن کشف مجهولات طوری انجام میگیرد که اشعه خورشید، پس از طلوع آن. لایعلم الغیب الا الله.

امروزه دنیا عوض شده است و چیزهای شگفتی کشف و در معرض وجود می آیند. همه روزه پیشرفت علم انسان را متحیر می سازد. زمین دغینه های خودش را دارد رو میکند. و اخراجت الارض انتقالها. ظهور امام آخرالزمان بسیار محتمل است و وقت تکمیل خلافت الهیه است. بر خلیفه خدا یعنی بنی آدم اتمام نعمت شده است. مشیت ایزدی انگار مایل است به اینکه اسرار و استار را کشف و ظاهر کند. برای اینکه غلبه مادیت بر انسان زایل بشود، لازم است که روحانیت بیشتر از پیش تبلیغ شود. بنا بر این یک گروه آزادگان دست به کار شد یعنی سلاله سادات کرام جفار اعظم، مجسمه ی حسن اخلاق، شرافت، زین المشاهد، مطلع المراصد، صاحب صدق و صفا، اهل بذل و سخا دکتر محترم سید غلام عباس شاد گیلانی که شاعر اهل بیت علیهم السلام نیز هستند و متوطن شورکوت، کتاب "سر غیب" را منتشر کرده تشنگان این علم را سیراب کرد و مستحصله ابوطالبی را آنگونه که باید و شاید شرح کرده اند.

مستحصله یک سری از اسرار است و قسمهای زیادی دارد. یکی از این اقسام ابوطالبی است که قاعده ی بلند مرتبه و معتبری است و تا امروز هیچ کسی نتوانسته بود این قاعده را حل کند. علامه شاد صاحب اولین کسی هستند که پرده از این راز برداشته است و جواهرات غیبی را نثار خوانندگان کرده اند که برای این کار هر قدر هم از ایشان تعریف و تمجید کنیم، باز هم کم است. این یکی از

اعجاز علم جفر است که این علم بر قلبهای اهل صلاح و صافی منکشف میگردد و بر نااهل همیشه مستور می ماند. حضرت بابزید بسطامی در قاعده (هل للیصره) خود نوشته و تاکید کرده است که تاوقتی عشق و عقیده ای به ائمه معصومین علیهم السلام نباشد، درب این علم بر روی کسی باز نخواهد شد و حجاب قلب و ذهن او دور نخواهد شد. علم جفر یک علم پاکیزه است. در این علم نیز مانند علم نجوم و رمل از ظن و قیاس استفاده نمی شود بلکه با استفاده از قواعد مستند، جواب سوال از خودی خود و بدون هیچ سعی در میاید که با ترتیب دادن آن یک جمله با معنی به دست می آید که جواب قطعی آن مسئله خواهد بود. این قاعده مستحصله جفر نام دارد.

در این کتاب یکی از بهترین و بسیار درست مستحصله جفر را مفصلا شرح داده و مثال داده ایم که جواب قطعی است برای سوال پرسیده شده.

از طریق این علم همه نوع پرسشهای دینی و دنیوی را می شود حل کرد. هر نوع مسائل مذهبی، کشوری، سیاسی، صنعتی، تجاری، معاشرتی و سماجی را میتوان با کمک این علم حل کرد... دقیق ترین مسئله ها را می توان با این علم حل کرد... راه حل هایی برای سخت ترین امور می توان یافت... اموری که هنوز پشت پرده راز هستند، را می توان منکشف کرد... اینجا جواب حرف با حرف می آید، انگار کسی با یک عالم الغیب هستی مستقیما کلام می کند. پرسش هرگونه باشد، پاسخ دقیق برای رسیدن به مقصد به دست خواهد رسید.

هر پرسشی را که بتوان در زندگی یک فرد پرسید، می توان آن را از علم جفر پرسید.

بسم الله الرحمن الرحيم

این قاعده را میتوان از بیست و پنج طریق حل کرد، اما ما برای خوانندگان محترم آسان ترین راه و روش را انتخاب کرده ایم. این مستحصله در پانزده سطر ناطق است و ما شرح هر سطر را مفصلا می نویسیم و از خداوند رحیم و کریم می خواهیم که پس از این شرح شما به راحتی به این سر غیب پی خواهید برد.

1. **سطر اول اساس:** یعنی بنیاد. روش این سطر این است که پرسش را به مختصر ترین شکل ممکن می نویسند و اسم سائل را همراه

اسم مادر آن می نویسند (که اسم مادر در این روش خیلی مهم است). مثلا: بیماری امیر محمد بن سعیده چیست؟ یا نور محمد بن فتح بی بی چند سال دارد؟

حالا تمام حروف این جمله (پرسش) را به صورت مجزا و از هم جدا بنویسید و اعداد هر حرف را طبق ابجد قمری بنویسید و سپس این اعداد را جمع کنید. حاصل این جمع را مدخل کبیر می گویند.

پس اگر بالفرض حاصل جمع همه اعداد 1981 باشد، اعداد احاد (اول) و عشر (دهم) آن را باهم جمع کنید،

$199=8+1$ این حاصل جمع را مدخل وسیط می نامند. حالا اعداد آحاد و عشر 199 را جمع کنید:

$19=9+1+8=9+9$ این عدد 19 مدخل صغیر نام دارد.

$10=1+9$ و $1=1+0$ می شود و این عدد (یک) را مدخل اصغر می نامند.

با استفاده از این روش تمامی اعداد پرسش خود را به صورت چهار مداخل حل کرده و بنویسید -

مدخل کبیر: 5672 مدخل وسیط: 20 مدخل صغیر: 2

سوال: کعبه کهان هی

عدد ابجدی حروف سوال: ک ع ب ه ک ه ا ن ه ی

20 70 2 5 20 1 5 50 5 10

مدخل کبیر: 188 مدخل وسیط: 26 مدخل صغیر: 8

این مداخل را به صورت ملفوظی بنویسید.

منظور از ملفوظی این است که طوری بنویسید که حروف را می نویسند که شرح آن اینگونه است.

الف با جیم دال ها واو زا حا طا یا کاف لام میم نون سین عین فا صاد قاف را شین تا نا خا ذال ضاد ظا غین.

مدخل کبیر 188 است که این را در صورت ملفوظی چنین می نویسند:

حا فا قاف

مدخل وسیط 26 است که این را در صورت ملفوظی اینگونه می نویسند: واو کاف

مدخل صغیر 8 است که در صورت ملفوظی می نویسند: حا

حالا تمامی مداخل را به ترتیب و به صورت ملفوظی می نویسیم:

ح ا ف ا ق ا ف و ا و ک ا ف ح ا

حالا تمامی حروف را بشمارید. کعبه کجاست. تعداد تمامی حروف "ده" هست که وقتی آن را در ابجد قمری نوشتیم حرف "ی" بود.

تمامی نقاط فقره پرسش را بشمارید. حاصل جمع "چهار" خواهد بود که وقتی آن را به صورت ابجد قمری نوشتیم حرف "د" آمد. اکنون این حروف را به همین صورت غیر ملفوظی جلوتر از مداخل ملفوظی بنویسید. حالا این سطر به شکل ذیل خواهد بود: ح ا ف ا ق ا ف و ا و ک ا ف ح ا ی د

حروف این سطر را جدا جدا از هم بنویسید:

ح ا ف ا ق ا ف و ا و ک ا ف ح ا ی د

این سطر را "اساس" می خوانند.

2- سطر دوم نظیره: در ابجد قمری هر حرف نظیره حرف جلوتر از خودش است.

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن
س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

نظیره الف سین است و نظیره سین الف است. نظیره "ب" عین است و نظیره "ع" "ب". نظیره "ج" "ف" است و نظیره "ف" "ج". و نظیره "غ" "ن" است و نظیره "ن" "غ".

با استفاده از روش بالا، سطر اساس را نظیره بدهید، نظیره اش اینگونه خواهد بود.

اساس: ح ا ف ا ق ا ف

نظیره: ت س ج س ه س ج

3- سطر سوم نسبت اساس: از نظر ابجد ایقغ، اعداد حروف جداگانه مقرر است.

- ای ق غ = ارزش عددیشان 1
- ب ک ر = ارزش عددیشان 2
- ج ل ش = ارزش عددیشان 3
- د م ت = ارزش عددیشان 4
- ه ن ث = ارزش عددیشان 5
- و س خ = ارزش عددیشان 6
- ز ع ذ = ارزش عددیشان 7
- ح ف ض = ارزش عددیشان 8
- ط ص ظ = ارزش عددیشان 9

یعنی 28 حروف ابجد را در 9 درجه تقسیم کرده اند. حروفی با اعداد متشابه را باهم ادغام کرده و اینگونه تقسیم بندی کرده اند: عدد الف یک است. عدد "ی" ده. عدد "قاف" صد. عدد "عین" هزار. و به این چهار حروف فقط عدد "یک" داده شده است. همچنین عدد "ب" 2، کاف "20" و "ر" 200 است. این قاعده تسعات ایقغ نام دارد. حالا هر حرف سطر اساس را با این قیمتها تصور کنید.

مثلا: ح ا ف ا ق ا ف

ارزش عددی ایقغ = 8 1 1 1 8 1 8

حرف اساس را با حرف جلوتر از خودش ضرب بدهید:

$$ح \times ۱ = ۱ \times ف - ف \times ۱ = ۱ \times ق = ۱ \times ۱ = ۱ \times ۱ = ۱ \times ف \times ح$$

ارزش عددی ایقغ را با هم ضرب دهید و حاصل ضرب آنها را زیر حروفشان بنویسید:

مثلا: ح ا ق ا ف

$$۸ ۱ ۱ ۱ ۸ ۱ ۸ = \text{ارزش عددی ایقغ}$$

شما تعجب خواهید کرد که حاصل ضرب "ف (8) × ح (8)" هشت چگونه آمد؟ اینجا من یک نکته جدیدی را دارم ارائه میدهم که کمی مختلف از روش رایج ضرب شما است. اگر بخواهم تداخل تساوی را اینجا مفصلا توضیح بدهم، تعداد اوراق کتاب خیلی زیاد خواهد شد. لذا اینجا جدولی را ارائه میدهم که خلاصه این ضرب هاست. با استفاده از این جدول شما حاصل ضرب هندسه را زیر حرف خودش بنویسید.

	ط	ح	ز	و	د	ج	ب	ا	
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ب	۱۸	۴	۱۴	۳	۱۰	۲	۶	۲	۲
ج	۹	۲۴	۲۱	۳	۱۵	۱۲	۳	۶	۳
د	۳۶	۴	۲۸	۶	۲۰	۴	۱۲	۸	۴
و	۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۵	۲۰	۱۵	۱۰	۵
ز	۹	۲۴	۴۲	۶	۳۰	۶	۳	۳	۶
ح	۶۳	۵۶	۷	۴۲	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷
ط	۷۲	۸	۵۶	۴۲	۴۰	۴	۲۴	۴	۸
	۹	۷۲	۶۳	۹	۴۵	۳۶	۹	۱۸	۹

4 **سطر چهارم نسبت نظیره:** حرف نظیره را با حرف بعدی خودش به روشی که گذشت ضرب بدهید و حاصل ضرب هندسه را زیر آن حرف بنویسید.

مثلا سطر نظیره = ت س ج س ه س ج

سطر نسبت نظیره = 12 3 30 30 3 3 12

$$\begin{aligned} (ت \times س = 12) \quad (س \times ج = 3) \quad (ج \times س = 3) \quad (س \times ه = 30) \quad (ه \times س = 30) \quad (س \times و = 3) \quad (و \times س = 3) \quad (ت \times ح = 12) \\ = 4 \times 3 \quad (3 = 3 \times 6) \quad (30 = 6 \times 5) \quad (30 = 5 \times 6) \quad (3 = 6 \times 3) \quad (3 = 3 \times 6) \quad (12 = 6 \times 4) \end{aligned}$$

(12)

5 **سطر پنجم تعدیل شماره یک:** اینجا قاعده این است که اعداد نسبت اساس و نسبت نظیره را از یکدیگر نفی کنید. عدد کوچک تر را از عدد بزرگ نفی کنید. (اما اگر هر دو عدد مانند هم باشند، مثلا نسبت اساس عدد چهار باشد و نسبت نظیره نیز عدد چهار باشد، بجای نفی، هر دو جمع می شوند.)

اساس: ح ا ف ا ق ا ف

نظیره: ت س ج س ه س ج

نسبت اساس: 8 8 1 1 8 8 8

نسبت نظیره: 12 3 30 30 3 3 12

تعدیل اول: 4 5 29 29 5 5 4

6 سطر ششم نسبت اساس و نظیره: حروف اساس و نظیره را باهم ضرب بدهید و حاصل ضرب هندسه را بنویسید.

اساس: ح ا ف ا ق ا ف
نظیره: ت س ج س ه س ج
نسبت اساس و نظیره: 4 6 24 6 5 6 24

7 سطر هفتم سطر عکس: اولین عدد سطر نسبت اساس و نظیره را ترک کرده و عدد دوم را زیر حرف اولی بنویسید. به همین

صورت ادامه بدهید و زیر آخرین حرف عدد خانه اول را بنویسید.

نسبت اساس و نظیره: 4 6 24 6 5 6 24
سطر عکس: 4 24 6 5 6 24 6

8 سطر هشتم تعدیل شماره 2: اعداد سطر نسبت اساس و نظیره و سطر عکس را از هم نفی کنید.

نسبت اساس و نظیره: 4 6 24 6 5 6 24
سطر عکس: 4 24 6 5 6 24 6
سطر تعدیل دوم: 20 18 1 1 18 18 2

9 سطر نهم تعدیل در تعدیل: تعدیل در تعدیل یعنی این که اعداد سطر تعدیل شماره یک و سطر تعدیل شماره دو را از هم نفی

کنید. عدد کوچک را از عدد بزرگ نفی کنید.

10 سطر دهم حرف دور: نسبت به هر عدد حرفی بگیرید یعنی هر عدد اگر کمتر از 28 باشد، مطابق دور ابجد حرف آن را بنویسید

ولی اگر بیشتر از 28 باشد، آن را تقسیم بر 28 کنید. بقیه اعداد را هم با کمک دور ابجد در بیارید.

دور ابجد اینگونه است:

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
28 27 26 25 24 23 22 21 20 19 18 17 16 15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1
فرض کنید اگر اعداد تعدیل در تعدیل اینها باشند، حروف دور اینگونه خواهد بود.
حروف دوریه: 3 14 28 32 40
ج ن غ د ل

11 سطر یازدهم حرف قوی: برای هر حرف سطر دور یک حرف قوی انتخاب کنید. قوی هر حرف اول از خانواده خود آن و سپس از

قبل آن خانواده و یا از مابعد آن خانواده خواهد بود. یعنی قوی یک حرف میتواند حرفهای متعددی باشند، یعنی یک طرف از حیث ابجد ایقغ که می توان حروف هم مرتبه آن باشد و از سویی هم از حیث ابجد قمری که یک حرف قبل و یک حرف بعد آن خواهد بود. مثلاً اگر "ن" حرف دور باشد، حروف قوی آن میتوانند اینگونه باشند:

ن ه ث م س

حالا با در نظر داشتن این روش به جدول حروف قوی دقت کنید. این روش را غافیطوس نیز میگویند.

ذ و ذ ح ع	خ ه و ز س	ث ده و ن	ت ج د ه م	ش ب ج د ل	س ا ب ج ل	ق غ ا ب می
ث م ن س هر	ت ل م ن د	ش ک ل م ج	ی ک ل ب	ق ط ی ک ا	ح ط ی ص	ض ز ح ط ف
ل ر ش ت ج	ک ق و ش ب	ع م ن ا ی	ط ن ص ق ط	ض ع ف ص ح	ذ س ع ف ز	خ ن س ع و
ق ظ ع ا می	ض ظ ع ط	ف ز ص ظ ح	ع خ د ص ز	س ش خ ذ ر	ن ت ش خ ه	ش ش ک د

قاعده حروف قوی

شما در جدول که گذشت دیدید که برای هر حرف دور میتوان دو تا چهار تا حرف قوی باشد. اکنون کدامیک از این چهار حروف گزینه ی مناسب تری میتوان باشد. این بستگی به حرف اساس خواهد داشت. روشی برای بدست آوردن حروف قوی این است:

حرف اساس را ببینید. چهار تا چهار تا مستوی یا عکس آن را بشمارید. بر هر حرف قوی که کاملا چهار آمد، همان حرف قوی است. آن را بنویسید.

مثلا حرف "ب" اساس است و "د" حرف دور آن است. حروف قوی "د" حرفی مانند "ج ت م ه" خواهند بود. از این چهار حروف فقط یک حرف وجود دارد که روی آن شمارش به چهار برسد، همان حرف قوی خواهد بود. حالا دقت کنید:

ب ج د ه - و ز ح ط - ی ک ل م. ملاحظه می کنید که روی حرف م شمارش کامل شده است. لذا همین حرف "م" حرف قوی درست است.

اگر با شمارش معمولی سطر ابعدا در شمارش چهار هیچ حرف قوی بدست نیامد، آنوقت عکسا شمرده و حرف قوی را بدست بیاورید.

و اگر از حرف اساس یا از هر دو صورتی آن (معکوس و مستوی) حرف قوی بدست نیاید، از آن پس دیگر اختیار با شماست. شما می توانید از حروف نظیره نیز با همین روش حرف قوی را بدست بیاورید.

برای تسهیل و رهنمایی شما، جدول حل شده حروف قوی را ارائه می دهیم.

در بالا حرف اساس و نظیره را ملاحظه کنید و در سمت راست حرف دور را نگاه کنید. حرفی که در مقام اتصال این دو حروف وجود دارد، همان حرف قوی است. هر حرف دور با مناسبت حروف اساس مختلف، حروف قوی را نیز تغییر می دهد.

جدول حروف قوا

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظيره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	پ	ب	پ	ق	ق	ق	ق	ی	ی	ی	ی	غ	غ	غ
ب	ج	ا	ر	ب	ج	ر	ر	ک	ک	ک	ا	ا	ا	ا
ج	د	د	ش	پ	د	د	ل	ل	ل	ش	ش	پ	پ	پ
د	ه	ه	م	ت	ج	م	م	م	ه	ت	ت	ت	ج	ج
ه	و	و	ث	ث	ن	ن	ن	ن	ن	و	و	د	د	ث
و	ز	ز	خ	خ	س	س	س	س	س	ه	ه	ه	ه	ه
ز	ح	ح	ذ	ذ	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	و	و	و
ح	ط	ط	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ف	ف	ف	ز	ز	ز
ط	ی	ی	ح	ظ	ی	ی	ظ	ظ	ص	ص	ح	ح	ح	ح
ی	ک	ک	ط	ا	ا	ا	ک	ق	ق	ق	ا	ط	ط	ط
ک	ل	ل	ر	پ	پ	پ	ی	ر	ر	ر	ب	ی	ی	ی
ل	م	م	ش	ک	ج	ک	ک	ش	ش	ش	م	ک	ک	ک
م	ن	ن	د	د	د	ت	ت	ت	ت	ت	ل	ل	ل	ل
ن	س	س	م	ه	ه	ه	م	ث	ث	ث	ه	م	م	م
س	ع	ع	ع	و	و	و	و	خ	خ	خ	خ	ن	ن	ن
ع	ف	ف	س	ز	ز	ز	ذ	ذ	ذ	ذ	س	س	س	س
ف	ص	ص	ح	ح	ح	ح	ض	ض	ض	ض	ع	ع	ع	ع
ص	ق	ق	ظ	ط	ط	ط	ق	ظ	ظ	ظ	ظ	ف	ف	ف
ق	ر	ر	ر	ی	ی	ا	ا	ص	ص	ا	ر	ر	ص	ص
ر	ش	ش	ش	ک	ک	ک	پ	پ	پ	پ	ق	ق	ق	ق
ش	ت	ت	ر	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ج	ج	ر	ر
ت	ث	ث	ث	م	م	م	م	م	م	م	د	د	ش	ش
ث	خ	خ	ط	ن	ن	ن	خ	ن	ن	ن	ه	ه	ت	ه
خ	ذ	ذ	و	س	س	س	ذ	ذ	ذ	ذ	و	و	ث	ث
ذ	ض	ض	ز	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ض	ز	ز	خ	خ
ض	ظ	ظ	ظ	ف	ح	ح	ح	ح	ح	ظ	ظ	ظ	ذ	ذ
ظ	غ	غ	ص	ص	ص	ص	ط	ط	ط	ط	ض	ض	ض	ض
غ	ظ	ا	ظ	ق	ق	ق	ی	ی	ظ	ی	ی	ی	ظ	ظ

12 دوازدهم سطر مستحضره: برای یک پرسش درجات آن این است که اول از همه شما باید چهارتا حروف صفحه را بدست بیاورید.

مستحصله از همین چهارتا حروف صفحه بدست می آید. و برای بدست آوردن مستحضره نیز از این حروف کمک می گیرند. قاعده های بسیاری برای بدست آوردن این حروف وجود دارد. هر عالمی بنا بر تجربیات خودش قاعده ای جداگانه و مختلفی برای این کار استخراج کرده است. اگر تمام آن قواعد را اینجا ذکر کنیم، کتاب متحمل آن نخواهد بود. مختصرا عرض کنم که من در طول زندگی خودم تنها بر یک قاعده اتکا کرده ام و با همین قاعده هزاران پرسش را پاسخ گفته ام. با استفاده از این قاعده پاسخ هر پرسشی صد در صد درست خواهد بود.

آن قاعده این است که در ابجد قمری 28 حروف وجود دارند با چهار عناصر آتش و باد و خاک و آب. در زیر هر یک از اینها هفت تا حروف می آیند که تفصیل آن به صورت ذیل است:

آتشی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
آبی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

قبل از حل هر سوال، اول وضو گرفته و با ایمان بسیار قوی به خداوند خبیر و علیم قرآن حکیم را باز کنید. اگر حرف آتشی آید، همان حرف را بنویسید. به صورت دیگر دوباره قرآن را بسته و باز کنید تا وقتی که اولین حرف آن حرف آتشی بیاید. پس از آن قرآن را به همین روش دوباره باز کنید، تا وقتی که حرف بادی بیاید. و آن را روبروی حرف آتشی بنویسید. این کار را ادامه داده و چهار حروف آتشی بادی آبی و خاکی را بدست بیاورید. اینها حروف صفحه نام دارند. این حروف را با مراتب ایقغ جمع کنید. مثلا حروف صفحه ی شما اینهاست: ه ی س ع

طبق مراتب ایقغ اعداد این کلمات اینگونه خواهد بود:

$$5=ه$$

$$1=ی$$

$$6=س$$

$$7=ع$$

که جمعا: $19=7+6+1+5$ خواهد شد.

حالا حرف نوزدهم ابجد قمری را بنویسید یعنی: ق = این حرف حاصل صفحه نام دارد.

حالا دقت کنید:

قاعده حل کردن دوازدهم سطر مستحضره این است: حرف اساس + حرف نظیره + حرف دور + حرف قوی + حرف حاصل صفحه = مستحضره است.

اعداد این حروف را به لحاظ مراتب ایقغ بگیرید:

مثلا حرف اساس "س"، حرف نظیره "ا"، حرف دور "ل"، حرف قوی "ج" و حرف حاصل صفحه "ص" است که اینها را به لحاظ مراتب ایقغ جمع کردیم.

در ابجد قمری حرف بیست و دوم آن "ت" است. پس حرف مستحضره "ث" خواهد بود.

$$س - ا - ل - ج - ص$$

$$22 = 9 + 3 + 3 + 1 + 6$$

13 سیزدهم سطر حرف مستحصه: برای حل کردن سطر مستحصه دایره انسخ ضروری است.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

حرف مستحصه را با یکی از حروف اساس یا حروف نظیره نسبت دهید، اما اینطور که بُعدِ ابجدی حرف مستحصه از عدد 7 متجاوز نباشد.

به عبارت آسان و روشن تر اینگونه بفهمید که فقط حرفی را در ذهنتان داشته باشید که در حرف اساس یا حرف نظیره با دوری ابجدی بیشتر از 7 عدد نباشد.

حرف مستحصه را منسوب گویند و حرف اساس و یا نظیره ای را، که با آن نسبت دهند، منسوب الیه خوانند. برای تمرین جدولی را اینجا می آوریم.

7 6 5 4 3 2 1

حروف اساس: ن ک ق ج د ل غ

حروف نظیره: غ ذ ه ف ص ض ن

حروف مستحصه: ل ن ب م ا ر د

اول حرف مستحصه "ل" هست. شما این حرف را با یکی از حروف محاذ بالایی آن "ن" یا "غ" نسبت دهید، اما این باید با حرفی باشد که از حرف "ل" بیشتر از هفت عدد دور نباشد. با این شرط حرف "ن" خواهد آمد، زیرا که ل، م، "ن" فقط دو عدد دورتر است. پس منسوب الیه آن "ن" خواهد بود.

حرف دوم مستحصه "ن" است. شما نمی توانید آن را با "ذ" نسبت دهید، زیرا آن هفت حرف دور تر از آن قرار دارد. می توانید آن را با "ک" نسبت دهید زیرا که در "ن م ک" "ک" مقلوبا فقط 2 عدد بعد ابجدی دارد. پس منسوب الیه "ک" خواهد بود.

حرف سوم مستحصه "ب" است. شما نمی توانید آن را با "ق" نسبت دهید، زیرا آن خیلی دور است. می توانید آن را با "ه" که نزدیک است نسبت دهید و "ب ج د ه" فقط 3 عدد بعد ابجدی دارد. پس منسوب الیه "ه" خواهد بود

ب ج د ه

3 2 1

حرف چهارم مستحصه "م" است. شما نمی توانید آن را با "ج" نسبت دهید، ولی می توانید آن را با "ف" نسبت دهید. "م ن س ع ف" فقط 4 عدد بعد ابجدی دارد. پس منسوب الیه "ف" خواهد بود.

م ن س ع ف

4 3 2 1

حرف پنجم مستحصه "ا" است. شما می توانید آن را با "د" نسبت دهید، زیرا "ا ب ج د" فقط 3 عدد بعد ابجدی دارد. پس منسوب الیه "د" خواهد بود.

ا ب ج د

3 2 1

حرف ششم مستحضره "ر" است. شما نمی توانید آن را با "ل" نسبت دهید، زیرا آن بسیار دور است. می توانید آن را با "ض" نسبت دهید. "ر ش ت ث خ ذ ض" 6 عدد بعد ابجدی دارد. پس منسوب الیه "ض" است.

ر ش ت ث خ ذ ض

6 5 4 3 2 1

حرف ششم مستحضره "د" است. البته اینجا نکته ای وجود دارد که باید آن را در ذهنتان داشته باشید، که این حرف نه با "غ" می توانید نسبت دهید و نه با "ن". پس در سطور اساس و نظیره اولاً همین حرف "د" را پیدا کنید، اگر پیدا شد، آن بُعد را بگیرید. بُعدی که در جدول گرفته می شود، را بُعد جدولی می نامند.

"د" مستحضره در خانه شماره هفت (7) قرار دارد و "د" در سطر اساس در خانه شماره پنج (5) قرار دارد. بُعد جدولی دو (2) هست. پس منسوب الیه "د"، "د" اساسی خانه شماره پنج است.

حالا بالفرض حرفی آمده است که نمی تواند نسبتی با اساس و یا نظیره داشته باشد و خودش نیز در جدول وجود نداشته باشد. برای این حرف قاعده ی جداگانه ای وجود دارد.

اینجا این مسئله را با ارائه مثالی توضیح می دهیم.

1 2 3

م ن س ع د اساس

ظ غ ا ب ص نظیره

ض مستحضره

حرف مستحضره "ض" است که نه با حرف "د" می تواند نسبت پیدا کند و نه با حرف "ص" می تواند نسبت داشته باشد و نیز خودش نیز در اساس و نظیره وجود ندارد. در این صورت ما باید سمت راست یا سمت چپ این حرف دنبال حرفی باشیم که نزدیک تر به این حرف باشد و در دور ابجدی بیشتر از هفت حرف دورتر از این حرف نباشد.

با این شرط ما با دو حروف "غ" و "ظ" روبرو می شویم که حرف "غ" افضل از "ظ" خواهد بود، زیرا حرف "ظ" یک خانه دورتر از "غ" است. ما نیاز به حرف در خانه نزدیک تری هستیم.

حالا بُعد ابجدی "دو" (2) است: ض ظ غ

و بُعد جدولی "سه" (3) هست: ب ا غ (در سطر نظیره ببینید)

بُعد ابجدی 2 و بُعد جدولی 3 هست: $5=3+2$

یعنی منسوب الیه "ض" "غ" است و مجموعه هر دو بُعدین 5 است.

تا اینجا شما حتما خیلی خوب فهمیده اید. حالا جلوتر برویم. ولی کاملاً با دقت. زیرا این یک دانش است و آن هم دانش امام علی علیه السلام. این دانش یکی از کرامات علی علیه السلام است. هر چند این یک علم حصولی است، اما در عین حال حضوری هم است. هست و بود تمامی علوم در این دانش وجود دارد. این علم سینه است. این علم خزینه ی تمامی دانش هاست.

در عوض فقط "سه روپیه" چه دانشی دارد نصیب شما می شود، پس دستتان را روی قلب من گذاشته و از احساساتم خبردار شوید. چه فراوان بودند از این قبیل دانش ها که آنها را مردم با خود در گور بردند. این فقط شاد گیلانی است که مانند یک انسان بدشانس جهان دانش خود را به حراج گذاشته است که از این طریق در زنده ماندن این علم قدمی برداشته باشد.

پس این هم از شانس من است که با دستان خودم گنج خودم را دارم به باد میدهم... من فقط از شما یک خواهش دارم و نه بیشتر از آن. این که این دانش مولا و آقای کون و مکان حضرت علی علیه الصلوٰه و السلام است. پس قبل از خواندن صفحات بعدی، اول بر ذات بابرکات ایشان درود و سلامی را هدیه کنید. با ایمان کامل بر علی علیه السلام مطالعه کنید و گرنه خدا شاهد است که عقل شما از کار می افتد و چشم شما کور می گردد.

همانطور که شاعر گفته است:

عبادت بدون محبت اهل بیت علیهم السلام حرام است.

حصول حرف مستحضره:

حرف مستحضره خود را در دایره انسغ بیابید. حرف منسوب الیه آن را در ذهن داشته باشید. بعد ابجدی و یا بعد جدولی و یا هر دو بعدین را در ذهن خود داشته باشید. بُعدی که در منسوب و منسوب الیه قرار دارد، مطابق آن بُعد در دایره انسغ در سمت راست و سمت چپ و نیز بالا و پایین از حرف مستحضره شمارش کرده و حروف مستحضره خام را به دست بیاورید. این را کمی تمرین کنید.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

حروف اساس: ا ب ج د ه و ز

حروف نظیره: س ع ف ص ق ر ش

حروف مستحضره: د ن ل ج ع ا ض

اول حرف مستحضره "د" را با الف نسبت دادیم. بُعد ابجدی آن 3 است. در دایره انسغ از حرف مستحضره "د" 3 تا شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

ز ا ذ

حرف دوم مستحضره "ن" است. با "ع" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 2 است. در دایره انسغ از "ن" مستحضره 2 تا شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

ب - ل - ع - غ

حرف سوم مستحضره "ل" است. با "ف" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 5 است. در دایره انسغ از "ل" مستحضره 5 تا شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

ش - ز - ج - ف - ظ

حرف چهارم مستحضره "ج" است. با "د" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 1 است. در دایره انسغ از "ج" یک حرف جلوتر شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

د - ب - ل

حرف پنجم مستحضره "ع" است. با "ق" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 3 است. در دایره انسغ از "ع" 3 تا شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

ق - ن - غ

حرف ششم "الف" است. با "و" نسبت دادیم. بعد ابجدی آن 5 است. در دایره انسغ از "الف" مستحضره 5 تا شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

و - ی - ص - ض

حرف هفتم مستحضره "ض" است. با "ش" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 5 است. در دایره انسغ از "ض" مستحضره 5 تا شمردیم و این حروف مستحضره خام بدست آمد:

ش - ف - ا - م

حالا که شما خام مستحصلات را به دست آورده اید، مستحصله حتمی را از آن انتخاب کنید. برای این کار لازم است که شما منسوب، منسوب الیه و حروف صفحات را در ذهنتان داشته باشید. (حروف صفحات آن چهار حروف آتشی، آبی، بادی و خاکی است که شما از قرآن حکیم اخذ کردید).

اول از همه شما باید منسوب الیه را ببینید که حرف چه عنصری است؟ آتشی است؟ بادی است؟ آبی است؟ یا خاکی؟ حرف هر عنصری که باشد، شما از چهار حروف صفحه، فقط همان حرف را در ذهنتان داشته باشید. (حرف هم عنصر منسوب الیه را در ذهن داشته باشید). بُعد ابجدی حرف مستحضره یعنی منسوب و حرف هم عنصر را معلوم کنید. (من قبلا مفصلا توضیح داده ام که چگونه باید بُعد ابجدی را به دست آورد!) بُعد سابق را یک بار در این بُعد جدید جمع و یک بار از آن کم کنید، عددهایی که از جمع و یا نفی کردن به دستتان آمده است، یکی از آنها را با صرف نظر از الف دائره انسخ مستقیم یا بالا و یا پایین بشمارید. اگر بر حرفی از مستحصلات خام کامل شمارش شود، بدانید که همان حرف حرف مستحصله حتمی خواهد بود. تمرین را نگاه کنید:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

حروف صفحه: م ن س ع

حروف اساس: ج ل ق ب

حروف نظیره: ف ض ه ع

حروف مستحضره: ر ی س د

حرف مستحضره "ر" را با "ف" نسبت دادیم، بُعد ابجدی آن 3 است.

مستحصلات خام ف - ث - ط - ز به دست آمد. "ف" منسوب الیه حرف آتشی است. هم عنصر آن حرف "م" است. بعد ابجدی بین "ر" و "م" 7 است. بُعد قبلی آن 3 است. $10=3+7$ و $4=7-3$ اکنون در دائره انسخ عدد 10 را از "الف" شمردیم.

ن س غ ب م ع ظ ج ل ف

10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

اکنون 4 را نیز بشمارید: ن س ع ف. و هر دو اعداد بر "ف" کامل میشود. لذا "ف" مستحصله حتمی است.

(2) حرف مستحضره "ی" است. با "ل" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 2 است. مستحصلات خام آن: ل ح خ است. "ل" حرف خاکی است و هم عنصر حرف آن در حروف صفحه "ع" است. بُعد ابجدی "ی" و "ع" 6 است. بُعد قبلی آن 2 بود: $8=2+6$ و $4=2$ از "الف" 8 تا شمردیم، "ح" و "خ" هر دو مستحصلات حتمی هستند.

ا ب ج د ه و ز ح

ا ن س غ ظ ض ذ خ

(نکته): قاعده این است که وقت شمارش، نباید نفس حرف را نمی شمرد. البته اگر با شمارش نفس حرف، شمارش درست بیاید، قباحتی در این کار وجود نخواهد داشت.

مثلا اگر بُعد 8 را "الف" بشمارید، بر هیچ حرفی از مستحصلات نخواهد آمد. ولی اگر با اضافه "الف" شمرده بشود، از مستحصلات خام، مستحصله حتمی به دست خواهد آمد. پس رعایت این قاعده در علم جفر جایز است.

(3) حرف مستحضره "س" است. با "ق" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 4 است. مستحصلات خام آن: ق خ ی د است. "ق" آبی است. هم عنصر آن "س" است. بعد "س" و "س" صفر است. پس از بعدِ قبلی آن یعنی 4، مستحصله حتمی د به دست خواهد آمد.

(4) حرف مستحضره "و" است. با "ب" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 4 است. مستحصلات خام آن: ب ی ت ر است. "ب" حرف بادی است. هم عنصر آن "ن" است. بعد ابجدی "و" و "ن" 8 است. بعد قبلی آن 4 است: $12=4+8$ و $4=4-8$ خواهد بود. از "الف" شمارش 12 بر "ی" تمام شد. پس مستحصله اصلی آن "ی" خواهد بود.

التماس خاص:

این یک تمرین بود برای اینکه مستحصلات خاص به دست آورید. با این تمرین شما می توانید به راحتی حروف مستحصلات را به دست بیاورید. اما اصل قانون مستحصله این است که اگر حرف مستحضره "فرد" باشد، مستحصله آن باید "زوج" بیاید. و اگر حرف مستحضره "زوج" باشد، مستحصله آن باید "فرد" بیاید.

منظور از زوج و فرد حروف مذکر و یا مونث است. تفصیل آن اینگونه است:

حروف مذکر: ا ج ه ز ط ی ل ن ع ص ق ش ث ذ ظ غ

حروف مونث: ب د و ح ک م س ف ر ت خ ض

طبق این قاعده اگر حروف مستحصلات گرفته شود، جواب آن قطعا ناطق خواهد بود.

در اخذ حروف مستحصله به شما اختیار داده می شود که شما با نفس حرف عمل کنید، یا با صرف نظر از آن.

اگر صرف نظر از نفس حرف با شمارش حرف مستحصله ی مذکر، مونث و مستحصله ی مذکر، مونث نیاید، آنگاه شما اختیار دارید که با نفس حرف را نیز شامل کرده و مستحصلات را بدست بیاورید. اکنون کمی تمرین کنید. مثلا:

اساس: ج ن

نظیره: ف غ

مستحضره: ش ر

"ش" را با "ف" نسبت دادیم. بعد ابجدی آن 4 است.

"ش" مستحضره حرف مذکر است. بنا بر این باید مستحصلات خام آن را مونث بگیریم. با نفس حرف "ش" و بدون نفس حرف "ش" از هر دو طریق مستحصلات خام مونث باید گرفت.

ف - خ - ک - و

"ف" حرف آتشی است و هم عنصر آن "م" است.

بعد ابجدی "ش" و "م" 8 است. بعد قبلی آن 4 است: $12=4+8$ و $4=4-8$ خواهد بود. از "الف" شمارش 12 بر "خ" میرسیم، که برای حرف مستحضره مذکر، مستحصله مونث است و قطعا درست است.

(2) "ر" را با "ن" نسبت دادیم. بعد ابجدی 6 است. مستحصلات خام آن را گرفتیم. "ر" مونث است پس با و بدون نفس "ر" از 6 شمارش آن به صورت مستحصلات خام مذکر ذیل به دست آمد:

ن - غ - ص - ذ - ل - ه

"ن" حرف بادی است و حرف هم عنصر آن "ن" است. بعد "ر" و "ن" 6 است: $12=6+6$ خواهد بود.

با صرف نظر از "الف" شمارش کردیم، "ذ" مستحصله بر آمد که مستحصله مذکر است برای مستحضره مونث و قطعا درست است.

روش شمارش در دایره انسغ

مستویا - فوقا - تحتا

	مستویا						
تحتا	←						عکسا
	ز	و	ه	د	ج	ب	↑
	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
فوقا	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
	←						فوقا
	↓						مستویا

از بالا به پایین، از پایین به بالا، از راست به چپ، از چپ به راست بشمارید.

14 چهاردهم سطر نظیره:

هر حرف مستحصله را از ابجد قمری یک نظیره بدهید.

15 پانزدهم سطر صدر موخر جواب:

سطر آخر جواب است. این سطر را صدر موخر قرار دهید. قاعده صدر موخر این است که حرف سمت چپ را اول بنویسید و حرف سمت راست را بعد آن و به همین ترتیب ادامه بدهید.

سطر: ن م ل ک د ص ل م

صدر موخر: م ن ل م ص د ک

یا

سطر: ا ب ج د ه و ز

صدر و موخر: ز ا د ب ه ج د

این سطر آخر جواب خواهد بود که پاسخ حتمی این پرسش است. با گذاشتن حروف کنار هم، یک جمله ی بامفهوم خواهد بود که بر پاسخ دلالت خواهد کرد. پرسش به هر زبانی باشد، پاسخ نیز به همان زبان خواهد بود و هیچ نیازی برای مقدم و یا موخر کردن هیچ حرفی نیاز نخواهد بود.

(نکته): بعضی وقتها یک حرف، بدون هیچ مستحصله نظیره بر پاسخ حاوی می شود. بنا بر این بهتر است که اول صدر موخر کنید و پس از آن با دادن نظیره پاسخ را نگاه کنید. هر حرف مستحصله ای که بر پاسخ ناطق باشد، آن را همانگونه قرار دهید، و نظیره ندهید. مثلا:

سطر مستحصله: س ذ ض غ ی ا خ د ز

صدر و موخر: ز س د ذ خ ض ا غ ی

نظیره و جواب: ش ا د گ ی ل ا ن ی

شاد گیلانی

در این سطر صدر موخر نگاه کنید که حرف "د" خود ناطق است. "الف" خود ناطق است و حرف آخر یعنی "ی" خود ناطق است. پس به اینها نظیره ای ندادیم. و در پاسخ خود همان حروف را نوشتیم.

مثال

یک مثال را با تشریح کامل آن می نویسیم در تاریخ 1963/5/6 میلادی دوستم زوار علی گفتند که یک اکسیرگر جوهر یک دارو را آماده کرده و آن را به من داده است و من خودم دیدم که آن را بر سیماب انداخته و به اندازه یک قیرات در کوره چرخاند، و آن به

طلای خالص عوض شد. اما دوباره وقتی این کار را کرد، نتیجہ ی قبلی را نگرفت. شما این را طبق علم جفر نگاه کنید کہ کدام یک از فلزات و چگونہ این کار را می شود انجام داد.

پرسشی را بہ این صورت طرح کردم:

جوہر کس پر طرح کرنے سے شمس ہوگا۔ سائل زوار علی

(ترجمہ: جوہر بر چہ چیز ی انداختہ شود کہ شمس گردد. سائل زوار علی)

مدخل کبیر: 1920

تعداد حروف: 35

تعداد نقاط: 15

اساس: ک ا ف ظ ا غ ی ن ہ ل ہ ی

حروف قرآنی: ط و ق د

حرف حاصل صفحہ: $9 + 6 + 1 + 4 = 20 = r$

12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
ی	ہ	ل	ہ	ن	ی	غ	ا	ظ	ف	ا	ک	اساس
خ	ق	ض	ق	غ	خ	ن	س	م	ج	س	ذ	نظیرہ
2	5	15	15	5	5	1	1	9	72	8	2	نسبت اساس
42	6	8	8	1	6	30	30	12	12	3	42	نسبت نظیرہ
40	1	7	7	4	1	29	29	3	60	5	40	تعدیل اول
6	5	24	5	5	6	5	6	36	24	6	14	نسبت اساس و نظیرہ
14	6	5	24	5	5	6	5	6	36	24	6	عکس
8	1	19	19	10	1	1	1	30	12	18	8	تعدیل دوم
32	2	12	12	6	2	28	28	27	48	13	32	تعدیل در تعدیل
د	ب	ل	ل	و	ب	غ	غ	ظ	ر	م	د	حروف دور
ہ	ب	ک	ک	ہ	ک	ظ	ظ	ض	ش	ن	ت	حروف قوا
ص	ل	ص	ن	ق	م	ص	ق	د	ص	ص	ق	مستحضرہ
ب ر خ	ک	ر خ	خ	ف	ی	ب	د	ش	ف	س د	خ	مستحصلہ
ب	ی	د	ف	ش	خ	ف	ر خ	س د	ک	خ	ب ر خ	صدر و موخر
ب	ی	ر	ف	ز	ی	چ	ر	ا	ک	ی	ب	نظیرہ و جواب

می تم کو بتاتا ہوں تقدیر نبی کیا ہے؟

(ترجمہ: من بہ شما می گویم، سرنوشت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) چیست؟)

شرح:

حرف اول مستحضرہ "ق" است. آن را با حرف نظیرہ "ذ" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 7 است. حروف مستحصلات خام آن خ

ف م ک د ب بدست آمد.

"ذ" حرف آتشی است و در حروف صفحہ ہم عنصر آن حرف "ط" است. بعد ابجدی "ط" و "ق" 10 است

$$10 = 10 + 7 \quad 3 = 7 - 10$$

حرف ہفدم در دائرہ انسغ "خ" است. پس مستحصلہ حتمی "خ" خواهد بود.

حرف دوم مستحضره "ص" است. آن را با حرف نظیره "س" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 3 است. حروف مستحصلات خام آن "س ر د" بدست آمد.

"س" حرف آبی است و حرف هم عنصر حرف "ق" است. بعد "س" و "ق" یک است.
 $4 = 1 + 3$ $1 = 1 - 3$

در دایره انسخ "س" و "د" هر دو حروف مستحصلات قطعی مقرر گردید. و هر حرفی که ناطق باشد، آن را میگیریم.

حرف سوم مستحضره "ص" است. آن را با حرف نظیره "ف" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 1 است. مستحصلات خام آن "ف ک" بدست آمد.

"ف" حرف آتشی است و حرف هم عنصر آن حرف "ط" است. بعد "ط" و "ص" 9 است.
 $8 = 1 - 9$ $10 = 1 + 9$

در دایره انسخ حرف دهم "ف" است. پس مستحصله قطعی "ف" خواهد بود.

حرف چهارم مستحضره "د" است که آن را نه میشود با "ظ" نسبت داد و نه با حرف "م". پس یک حرف مشابه جلوتر از آن یافتیم و آن را با حرف "الف" نسبتش دادیم. بعد ابجدی آن 3 است و بعد جدولی آن 2.
 $5 = 2 + 3$

مستحصلات خام آن "ش ن" بدست آمد. "الف" حرف آتشی است و حرف هم عنصر آن حرف "ط" است. بعد "د" و "ط" بعد ابجدی آن 5 است.

$$10 = 5 + 5$$

با صرف نظر از "الف" در دایره انسخ وقتی شمردیم حرف دهم "ش" است. پس مستحصله قطعی "ش" خواهد بود.

حرف پنجم مستحضره "ق" است. آن را با خود حرف "ق" نسبت دادیم. بعد ابجدی آن 5 است. مستحصلات خام آن "و س ر" بدست آمد. هم عنصر حرف "ق" خود حرف "ق" است. پس بعد جدید ندارد.

با صرف نظر از "الف" در دایره انسخ وقتی شمردیم حرف مستحصله آن "و" بود.

حرف ششم مستحضره "ص" است. آن را با حرف "ن" نسبت دادیم. بعد ابجدی و جدولی آن 7 است. حروف مستحصلات خام آن "ب خ ض" بدست آمد. "ن" حرف بادی است. هم عنصر حرف آن "و" است بعد ابجدی "ص" و "و" 12 است.

$$5 = 7 - 12$$

$$19 = 7 + 12$$

هر دو اعداد به مستحصله "ب" میرسد، پس "ب" مستحصله حتمی است.

حرف هفتم مستحضره "م" است. آن را با حرف "ی" نسبت دادیم. بعد ابجدی 3 است. حروف مستحصلات خام آن "ی غ ظ" بدست آمد. "ی" حرف بادی است. هم عنصر حرف آن "و" است بعد ابجدی "م" و "و" 7 است.

$$4 = 3 - 7$$

$$10 = 3 + 7$$

در دایره انسخ دهم حرف "ی" است، پس مستحصله حتمی "ی" است.

حرف هشتم مستحضره "ق" است. آن را با حرف "ن" 6 نسبت دادیم. بعد ابجدی و جدولی آن 8 است. مستحصلات خام آن "ف ض م د" بدست آمد. "ن" حرف بادی است. هم عنصر حرف آن "و" است بعد ابجدی "ق" و "و" 13 است.

$$21 = 8 + 13$$

$$5 = 8 - 13$$

در دایره انسخ شمارش پنجم بر "ف" تمام شد، پس حرف "ف" مستحصله حتمی است.

حرف نهم مستحضره "ن" است. آن را با حرف "ق" 11 نسبت دادیم. بعد ابجدی 5 و بعد جدولی آن 2 است.

$$7 = 2 + 5$$

حروف مستحصلات خام آن "خ ه ر و" بدست آمد. هم عنصر حرف "ق" همان خود "ق" است. بعد ابجدی "ن" و "ق" 5 است.

$$12 = 5 + 7 \quad 2 = 5 - 7$$

بعد بر حرف 12 "خ" است و لذا این حرف "خ" مستحصله حتمی است.

حرف دهم مستحضره "ص" است. آن را با حرف "ل" نسبت دادیم. بعد ابجدی 6 است. حروف مستحصلات خام آن "ر خ و م"

بدست آمد. "ل" حرف خاکی است. هم عنصر حرف آن "د" است بعد ابجدی "ص" و "د" 14 است.

$$20 = 6 + 14 \quad 8 = 6 - 14$$

هر دو اعداد دو حروف مستحصلات دارند، یعنی "ر" و "خ". هر یکی از این دو در جواب ناطق باشد، آن را بگیرید.

حرف یازدهم مستحضره "ل" است. آن را با حرف "ق" نسبت دادیم. بعد ابجدی 7 است. حروف مستحصلات خام آن "ک ر و"

ض" بدست آمد. هم عنصر حرف "ق" همان خود "ق" است. بعد "ل" و "ق" 7 است.

$$14 = 7 + 7 \quad \text{حرف چهاردهم در دائره انسج "ک" است، پس "ک" مستحصله حتمی است.}$$

حرف دوازدهم مستحضره "ص" است. آن را با حرف "خ" نسبت دادیم. بعد ابجدی 6 است. حروف مستحصلات "خ ب ر"

بدست آمد. "خ" حرف خاکی است. هم عنصر حرف آن "د" است بعد ابجدی "د" و "ص" 14 است.

$$20 = 6 + 14 \quad 8 = 6 - 14$$

هر سه حروف "خ ب ر" میتوانند حروف مستحصله باشند.

هر یکی از این حروف که ناطق باشد و جواب دهد، آن را نگه داشته و بقیه را ترک کنید.

پس این سطر مستحصله را صدر موخر کردیم و آن را نظیره داده، پاسخ را بدست آوردیم که:

"بے کار (بمعنی الکی و بدون استفاده)، چیز، فریب"

نکته: شما با دیدن این امر شاید متعجب شوید که یک حرف با استفاده از کدام قاعده با کدام حرف اساس و حرف نظیره نسبت داده

شده است.

مانند اینکه مستحضره شماره 9 "ن" را با حرف "ق" شماره یازده نسبت داده شده است. اما من در ضمن این حرف اینجا باید عرض

کنم که "ن" را با حرف "ق" شماره 9 هم میتوان نسبت داد. اما با این کار حرف مستحصله نمی آید. پس برای همین است که این

را با حرف "ق" شماره 11 نسبت داده و حرف مستحصله را بدست آورده ایم.

مثلا بعد ابجدی حرف "ن" و "ق" 5 است. حروف مستحصلات خام "ن" را گرفتیم که "ص د" است و فقط همین دو حرف است.

هم عنصر حرف "ق" همان خود "ق" است. لذا بعد "ب"، "ن" و "ق" بازهم همان 5 است.

$$10 = 5 + 5$$

"ض" و "د" هر دو حروف بر بعد 10 نمی آیند. پس برای حصول مستحصله حرف منسوب الیه را عوض کردیم. همین حرف "ق"

را در سطر اساس و یا نظیره دیدیم که آیا جای دیگری هم وجود دارد یا خیر؟

(اگر بخواهیم در ادامه آن نگاه کنیم) می بینیم که در شماره 11، "ق" دوباره موجود است. حالا وقتی بعد جدولی آن را نیز شامل

کرده و مستحصله گرفتیم، حرف مستحصله به دست آمد.

آموزش سه روش جفر صدیقی (نوری) ۱۵ سطری

آداب طرح سؤال

یک فرمول ساده برای طرح سؤال در اختیار شما قرار می دهیم و آن را قدم اول نام می نهیم. در جفر پانزده سطری پانزده مرحله یا گام برای استخراج پاسخ یک سؤال باید طی شود که اولین گام یا مرحله، چگونگی طرح سؤال است. برای طرح سؤال هم شما باید با دایره ابجد کبیر که هم حروف و هم مقادیر عددی معادل هر حرف را در خود دارد بخوبی آشنا باشید.

در ذیل صفحه دایره ابجد کبیر را برای شما رسم می کنیم.

(دایره ابجد کبیر)

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
عدد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
عدد	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

توضیح: در این جدول، هر حرفی یک معادل عددی دارد که به آن « معادل کبیر » می گویند.

توجه: بهنگام طرح سؤال و جمع بستن عدد حروف سؤال، نکات ظریفی پیش می آید که توجه به آنها خیلی مهم است.

نکته اول: حرف « ی » اگر وسط کلمه ای مثل « لیبی » قرار گرفته باشد، موقع باز کردن حروف باید نقطه های آن را حساب کرد؛ به این شکل : ل ی ب ی . اما حرف « ی » که در آخر می آید نقطه ندارد. برخلاف اعراب که نقطه می گذارند.

نکته دوم: در کلمات عربی، گاهی در اول و آخر کلمات، همزه می آید مثل : « انتهاء » این همزه در موقع جمع بستن اعداد حروف به حساب نمی آید.

نکته سوم: چهار حرف فارسی که در عربی وجود ندارند، موقع جمع بستن اعداد حروفشان باید مطابق جدول ذیل عمل نمود. همچنین حروف فارسی که در سؤال مطرح می شود، مثل حرف « چ »

در کلمه « چگونه » نقطه هایش حساب می شود، همینطور حرف (پ - ژ) اما عددش همان عددی است که در جدول درج شده است.

گ	ژ	چ	پ	حرف فارسی
ک	ز	ج	ب	معادل عربی
۲۰	۷	۳	۲	معادل عددی

بعد از اینکه حروف سؤال را به صورت جدا جدا طرح کردیم اعداد هر حرف را گرفته و در انتها همه را با هم جمع می بندیم و به این شکل مداخل خود را برای تشکیل جدول اساس و نظیره به دست می آوریم.

آشنایی با مداخل مورد استفاده در روش پانزده سطری:

اساتید جفر برای هر روشی، نوع خاصی از مداخل گیری را به کار می بندند. همین روش پانزده سطری چون به شکلهای مختلفی کار می شود به همین دلیل مداخل گیریهای متفاوتی هم دارد. به تجربه رسیده که روش سه مدخلی بهترین نوع مداخل گیری برای این سیستم است که عبارت است از:

مدخل کبیر - جمع اعداد حروف سؤال است.

مدخل وسیط - جمع تعداد حروف سؤال است .

مدخل صغیر - جمع تعداد نقطه های حروف سؤال است.

بعد از اینکه مداخل را به دست آوردید، حال نوبت آن می رسد که آنها را به حرف برگردانید. هر عددی از کوچک به بزرگ به حرف برگردانده می شود مطابق ابجد کبیر. حال از اینجا به بعد یک سؤال واقعی مطرح کرده و قدم به قدم با شما برای استخراج جواب آن سؤال حرکت خواهیم کرد؛ سؤال ما این است: **آیا داود..... ابن زینب توفیق ملاقات امام زمان (عج) رامی یابد یا نه؟**

در مرحله بعد حروف سؤال را از هم باز کرده و مداخل خود را به دست می آوریم. بعد از جمع بستن اعداد حروف سؤال این مداخل به دست آمد:

صغیر	وسیط	کبیر	مداخل
۲۹	۵۱	۲۱۰۹	عدد
ط ک	ان	ط ق ب غ	حرف

عدد ۲۱۰۹ را اینگونه به حرف تبدیل کردیم که : عدد ۹ در ابجد معادل حرف « ط » است و عدد ۱۰۰ نیز معادل حرف « ق » و عدد ۲۰۰۰ را هم ابتدا ۲ آن را به حرف تبدیل کردیم شد « ب » و سپس هزار آن را هم که می شود « غ » در کنارش نوشتیم. برای بقیه هم به همین شکل عمل می شود. بعد از برگرداندن مداخل به حرف که اصطلاحاً به آن « ناطق کردن اعداد » گفته میشود نوبت به باز کردن حروف و تشکیل سطر اساس و نظیره می رسد.

ملفوظی کردن حروف و ساخت سطرهای اساس و نظیره

برای ملفوظی کردن یا باز کردن حروف شما نیاز به این دارید که بدانید هر حرفی در جفر چگونه تلفظ می شود. ابتدا جدول حروف ملفوظی را ملاحظه کنید :

جدول حروف ملفوظی

حروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
تلفظ	الف	با	جیم	دال	ها	واو	زا	حا	طا	یا	کاف	لام	میم	نون
حروف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
تلفظ	سین	عین	فا	صاد	قاف	را	شین	تا	ثا	خا	ذال	ضاد	ظا	غین

وقتی که حروف مداخل را از هم باز می کنید، در واقع سطری را می سازید که به آن « اساس » گفته می شود. زیرا اساس کار بر آن استوار است. سپس جدولی رسم می کنید در پانزده سطر عمودی و افقی به تعداد حروف اساس وردیف اول را که سطر « ردیف » می نامیم به تعداد حروف اساس شماره گذاری میکنید. سپس هر حرف از حروف اساس را درون یک خانه از این جدول قرار داده و سطر بعدی را با حروف نظیره پر می کنید. به بیان دیگر، نظیره هر حرف از حروف اساس را از دایره ابجد گرفته و زیر آن می نویسید. به این ترتیب دو سطر از پانزده سطر را ساخته اید. اکنون این کار را به صورت عملی با اعداد مداخل سؤال فرضی طرح شده خودمان انجام می دهیم.

مداخل	کبیر	وسیط	صغیر
عدد	۲۱۰۹	۵۱	۲۹
حرف	ط ق ب غ	ان	ط ک

اعداد مداخل ما و حروفشان عبارت بودند از :

حال حروف مداخل را ملفوظی می کنیم .

حروف اساس - ط ا ق ا ف ب ا غ ی ن ا ل ف ن و ن ط ا ک ا ف

ترفندهایی در باره سطر اساس و ملفوظی کردن حروف:

۱- در شروع کار استخراج پاسخ سؤالات، برای راحت تر کردن کار بهتر است که حروف اساس شما به حداقل برسد؛ برای همین می توانید حروف مداخل را بدون ملفوظی کردن و به همان شکل وارد سطر اساس کنید. به صورتی که هم اکنون و در سؤال مطرح شده به شما نشان خواهیم داد. همچنین در آینده هم برای سؤالاتی که احتمال می دهید به جواب کوتاهی نیاز داشته باشند همین عمل را انجام بدهید.

۲- همینطور اگر اول و آخر حروف مداخل شما یکی باشد، بهتر است حروف مشابه آخری را حذف کنید. مثلاً اگر حرف اول مدخل کبیر شما « الف » بوده و حرف آخر مدخل هم همین باشد بهتر است الف آخری را حذف کنید تا عمل استخراج حروف مستحصله به راحتی صورت امکان پذیر شود.

۳- گاهی هم می توانید فقط حروف مدخل کبیر را ملفوظی نموده و حروف مداخل وسیط و صغیر را بدون باز کردن وارد سطر اساس کنید.

۴- و آخر اینکه، شما می توانید تمام حروف را ملفوظی نموده و سپس حروف تکراری را حذف کنید. مثلاً حرف « و ا و » را بنویسید : و ا

در اینجا و برای نمونه، ما حروف سؤال خود را طرح مکررات کرده و سپس وارد جدول می کنیم. حروف ما عبارت بودند از : ط ا ق ا ف ب ا غ ی ن ا ل ف ن و ن ط ا ک ا ف .

بعد از طرح مکررات ما خواهیم داشت : ط ا ق ف ب غ ی ن ل و ک = ۱۱

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
۳	نظیره	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ

حال حروف را وارد جدول کرده و سطر اساس و نظیره خود را تشکیل می دهیم.

روش ساخت سطر سوّم

سطر سوّم را، «سطر ضرب حروف اساس» می نامند. یعنی سطری که حروف اساس را با هم ضرب می کنند. البته برای کوتاه کردن نام این سطر، آن را سطر «نسبت اساس» هم می نامند. اما قبل از اینکه طریقه ساخت این سطر را به شما آموزش دهیم، لازم است دو مطلب را شما بدانید، ۱- روش تبدیل اعداد حروف به عدد صغیر از دایره «ایقغ» ۲- روش ضرب حروف با هم از جدول ضرب مخصوص.

آشنایی با دایره ایقغ

در علم جفر دوایر زیادی وجود دارد. اما تعداد محدودی از اینها دایره مادر به حساب آمده (مثل ابجد و اهطم و ایقغ و ابنت و امثالهم) و بقیه فرعی هستند. از جمله مهمترین دوایر در استخراج پاسخ سوالات، دایره «ایقغ» است. نام دیگر این دایره، «دایره افلاک» است. این نامگذاری بخاطر این است که در این دایره حروف به سه گروه ۹ تایی تقسیم شده و یک حرف «غ» هم که نماینده هزارگان است در ذیل قرار می گیرد. همچنین بد نیست بدانید که در علم نجوم قدیم به وجود ۹ فلک در آسمان قائلند و بهمین دلیل در این دایره حروف را به ۹ گروه عددی تقسیم کرده اند.

دایره ایقغ این است که ملاحظه می کنید.

ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	یکان
ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	دهگان
ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	صدگان
								غ	هزارگان

نکته مهم در این دایره آن است که عدد تمام حروف به یکان حساب می شود. بهمین دلیل به این دایره، دایره «اصغر» هم می گویند. توضیح دیگر اینکه، مثلاً در دایره ابجد، مقادیر عددی حروف (۱ - ی - ق - غ) با هم فرق می کرد. اما در اینجا همه آنها معادل عدد «یک» می باشند. در جدول ذیل این موضوع را روشن تر بیان کرده ایم.

ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ای	حروف
ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ق	
ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	غ	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	مقادیر عدد در ایقغ

برای اینکه فرق جمع بندی حروف در ابجد و ایقغ را بهتر متوجه شوید یک مثال می آوریم.

$$\text{جمع کلمه علی در ابجد} = ۱۱۰ - \text{ع} = ۷۰ - \text{ل} = ۳۰ - \text{ی} = ۱۰$$

$$\text{جمع کلمه علی در ایقغ} = ۱۱ - \text{ع} = ۷ - \text{ل} = ۳ - \text{ی} = ۱$$

حال که با دایره ایقغ آشنا شدید بهتر است با جدول ضرب اعداد حروف در جفرهم آشنا شوید.

ضرب اعداد در ریاضیات با ضرب در جفر تفاوت دارد. این تفاوت را در جدول بهتر در خواهید یافت.

جدول این است : جدول ضرب حروف و اعداد

ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	۱		
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱	۱
۱۸	۸	۱۴	۶	۱۰	۲	۶	۲	۲	۲	ب
۹	۲۴	۲۱	۳	۱۵	۱۲	۳	۶	۳	۳	ج
۳۶	۴	۲۸	۱۲	۲۰	۴	۱۲	۲	۴	۴	د
۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۵	۲۰	۱۵	۱۰	۵	۵	ه
۹	۲۴	۴۲	۶	۳۰	۱۲	۳	۶	۶	۶	و
۶۳	۵۶	۷	۴۲	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۷	ز
۷۲	۸	۵۶	۲۴	۴۰	۴	۲۴	۸	۸	۸	ح
۹	۷۲	۶۳	۹	۴۵	۳۶	۹	۱۸	۹	۹	ط

چگونگی ضرب حروف با یکدیگر:

گفتیم که سطر سوم ، حاصل ضرب حروف اساس در یکدیگر است. روش آن هم به این صورت است که حرف اول جدول اساس را با حروف دوم ضرب می کنند و دوم را با سوم و همینطور تا به حرف

آخر برسند، حرف آخر را با حرف اول جدول ضرب می کنند. منتهی برای این کار ابتدا عدد هر حرف را به قاعده دایره ایقغ به یکان برمی گردانند. مثلاً اگر حرف اول اساس « ق » باشد . عدد آن در دایره ابجد کبیر ۱۰۰ است. اما در اینجا ۱ حساب می شود. بهمین شکل، اعداد تمام حروف را به یکان برگردانده و در هم ضرب می کنید. این کار را با مثال عملی به شما نشان می دهم.

سطراساس ما عبارت بود از :

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
۳	نظیره	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ

حال در جدولی جدید اعداد حروف را به یکان برگردانده و در هم ضرب می کنیم ؛ به این شکل :

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
	عدد	۹	۱	۱	۸	۲	۱	۱	۵	۳	۶	۲

حال این اعداد را به این شکل با هم ضرب می کنیم که، عدد اول را از سمت راست جدول اساس برگرفته و آن را در عدد دوم ضرب می کنیم. در جدول ضرب، عدد اول را از بالا و عدد دوم را از ستون سمت راست در نظر گرفته و محل تلاقی این دو عدد، هر رقمی که بود بعنوان حاصل ضرب می نویسیم.

به این صورت :

$$۵ = ۵ \times ۱ - ۱ = ۱ \times ۱ - ۲ = ۱ \times ۲ - ۸ = ۲ \times ۸ - ۸ = ۸ \times ۱ - ۱ = ۱ \times ۱ - ۹ = ۱ \times ۹$$

$$۱۵ = ۳ \times ۵ - ۳ = ۶ \times ۳ - ۶ = ۲ \times ۶ - ۶ = ۹ \times ۲ - ۱۸ = ۹ \times ۲ - ۱۸$$

(عدد آخر را با عدد اول ضرب می کنیم).

اعداد به دست آمده را در ستون زیر حروف نظیره می نویسیم به این شکل :

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴

حال همین عمل را با حروف نظیره انجام می دهیم. به شکلی که در جدول ذیل مشاهده می فرمائید.

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴
۳۵	۱۴	۸	۸	۶	۳۰	۳۵	۲۱	۱۵	۳۰	۳۰	نسبت نظیره	۵

چگونگی انجام تعدیل بین سطرين:

(در اینجا منظور از تعدیل، کم کردن و یا جمع بستن اعداد با یکدیگر است).

بعد از اینکه اعداد حاصل از نسبت اساس و نظیره را به دست آوردیم حال نوبت تعدیل بین سطرين است. تعدیل عمل بسیار ساده ای است؛ کافی است که اعداد کوچکتر را از اعداد بزرگتر کم کرده و اعداد مانند هم را با یکدیگر جمع ببندیم. مثلاً اگر در هر دو ستون عدد ۶ را داشته باشیم، هر دو را با یکدیگر جمع می بندیم و در ستون بعدی وارد می کنیم، در اینجا با مثال عملی، روش تعدیل بهتر نمایش داده می شود. البته به این ستون « تعدیل اول » می گوئیم. چون یک تعدیل دیگر هم باقی مانده است .

جدول تعدیل اوّل

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴
۳۵	۱۴	۸	۸	۶	۳۰	۳۵	۲۱	۱۵	۳۰	۳۰	نسبت نظیره	۵
۱۷	۸	۵	۷	۱	۲۹	۳۳	۱۳	۷	۲۹	۲۱	تعدیل اوّل	۶

سطر بعدی ، حاصل ضرب حروف اساس و نظیره با یکدیگر خواهد بود . در اینجا حرف اوّل اساس را که « ط » می باشد در حرف اوّل نظیره که « ث » است ضرب می کنیم . پس از انجام این کار سطر معکوس را می سازیم .

سطر ضرب حروف اساس و نظیره:

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴
۳۵	۱۴	۸	۸	۶	۳۰	۳۵	۲۱	۱۵	۳۰	۳۰	نسبت نظیره	۵
۱۷	۸	۵	۷	۱	۲۹	۳۳	۱۳	۷	۲۹	۲۱	تعدیل اوّل	۶
۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	۴۵	ضرب اساس و نظیره	۷

سطر معکوس:

سطر معکوس به این شکل ساخته می شود که عدد اوّل سطر ماقبل را (یعنی سطر ضرب اساس و نظیره را برداشته و عدد دوّم را در خانه اوّل سطر معکوس می نویسیم و دست آخر آن عددی را که برداشته بودیم در خانه آخر سطر معکوس قرار می دهیم .

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
۳	نظيره	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ
۴	نسبت اساس	۹	۱	۸	۸	۲	۱	۵	۱۵	۳	۶	۱۸
۵	نسبت نظيره	۳۰	۳۰	۱۵	۲۱	۳۵	۳۰	۶	۸	۸	۱۴	۳۵
۶	تعديل اول	۲۱	۲۹	۷	۱۳	۳۳	۲۹	۱	۷	۵	۸	۱۷
۷	ضرب اساس ونظيره	۴۵	۶	۵	۲۴	۱۴	۵	۶	۵	۲۴	۶	۱۴
۸	سطر معكوس	۶	۵	۲۴	۱۴	۵	۶	۵	۲۴	۶	۱۴	۴۵

حال سطر تعديل سطر معكوس يا سطر «تتمه» را تشكيل می دهيم. به بيان ديگر بين اعداد سطور ۷ و ۸ تعديل انجام می دهيم. نحوه اين کار را در جدول ديگري نشان داده ايم.

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
۳	نظيره	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ
۴	نسبت اساس	۹	۱	۸	۸	۲	۱	۵	۱۵	۳	۶	۱۸
۵	نسبت نظيره	۳۰	۳۰	۱۵	۲۱	۳۵	۳۰	۶	۸	۸	۱۴	۳۵
۶	تعديل اول	۲۱	۲۹	۷	۱۳	۳۳	۲۹	۱	۷	۵	۸	۱۷
۷	ضرب اساس ونظيره	۴۵	۶	۵	۲۴	۱۴	۵	۶	۵	۲۴	۶	۱۴
۸	سطر معكوس	۶	۵	۲۴	۱۴	۵	۶	۵	۲۴	۶	۱۴	۴۵
۹	تعديل دوم	۳۹	۱	۱۹	۱۰	۹	۱	۱	۱۹	۱۸	۸	۳۱

اکنون باید آخرین تعدیل را هم انجام دهیم.

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴
۳۵	۱۴	۸	۸	۶	۳۰	۳۵	۲۱	۱۵	۳۰	۳۰	نسبت نظیره	۵
۱۷	۸	۵	۷	۱	۲۹	۳۳	۱۳	۷	۲۹	۲۱	تعدیل اول	۶
۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	۴۵	ضرب اساس و نظیره	۷
۴۵	۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	سطر معکوس	۸
۳۱	۸	۱۸	۱۹	۱	۱	۹	۱۰	۱۹	۱	۳۹	تعدیل دوم	۹
۱۴	۱۶	۱۳	۱۲	۲	۲۸	۲۴	۳	۱۲	۲۸	۱۸	حاصل تعدیل نهایی	۱۰

اکنون باید اعداد سطر حاصل تعدیل نهایی را به حرف تبدیل کرد.

روش کار به این صورت است که باید اعداد را مطابق دایره ابجد وسيط به حروف تبدیل کرد.

آشنایی با دایره ابجد وسيط:

در این دایره معادل عددی هر حرف براساس جایگاهی که آن حرف در جدول دارد تعیین میشود. مثلاً

حرف « الف » چون اولین حرف در دایره ابجد میباشد عدد آن یک است و حرف « غین » چون بیست

وهشتمین حرف دایره است عدد آن ۲۸ میباشد. بقیه حروف هم به همین صورت معادل عددی

میگیرند، جدول ذیل را ملاحظه کنید.

حروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
مرتب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
حروف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
مرتب	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

اکنون در اینجا ما اعداد ستون تتمه نهایی را در نظر گرفته و هر عددی را که از ۲۸ بیشتر بود تقسیم بر آن می کنیم و اگر باقیمانده صفر شود، آن را ۲۸ به حساب می آوریم و حرف آن هم « غ » خواهد بود. بقیه اعداد را با توجه به جدول تبدیل به حرف می کنیم.

در این جدول چگونگی تبدیل اعداد به حروف را ملاحظه می کنید.

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
۳	نظیره	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ
۴	نسبت اساس	۹	۱	۸	۸	۲	۱	۵	۱۵	۳	۶	۱۸
۵	نسبت نظیره	۳۰	۳۰	۱۵	۲۱	۳۵	۳۰	۶	۸	۸	۱۴	۳۵
۶	تعدیل اوّل	۲۱	۲۹	۷	۱۳	۳۳	۲۹	۱	۷	۵	۸	۱۷
۷	ضرب اساس و نظیره	۴۵	۶	۵	۲۴	۱۴	۵	۶	۵	۲۴	۶	۱۴
۸	سطر معکوس	۶	۵	۲۴	۱۴	۵	۶	۵	۲۴	۶	۱۴	۴۵
۹	تعدیل دوّم	۳۹	۱	۱۹	۱۰	۹	۱	۱	۱۹	۱۸	۸	۳۱
۱۰	حاصل تعدیل نهایی	۱۸	۲۸	۱۲	۳	۲۴	۲۸	۲	۱۲	۱۳	۱۶	۱۴
۱۱	حرف حاصل	ص	غ	ل	ج	خ	غ	ب	ل	م	ع	ن

از سطر حروف به بعد، جواب ما آرام آرام خود را آشکار می سازد. منتهی برای یک مبتدی بسیار سخت خواهد بود که در این مرتبه بتواند جواب سؤال را حدس بزند. حال در آخر کار که پاسخ استخراج شد می توانید به عقب برگشته و به عینه ملاحظه کنید که پاسخ پرسش ما از همان اوّل و در مرحله مداخل کاملاً مشخص بوده است. (البته همیشه اینگونه نیست) .

حال که حرف حاصل مشخص شد نوبت به گرفتن حرف « قوا » برای هر حرف حاصل می باشد. حرف قوا، یعنی اینکه هر حرفی از حروف ابجد چهار حرف دارد که قدرت آن حرف به حساب می آیند. دو تا از این حرفها حروف پس و پیش هر حرف در ابجد است و دو حرف بعدی حروف هم عدد آن حرف در دایره ایقغ است. مثلاً حرف « ب » دو حرف پس و پیش دارد که یکی « الف » و دیگری

« ج » است. حروف هم عدد آن هم در دایره ایقغ « ک - ر » می باشد. از این چهارحرف، یک حرف « قوای » آن خواهد بود.

چگونگی استخراج حروف قوا

حال نوبت به گرفتن قوا، برای حروف می رسد. قوا گرفتن برای حروف تا قبل از اینکه یکی از اساتید جفر جدول حروف قوا را ترتیب نداده بود کار بسیار وقت گیر و خسته کننده ای بوده که شامل شرحی طولانی برای این کار بود. حال از آنجایی که با وجود این جدول دیگر نیازی به روش قدیمی نیست، جدول را برای شما رسم کرده و نحوه استفاده از آن را برایتان شرح خواهیم داد. برای استخراج حروف قوا، کافی است که یکی از حروف اساس یا نظیره را برداشته و در ستون افقی جدول قوا و حرف حاصل را هم از ستون عمودی سمت راست همان جدول ملاحظه کرده و در محل تلاقی این دو حرف، هر حرفی که بود آن را به عنوان حرف قوا برمی داریم. مثلاً در اینجا حرف اول اساس ما « ط » و حرف حاصل هم « ص » است. حال حرف « ط » را از ستون افقی جدول قوا و حرف « ص » را هم در ستون عمودی مطابقت می دهیم، در محل تلاقی این دو حرف به حرف « ظ » می رسیم که قوای حرف حاصل است. بهمین شکل تمامی حروف را استخراج می کنیم.

جدول حروف قوا

ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	اساس
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	نظيره
غ	غ	غ	ی	ی	ی	ی	ق	ق	ق	ق	ب	ب	ب	ا
ا	ا	ا	ا	ک	ک	ر	ر	ج	ب	ر	ا	ج	ج	ب
ب	ب	ب	ش	ش	ل	ل	د	د	ب	ش	ش	د	د	ج
ج	ج	ت	ت	ه	م	م	ج	ج	ت	ت	م	ه	ه	د
ث	د	د	و	ن	ن	ن	د	ن	ن	ث	ث	و	و	ه
ه	ه	ه	ه	س	س	س	س	س	خ	خ	خ	خ	ز	و
و	و	و	ع	ع	ع	ع	ز	ع	ذ	ذ	ذ	ح	ح	ز
ز	ز	ز	ف	ف	ف	ف	ض	ض	ض	ض	ط	ط	ط	ح
ح	ح	ح	ح	ص	ص	ظ	ظ	ی	ی	ظ	ح	ی	ی	ط
ط	ط	ط	ا	ق	ق	ق	ک	ا	ا	ا	ط	ک	ک	ی
ی	ی	ی	ب	ر	ر	ر	ی	ب	ب	ب	ر	ل	ل	ک
ک	ک	ک	م	ش	ش	ش	ک	ج	ک	ج	ش	م	م	ل
ل	ل	ل	ل	ت	ت	ت	ت	د	د	د	د	ن	ن	م
م	م	م	ه	ث	ث	ث	م	ه	ه	ه	م	س	س	ن
ن	ن	ن	خ	خ	خ	خ	و	و	و	و	ع	ع	ع	س
ع	س	س	س	ذ	ذ	ذ	ذ	ز	ز	ز	س	ف	ف	ع
ف	ع	ع	ع	ض	ض	ض	ض	ح	ح	ح	ح	ص	ص	ف
ص	ف	ف	ف	ظ	ظ	ظ	ف	ط	ط	ط	ظ	ق	ق	ص
ق	ص	ص	ر	ا	ص	ص	ا	ا	ی	ی	ر	ر	ر	ق
ر	ق	ق	ق	ب	ب	ب	ب	ک	ک	ک	ش	ش	ش	ر
ش	ر	ر	ج	ج	ج	ل	ل	ل	ل	ل	ر	ت	ت	ش
ت	ش	ش	د	د	د	م	م	م	م	م	ث	ث	ث	ت
ث	ه	ت	ت	ه	ه	ن	ن	خ	ن	ن	ط	خ	خ	ث
خ	ث	ث	ث	و	و	و	ذ	ذ	س	س	س	و	و	خ
ذ	خ	خ	ز	ز	ز	ض	ض	ع	ع	ع	ز	ز	ض	ذ
ض	ذ	ذ	ذ	ظ	ح	ذ	ذ	ح	ح	ف	ف	ظ	ظ	ض
ظ	ض	ض	ض	ط	ط	ط	ط	ص	ص	ص	ص	غ	غ	ظ
غ	ظ	ظ	ظ	ی	ی	ی	ظ	ی	ق	ق	ق	ظ	ا	غ

جدول حروف قوای استخراج شده

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴
۳۵	۱۴	۸	۸	۶	۳۰	۳۵	۲۱	۱۵	۳۰	۳۰	نسبت نظیره	۵
۱۷	۸	۵	۷	۱	۲۹	۳۳	۱۳	۷	۲۹	۲۱	تعدیل اول	۶
۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	۴۵	ضرب اساس و نظیره	۷
۴۵	۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	سطر معکوس	۸
۳۱	۸	۱۸	۱۹	۱	۱	۹	۱۰	۱۹	۱	۳۹	تعدیل دوم	۹
۱۴	۱۶	۱۳	۱۲	۲	۲۸	۲۴	۳	۱۲	۲۸	۱۸	حاصل تعدیل نهایی	۱۰
ن	ع	م	ل	ب	غ	خ	ج	ل	غ	ص	حرف حاصل	۱۱
ه	ز	ل	ک	ک	ظ	و	ش	ک	ظ	ظ	حروف قوا	۱۲

روش استخراج حروف حاصل نهایی یا مستحضره:

در اینجا به آخر کار استخراج حروفات برای رسیدن به حرف مستحضره می‌رسیم. اما قبل از آن باید در باره حروف قرآنی هم توضیح بدهیم.

برای استخراج حروف مستحضره ما به یک میزان حرفی نیاز داریم که صحت حرف مستحضره را با آن بسنجیم؛ این چهار حرف باید به ترتیب (آتشی - بادی - آبی - خاکی) باشند. تشخیص عناصر حروف هم از دایره عناصر است که در اینجا رسم کرده ایم.

ذ	ش	ف	م	ط	ه	ا	آتشی
ض	ت	ص	ن	ی	و	ب	بادی
ظ	ث	ق	س	ک	ز	ج	آبی
غ	خ	ر	ع	ل	ح	د	خاکی

روش استخراج این چهار حرف به این شکل است که شخص وضوگرفته و کلام الله مجید را می‌گشاید؛ سپس به صفحه سمت راست نگاه می‌کند و اگر حرف اول آن صفحه جزو حروف آتشی بود آن را یاد داشت کرده و باز قرآن را می‌گشاید و اگر به حرف بادی رسید آن را برمی‌دارد. اگر نه، باید آنقدر قرآن را باز کند تا به حرف مورد نظر برسد و در اینجا یکی از عجایب قرآن مجید هم آشکار می‌شود که در اکثر اوقات جواب سؤال را در همین چهار حرف هم می‌توان یافت .

بعد از اینکه چهار حرف به دست آمد، عدد صغیر هر چهار حرف را با هم جمع می‌بندیم. مبنای محاسبه هم دایره ایقغ است. حال به این نکته توجه کنید، جمع اعداد ما نباید از ۹ بیشتر شود، یعنی اگر عدد شما ۱۰ بشود، صفر آن حذف می‌شود و اگر عدد ۱۱ باشد هر دو یک را با هم جمع می‌بندیم و همینطور بقیه اعداد را، تا به عددی برسیم که یا خود ۹ باشد یا کمتر از ۹. بعد از اینکه عدد مزبور را به دست آوردیم نوبت آن می‌رسد که سطر حرف حاصل یا مستحضره را تشکیل دهیم. حرف مستحضره را به این صورت به دست می‌آوریم که عدد حروف اساس و نظیره و حرف حاصل و حرف قوا و چهار حرف قرآنی را بر مبنای دایره ایقغ و به صورت صغیر با هم جمع می‌بندیم و حاصل کار حرف مستحضره خواهد بود.

نکته: اگر بر فرض جمع ما بیشتر از عدد ۲۸ شد، اضافی آن را کم کرده و ما بقی را به حرف تبدیل می‌کنیم بر مبنای دایره ابجد وسیط.

۹	ط	اساس
۵	ث	نظیره
۹	ص	حرف حاصل
۹	ظ	حرف قوا
۳	۳	عدد قرآنی
۳۵	نتیجه	
۷	کسر از ۲۸	
ز	حرف مستحضره	

در اینجا یک نمونه را شرح داده و مابقی را در جدول به نظر شما خواهیم رساند.

برای این سؤال از قرآن چهار حرف به ترتیب (ا و ک ل) استخراج شد که حاصل جمع اینها شد : ۱ + ۶ + ۲ + ۳ = ۱۲ - سپس دو عدد را با هم جمع کردیم شد : ۲ + ۱ = ۳ . پس عدد حروف قرآنی ما ۳ است. در اینجا حروف اول اساس و نظیره و حرف حاصل و قوا را با این عدد جمع می بندیم به این شکل : در جدول صفحه آینده که عملیات ما به اتمام می رسد تمام حروف را نوشته و آماده استخراج حروف مستحصه خواهیم بود.

جدول کامل استخراج حروف مستحصه از ابتدا تا کنون:

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ک	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظیره	۳
۱۸	۶	۳	۱۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴
۳۵	۱۴	۸	۸	۶	۳۰	۳۵	۲۱	۱۵	۳۰	۳۰	نسبت نظیره	۵
۱۷	۸	۵	۷	۱	۲۹	۳۳	۱۳	۷	۲۹	۲۱	تعدیل اول	۶
۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	۴۵	ضرب اساس و نظیره	۷
۴۵	۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۵	۱۴	۲۴	۵	۶	سطر معکوس	۸
۳۱	۸	۱۸	۱۹	۱	۱	۹	۱۰	۱۹	۱	۳۹	تعدیل دوم	۹
۱۴	۱۶	۱۳	۱۲	۲	۲۸	۲۴	۳	۱۲	۲۸	۱۸	حاصل تعدیل نهایی	۱۰
ن	ع	م	ل	ب	غ	خ	ج	ل	غ	ص	حرف حاصل	۱۱
ه	ز	ل	ک	ک	ظ	و	ش	ک	ظ	ظ	حروف قوا	۱۲
ت	ذ	ش	ن	ن	ق	خ	ر	ن	ر	ز	حروف مستحصه	۱۳

سطرهای رنگی، همان سطرهایی هستند که حروف آنها با هم جمع بسته شده و در نهایت با حاصل جمع عدد چهار حرف قرآنی هم جمع شده و به حرف تبدیل می شوند.

در این سطر آخر هم باز گوشه ای از جواب ما آشکار شده است که در آخر کار به این نکات هم خواهیم پرداخت. حال به پایان کار و استخراج مستحاصله یا جواب سوال رسیده ایم.

میانبری عالی :

تا اینجا محاسبات طولانی و خسته کننده ای را برای استخراج حروف مستحضره انجام داده ایم که در اصل از سطر سوم تا سطر دوازدهم را در بر می گیرد. (بدون احتساب سطر ردیف که در بالای ستون اساس و نظیره قرار دارد). از آنجایی که تمام این عملیات بر مبنای محاسبات ریاضی صورت می گیرد، لذا می توان با کمی دقت تمامی این عملیات را به صورت جداولی آماده در آورد به صورتی که این ۹ سطر را تبدیل به یک سطر بنام سطر « مستحضره » نمود. با این کار تحولی شگفت در این روش صورت می گیرد؛ زیرا دیگر لازم نیست برای هر سؤالی شما کلی وقت گذاشته و محاسبات را یکی یکی انجام دهید ؛ بلکه فقط با استفاده از جداول مزبور و حروف اساس یا نظیره و استخراج حروف قرآنی، به راحتی سطر مستحضره را بسازید.

با استفاده از جداول فوق، دیگر لازم نیست محاسباتی را که قبلاً انجام دادید برای هر سؤال تکرار کنید، بلکه فقط با استفاده از حروف اساس و چهار حرف قرآنی می توانید در یک آن به سطر دوازدهم برسید. این جداول را می توانید خودتان بسازید. واز این به بعد هر زمان که بخواهید سؤالی را طرح کنید، کافی است که ستون اساس و نظیره را تشکیل داده و در یک آن به سطر دوازدهم رسید.

(جدول حروف مستحضره با عدد - ۶)

	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا		
ا	ف	ف	ق	خ	ر	ا	ح	خ	د	ط	د	ر	د	ش	ي	ظ	ف	ص	ث	ه	ف	ن	ش	ك	غ	ص	ق	ث	ا	
ب	ص	ق	ف	ل	ث	ث	ط	ث	ع	ق	ر	ص	ل	ص	ص	ف	ر	ف	ذ	س	ر	ث	ق	ص	ص	ص	ش	ف	ب	
ج	ح	ط	ع	ع	ع	ج	ط	د	د	د	ع	ص	ع	ف	ل	ف	ث	ف	ن	ق	ق	ث	ف	ل	ص	ذ	ص	ف	ج	
د	ف	ش	د	ص	ص	ا	ق	ط	ق	ط	ت	ص	ف	ص	ي	ف	س	ن	ت	ه	ا	ص	ش	ك	ص	ف	س	ث	د	
ه	ي	خ	ا	ت	ي	ح	ف	ظ	ع	ك	ع	ب	ت	ص	ص	ف	ف	ش	ل	ظ	ظ	ذ	ظ	ق	ص	ص	ت	ص	م	
و	ل	ظ	ص	ظ	خ	ف	ه	ص	ل	ش	ا	ح	د	ق	خ	ذ	ق	ث	ر	ف	ف	ذ	ذ	ف	ر	ض	ذ	ر	ش	
ز	ت	ا	ر	ش	ق	ر	م	ش	ع	ث	ب	ش	ت	ش	و	ش	ث	و	ظ	ل	چ	ن	س	ش	ت	ش	ش	م	ش	
ح	ي	ا	د	ا	ص	ث	ه	ط	ق	ن	ك	ب	د	ص	ر	ا	ل	ل	ق	ش	ا	م	ش	ب	ص	م	م	ص	م	
ط	ن	ف	ط	ص	ش	ت	س	ح	س	ث	ص	ا	ص	ث	ص	چ	ر	ر	ق	ف	ق	خ	ك	د	ت	ش	ش	ش	ط	
ي	ف	ح	ق	خ	ر	ا	ح	د	خ	ط	د	ر	د	ش	ي	ظ	ف	ص	ث	ه	ف	ن	ك	ر	غ	ص	ق	ث	ي	
ك	ص	ق	ف	ل	ث	ث	ط	ث	ع	ق	ر	ص	ل	ص	ص	ف	ر	ف	ذ	س	ر	ث	ق	ص	ص	ص	ش	ص	ف	
ل	ح	ط	ع	ع	ع	ج	ط	د	د	د	ع	ص	ع	ف	ل	ف	ث	ف	ن	ق	ق	ث	ف	ل	ص	ذ	ص	ف	ل	
م	ف	ش	د	ص	ص	ا	ق	ط	ق	ط	ت	ص	ف	ص	ي	ف	س	ن	ت	ه	ا	ص	ش	ك	ص	ف	س	ث	م	
ن	ي	خ	ا	ت	ي	ح	ف	ظ	ع	ك	ع	ب	ت	ص	ص	ف	ف	ش	ل	ظ	ظ	ذ	ظ	ق	ص	ص	ت	ص	م	
س	ي	ظ	ص	ف	ث	ه	ف	ه	ش	ن	ك	ص	غ	ث	ق	ص	ج	ق	ح	ا	ر	خ	د	ط	د	ر	د	ر	ش	
ع	ص	ف	ف	ر	ف	ر	ذ	ف	ر	س	ق	ث	ر	ص	ص	ق	ص	ل	ن	ث	ن	ط	ت	ع	ق	ر	ص	ل	ث	ع
ف	ل	ف	ص	ف	ن	ف	ق	ف	ل	ص	ل	ف	ص	س	خ	ط	ف	ع	ع	ع	ط	د	د	ق	ع	ص	ع	ف	ف	
ص	ي	ف	ص	ن	ت	ه	ا	ص	ش	ص	ك	ص	ص	ث	ف	ش	د	ص	ف	ا	ق	ظ	ا	ظ	ت	ص	ف	ص	ف	
ق	ص	ف	ش	ف	ل	ظ	ظ	ذ	ظ	ق	ص	ص	ت	م	ي	خ	ا	ت	ي	ح	ف	ظ	ع	ك	ع	ب	ت	ص	ق	
ر	خ	ق	ث	ر	ر	ف	ف	ذ	ف	ن	ض	ن	ر	ش	ل	ن	ط	ص	ح	ف	ه	ص	ش	ل	ح	ا	ق	ذ	ر	ش
ش	و	ش	و	ث	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ	ل	و	ظ
ت	ر	ا	ف	ل	ق	ل	ش	ا	م	ش	ب	ص	م	م	ي	ا	ص	ث	د	ه	ظ	ن	ك	ب	د	ب	د	ص	ت	
ث	ص	ج	ر	ت	ص	ر	ق	خ	ك	ق	د	ت	ص	ص	ت	ط	ف	ص	ت	ش	ح	س	ط	ث	ص	ا	ق	ث	ث	
خ	ي	ظ	ص	ف	ث	ه	ف	ن	ك	ر	غ	ص	غ	ث	ق	ص	ج	ق	ح	ا	ر	خ	د	ط	د	ر	د	ر	ش	
ذ	ص	ف	ر	ف	ر	ذ	ف	ر	س	ق	ث	ر	ص	ص	ف	ص	ق	ل	ن	ث	ط	ت	ع	ق	ر	ص	ل	ث	ع	
ض	ل	ف	ص	ع	د	د	ق	ط	ح	ع	ع	ع	ط	ح	خ	ط	ف	ع	ع	ط	د	د	ق	ع	ص	ع	ف	ف	ل	
ظ	ي	ف	ص	ن	ت	ه	ا	ص	ش	ص	ك	ص	ص	ث	ف	ش	د	ص	ف	ا	ق	ظ	ا	ظ	ت	ص	ف	ص	ف	
غ	ص	ف	ش	ف	ل	ظ	ظ	ذ	ظ	ق	ص	ص	ت	م	ي	خ	ا	ت	ي	ح	ف	ظ	ع	ك	ع	ب	ت	ص	ق	

(جدول حروف مستحضره با عدد - ۲)

غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	
ص	د	ر	ذ	ش	ب	د	د	ض	ي	ه	ش	ص	ت	ك	غ	ص	ق	خ	و	ص	س	ت	ل	ا	ق	ر	خ	ا
ق	ر	ص	م	خ	ع	خ	ف	ر	ش	ق	م	ح	ق	ق	ص	ش	ص	ض	ع	ش	ع	ر	خ	ق	ق	ت	ت	ب
ذ	ع	ص	ف	ف	د	ع	ر	ص	ا	ص	ق	م	ص	م	خ	ص	س	ص	ر	خ	م	ص	ق	م	ض	ع	ص	ع
ص	ت	ص	ض	ط	ر	ب	ع	ي	ث	ظ	ق	ص	ق	ك	ع	س	ث	و	ب	ق	ب	ل	ت	ق	ع	ص	ع	خ
ك	ذ	ب	ث	ك	د	ص	ع	ل	ف	ل	ق	ق	ق	ق	ص	ت	م	غ	غ	ض	غ	ر	غ	ق	ق	ث	ن	ث
م	ح	ع	ق	ع	و	ص	ت	م	د	ب	ر	ض	ذ	ذ	ر	خ	ش	ص	ص	ص	ع	ض	ظ	ض	ض	ض	ض	ت
ث	ب	ش	ت	ش	ر	ن	ف	خ	ج	ت	ث	ت	ت	ز	خ	ز	م	غ	د	س	ع	ت	ث	ث	ث	ن	ت	ن
ك	ب	ص	ح	ظ	و	ع	ر	ل	س	ح	ص	ق	ص	ش	م	م	ر	م	ب	ت	ن	ب	ت	ن	ق	ن	ن	ق
ت	ع	ص	غ	ث	د	ع	ع	ق	خ	ب	ق	ر	خ	ق	ث	ظ	ر	ص	ن	ذ	ص	ر	ل	ر	ه	ث	ت	ط
ص	د	ر	ذ	ش	ب	د	ض	ي	ه	ش	ص	ت	ك	ك	غ	ص	ق	خ	و	ص	س	ش	ل	ا	ق	ر	خ	ي
ق	ر	ص	م	خ	ع	خ	ف	ر	ش	ق	م	ح	ق	ق	ص	ش	ص	ض	ع	ش	ع	ر	خ	ق	ق	ت	ت	ك
ذ	ع	ص	ف	ف	د	ع	ر	ص	ا	ص	ق	م	ص	م	خ	ص	ص	ص	ر	خ	م	ص	ق	م	ض	ع	ص	ل
ص	ت	ص	ط	ر	ب	ع	ر	ي	ث	ظ	ق	ص	ق	ك	ع	س	و	ث	ب	ق	ب	ل	ت	ق	ع	ص	م	م
ك	ذ	ب	ث	ك	د	ص	ع	ل	ف	ل	ق	ق	ق	ق	ص	ت	م	غ	غ	ض	غ	ر	غ	ق	ق	ث	ن	ن
ك	غ	ص	ق	خ	و	ص	س	ت	ا	ل	ق	ر	خ	ص	د	ر	ذ	ش	ب	د	د	ض	ي	ه	ش	ص	ت	س
ق	ص	ص	ش	ص	ض	ع	ش	ر	خ	ق	ق	ق	ص	ق	ر	م	م	ح	ع	ف	ر	ع	خ	ر	ش	ق	ع	ع
م	ص	خ	ص	س	ر	ص	ص	م	ق	م	ض	ع	ذ	ذ	ع	ف	ف	ص	ع	ر	ع	د	د	ا	ص	ص	ص	ف
ك	ع	ص	س	ث	و	ق	ب	ل	ت	ق	ب	ر	ص	ت	ص	ط	ص	ص	ب	ع	ر	ب	ر	ي	ظ	ص	ص	ص
ق	ص	ص	ت	م	غ	غ	ض	ر	غ	ق	ق	ن	ث	ك	ن	ظ	ص	ض	ض	ف	ع	ص	ل	ف	ح	ق	ق	ق
ذ	ص	ر	خ	ش	ص	ص	ص	ض	ض	ظ	ش	ت	ض	م	ع	و	د	ق	ص	ت	ق	ص	ت	م	ب	ر	ض	ر
ز	ب	ش	م	م	ر	ت	ب	ن	ع	س	ذ	ع	ن	ث	ش	ر	ش	ت	ر	ن	ف	ن	خ	ح	ت	ت	ش	ش
ش	ب	ص	م	م	ر	ت	ب	ن	ع	س	ذ	ع	ن	ث	ش	ر	ش	ت	ر	ن	ف	ن	خ	ح	ت	ت	ش	ش
ق	ص	ص	ش	ه	ش	ا	ل	ش	س	ص	و	خ	ق	ص	د	ر	ذ	ش	ب	د	د	ض	ي	ه	ش	ص	ت	س
ق	ص	ص	ش	ص	ض	ع	ش	ر	خ	ق	ق	ق	ص	ق	ر	م	م	ح	ع	ف	ر	ع	خ	ر	ش	ق	ع	ذ
م	ص	خ	ص	ص	ر	ص	ص	م	ق	م	ض	ع	ذ	ذ	ع	ف	ف	ص	ع	ر	ع	د	د	ا	ص	ص	ص	ض
ك	ع	ص	س	ث	و	ق	ب	ل	ت	ق	ب	ر	ص	ت	ص	ط	ص	ص	ب	ع	ر	ب	ر	ي	ظ	ص	ص	ظ
ق	ص	ص	ت	م	غ	غ	ض	ر	غ	ق	ق	ن	ث	ك	ن	ظ	ص	ض	ض	ف	ع	ص	ل	ف	ح	ق	ق	غ
ق	ص	ص	ش	ه	ش	ا	ل	ش	س	ص	و	خ	ق	ص	د	ر	ذ	ش	ب	د	د	ض	ي	ه	ش	ص	ت	س
ق	ص	ص	ش	ص	ض	ع	ش	ر	خ	ق	ق	ق	ص	ق	ر	م	م	ح	ع	ف	ر	ع	خ	ر	ش	ق	ع	ذ
ك	ع	ص	خ	ص	ر	ص	ص	م	ق	م	ض	ع	ذ	ذ	ع	ف	ف	ص	ع	ر	ع	د	د	ا	ص	ص	ص	ض
ك	ع	ص	س	ث	و	ق	ب	ل	ت	ق	ب	ر	ص	ت	ص	ط	ص	ص	ب	ع	ر	ب	ر	ي	ظ	ص	ص	ظ
ق	ص	ص	ت	م	غ	غ	ض	ر	غ	ق	ق	ن	ث	ك	ن	ظ	ص	ض	ض	ف	ع	ص	ل	ف	ح	ق	ق	غ

(جدول حروف مستحضره با عدد - ۳)

غ	ط	ص	ذ	ح	ث	ت	س	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا		
ق	ه	ش	ص	ت	ح	ه	ص	ط	ك	و	ت	ط	ث	ل	ا	ق	ر	ذ	ز	ق	ع	ث	م	ب	ر	ر	ش	ن	ا
ر	ش	ق	ن	د	د	ا	د	ص	ش	ن	ر	ن	د	ر	ق	ق	ت	ق	ظ	ف	ت	ن	ش	ر	ر	ش	ث	ب	ا
ن	ا	ق	ص	ص	ه	ا	ش	ط	ك	ب	ر	ع	ل	ن	ق	ف	ع	خ	ز	ج	ر	م	ر	ر	ق	ف	ن	ا	ق
ل	ص	ح	خ	ل	ه	ق	ا	ص	ك	ص	م	د	ر	ر	ق	ا	ن	ت	ا	ظ	ا	ث	ش	ر	ر	ن	خ	س	و
ن	د	ا	ر	ص	ز	ق	ر	ث	ن	ص	ح	ط	ش	ض	ظ	ن	ت	ا	ق	ع	ه	ث	م	ن	خ	ظ	ث	ز	ر
خ	ح	ت	ث	ت	ش	ث	س	ص	د	د	ت	ح	ث	ح	ث	ا	ن	ح	ا	ع	ه	ث	م	ن	ف	ث	س	ح	ط
ل	ح	د	ع	ز	ا	ش	ع	م	د	د	ط	ر	ر	ر	چ	ت	ن	ن	ش	ث	چ	س	ث	د	ر	س	س	ح	س
خ	ق	ا	ر	خ	ث	ه	ف	د	ر	و	ج	ش	ر	ر	ه	خ	ت	غ	ش	ق	ض	م	ث	و	خ	ث	ر	ط	ر
ق	ه	ش	ص	ت	ح	ه	ص	ظ	ك	و	ت	ط	ث	ل	ا	ق	ر	ذ	ز	ع	ت	م	ر	ر	ش	ث	ي	ك	ل
ر	ش	ق	ن	د	د	ا	د	ص	ش	ن	ر	ن	د	ر	ق	ق	ت	ق	ظ	ف	ت	ن	ش	ر	ر	ش	ث	ب	ا
ن	ا	ق	ص	ص	ه	ا	ش	ط	ك	ب	ر	ع	ل	ن	ق	ف	ع	خ	ز	ج	ر	م	ر	ر	ق	ف	ن	ا	ق
ل	ص	ح	خ	ل	ه	ق	ا	ص	ك	ص	م	د	ر	ر	ق	ا	ن	ت	ا	ظ	ا	ث	ش	ر	ر	ن	خ	س	و
س	ث	ط	ت	و	ك	ط	ص	ه	ح	ت	ص	ش	ه	ق	ش	س	ن	ذ	ز	ص	ا	د	ط	ك	ب	ر	ر	ش	ع
ع	ذ	ن	ر	ت	ش	ص	د	ا	د	ن	ق	ش	ر	ر	ش	ن	ذ	ذ	ا	د	ص	ش	م	ش	ر	ر	ش	ن	ا
ف	ق	ق	ر	ب	ط	ط	ش	ا	ح	ش	ا	ه	ص	ص	ق	ا	ص	ه	ش	ج	ش	ا	ط	ك	ب	ر	ر	ق	ف
ص	ر	ق	ع	ح	ع	ك	ش	ا	ح	ش	ا	ه	ل	خ	ص	ل	ن	ع	ق	ظ	ن	ق	م	ر	ر	ق	ف	ن	ا
ق	ر	خ	د	ص	م	ص	ا	ق	ه	ل	ر	ص	ر	ا	د	ن	ت	ا	ظ	ا	ث	ش	ر	ر	ن	خ	س	و	ك
ر	ش	ث	ح	ث	د	د	ص	ا	ع	ث	م	د	ر	ر	ق	ا	ن	ت	ا	ظ	ا	ث	ش	ر	ر	ن	خ	س	و
ت	ر	ط	د	ط	د	م	ع	ش	ا	ز	ع	د	ر	ر	چ	ت	ن	ن	ش	ث	چ	س	ث	و	خ	ث	ر	ط	ر
ث	ذ	ش	ح	ر	د	ا	ف	ه	ث	خ	ر	و	ج	ش	ن	ذ	ذ	ا	د	ص	ش	ا	ط	ك	ب	ر	ر	ش	ع
ح	ث	ط	ت	و	ك	ط	ص	ه	ح	ت	ص	ش	ه	ق	ش	س	ن	ذ	ذ	ا	د	ص	ش	م	ش	ر	ر	ش	ن
د	ن	ر	ت	ش	ص	د	ا	د	ن	ق	ش	ر	ر	ش	ن	ذ	ذ	ا	د	ص	ش	م	ش	ر	ر	ش	ث	ب	ا
ص	ق	ق	ر	ب	ط	ط	ش	ا	ح	ش	ا	ه	ل	خ	ص	ل	ن	ع	ق	ظ	ن	ق	م	ر	ر	ق	ف	ن	ا
ط	ر	ق	ع	ح	ع	ك	ش	ا	ح	ش	ا	ه	ل	خ	ص	ل	ن	ع	ق	ظ	ن	ق	م	ر	ر	ق	ف	ن	ا
غ	ر	ح	د	ص	م	ص	ا	ق	ه	ل	ر	ص	ر	ا	د	ن	ت	ا	ظ	ا	ث	ش	ر	ر	ن	خ	س	و	ك

(جدول حروف مستحضره با عدد - ۴)

ع	ط	ص	ذ	ح	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	س	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	
ر	و	ت	ط	ث	د	و	ظ	ع	ل	ر	ث	ع	خ	س	م	ر	ش	ر	ض	ح	ر	ف	خ	ن	ج	ش	ت	ض	ا
ش	ت	ر	س	ص	ب	ص	ق	ص	ث	ش	س	ص	ش	ش	ش	ر	ر	ث	ر	غ	ص	ث	ض	ت	ش	ش	خ	ش	ب
ط	ب	ر	ق	ق	و	ب	ع	ع	ع	ش	ح	ر	ر	س	ر	ض	ر	ف	ر	ت	ر	ض	ر	س	ش	غ	ر	خ	ج
ر	ح	ع	ر	ا	د	ب	ل	د	ل	ر	ا	ش	م	م	ر	ص	ف	ذ	ح	د	ح	ش	خ	ن	ش	ر	ص	ر	د
م	ظ	د	د	م	و	ر	ق	ن	ق	ه	د	ش	ش	ش	ر	ر	خ	س	ب	ب	غ	ب	غ	ت	ش	ش	ذ	ع	ه
س	ص	ب	ش	ط	ح	ر	ش	س	ح	ط	د	ع	ظ	ع	ث	غ	ت	ض	ث	ر	ر	ر	غ	غ	ا	ث	غ	خ	و
د	د	ت	خ	ث	ت	خ	ع	ق	ص	ه	ح	ح	ط	ح	ث	خ	ض	ط	س	ب	و	ف	ص	خ	ذ	ظ	خ	ع	ز
م	د	ع	ص	ا	ح	ب	ف	ن	ن	ع	ه	ش	ش	ش	د	ر	س	ا	ت	ظ	ر	د	ع	خ	ع	ش	ع	ع	ح
د	ر	ب	ش	د	خ	و	ص	ب	ص	ش	د	ص	ش	ش	ش	و	ذ	ث	ا	ر	ت	ظ	ن	ز	ت	ش	خ	ذ	ط
ر	و	ت	ط	ث	د	و	ظ	ل	ر	ع	ث	ح	م	م	ر	ب	ش	ش	ح	ر	ف	ر	ث	ن	ج	ش	ت	ض	ي
ش	ت	ر	س	ص	ب	ص	ق	ث	ش	س	ش	ص	ش	ش	ر	ر	ث	ر	غ	ص	ث	ض	ت	ش	ش	خ	ش	ك	ر
ط	ب	ر	ق	ق	و	ب	ع	ع	ع	ش	ح	ر	ر	س	ر	ض	ر	ر	ر	ت	ر	ض	ر	س	ش	غ	ر	ل	ص
ر	ح	ع	ر	ا	د	ب	ل	د	ل	ر	ا	ش	م	م	ر	ص	ف	ذ	ح	د	ش	خ	ن	ش	ر	ص	ر	م	ض
م	ظ	د	د	م	و	ر	ق	ن	ق	ه	د	ش	ش	ش	ر	ر	خ	س	ب	ب	غ	ب	غ	ت	ش	ش	ذ	ع	ن
م	ب	ر	ش	ض	ح	ر	ف	خ	ن	ج	ش	ت	ض	ر	و	ر	ط	ت	و	د	ط	و	ع	ل	ر	ث	ع	س	خ
ش	ر	ر	ث	ر	غ	ص	ث	ت	ش	ش	ش	ر	ر	ش	ش	ت	ش	ص	ب	ص	ق	ص	ب	ت	ت	ش	س	س	ع
س	ر	ض	ر	ف	ر	ض	ر	س	ش	غ	ش	س	ص	ر	ط	ب	ق	ق	و	ق	ب	و	ع	ع	ح	ش	ر	ر	ف
م	ص	ر	ش	ا	د	ب	ل	د	ل	ر	ا	ش	م	م	ر	ص	ف	ذ	ح	د	ش	خ	ن	ش	ر	ص	ر	م	ض
ش	ر	ر	خ	س	ب	ب	غ	ت	ش	ش	ش	ع	ع	م	د	د	ظ	م	د	ظ	م	و	ر	ق	ن	ق	ه	ش	ق
ظ	غ	ت	ظ	ص	ر	ر	ر	غ	غ	ا	ث	خ	س	س	ص	ب	ش	ط	ش	ح	ر	ح	ش	س	خ	س	ظ	ع	ر
ط	خ	ط	ص	ب	و	ف	ص	خ	ظ	ذ	خ	ع	ع	د	د	ث	ح	د	ت	ح	ع	ق	ع	ص	ه	ح	ح	ش	ح
ث	د	ع	س	س	ت	خ	ع	ه	ش	ه	ش	ع	ع	م	د	ع	ص	ا	ص	ح	ب	ح	ن	ف	ن	ع	ع	ش	ت
ش	و	ذ	ث	ا	ت	ر	ظ	ن	ز	ت	ذ	ش	ش	د	ر	ب	ش	د	ح	و	ص	ب	ص	ب	ش	د	ت	ص	ث
م	ب	ر	ش	ض	ح	ر	ف	ن	ج	ش	ث	ض	ض	ر	و	ر	ط	ت	و	د	ظ	و	ع	ل	ر	ث	ع	ح	خ
ش	ر	ر	ث	ر	غ	ص	ث	ت	ش	ش	ش	ر	ر	ش	ش	ت	ش	خ	ص	ب	ص	ق	ض	ت	ت	ش	س	س	ذ
س	ر	ض	ر	ر	ر	ت	ر	س	ش	غ	ش	س	ص	ر	ط	ب	ق	ق	و	ق	ب	و	ع	ع	ح	ش	ر	ر	ض
م	ص	ر	ش	ا	د	ب	ل	د	ل	ر	ا	ش	م	م	ر	ص	ف	ذ	ح	د	ش	خ	ن	ش	ر	ص	ر	م	ظ
ش	ر	ر	خ	س	ب	ب	غ	ت	ش	ش	ش	ع	ع	م	د	ظ	م	د	ظ	م	و	ر	ق	ن	ق	ه	ش	ش	غ

(جدول حروف مستحضره با عدد - ه)

ع	ط	ص	ذ	ح	ث	ن	س	ر	ق	م	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا		
ش	ز	ث	ع	ح	ه	ر	ع	ا	م	ح	خ	ا	د	ن	ج	ش	ت	ظ	ط	ش	ص	ن	س	د	ت	ث	ظ	ا	
ت	ث	ش	ع	ص	ط	ح	ر	ط	ح	ن	ت	ع	ش	ت	ش	خ	ش	ا	ق	خ	ظ	ن	ث	ت	ت	ذ	ش	ب	
ع	ح	ش	ر	ر	ز	ح	ا	ا	د	ت	ش	ش	ع	ش	ظ	ش	ص	ش	ث	ظ	ش	ع	ت	ت	ا	ش	ق	ج	
ش	د	ا	ش	ب	ن	ه	ث	ح	م	ص	ب	ش	ن	ش	ق	ص	ض	ط	ه	ت	ن	ذ	س	ت	ش	ق	ظ	د	
ن	ع	ه	ص	ن	ر	ش	ر	ح	ر	س	و	ت	ت	ش	ش	ذ	ع	چ	چ	ا	چ	ا	ث	ت	ت	ن	ف	ه	
ع	ط	ح	ت	ع	ط	ش	د	ع	ع	ه	ا	ن	غ	غ	ا	ث	ظ	خ	ش	ش	ش	ا	ب	ا	خ	ا	ذ	و	
ص	ه	د	خ	ح	ن	ف	ر	ر	و	د	و	د	ي	ي	ظ	ن	ي	ع	ع	ز	ص	ز	ن	غ	غ	ف	ف	ز	
ن	ه	ا	ط	ب	ط	ح	ص	ت	و	س	ا	ت	خ	خ	ش	ع	ع	ع	ث	ه	ذ	ف	ن	ف	ت	ف	ف	ح	
ص	ش	ش	ح	ت	د	ر	ق	ح	ت	ط	ه	ت	ت	ز	ض	ب	خ	ش	ش	غ	س	غ	ث	ح	ن	ن	ت	ط	
ش	ر	ث	ع	ح	ه	ر	ع	ا	م	ح	ح	ا	ن	ج	ش	ت	ظ	ط	ش	ص	ن	خ	س	د	ت	ث	ظ	ي	
ت	ث	ش	ع	ط	ح	ط	ر	ر	ح	ن	ت	ع	ت	ش	ش	خ	ش	ا	ق	خ	ظ	ن	ث	ت	ت	ذ	ش	ك	
ع	ح	ش	ر	ر	ر	ح	ا	ا	د	ت	ش	ش	ع	ش	ظ	ش	ش	ش	ث	ظ	ش	ع	ت	ت	ا	ش	ل	ل	
ش	د	ا	ش	ب	ن	ه	ث	ح	م	ص	ب	ش	ن	ش	ق	ص	ض	ط	ه	ت	ن	ذ	س	ت	ش	ق	م	م	
ن	ع	ه	ص	ن	ر	ش	ر	ح	ر	س	و	ت	ت	ش	ش	ذ	ع	چ	چ	ا	چ	ا	ث	ت	ت	ن	ن	ن	
ن	ج	ش	ت	ظ	ط	ش	ص	ن	د	س	ت	ظ	ش	ر	ت	ع	ع	ه	ر	ع	ر	ا	م	ح	ا	خ	د	س	
ت	ش	ش	ش	خ	ش	ا	ق	خ	ت	ت	ت	ن	ش	ت	ش	ع	ص	ع	ط	ح	ر	ط	ر	ت	ح	ع	ع	ع	
ع	ش	ش	ظ	ش	ص	ش	ث	ظ	ت	ع	ش	ا	ع	ج	ش	ر	ر	ر	ح	ن	ا	ا	د	ن	ت	ش	ف	ف	
ن	ش	ق	ش	ص	ط	ه	ت	ن	س	ذ	ت	ه	ش	ن	ا	ش	ب	ش	ن	ه	ح	ن	م	ص	ب	ش	ن	ص	
ت	ش	ش	ع	ن	ع	چ	چ	ا	چ	ا	ح	ا	ن	ع	ه	ص	ن	ش	ش	ر	ح	ر	س	ر	و	ص	ق	ق	
غ	ا	غ	ا	ظ	خ	ش	ش	ا	ب	ا	خ	ب	ع	ط	ع	ت	ع	ط	ع	ش	ش	ا	ذ	ع	ع	ه	ا	ر	ر
ي	ظ	د	ي	ع	ظ	ن	ف	ن	غ	ض	ن	ف	ص	ه	ه	د	ح	د	ن	ف	ر	ف	ر	ط	و	د	ص	ش	ش
ت	ن	ا	ا	و	س	ن	ف	ه	ذ	ف	و	ف	ن	ن	ن	ا	ط	ب	ط	ح	ن	ص	ن	س	د	ا	ا	ت	ت
ت	ظ	ن	ه	ت	ح	ث	س	غ	ش	ن	غ	ض	ش	ص	ش	ت	ص	ن	ر	ق	ر	ح	ط	ح	و	د	ظ	ث	ث
خ	ن	ا	خ	ح	م	ح	ا	ت	د	س	د	ت	ش	ر	ت	ع	خ	ه	ر	ع	ا	ع	م	ح	ا	خ	ا	خ	خ
ت	ظ	ع	ن	ح	ن	ح	ط	ظ	ت	ت	ت	ن	ش	ت	ش	ع	ط	ظ	ح	ر	ط	ر	ن	ح	ن	ع	ظ	ن	ذ
ض	ش	ش	ش	ت	د	ا	ا	ت	ت	ع	ش	ا	ع	ح	ج	ش	ر	ر	ر	ح	ا	ا	د	ت	ش	ش	ش	ع	ض
ظ	ت	ش	ب	ص	م	ن	ت	ح	ه	ث	ب	ش	ن	ش	ا	ش	ب	ن	ه	ح	ن	م	ص	ب	ش	ن	ت	ظ	ن
غ	ن	ص	و	ر	ر	س	ر	و	غ	ض	ن	ف	ن	ش	ن	ع	ن	ز	ن	ش	ر	س	ر	و	ر	ص	ن	غ	غ

(جدول حروف مستحضره با عدد - 6)

ع	ط	ص	ذ	ح	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا		
ت	ح	ح	ا	ذ	و	ح	ا	ب	ن	ط	ذ	ب	ص	س	د	ت	ث	غ	ي	ت	ق	ض	ع	ه	ث	خ	ب	ا	غ
ث	ح	ت	ف	ع	ع	د	ع	ش	ح	ذ	ن	ش	ع	ث	ت	ت	ذ	ت	ب	ر	ز	غ	خ	ث	ث	ض	ب	ت	ب
ا	د	ت	ش	ش	ح	د	خ	ب	ب	ه	ن	ه	ن	ف	ت	غ	ت	ق	ت	خ	غ	ف	ت	ث	ب	ت	ر	ر	ج
ت	ص	ب	ت	ح	ح	و	د	خ	ن	ط	ح	ت	ن	س	ت	ر	ق	ظ	ي	و	ث	ض	ع	ث	ت	ر	ر	غ	د
س	ا	و	ط	س	ح	د	ش	ع	ش	ز	ش	ظ	ث	ث	ت	ض	ف	د	د	ب	د	خ	د	ث	ث	ظ	ص	ه	ص
ف	ع	د	ا	ث	ي	ت	ث	ف	ص	ا	و	ب	ا	ا	ب	خ	غ	ن	ت	ت	ب	ب	ج	ب	ن	ب	ب	و	و
ط	و	ذ	ص	ذ	ح	ص	ش	ع	ز	ع	ص	ط	ص	ك	ض	غ	ك	د	ح	ق	ر	ق	ض	ر	ظ	ص	ض	ز	ح
س	و	ب	ع	ج	ي	د	ق	ق	ع	ز	ع	ب	ن	ذ	و	ف	ف	خ	و	ض	و	ص	ص	ث	ص	ص	ص	ح	ح
ط	ت	ب	ث	ط	ص	ر	د	ع	و	ث	و	ع	ع	ث	ح	ظ	ح	ج	ت	ا	ع	خ	ع	ظ	ظ	ض	ث	ط	ي
ت	ح	ح	ا	ذ	و	ح	ا	ب	ن	ط	ذ	ب	ص	س	د	ت	ث	غ	ي	ت	ق	ض	ع	ه	ث	خ	ب	ا	غ
ث	ح	ت	ف	ع	ع	د	ع	ش	ح	ذ	ن	ش	ع	ث	ت	ت	ذ	ت	ب	ر	ز	غ	خ	ث	ث	ض	ب	ت	ك
ا	د	ت	ش	ش	ح	د	خ	ب	ب	ه	ن	ه	ن	ف	ت	غ	ت	ت	خ	غ	غ	ف	ت	ث	ب	ت	ر	ر	ل
ت	ص	ب	ت	ح	ح	و	د	خ	ن	ط	ح	ت	ن	س	ت	ر	ق	ظ	ي	و	ث	ض	ع	ث	ت	ر	ر	م	
س	ا	و	ط	س	ح	د	ش	ع	ش	ز	ش	ظ	ث	ث	ت	ض	ف	د	د	ب	د	خ	د	ث	ث	ظ	ص	ن	
س	د	ت	ث	غ	ي	ت	ق	ض	ع	ه	ث	ه	غ	ت	ح	ا	ح	و	د	ا	ح	ب	ن	ط	ذ	ب	ص	س	
ع	ت	ت	ن	ذ	ر	ب	ت	غ	خ	ث	ث	ث	ت	ت	خ	ع	ع	ع	د	ع	ع	ش	ش	د	ن	ف	ع	ع	
ف	ت	ت	ت	ه	ت	ب	ت	ق	ت	غ	غ	ث	ر	ا	د	ت	ش	ش	ح	د	ح	ب	ب	ه	ت	ت	ت	ف	
ص	ث	ت	ح	ط	ن	ح	د	و	ح	ح	ت	ب	ص	ت	ص	ب	ت	ح	ح	و	د	ح	ن	ج	ت	ت	ت	ص	
ق	ث	ظ	ز	ش	ع	ش	د	ب	د	خ	ث	ظ	ص	ا	س	ص	ظ	ر	ت	ت	ح	س	ط	و	ا	س	ر	ق	
ر	ب	خ	و	ا	ف	ص	ن	ب	ب	ج	ب	ب	ف	ف	ع	د	ن	ا	ي	ن	ن	ص	ف	ص	ا	ب	ر	ر	
ش	ص	ط	ص	ز	ع	ش	ع	ر	ق	ظ	ا	ص	ط	و	ط	د	ص	ح	خ	ص	ص	ش	ع	ر	ص	ظ	ش	ش	
ت	ث	ب	ب	ر	ع	ق	ح	و	ص	ز	ص	ص	س	و	ب	ع	ب	ي	د	ح	د	ق	ع	ر	ب	ب	ت	ث	
ث	ع	ح	و	ث	ع	د	ر	ع	ع	ط	ظ	ث	ط	ت	ب	ن	ب	ص	ظ	ر	ح	ص	د	ع	و	ح	ح	ث	
خ	ص	ب	ذ	ط	ن	ب	ا	ح	ه	ث	ه	غ	ت	ت	ح	ا	ح	و	د	ا	ح	ب	ن	ذ	ب	ص	خ	خ	
ذ	ع	ف	ن	د	خ	ش	ع	ش	غ	خ	ث	ث	ت	ت	خ	ف	ع	ع	د	ع	ع	ش	ع	د	ن	ف	ع	ذ	
ض	ت	ت	ت	ه	ت	ب	ت	غ	غ	ث	ب	ر	ا	د	ت	ش	ش	ح	د	ح	ب	ب	ه	ت	ت	ت	ت	ض	
ظ	ث	ت	ح	ط	ن	ج	و	ح	ح	ت	ت	ب	ص	ت	ص	ب	ت	ح	ح	و	د	ح	ن	ج	ت	ت	ت	ظ	
غ	ث	ظ	ز	ش	ع	ش	د	ب	د	خ	ث	ظ	ص	ا	س	ص	ظ	ر	ت	ت	ح	س	ط	و	ا	س	ر	غ	

(جدول حروف مستحضره با عدد - ۷)

ع	ط	ص	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	
ث	ط	ذ	ب	ض	ز	ب	چ	س	ي	ض	ف	چ	ظ	ع	ه	ث	ك	ا	ح	ر	ن	ط	ف	و	ج	د	ا	ا
خ	ذ	ث	ص	ا	ا	ه	ت	ذ	ض	ذ	خ	ا	ا	ح	ث	ض	ث	ش	ص	ا	ص	د	خ	ح	خ	ط	ب	ب
ب	ه	ث	ت	ت	ط	ه	چ	چ	و	خ	و	ث	ث	ص	ا	ر	ث	ر	ذ	ا	ص	ن	ص	ح	ج	ث	ش	چ
ث	ظ	چ	ث	د	ذ	ز	ه	ن	غ	س	د	خ	خ	ع	ث	ع	ر	ك	ع	ر	خ	ط	ف	ح	ن	ش	ا	د
ع	ب	ع	غ	ع	ط	ه	ت	ف	ت	ف	ح	غ	خ	ح	ث	ه	ه	ه	ه	ح	د	ه	د	خ	ح	ص	ج	ع
ص	ا	ص	خ	ب	ك	ث	ظ	ص	ب	ص	ظ	ب	چ	ب	ح	ا	د	ص	ث	ن	ح	ج	د	ص	م	ج	ط	و
غ	ز	غ	ض	ظ	ذ	ظ	ق	ا	ت	ح	ظ	غ	ظ	ل	ط	ا	ل	ص	ه	ر	ط	ش	ع	ب	ع	ط	ق	ز
ع	ز	ع	چ	د	ك	ه	ر	ف	ا	ح	چ	چ	خ	ص	ر	ص	ص	د	ر	ط	ق	ر	ط	ح	ح	ق	ق	ح
غ	ث	غ	خ	غ	ظ	ط	ش	ه	ا	خ	ز	ا	ا	ح	ط	ع	د	د	ب	ث	ق	ر	د	ي	ع	ط	خ	ط
ث	ط	ذ	ب	ض	ز	ب	چ	س	ي	ض	ف	چ	ظ	ع	ه	ث	ك	ا	ح	ر	ن	ط	ف	و	ج	د	ا	ا
خ	ذ	ث	ص	ا	ا	ه	ت	ذ	ض	ذ	خ	ا	ا	ح	ث	ض	ث	ش	ص	ا	ص	د	خ	ح	خ	ط	ب	ب
ب	ه	ث	ت	ت	ط	ه	چ	چ	و	خ	و	ث	ث	ص	ا	ر	ث	ر	ذ	ا	ص	ن	ص	ح	ج	ث	ش	چ
ث	ظ	چ	ث	د	ذ	ز	ه	ن	غ	س	د	خ	خ	ع	ث	ع	ر	ك	ع	ر	خ	ط	ف	ح	ن	ش	ا	د
ع	ب	ع	غ	ع	ط	ه	ت	ف	ت	ف	ح	غ	خ	ح	ث	ه	ه	ه	ه	ح	د	ه	د	خ	ح	ص	ج	ع
ع	ه	ع	ن	ك	ا	ر	ر	ف	و	ف	د	ا	ا	ط	ث	ب	ز	ض	ب	ن	ط	ب	چ	س	ي	ض	چ	ظ
خ	ث	خ	ص	ث	ح	ش	ص	ا	د	ح	خ	خ	ن	خ	ذ	ث	ص	ا	ا	ص	ن	ا	ت	ذ	ض	خ	ا	ع
ص	ا	ص	ا	ر	ر	د	ا	ص	ن	ح	ح	ص	ش	ب	ه	ث	ت	ت	ط	ه	ذ	چ	چ	ه	چ	ث	ث	ف
ع	ث	ع	ش	ع	ر	ك	ع	ر	ف	ظ	ح	ف	ا	ث	ظ	چ	ث	د	ذ	ز	ن	ه	ن	س	ذ	د	خ	ص
خ	ث	خ	ظ	ن	ص	ه	ه	ح	د	ه	د	ع	ق	ع	ب	ع	ط	ع	خ	خ	ع	ق	ت	ف	ا	ح	ج	ق
ب	ح	ب	ا	ص	ث	ت	ح	ح	د	ح	ص	ط	ظ	ص	ا	ص	ك	ب	خ	ه	ا	ص	ه	ب	ز	ن	ج	ر
ل	ظ	غ	ظ	ح	ا	ت	ق	ظ	ن	ض	ظ	ض	غ	ز	غ	غ	ظ	ط	ش	ر	ط	ه	ص	ظ	ا	ح	ظ	ش
ت	خ	چ	چ	ح	ف	ا	ر	ر	ذ	ه	ك	د	ا	ع	ز	ع	ق	ق	ح	ح	خ	ط	ق	ف	ا	ح	چ	ت
ث	ا	ن	ز	خ	ا	ه	ش	ط	ظ	غ	خ	چ	ث	غ	ث	غ	خ	خ	غ	غ	ظ	ط	ا	ه	ش	ب	ا	خ
خ	ظ	چ	ض	ي	س	چ	ب	ط	ز	ض	ب	ن	ط	ث	ا	د	ح	و	ف	ص	ر	ر	س	ي	ض	چ	ظ	ن
ذ	ا	ر	خ	ض	ن	ا	ت	ا	ه	ا	ا	ا	ا	خ	ذ	ث	ص	ا	ا	ص	ن	ا	ت	ذ	ض	خ	ا	ع
ض	ث	ث	خ	و	چ	چ	و	ص	ن	ح	ح	ص	ش	ب	ه	ث	ت	ت	ط	ه	ذ	چ	چ	ه	چ	ث	ث	ض
ظ	خ	ث	د	غ	س	ذ	ه	ن	غ	س	د	ا	ا	ظ	ث	ظ	چ	ث	د	ذ	ز	ن	ه	ن	س	ذ	د	ع
غ	خ	غ	ح	ت	ا	ت	ف	ا	ح	خ	ح	ع	ق	ع	ب	ع	ط	ع	خ	خ	ع	ق	ت	ف	ا	ح	ج	غ

(جدول حروف مستحصره با عدد - ۸)

ع	ط	ص	ذ	ح	ث	ت	س	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ك	ي	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا			
خ	ي	ض	ج	ط	ح	ي	ح	د	ع	ك	ظ	د	ع	ف	و	ن	ن	ب	ل	ن	ن	ش	غ	ص	ز	ذ	ض	ب	ا	
ذ	ص	ح	ق	ب	و	ب	ث	ص	ظ	د	ظ	ش	ب	ذ	ن	ن	ظ	ن	د	ت	ظ	ب	ض	ذ	ذ	ن	غ	ب	ب	
ج	و	و	ث	ث	ي	و	د	د	ر	ر	د	ح	خ	ق	ن	ب	ن	ش	ن	ض	ب	ن	ق	ذ	ذ	ذ	ن	ت	ج	د
ح	ع	د	ح	ه	ص	ح	ص	ع	ا	ا	ه	د	ن	ف	ن	ت	ش	ا	ل	ح	ن	غ	ص	ذ	ث	ث	ب	ر	ه	
ف	ح	ح	ا	ف	ي	و	ث	ص	ظ	ث	ا	د	ذ	ن	ن	ن	غ	و	و	و	و	د	و	ذ	ذ	ا	ر	ر	ه	
ق	ب	و	ذ	ح	ل	ذ	ع	ق	ج	ح	ح	ص	د	ج	د	ب	ب	ظ	ن	خ	ن	د	ن	ه	ظ	ن	غ	و	و	
ا	ح	ط	ع	ط	ص	ر	ع	ب	ط	ع	ا	ع	م	م	م	م	م	ق	و	ي	ي	ج	غ	ا	ج	غ	ر	ر	ز	
ف	ح	د	ب	ه	ل	و	ص	ش	ط	د	د	د	ظ	ظ	ح	ن	ق	ض	ن	ج	ر	غ	ط	ذ	ذ	ن	ر	ر	ح	
ا	ح	د	د	ا	ع	ت	و	ت	د	د	ح	ب	ي	ذ	ي	ظ	ا	ه	ض	ن	ج	ص	ك	ك	ا	غ	ن	ط	ط	
ح	ي	ص	ج	ط	ح	ي	ج	د	ع	ك	ظ	د	ع	ف	و	ن	ن	ب	ل	ن	ش	ن	ص	ز	ذ	ض	ب	ب	ي	
ذ	ص	ح	ق	ب	و	ب	ث	ص	ظ	د	ظ	ش	ب	ذ	ن	ن	ظ	ن	د	ت	ظ	ب	ص	ذ	ذ	ن	غ	ب	ك	
ج	و	و	ث	ث	ي	و	د	د	ر	د	ر	ح	خ	ق	ن	ب	ن	ن	ن	ن	ض	ب	ن	ذ	ذ	ن	ت	ل	ل	
ح	ع	د	ح	ه	ص	ح	ص	ع	ا	ه	د	ح	د	ف	ن	ن	ش	ا	ل	ح	ن	غ	ص	ذ	ث	ث	ب	م	م	
ف	ح	ح	ا	ف	ي	و	ت	ص	ظ	ا	ط	د	ذ	ن	ن	ن	غ	و	و	و	د	و	ض	ذ	ذ	ا	ر	ر	ن	
ف	و	ن	ن	ب	ل	ش	غ	ص	ن	ز	ذ	ذ	ب	خ	ي	ص	ج	ط	ح	ي	ح	د	ع	ك	ط	د	ع	س	س	
ذ	ن	ن	ظ	ن	د	ظ	ب	ض	ذ	ذ	ذ	ن	خ	ذ	ص	ح	ق	ب	ب	و	ب	ث	ص	ظ	د	ش	ب	ع	ع	
ق	ب	ب	ن	ب	ش	ن	ب	ق	ذ	ذ	ذ	ت	ج	و	و	ث	ث	ي	و	و	د	ص	ر	ر	ذ	ح	ح	ف	ف	
ف	ا	ا	ش	ا	ل	ح	ن	ص	ن	ث	ث	ب	ع	د	ع	د	خ	ه	ص	ح	و	ص	ا	ع	ه	ذ	خ	م	ص	
ن	ن	ن	غ	ن	و	و	و	ض	ذ	ذ	ذ	ر	ف	ح	ح	ا	ف	ي	ف	ا	ح	ث	ص	ظ	ا	ط	ق	ق	ق	
ج	د	ص	ب	ظ	ن	ن	د	د	ظ	ه	ذ	ذ	ق	ب	ب	و	ذ	ل	ح	ل	ذ	ع	ق	ج	ح	ص	د	ر	ر	
م	م	ع	ا	ع	ط	ب	ث	غ	ا	ج	چ	ر	ا	ح	ا	ط	ع	ص	ط	ع	ر	ن	ب	ط	ع	ا	ع	ش	ش	
ظ	ح	د	ق	ق	ض	ح	ر	غ	ظ	ذ	ر	ر	ف	د	ح	ب	ه	ل	و	ص	ش	ص	ط	د	د	د	ت	ت	ت	
ذ	ي	ا	ظ	ه	ض	ج	ص	ض	ك	ا	غ	ذ	ا	ح	د	ذ	ا	ع	ي	ع	ت	و	ب	ذ	ح	ص	ب	ث	ث	
ف	و	ن	ن	ب	ل	ش	ن	ص	ظ	ذ	ز	ذ	ب	خ	ي	ص	ح	ط	ح	ي	ح	د	ع	ك	ط	د	ع	خ	خ	
ذ	ن	ن	ظ	ن	د	ظ	ب	ض	ذ	ذ	ذ	ن	ذ	ص	ذ	ق	ح	ب	ب	و	ب	ث	ص	ظ	ذ	ش	ب	ذ	ذ	
ق	ب	ب	ن	ن	ض	ب	ن	ق	ذ	ذ	ذ	ت	ج	و	و	ث	ث	ي	و	و	د	ص	ر	ر	ذ	ح	ح	ض	ض	
ظ	ن	ن	ش	ا	ل	ح	ن	ص	ث	ث	ا	ب	ع	د	ع	د	خ	ه	ص	ح	و	ص	ا	ع	ه	ذ	ذ	ظ	ظ	
ن	ن	ن	غ	ن	و	و	و	ض	ذ	ذ	ذ	ر	ف	ح	ح	ا	ف	ي	ف	ا	ح	ث	ص	ظ	ا	ط	ذ	ذ	غ	

(جدول حروف مستحصره با عدد - ۹)

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ي	ك	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	س	ت	ث	ج	د	ص	ظ	ع	
ا	چ	ظ	ض	ح	ق	ا	ت	ذ	م	چ	ض	ذ	ز	ص	ا	ه	ع	ل	ف	ه	د	ك	ط	ع	د	ط	ك	د	
ب	ذ	ا	ض	ض	ظ	چ	غ	ث	ه	ذ	غ	ذ	ذ	ض	ح	ت	ص	ع	ط	خ	ج	ر	ج	ر	د	ط	ص	ص	
ج	ث	ذ	ه	ض	ر	ذ	چ	ظ	ذ	ت	ذ	چ	ذ	ر	د	د	ص	ح	ه	ه	ط	ز	ك	خ	د	ز	د	د	
د	چ	ث	خ	ض	ق	ا	ض	ط	م	ب	ت	ث	ذ	ص	ص	د	و	ب	ف	ظ	ر	ط	ط	و	د	ا	د	د	
ه	ش	ب	ض	ض	ظ	ز	ه	ز	ز	ر	ا	ذ	ذ	ض	ص	ب	ي	ح	ق	خ	ر	د	ك	ص	ب	ط	د	ص	
و	ا	ه	غ	و	ه	ه	ذ	ذ	غ	چ	ظ	ه	د	د	ه	ط	د	ر	ا	ص	د	م	د	ص	ر	ح	ر	ر	
ز	ش	ا	د	ب	ا	ث	ك	ز	ر	ن	چ	ا	ن	ا	ب	ا	ي	ج	خ	ش	ا	ط	ع	ع	ط	ب	ب	ب	
ح	ش	ش	ض	ي	ا	ش	ط	ا	ظ	ر	ر	ذ	غ	ص	ه	ي	ق	ت	ظ	ر	م	و	ج	ه	ط	ص	ص	ص	
ط	ض	ا	ب	ل	ظ	ق	د	ذ	ظ	و	غ	ب	ك	ض	ح	ط	ط	ص	ج	ر	ث	ك	ا	ب	ص	ه	د	ب	
ي	چ	ظ	ض	ح	ق	غ	ت	ذ	م	چ	ض	ذ	ز	ص	ا	ه	ع	ل	ف	ه	د	ك	ط	ع	د	ط	ك	د	
ك	ذ	ا	ض	ض	ظ	چ	غ	ث	ه	ذ	غ	ذ	ذ	ض	ح	ت	ص	ع	ط	خ	ج	ر	ج	ر	د	ط	ص	ص	
ل	ث	ذ	ه	ض	ر	ذ	چ	ظ	ذ	ذ	ذ	چ	ذ	ر	د	د	ص	ح	ه	ه	ط	ز	ك	خ	د	ز	د	د	
م	چ	ث	خ	ض	ق	ا	ض	ط	م	ب	ت	ث	ذ	ص	ص	د	و	ب	ف	ظ	ر	ط	ط	و	د	ا	د	د	
ن	ش	ب	ض	ض	ظ	ز	ه	ز	ز	ر	ا	ذ	ذ	ض	ص	ب	ي	ح	ق	خ	ر	د	ك	ص	ب	ط	د	ص	
س	ا	ه	ع	ل	ف	ه	د	ك	ط	ع	د	ط	ك	د	چ	ظ	ض	ح	ق	ا	ت	ذ	م	چ	ض	ذ	ز	ص	
ع	ح	ت	ص	ع	ط	ح	ج	ر	ج	ر	ح	ر	د	ط	ص	ذ	ا	ض	ض	ظ	چ	غ	ث	ه	ذ	غ	ذ	ذ	ض
ف	ذ	د	ص	ح	ه	ه	ط	ز	ك	خ	خ	د	ر	د	ث	ذ	ه	ض	ر	ذ	چ	ظ	ذ	ت	ذ	چ	ذ	ر	
ص	ص	د	و	ب	ف	ظ	ر	ط	ط	و	د	ه	ا	ذ	چ	ث	خ	ض	ق	ا	ض	ط	م	ب	ت	ث	ذ	ص	
ق	ص	ب	ي	ح	ق	خ	ر	ذ	ك	ص	ب	ط	د	ص	ش	ب	ض	ض	ظ	ز	ه	ز	ر	ا	ذ	ذ	ذ	ض	
ر	ه	ط	ط	د	ر	ا	ص	د	م	د	ص	ر	ح	ر	ا	ه	غ	و	ه	ه	ذ	ذ	ذ	غ	چ	ظ	ه	د	
ش	ا	ب	ا	ي	ح	ج	ش	ا	ط	ع	ا	ع	ط	ب	ش	ا	د	ب	ا	ث	ت	ك	ز	ر	ن	چ	ا	ن	
ت	ص	ه	ه	ي	ق	ت	ظ	ر	م	و	ج	ه	ط	ص	ش	ش	ض	ي	ا	ش	ط	ا	ظ	ر	ر	ذ	غ	غ	
ث	ح	ط	ط	ص	ح	ر	ث	ك	ا	ب	ص	ه	د	ب	ض	ا	ب	ل	ظ	ق	د	ذ	ظ	و	غ	ب	ك	ض	
خ	ا	ه	ع	ل	ف	ه	د	ك	ط	ع	د	ط	ك	د	چ	ظ	ض	ح	ق	غ	ت	ذ	م	چ	ض	ذ	ز	ص	
ذ	ح	ت	ص	ع	ط	خ	ج	ر	ج	ر	ح	ر	د	ط	ص	ذ	ا	ض	ض	ظ	چ	غ	ث	ه	ذ	غ	ذ	ض	
ض	ذ	د	ص	ح	ه	ه	ط	ز	ك	خ	خ	د	ر	د	ث	ذ	ه	ض	ر	ذ	چ	ظ	ذ	ت	ذ	چ	ذ	ر	
ظ	ص	د	و	ب	ف	ظ	ر	ط	ط	و	د	ه	ا	ذ	چ	ث	خ	ض	ق	ا	ض	ط	م	ب	ت	ث	ذ	ص	
غ	ص	ب	ي	ح	ق	خ	ر	ذ	ك	ص	ب	ط	د	ص	ش	ب	ض	ض	ظ	ز	ه	ز	ر	ا	ذ	ذ	ذ	ض	

روش استخراج حروف مستحصه:

سطر سیزدهم حروف مستحصه ما بودند و سطر چهارم به قاعده این روش، حروف «مستحصه» بوده و سطر پانزدهم نظیره حروف و جواب خواهد بود.

حروف «مستحصه» یعنی حروفی که حاصل کارند. کلمه مستحصه عربی بوده و به معنی «حاصل شده» است. حروف مستحصه واسطه ای هستند که شما به کمک آنها جواب را در قالب کلماتی که به زبان شما قابل فهم هستند بیان می کنید. بنابراین یک فرد کرد و یا ترک می تواند پاسخ را به زبان خود دریافت کند. درست مثل شما که می توانید به زبان فارسی جواب بگیرید.

قبل از اینکه چگونگی استخراج حروف مستحصه را شرح دهیم لازم است بادایره «انسغ» آشنا شوید.

دایره «انسغ» بر اساس کواکب هفتگانه بنا شده است. به عبارت دیگر در نجوم قدیم به هفت کواکب معتقد بودند. این هفت سیاره به ترتیب عبارت بودند از: زحل - مشتری - مریخ - شمس - زهره - عطارد - قمر. حروف دایره اجد را بین این هفت کواکب تقسیم کرده اند و به هر سیاره ای ۴ حرف رسیده است، به این شکل که ملاحظه می کنید:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

نام «انسغ» از چهار حرف اول این دایره گرفته شده.

این دایره، دایره ای است که حروف مستحاصله از آن استخراج شده و همچنین در آن امتحان میشوند. روش آن نیز بسیار ساده است و در درجه اول به الطاف الهی و در مرحله بعد فقط به حواسی جمع و تمرین زیاد نیاز دارد.

چگونگی جمع آوری حروف مستحاصله از دایره « انسغ »:

حال فقط به حروف اساس و نظیره و مستحضره نیاز داریم. پس ابتدا آن جدول را رسم می کنیم.

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	اساس	ط	ا	ق	ف	ب	غ	ی	ن	ل	و	ک
۳	نظیره	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ
۱۳	حروف مستحضره	ز	ر	ن	ر	خ	ق	ن	ن	ش	ذ	ت

استخراج حروف مستحاصله را می توانید از طرف چپ و یا راست شروع کنید به ترتیب شماره هر حرف و از راست به چپ اقدام به انتخاب حروف مستحاصله کنید.

مرحله اول ، چگونگی نسبت دادن حروف با یکدیگر.

نسبت دادن حروف به یکدیگر به این شکل است که، ابتدا اولین حرف مستحضره را در نظر داشته و آن را با یکی از حروف اساس و یا نظیره بالای سر آن در دایره ابجد از نظر شمارش می سنجید؛ به عبارت دیگر فاصله حروف را با هم می شمارید که چند حرف با هم فاصله دارند. به این شکل که شما باید از بین این دو حرف اساس و نظیره ، آن حرفی را که کمترین فاصله را با حرف مستحضره داشته باشد انتخاب کنید. حداکثر فاصله باید ۷ گام باشد. مثلاً اگر حرف مستحضره ما « ن » بوده و اساس و نظیره آن هم « ذ - ک » باشد، در آن صورت حرف « ن » به کاف نزدیکتر است. در دایره ابجد این شمارش را بهتر خواهیم دید.

روش شمارش حروف در دایره ابجد

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

فاصله حرف « ن » از حرف « ک » فقط ۳ شماره است. خود حرف « ن » را در نظر نمی گیریم. این عدد را « بعد ابجدی » می گوئیم.

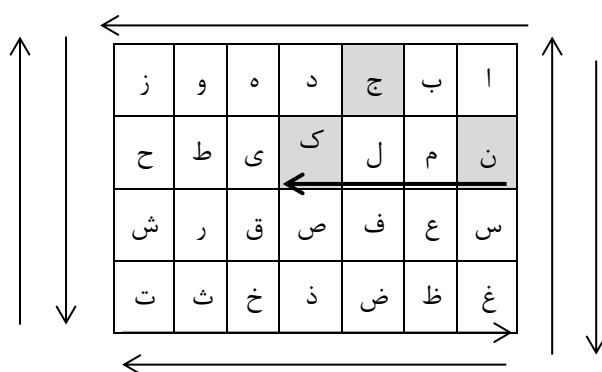
اکنون اگر می خواستیم فاصله حرف « ن » تا « ذ » را بشماریم رقم ۱۱ به دست می آمد که بیشتر از عدد حداکثر ما (یعنی عدد ۷) بود.

مرحله دوّم ، چگونگی انتخاب حروف مستحصلات خام از دایره انسغ:

حال با عدد ۳ باید برای حرف « ن » حروف مستحصله « خام » جمع کنیم. حداقل چهار و حداکثر ۷ حرف می توانیم بعنوان مستحصله جمع کنیم. این حروف را از دایره « انسغ » برخواهیم چید به روشی که عرض خواهیم نمود. اما قبل از آن لازم است با نحوه شمارش در دایره انسغ آشنا شوید.

روش شمارش حروف در دایره انسغ:

شمارش در دایره انسغ به این صورت است که ملاحظه می کنید:



توضیح :

اگر از همان حرف « ن » که مثال زدیم بخواهیم مستحصلات خام به دست بیاوریم می توانیم در جهت‌های مختلف به شمارش عدد ۳ حرف جمع کنیم. مثلاً یکی از حروف مستحصله در اینجا حرف « ک » خواهد بود. دیگری می تواند حرف « ج » باشد. اگر رو به بالا بشماریم .

شمارش حروف در دایره انسخ می تواند به صورت مستقیم، یعنی عمود از بالا به پائین و بالعکس و یا به شکل افقی از راست به چپ و بالعکس و همچنین به صورت دایره ای در جهت حرکت عقربه های ساعت و یا خلاف جهت حرکت آن باشد. در همان مثال ببینید چند حرف می توانند مستحصله خام حرف « ن » باشند؟ دو حرف را که قبلاً گفتیم ، یعنی حروف « ک-ج » حال به حروف دیگر توجه کنید.

حرف « میم »

ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

حرف « م » در کنار حرف « ن » قرار گرفته ، اما اگر اینگونه بشماریم خواهید دید که حرف « م » هم می تواند بعنوان مستحصله خام حرف « ن » به حساب آید. به شکل توجه کنید:

اگر از حرف « ن » رو به بالا بشماریم به این شکل: (ن-ا-ب) حرف « م » سومین حرف خواهد بود. همچنین اگر از حرف « ن » به پائین بشماریم هم باز حرف « م » و « س » می توانند مستحصله خام باشند. به این شکل: (ن-س-ع-م) و (ن-م-ع-س). پس به این شکل ما حداقل ۴ و حداکثر هفت حرف مستحصله خام جمع می کنیم.

توضیح در باره مستحصلات خام:

استخراج حروف مستحصله یا جواب، در جفر پانزده سطری دو مرحله دارد.

مرحله اول : در گام اول ما حرف مستحصله را از دایره انسخ انتخاب می کنیم.

مرحله دوّم : در مرحله بعد باید حرفی که بعنوان مستحصله انتخاب شده امتحان شود تا معلوم گردد که آیا می تواند بعنوان حرف مستحصله حتمی مورد استفاده قرار بگیرد یا خیر؟ این کار با استفاده از حروف میزان که همان حروف قرآنی هستند انجام می گیرد. در روشی که سؤال در باره امام زمان مطرح شده ، فقط در باره یک حرف مستحصله بحث شده و بخاطر همین است که استخراج مستحصله در آن روش سخت تر از بقیه روشهای پانزده سطری است. اما در روش ما، شما می توانید چند حرف را بعنوان مستحصله خام در نظر داشته باشید و سپس آنها را امتحان کنید. در این صورت یکی از آنها حتماً مستحصله اصلی خواهد بود.

مرحله سوّم ، حروف میزان و چگونگی امتحان حروف مستحصلات خام.

قبل از این درباره انتخاب حروف قرآنی توضیح دادیم. حال باید اضافه کنم که این حروف بعنوان میزانی برای سنجش بقیه حروف بکار می روند. به این شکل که، ما چهارحرف قرآنی داریم که هرکدام از آنها به یک عنصر تعلق دارد.

پس از اینکه ما مستحصلات خام را جمع کردیم نوبت امتحان حروف است. برای این کار ابتدا حرفی از حروف اساس یا نظیره را که حرف مستحضره را با آن سنجیده بودیم در نظر گرفته و حرف هم عنصر آن را در میان چهار حرف قرآنی پیدا می کنیم.

بعنوان مثال اگر چهار حرف قرآنی ما باشند : **ا ب ج د** و حرفی که در اساس بود و ما حرف « ن » را به آن نسبت دادیم هم « ک » باشد، در این صورت هم عنصر حرف « ک » در میان چهار حرف قرآنی ، حرف « ج » خواهد بود. حال فاصله حرف « ج » را با حرف مستحضره که « ن » بود در دایره ابجد می شماریم. به هر عددی که رسیدیم آن را می نویسیم. (در اینجا دیگر عدد حداکثر نداریم. یعنی آن ممنوعیت عدد ۷ که فاصله بین حروف اساس و نظیره و حرف مستحضره نباید از عدد ۷ بیشتر باشد در اینجا لحاظ نمی شود) در این مثال ما فاصله بین حرف « ج » و « ن » را در دایره ابجد شمردیم و

عدد ۱۱ به دست آمد. عدد قبلی ما ۳ بود (که حاصل شمارش بین حرف « ن » و حرف « ک » بود)
این دو عدد را یکبار با هم جمع بسته و یکبار هم از هم کم می کنیم به این شکل :

$$۱۱ = ۳ + ۱۴ \text{ و } ۱۱ = ۳ - ۸$$

سپس در دایره انسغ از حرف « الف » در جهت‌های مختلف می شماریم و هر گاه شمارش ما به حرفی
مطابقت کرد که آن حرف جزو مستحصلات خام ما بود آن حرف را بعنوان مستحصله حتمی در نظر
می گیریم. یعنی چه عدد بیشتر و چه عدد کمتر، هر کدام که به حرف مورد نظر برسند آن حرف
مستحصله می باشد. تمام رموز راز استخراج مستحصله در جفر پانزده سطری در تمام روشهای آن
همین است ؛ نحوه شمارش از حرف « الف » در دایره انسغ

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

وقتی که شما حروفی را یا حرفی را بعنوان مستحصله خام در نظر گرفتید باید آن حرف امتحان شود
و امتحان آن به این صورت است که در دایره انسغ حروف با یکدیگر ارتباط دارند. یعنی وقتی شما از
حرفی به حروف دیگر شمارش انجام بدهید متوجه می شوید که حروف در شمارش به هم می
رسند. مثلاً اگر مستحصله خام شما حرف « ن » باشد. در شمارش از حرف « الف » که سرآغاز
شمارش در دایره انسغ میباشد باید عدد شمارش شما یکی از آن دو عددی باشد که قبلاً گفته شد.
یعنی این دو عدد فرضی : $(۱۱ = ۳ + ۱۴)$ و $(۱۱ = ۳ - ۸)$. به عبارت دیگر از حرف « الف » که در
دایره انسغ می شمارید باید یکی از این شمارشها به حرف « ن » ختم شود. اگر اینگونه نشد پس این
حرف مستحصله نیست و شما می توانید مستحصلات بعدی را امتحان کنید. روش شمارش هم به
همان صورتی است که قبلاً گفته شد. حال برای نمونه از حرف « الف » شروع به شمارش می کنیم تا
ببینید که این اعداد به کدام یک از حروف ختم می شود.

ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

شمارش اول را به صورت عمودی انجام می دهیم به این شکل :

ان س غ ب م ع ظ ج ل ف ض د ک .

در اینجا عدد ۱۱ و یا ۱۴ هیچ کدام به حرف مستحاصله فرضی ما ختم نمی شوند. اما در شمارش بعدی اینگونه می شماریم .

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

در اینجا شمارش به حرف مورد نظر ختم شد. پس به این صورت می توان در دایره انسغ شمرد. در موقع شمردن یکبار می توانید حرف « الف » را در نظر بگیرید و یکبار هم نه، یعنی اگر با در نظر گرفتن یا نگرفتن این حرف، شمارش شما به حرف مطلوب ختم می شود همان درست است و این همان قاعده ای است که می گویند یک حرف کم کنید یا زیاد تا به مستحاصله برسید.

چگونه از قبل مستحصالات خام را بسازیم:

شما می توانید جدولی بسازید و ابتدا مستحصالات خام هر حرف را شمرده و در جلوی آن یاد داشت کنید. شمارش شما از عدد ۷ نباید تجاوز کند. مثلاً می خواهیم مستحصالات خام حرف « الف » را به دست بیاوریم. برای اینکار به این شکل عمل می کنیم. ابتدا از عدد یک شروع کرده و در دایره انسغ تمام حروفی را که یک شماره با حرف « الف » فاصله دارند را بعنوان مستحصالات خام در نظر می گیریم. در این صورت این حروف را خواهیم داشت :

جدول ۱

ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

حال شماره ۲ را در نظرمی گیریم. مستحصلات ما اینها خواهند بود:

جدول شماره ۲

ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

در شمارش ۳ مستحصلات ما اینها هستند :

جدول شماره ۳

ز	و	ه	د	ج	ب	ا
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

به نحوه شمارش دقت کنید. (ا - ن - م) و (ا - ن - ب) یعنی در تمام جهات می توان شمرد. بهمین شکل تا عدد ۷ می توانید مستحصلات خام بشمارید. تعدادی از این مستحصلات خام حذف می شوند و تنها تعداد محدودی باقی می ماند که بعنوان مستحصلات اصلی مورد استفاده قرار میگیرند.

اسرار استخراج مستحصله جفر

راز اول (حروف دوست و دشمن)

شاید شما هم بسیار شنیده باشید که هر کس در جفر می تواند به هر زبانی سؤال مطرح کرده و به زبان خود جواب استخراج کنید. این امر کاملاً درست بوده و بهترین جواب برای کسانی است که ادعا می کنند جفر فرمول دارد. اگر جفر برای استخراج حروف مستحصله دارای یک فرمول ریاضی

بود، چگونه امکان داشت که آن فرمول تشخیص بدهد که این سوال به چه زبانی طرح شده تا به همان زبان جواب استخراج شود.

اما از آنجایی که استخراج جواب براساس الهام صورت می گیرد، لذا هر جفاری به هنگام استخراج جواب سؤال، حروف را به گونه ای انتخاب می کند که به زبان خودش معنی بدهد.

راز این کار فقط در یک قانون بسیار ساده نهفته است. نام آن، «**قانون حروف دوست و دشمن**» است.

حروف دوست و دشمن به زبان خیلی ساده یعنی اینکه، در هر زبانی حروف خاصی کنار هم قرار داده می شوند تا کلمات ساخته شده با معنی باشند. مثلاً در زبان فارسی ما هرگز کلمه ای نداریم که از این حروف ساخته شده باشد: (طظطضض) این حروف از نظر دستور زبان ما بسیار بی معنی می باشند. مگر اینکه حروفی رمزی باشند که در این صورت حساب آن جداست. اما در مکالمات روزمره و در هیچ کتاب لغتی چنین کلمه ای وجود ندارد و یافت نخواهد شد.

اولین و آخرین قدم شما برای استخراج مستحصله جفر در هر روشی به این وابسته است که تا چه اندازه از این اصل باخبرید؟ زیرا اگر از این موضوع مطلع نباشید موقع استخراج حروف مستحصله، مُشتی حروف بی معنی را که ظاهراً از نظر قاعده استخراج درست انتخاب شده اند در کنار هم قرار خواهید داد و در آخر می بینید که به جواب نرسیده اید. اما حالا با آگاهی از این قانون تمام حروف شما به درستی انتخاب و استخراج شده و جواب پشت سرهم و شفاف ظاهر می گردد. این عمل به دو موضوع وابسته است، ۱- آگاهی از اصل حروف دوست و دشمن، ۲- روش استخراج و قراردادن حروف مستحصله در کنار یکدیگر. حال قبل از اینکه دومی را هم توضیح دهم، ابتدا به مسئله دوستی و دشمنی حروف می رسیم. این کار بسیار ساده است.

همین الان قلم و کاغذ برداشته و جدول دوستی و دشمنی حروف را به این صورت رسم کنید.

حرف	دوست
الف	ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ض ظ غ

اکنون مقابل این حرف، تمام حروفی را که می توانند در کنار حرف الف قرار گرفته و کلمات با معنی بسازند را در جدول وارد کنید. خود الف نمی تواند قرار بگیرد. زیرا دو الف در کنار هم هیچ معنایی

ندارند. اما حروف داخل جدول می توانند جزو دوستان بوده در کنار الف قرار بگیرند. علت قرار گرفتن چند تا از آنها را در ذیل توضیح داده ایم.

ب = این حرف می تواند پس از الف قرار بگیرد. زیرا کلمات زیادی با این حرف ساخته می شود. از قبیل : آب - آبی - آبان - آبادان - آبادانی و غیره ... !

ج = اجبار - اجرت - اجتهاد - اجازه و غیره ... !

د = ادب - آداب - ادبی - اداره - ادیب - ادوار و غیره ... !

ه = آه - آهی - آهو - اهواز - اهرم - اهمال - اهمیت و غیره ... !

به همین صورت می توان برای حروف دیگر دوستان آن را یافته و در جدول نوشت.

حال شما می دانید که به هنگام استخراج حروف مستحصله چه حرفهایی را باید استخراج کنید که بعد از اینکه در کنار هم قرار گرفتند تشکیل کلمات با معنی بدهند. این تمام راز استخراج حروف مستحصله بود.

راز دوم (چینش حروف مستحصله)

اگر از این راز با خبر شوید در عرض چند روز موفق به استخراج حروف مستحصله می شوند. این راز بزرگ در چینش حروف جواب یا مستحصله نهفته است. چهار حرف را می توان به سادگی از یک طرف چیدوبه یک کلمه با معنی رسید. مثلاً اگر از سمت راست شروع به استخراج حرف مستحصله کنم و حروف اول و دوم من اینها باشند: ض غ ، نظیره آنها هم ل ن ، خواهند بود. پس تشخیص دو حرف بعدی خیلی آسان است. یعنی خود بخود دو حرف بعدی استخراج شده و احتیاج به این نیست که ما ساعتها زحمت کشیده و آنها را به دست بیاوریم. زیرا دو حرف که کنار هم قرار می گیرند حروف بعد از خود را مشخص می سازند. در این مثال دو حرف بعدی س س هستند که وقتی در کنار دو حرف قبلی قرار بگیرند و نظیره شده و صدر و موخر شوند این کلمه را می سازند : **آلان**

س	س	غ	ض	مستحصله
ا	ا	ن	ل	نظیره
ن	ا	ل	ا	جواب

پس در استخراج مستحصله دو حرف می تواند سرنوشت حروف بعد از خود را نیز مشخص کند.

یک نکته خیلی مهم

گفتیم که امکان ندارد حروف مستحصله را از یک سمت استخراج کرد و به جواب رسید. اما در اینجا فقط به دو شرط این کار امکان پذیر است و آن هم به این صورت است که شما تمام ترکیبات معنی دار حروف از چهار چهار تا مثلاً ۳۰ در ۳۰ را بسازید و حروف سؤال خود را مطابق آن مستحصله سازی کنید.

مطلب این است: فرض کنید که شما یک سؤالی طرح می کنید که فقط ۷ حرف دارد. مثل این سؤال: خدا کیست؟ حال اولین مطلبی که باید بدانید این است که پاسخ این سؤال هم قاعدتاً ۷ حرف است. پس اگر شما کتاب جفر جامعی در اختیار داشته باشید که در هر خانه آن یک ترکیب هفت حرفی قرار داشته باشد و شما تمام این ترکیبها را بدانید، یکی از این ترکیبها جواب سؤال شما می باشد. حال اگر شما شروع به استخراج حروف مستحصله کنید، در نهایت حروف شما شبیه به یکی از این خانه ها خواهد بود. در این صورت شما با دانستن نصف حروف هم می توانید تشخیص بدهید که بقیه چه خواهد بود و با این روش می توانید همواره فقط نصف حروف مستحصله را استخراج کنید. برای روشن شدن موضوع به جدول نگاه کنید. این راز یا شرط اول است.

راز دوم این است:

مستحصله	ص	س	ض	ق	ض	س	ی
نظیره	د	ا	ل	ه	ل	ا	خ
جواب	خ	د	ا	ا	ل	ل	ه

اطلاع از حروف مستحصله بعدی به این صورت امکان دارد که شما به فرمولی دسترسی داشته باشید که بطور حتم و قطع و یقین حروف درست را استخراج کند. در این صورت شما با ملاحظه

نصف حروف استخراج شده می توانید با مراجعه به آن کتاب، نصف دیگر را بدون اینکه استخراج کنید در جای خود نوشته و با گرفتن نظیره و صدر موخر کردن جواب کاملاً شفافاً بدست آورید. زیرا مشاهده حروف مستحصله ای که قرار است نظیره شوند خود به ما می گوید که عبارت ما چه جمله ای است. اما این کار عملاً غیر ممکن است.

این کار به این دلیل غیر ممکن است که عملاً هیچ فرمولی برای استخراج حروف مستحاصله وجود ندارد که به ما بگوید حروف را با چه معیار و میزانی و قطعاً به حروف دیگر تبدیل کنیم. این مطلب را با یک مثال بسیار ساده روشن می سازیم.

اگر کسی به شما بگوید کلمه « آباد » را بساز، اما به شرطی که از حروف « ا - ب » استفاده نکن ، عملاً این درخواست را غیر ممکن کرده است. زیرا نصف این کلمه با این دو حرف ساخته می شود. برعکس این مثال هم وجود دارد و آن این است که اگر شما بخواهید کلمه آباد را بسازید، باید حرف اول شما الف باشد، این قانون است. حال اگر قانونی هم کشف شود که به ما بگوید که هر یک از حروف سؤال را چگونه به حروف دیگری تبدیل کنیم که در آخر به فلان کلمه برسیم ، این هم می شود قانون و اگر اینگونه باشد ما می توانیم پاسخ تمام سؤالات دنیا را بدهیم. زیرا برای استخراج حروف مستحاصله قانون داریم؛ آن هم قانون درست و براساس این قانون درست می توانیم یک برنامه کامپیوتری بسازیم که تمام ترکیبات بامعنی فارسی را در خود داشته باشد و وقتی که سؤال خود را طرح می کنیم بسته به تعداد حروف سؤال نصف حروف مستحاصله را استخراج کرده و نصف دیگر را از همان ترکیبات به دست می آورد. دانستید که حروف دوست کدامند و چه نقشی در استخراج حروف مستحاصله دارند. از روش چیدمان حروف و راز آن آگاه شدید. از دو راز یا شرط مهم برای باخبر بودن از حروف مستحاصله آینده آگاه شدید. حال نوبت آن رسیده که یک راز مهم دیگر یعنی، تعیین چگونگی استخراج و چینش حروف مستحاصله را شرح بدهیم.

موضوع این است که اگر هم برای مستحاصله قانون یا فرمولی بخواهد ابداع شود، این قانون را شما (شما به معنی همه) خواهید ساخت. نه اینکه از قبل چنین چیزی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر این شما هستید که تعیین خواهید کرد که حروف مستحاصله به چه شکلی و محتوایی (نثر یا شعر) استخراج شده و در کنار هم قرار بگیرند.

راز سوم (تعیین چگونگی استخراج و چینش حروف مستحاصله)

این ذهن ناخود آگاه شماست که از پاسخ تمام سؤالات باخبر است. پس وقتی که می خواهید حروف مستحاصله را استخراج کنید در حقیقت از او می خواهید که این حروف را در اختیار شما قرار دهد، بنابراین می توانید با وی قرار بگذارید که این حروف را در چه قالبی و چگونه به شما برساند.

مثلاً شما می توانید از اول با خود قرار بگذارید که ابتدا مستحصله حرف آخر را استخراج کنید و سپس حرف اول را و یا برعکس و یا اینکه چهار چهار از حروف بشمارید و یا از چپ اینگونه جواب به دست بیاورید: س ل ل ه ل ا و ر - بعد برعکس بخوانید. یا از راست به چپ، اینگونه: رس ول ال ل ه . در هر صورت اختیار با شماست. حال من فرض می کنم که شما با خود قرار می گذارید که حروف را یکی از آخر و یکی از اول استخراج کنید. بعد از اینکه تعیین کردید که چگونه می خواهید حروف را بچینید نوبت آن می رسد که قرار دوم را با خود بگذارید و آن این است که می خواهید از حروف بعد از استخراج نظیره گرفته و صدر مؤخر کنید یا اینکه از همان ابتدا حروف بدون نظیره خوانا و به اصلاح ناطق باشند. شکل اول به این صورت است که اگر شما بخواهید کلمه «خدا» را استخراج کنید. پس باید ابتدا این حروف را به دست آورید (ص س ی) و سپس نظیره گرفته و صدر و مؤخر کرده و جواب را دریافت کنید. در غیر این صورت به جای اینکه ابتدا حرف « ص » را استخراج کنید، حرف « د » را استخراج می کنید و بقیه حروف را هم بهمین صورت و کلمه « خدا » را می سازید.

گفتیم که برای استخراج مستحصله جفر شما باید ابتدا مستحصلات خام به دست آورید.

زمانی که شما در دایره انسخ به طریق شمارش مستحصلات خام جمع می کنید، ممکن است تعداد زیادی حرف به دست آورید، حال این که کدام حروف مستحصله واقعی بوده و کدام نیستند، در شناخت حروف مذکر و مؤنث نهفته است. حروف مؤنث و مذکر دارند. نام دیگر حروف مذکر، «آسمانی» و مؤنث، «زمینی» می باشد. در استخراج مستحصله این حروف بعنوان میزانی برای انتخاب حروف عمل می کنند.

آشنایی با حروف مذکر و مؤنث

حروف فرد مذکر و حروف زوج مؤنث هستند.

مستحصله هر حرفی باید ضد خودش باشد.

یعنی اگر حرف مستحضره ما مؤنث بود مستحصلات خام آن باید مذکر باشند و اگر مذکر بود مستحصلات باید از بین حروف مؤنث انتخاب شوند.

حال به حروف مؤنث و مذکر می پردازیم.

حروف مذکر

ا ج ه ز ط ی ل ن ع ص ق ش ث ذ ظ غ

حروف مؤنث

ب د و ح ك م س ف ر ت خ ض

بعنوان مثال اگر حرف مستحضره ما « ز » باشد
(حرف « ز » مذکر است و مستحصله های آن باید مونث

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ص	د	ح	ث	ت

(باشند). و عدد شمارش آن هم ۲، در
دایره انسخ این حروف مستحصله خام
ما خواهند بود :

اگر دقت کنید در اینجا موقع شمارش خودحرف را هم دخالت

دادیم. زیرا با شمارش عدد ۲ بدون احتساب حرف « ز »
مستحصله به دست نمی آمد. پس در بعضی مواقع اگر ببینیم
که حرف مستحصله به دست نمی آید باید از حرف دیگری در
سطر اساس و نظیره برای نسبت دادن استفاده کنیم تا
عدد بالاتری به دست بیاوریم.

حال شما می توانید جدولی تهیه کنید و در آن تمام مستحصلات

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ص	د	ح	ث	ت

حروف را از عدد ۱ الي ۷ بنویسید.

این کار را به دو شکل انجام دهید.

۱- بدون در نظر گرفتن حرف مستحضره موقع شمارش.

۲- با در نظر گرفتن حرف مستحضره موقع شمارش حروف.

برای مثال، مستحصلات يك حرف را برای شما می نویسیم
فرض می کنیم که حرف مستحضره ما « ص » باشد. این حرف
مذکر بوده و باید برای آن مستحصلات مونث استخراج کنیم.

حال به جدول توجه کنید.

جدول مستحصلات خام حرف «ص»	
عدد ۱-	ك ، ف
عدد ۲-	د ، ك ، ف ، ر ، خ ، ض
عدد ۳-	د ، ك ، م ، س ، ف ، ر ، خ ، ض
عدد ۴-	ب ، د ، و ، س ، ف ، ر ، ت ، خ ، ض
عدد ۵-	ب ، د ، و ، س ، ح ، م ، ف ، ر ، ت ، خ ، ض
عدد ۶-	ب ، د ، و ، س ، ح ، م ، ف ، ر ، ت ، خ ، ض
عدد ۷-	ب ، د ، و ، س ، ح ، م ، ف ، ر ، ت ، خ ، ض

شمارش براساس این است که شما وقتی می خواهید مستحصله ی خام استخراج کنید، با توجه به عددی که به دست می آورید باید به صورتی آن حروف را با عدد مطابقت دهید، پس از هر راهی که ممکن باشد باید آن حرف را به آن عدد رسانید. در این روش قاعده اینگونه است و در روشهای دیگر قواعد متفاوتند، اما آسان ترین قاعده همین است. حال شمارش يك حرف را برایتان توضیح می دهیم. برای مثال از حرف « ب » آغاز می کنیم .

ب با عدد ۴ = تا قبل از این عدد حرف «ص» به این حرف دسترسی نداشت. اما بعد از این عدد دسترسی پیدا کرد. حال مسیری را که حرف «ص» با شمارش چهار به حرف «ب» رسید را تشریح می‌کنیم.

مسیر شمارش از حرف «ص» به حرف «ب» با عدد ۴

مسیر شماره ۲

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ص	ذ	ح	ث	ت

مسیر شماره ۱

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ص	ذ	ح	ث	ت

حال اگر شما دفعه بعد موقع شمارش، خود حرف «ص» را هم به حساب بیاورید عدد ۵ هم بر آن منطبق خواهد شد. بقیه شمارشها هم به همین شیوه صورت می‌گیرد.

در اینجا نکته مهم آن است که شما چه قراری با ذهن و ضمیرناخودآگاه خود برای استخراج جواب گذاشته اید؟ اگر قرار شما این است که باید بدون نظیره و صدر و مؤخر جواب را استخراج کنید، پس به هنگام انتخاب مستحصلات حتمی به نحوه قرار گیری حروف دوست در کنار هم توجه کنید.

حال نوبت آن است که قلم و کاغذ بردارید و مستحصلات خام تمام حروف را استخراج کنید.

نکات مهم در رابطه با انتساب حروف به یکدیگر

برای انتخاب حروف مستحصله خام گفتیم که باید حرف مستحضره را به یکی از حروف اساس و نظیره منسوب کنید، به شرطی که فاصله این دو حرف در دایره ابجد بیش از ۷

شماره نباشد. البته این کار را هم می‌توانید به دو شکل انجام دهید، ۱- بدون در نظر گرفتن خود حرف موقع شمارش، چه در دایره ابجد و چه در دایره انسخ. ۲- با در نظر گرفتن خود حرف.

فرض کنید که حرف مستحضره شما « ز » باشد و شما آن را به حرفی از اساس یا نظیره نسبت دادید و مثلاً عدد ۱ به دست آمد و شما دیدید که با این عدد مستحضره به دست نمی‌آید، حال می‌توانید خود حرف را هم بهنگام شمارش حساب کنید و اینبار با عدد ۲ اقدام به استخراج حروف مستحضره خام کنید. بهنگام نسبت دادن حروف مستحضره به حرفی از اساس یا نظیره، مسائلی پیش می‌آید که شما باید برای رفع آنها چاره اندیشی کنید،

نکته اوّل

فرض می‌کنیم که شما حرف مستحضره خود را به یکی از حروف اساس و نظیره نسبت دادید و عدد ۸ به دست آمد. در اینجا به حروف اساس و نظیره نگاه می‌کنید و ببینید که آیا حرف مستحضره در میان حروف اساس و نظیره وجود دارد یا خیر؟ اگر در ستون اساس و نظیره حرف مستحضره در چند جا تکرار شده بود ابتدا نزدیکترین آن به حرف مستحضره را انتخاب می‌کنیم و اگر آن حرف در شمارش جواب نداد یکی از آنهایی را که دورتر هستند در نظر می‌گیریم.

به مثال توجه کنید.

۱	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ك	و	ل	ن	ي	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	نظيره	۳
ت	ذ	ش	ن	ن	ق	خ	ر	ن	ر	ز	حروف مستحضره	۱۳

در اینجا می بینید که در ردیف شماره ۵ اگر حرف «خ» را به حرف «ع» نسبت بدهیم فاصله این دو حرف در دایره ابجد ۸ شماره خواهد بود که یکی از حداکثر ما بالاتر است. بنابراین درستون اساس و نظیره نگاه کردیم و دیدیم که حرف «خ» فقط یکبار در ردیف ۷ نظیره تکرار شده است. فاصله بین این دو حرف ۳ رقم است. مسیر شمارش به این شکل است: ع ن خ. حال با همین عدد در دایره انسخ از حرف «خ» می شماریم و اگر به مستحضره خام نرسیدیم این بار حرف «ع» را که بالای حرف «خ» قرار گرفته است موقع شمارش بحساب نمی آوریم و مسیر شمارش ما خواهد بود: ن خ. سپس با شماره ۲ در دایره انسخ به دنبال حروف مستحضرات خام می گردیم.

اگر حرف مستحضره در میان حروف اساس و نظیره یافت نشد، پس نزدیکترین حرف به حرف مستحضره در دایره ابجد را میان حروف اساس و نظیره جستجو می کنیم، هر کجا که بود فاصله آن را می شماریم و با عدد به دست آمده در دایره انسخ مستحضرات خام جمع می کنیم. به دایره ابجد توجه کنید.

حروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ك	ل	م	ن
مرتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
حروف	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
مرتبه	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

با توجه به مثال گذشته ، حرف مستحضره ما « خ » می باشد و ما فرض می کنیم که در میان حروف اساس و نظیره این حرف وجود نداشت. (یعنی تکرار نشده بود). پس اگر به دایره ابجد نگاه کنیم ، طرف راست و چپ حرف « خ » حروف « ث - ذ » وجود دارند. پس دوباره به حروف اساس و نظیره نگاه کرده و هر کدام از این حروف در میان آنها بودند ، نزدیکترینشان از نظر فاصله به حرف مستحضره را انتخاب کرده و فاصله این دو را می‌شماریم. سپس با عدد به دست آمده در دایره انسغ مستحصلات خام جمع می کنیم .

اگر این دو حرف یافت نشد ، دو حرف بعدی را امتحان می کنیم ، یعنی حروف : ت - ض ، بهمین شکل تا ۷ حرف از چپ و راست حروف می توانیم انتخاب کنیم و عاقبت یکی از این چهار ده حرف در میان حروف اساس و نظیره یافت خواهد شد .

چگونگی انتخاب حروف مستحصلات اصلی

برای انتخاب مستحصلات اصلی ، اولین کاری که شما باید بکنید این است که نوع و روش استخراج خودتان را مشخص کنید. در اینجا ما فرض را براین می گذاریم که می خواهیم یک حرف از چپ و یک حرف از راست مستحصله استخراج کنیم و بنا را براین می گذاریم که حروف را بدون نظیره گرفتن مورد استفاده قرار دهیم. پس بهنگام استخراج حروف با توجه به قانون دوستی حروف عمل می کنیم . یعنی اگر حرف اول مستحصله ما « ص » بود و حرف دوم « ض » ، با توجه به قانون انتخاب حروف دوست ، می دانیم که این دو حرف نمی توانند در کنار هم قرار بگیرند ، اما اگر قرار ما اینگونه است که از حروف مستحصله نظیره بگیریم ، پس این دو حرف می توانند در کنار هم قرار بگیرند. زیرا نظیره این دو می شود : دل ، و این می تواند هم خود کلمه مستقلی باشد و هم اینکه آغاز کلمه : دلدرا - دل آرام - دل دادگی و غیره . . باشد .

قبلاً گفته ایم که برای استخراج حروف مستحمله شما دو عددی را که از نسبت دادن حروف به دست آورده اید یک بار با هم جمع بسته و یکبار کم می کنید. این مسئله بخاطر این است که اگر شما با شمارش بیشتر به حرف مستحمله نرسیدید با شمارش کم برسید.

در اینجا هم ممکن است مسائلی روی دهد که آنها را توضیح می دهیم.

نکته اوّل

ممکن است در هنگام کم کردن اعداد از هم به عدد صفر برسید. مثلاً هر دو عدد شما ۶ باشد. جمعشان می شود ۱۲ و اگر کم کنیم به عدد صفر می رسیم. در چنین موقعی ما دیگر عدد را کم نمی کنیم، بلکه یکی از اعداد را بعنوان عدد کم انتخاب می کنیم. سپس با یکی از اعداد در دایره انسخ می شماریم و مستحمله اصلی را انتخاب می کنیم.

نکته دوّم

بهنگام انتخاب حرف اوّل مستحمله ممکن است شما به دو یا سه حرف برسید که شمارش اعداد روی آنها مطابقت می کند. در این حالت هر سه حرف را نگه دارید و سپس مستحمله دوّم را استخراج کنید و بعد ببینید که براساس قانون انتخاب حروف دوست، کدام حرف بهتر با دیگری جفت می شود.

نکته سوّم

گاهی اوقات ممکن است به هنگام استخراج حروف مستحمله، حرفی که استخراج می شود خود نمی تواند به تنهایی بعنوان مستحمله اصلی قرار بگیرد اما نظیره آن می تواند. مثلاً شما حرف «ظ» را بعنوان مستحمله نهایی استخراج کرده اید و از آنجایی که این حرف خیلی کم در زبان فارسی مورد استفاده قرار می گیرد، پس می توانید نظیره آن را که حرف «م» می باشد بجای آن انتخاب کنید. در باره حروف بعدی هم می توانید همین کار را انجام بدهید.

نکته چهارم

گاهی اوقات ممکن است وقتی شما در دایره انسخ با دو عددی که قبلاً صحبتش شد برای دریافت مستحصله اصلی می شمارید، هیچ کدام از اعداد چه تفریق و چه جمع به مستحصله نهایی نمی رسد. اما اگر با یکی از اعداد بدون جمع یا تفریق بشمارید به مستحصله ختم می شود. مثلاً شما دو عدد دارید که یکی ۱۹ و دیگری ۵ است. جمع این دو ۲۴ و تفریقشان ۱۴ است. حال فرض می کنیم که هیچ کدام از این دو عدد در شمارش از دایره انسخ به مستحصله نهایی نمی رسد، اما اگر با عدد ۱۹ یا ۵ به تنهایی و بدون جمع یا تفریق کردن بشماریم در نهایت به یکی از حروف مستحصله خام منتهی می گردد. اگر اینگونه شد، شما آن حرف را بعنوان مستحصله نهایی در نظر بگیرید و این درست است.

نکته پنجم

گاهی هم با هیچ یک از اعداد چه جمع و چه تفریق و چه خود اعداد، وقتی در دایره انسخ می شماریم به حرف مستحصله نمی رسیم، در این حالت چه باید کرد. هنگامی که کار به این شکل گره می خورد، می توانید هر چهار شماره را، (شماره ۱ و ۲ و حاصل جمع و حاصل تفریق را) نگاه کنید و ببینید که آیا در میان حروف مستحصله خام حرفی وجود دارد که عدد وسیط آن با یکی از اعداد گفته شده برابر باشد یا خیر؟ مثلاً مستحصلات خام شما عبارتند از : خ ر ف س ، و اعداد شما هم عبارتند از : ۱۵ و ۹ ، و حاصل جمع و تفریق شما هم عبارت است از : ۲۴ و ۶ ، در اینجا عدد ۲۴ و ۱۵ با حروف « خ - س » مطابقت میکند. پس یکی از این دو حرف می تواند بعنوان مستحصله نهایی انتخاب شود.

نکته ششم

اگر حرف مستحضره در ستون نظیره یا اساس وجود داشته باشد خودش یا نظیره اش مستحصله بوده و نیاز به عمل دیگری ندارد.

نکته هفتم

اگر حرف مستحضره در میان حروف قرآنی باشد، باز هم خود می تواند مستحصله باشد و هم نظیره اش و یا اینکه به همان عدد نسبت اساس یا نظیره شمرده می شود در دایره انسج برای اخذ حروف مستحصله خام.

به سمت استخراج پاسخ سؤال

به یاد دارید که سؤال ما عبارت بود از:

آیا داود ابن زینب توفیق ملاقات امام زمان (عج) را می یابد یا نه ؟

چهار حرف قرآنی هم عبارت بودند از : (ا و ك ل)

حال جدول نهایی عملیات محاسبات حروف سؤال را از آغاز تا انتها.

در این جدول تا حروف مستحضره آورده شده است و در مرحله بعد ما به حول و قوه الهی به ترتیب از یکایک حروف مستحضره، مستحصله نهایی استخراج خواهیم کرد.

جدول کامل محاسبات حروف سؤال از ابتداتاکنون

۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	ردیف	۱								
۱	۱	۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ط	۱	۲	اساس						
ك	و	ل	ن	ي	غ	ب	ف	ق	ا	ط	ث	س	ه	ج	ع	ن	خ	غ	ض	ر	ذ
۱	۱	۳	۱	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت اساس	۴									
۸	۶	۳	۵	۵	۱	۲	۸	۸	۱	۹	نسبت نظيره	۵									
۳	۱	۸	۸	۶	۳	۳	۲	۱	۳	۳	تعدیل اول	۶									
۵	۴	۸	۸	۶	۰	۵	۱	۵	۰	۰	ضرب اساس و نظيره	۷									
۱	۸	۵	۷	۱	۲	۳	۱	۷	۲	۲	سطر معکوس	۸									
۷	۸	۵	۷	۱	۹	۳	۳	۷	۹	۱	تعدیل دوم	۹									
۱	۶	۲	۵	۶	۵	۱	۲	۵	۶	۴	حاصل تعدیل نهایی	۱۰									
۴	۶	۴	۵	۶	۵	۴	۴	۵	۶	۵	حرف حاصل	۱۱									
۴	۱	۶	۲	۵	۶	۵	۱	۲	۵	۶	حروف قوا	۱۲									
۵	۴	۶	۴	۵	۶	۵	۴	۴	۵	۶	حروف مستحضره	۱۳									
۳	۸	۱	۱	۱	۱	۹	۱	۱	۱	۳	ز	ر	ن	ر	خ	ق	ن	ن	ش	ذ	ت
۱	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۳	۱	۲	۱	حاصل تعدیل نهایی	۱۰									
۴	۶	۳	۲	۲	۸	۴	۳	۲	۸	۸	حرف حاصل	۱۱									
ن	ع	م	ل	ب	غ	خ	ج	ل	غ	ص	حروف قوا	۱۲									
ه	ز	ل	ك	ك	ظ	و	ش	ك	ظ	ظ	حروف مستحضره	۱۳									
ت	ذ	ش	ن	ن	ق	خ	ر	ن	ر	ز	حروف مستحضره	۱۳									

حال براي استخراج حروف مستحصله ابتدا قرار خود را مشخص مي كنيم. بنده معمولاً حروف مستحصله را يكي از چپ و يكي از راست استخراج کرده سپس صدر و مؤخر کرده نظيره مي گيرم و به لطف خدا جواب ، حاصل است. در اكثر مواقع هم بعضي از حروف خود ناطق بوده و نيازي به نظيره گرفتن ندارند

و این موضوع زمانی مشخص می شود که ابتدا حروف را صدر و مؤخر کرده و سپس اگر لازم بود نظیره بگیریم .
برای استخراج جواب در اینجا ما به سه ستون نیاز داریم . ستون اساس و نظیره و حروف مستحضره .

جدول لازم برای استخراج حروف مستحصله

۱	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
۱	۰	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	اساس	۲
ك	و	ل	ن	ی	غ	ب	ف	ق	ا	ط	نظیره	۳
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	حروف مستحضره	۱۳
ذ	ت	ش	ن	ن	ق	خ	ر	ن	ر	ز		

استخراج مستحصله این سؤال را ابتدا از حرف اول که در اینجا آخرین حرف جدول است شروع می کنیم و سپس به سراغ حرف اول جدول می رویم که حرف دوم مستحصله به حساب می آید .

چگونگی استخراج مستحصله اول

حرف مستحضره اول ما از سمت چپ « ت » است . آن را به حرف « ذ » در نظیره نسبت دادیم . فاصله ۳ بود . « ت » حرف مونت است و باید برای آن مستحصله مذکر استخراج بشود . با شمارش در دایره انسخ این مستحصلات به دست آمد :
ش - ث - ز - ق - ذ .

هم عنصر حرف « ذ » در میان چهار حرف قرآنی « الف » است و فاصله « الف » تا « ت » در دایره ابجد ۲۱ شماره است . این دو عدد را باهم جمع و تفریق می کنیم .

$$۲۴ = ۳ + ۲۱ \quad ۱۸ = ۳ - ۲۱$$

با شمارش ۲۴ به حرف « ز » رسیدیم . پس مستحصله ما این شد . یک دلیل دیگر براینکه این حرف مستحصله است آن است که حرف مستحضره دوم ما هم « ز » است و این تأییدی قوی است .

چگونگی استخراج مستحمله دوّم

مستحضره دوّم ما حرف « ز » است . این حرف را به حرف « ط » در اساس نسبت دادیم . فاصله این دو حرف در دایره ابجد ۲ است . این حرف مذکر است و باید برای آن مستحمله مونث استخراج کنیم . با عدد ۲ در دایره انسغ شمردیم و این حروف به دست آمد : و - ح .

هم عنصر « ط » در میان حروف قرآنی « الف » است . فاصله حرف « الف » تا « ز » در دایره ابجد ۶ است . این دو عدد را با هم جمع می کنیم و یکبار هم تفریق .

$$۶ = ۲ - ۶ \quad ** \quad ۸ = ۲ + ۶$$

شمارش ۶ بر حرف « و » منطبق شد . البته حرف « ح » می توانیت بعنوان مستحمله انتخاب شود . زیرا هم عدد ۶ و هم عدد ۸ را در اینجا داشتیم ، اما ۶ قوی تر بود . زیرا ۸ از جمع شش با ۲ به دست آمد ، اما شش خودش از اول حضور داشت .

چگونگی استخراج مستحمله سوّم

حرف مستحضره سوّم ما « ذ » است . آن را به حرف « ر » نسبت دادیم . فاصله ۵ شد . حرف « ذ » مونث است و باید برایش مستحمله مذکر استخراج کنیم . با عدد پنج در دایره انسغ شمردیم و این مستحمله ها بدست آمد : ب - د - ح - س - « ر » حرف خاکی است و هم عنصر آن در میان چهار حرف قرآنی « ل » است . فاصله این حرف با حرف مستحضره در دایره ابجد ۱۳ شماره است .

$$۸ = ۵ - ۱۳ \quad ** \quad ۱۸ = ۵ + ۱۳$$

با شمارش ۱۳ به حرف « د » رسیدیم و آن را به عنوان مستحمله انتخاب کردیم .

چگونگی استخراج مستحاصله چهارم

مستحضره چهارم ما ،حرف « ر » است. آن را به حرف « س » نسبت دادیم. فاصله این دو ۵ شماره است. « ر » حرف مؤنث است و باید برایش مستحاصله مذکر استخراج شود. در دایره انسخ این حروف را به دست آوردیم : (ج - ه - ز - ظ) هم عنصر حرف « س » در حروف قرآنی حرف « ك » است. فاصله « ك » با « ر » در دایره ابجد ۹ شماره است.

$$۴ = ۵ - ۹ \quad ** \quad ۱۴ = ۵ + ۹$$

شمارش ۱۴ و ۵ بر حرف « ه » منطبق شد. پس آن را بعنوان مستحاصله انتخاب کردیم.

چگونگی استخراج مستحاصله پنجم

مستحضره پنجم ما « ش » است . آن را به حرف « ض » نسبت دادیم. فاصله این دو در ابجد ۵ است. حرف « ش » مذکر است و باید برایش مستحاصله مؤنث استخراج کنیم. در دایره انسخ این حروف به دست آمد : (د - و - ح - ف - س) هم عنصر حرف « ض » در میان چهار حرف قرآنی « و » است. فاصله « و » با « ش » ۱۵ است.

$$۱۰ = ۵ - ۱۵ \quad *** \quad ۲۰ = ۵ + ۱۵$$

شمارش ۵ و ۱۵ بر حرف « س » منطبق شد. مسیر شمارش به این صورت است :

با عدد ۱۵

ا	ب	ح	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

با عدد ۵

ا	ب	ح	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

چگونگی استخراج مستحصله ششم

مستحضره ششم ما حرف « ن » است. آن را به حرف « ق » نسبت دادیم. فاصله این دو ۶ است. « ن » حرف مذکر است. در دایره انسخ با این عدد شمردیم و برایش این مستحصلات را جمع کردیم: (ح - ب - د - و -) « ق » حرف آبی است و هم عنصر آن « ك » است. فاصله « ن » و « ك » ۳ است. $۳ = ۶ + ۳$ *** $۹ = ۶ - ۳$ شمارش ۹ بر حرف « ح » منطبق شد.

مسیر شمارش این است :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ك	ي	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
ع	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

چگونگی استخراج مستحصله هفتم

مستحضره هفتم ما حرف « ن » است که خودش در اساس هم حضور دارد، پس خود « ن » مستحصله است.

چگونگی استخراج مستحصله هشتم

مستحضره هشتم ما حرف « ر » است. آن را به حرف « ف » نسبت دادیم. فاصله این دو ۳ است. « ر » حرف مونث است. در دایره انسخ با عدد ۳ این مستحصلات را استخراج کردیم: (ه - ز - ص - ذ -) « ف » حرف آتشی است و هم عنصر آن « ا » است. فاصله « ا » با حرف « ر » ۱۹ شماره است. $۲۲ = ۳ + ۱۹$ *** $۱۶ = ۳ - ۱۹$ شمارش ۱۶ بر حرف « ذ » منطبق شد. مسیر شمارش این است :

(ا ن س غ ب م ع ظ ج ل ف ض د ك ص ذ)

چگونگی استخراج مستحاصله نهم

حرف نهم مستحضره ما « ن » است. آن را به حرف « ي » نسبت دادیم. شمارش ۴ است. « ن » حرف مذکر است. مستحاصله های خام آن عبارت است از: (س - د - ک - م - ف - ض). « ي » حرف بادی است و هم عنصر آن « و » است. فاصله این حرف با حرف مستحضره ۸ است.

$$۴ = ۴ - ۸ \quad *** \quad ۱۲ = ۴ + ۸$$

شمارش چهار بر حروف د - س مطابقت کرد. با توجه به ترکیب قرارگرفتن حروف دوست، حرف «س» را به عنوان مستحاصله انتخاب می کنیم.

در اینجا دو حرف از مستحاصله باقی است. اما ما حروف را صدر و موخر کرده و نظیره می گیریم. علت این امر را خواهیم گفت.

اخذ مستحاصله و استخراج جواب سؤال

۱	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
۱	۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	اساس	۲
ك	و	ل	ن	ي	غ	ب	ف	ق	ا	ط	نظيره	۳
ذ	ر	ض	غ	خ	ن	ع	ج	ه	س	ث	حروف مستحضره	۱۳
ت	ذ	ش	ن	ن	ق	خ	ر	ن	ر	ز	مستحاصله	۱۴
ز	د	س	ن	س			ذ	ح	ه	و	صدر و موخر	۱۵
ي	ه	س	ذ	ن	ح	س	ه	د	و	ز	نظيره جواب	۱۶
ي	ه	ا	گ	ن	ت	س	ه	د	و	ش		

دو حرف آخر خودشان جواب بودند. فقط کافی بود نظیره حرف « خ » را گرفته و در میان حروف مستحاصله جای دهیم.

در اینجا کارآموزش ما به پایان رسید. تمامی توانید تمرین کنید. کلید موفقیت شما در تمرین است.

جفر پانزه سطري

آموزش را با طرح يك سؤال شروع مي‌كنيم .

يك سوال را به صورت واقعي مطرح کرده و قدم به قدم با شما

براي استخراج پاسخ آن حرکت مي‌كنيم .

اين سؤال در باره آخر و عاقبت معمر قذافي است :

عاقبت کار معمر قذافي رهبر ليبي چگونه خواهد بود ؟

طرح سؤال و استخراج مداخل

ابتدا سؤال را به صورت حرف به حرف مطرح مي‌كنيم :

**ع ا ق ب ت ك ا ر م ع م ر ق ذ ا ف ي ر ه ب ر ل (ي) ب ي چ گ و ن
ه خ و ا ه د ب و د ؟**

حال عدد هر حرف را نوشته و در آخر تمام اعداد را با

هم جمع مي‌بنديم . نتيجه جمع اين عدد است : ۳۲۰۶

اين عدد را مدخل كبير يا مدخل اول مي‌ناميم .

از اينجا به بعد روش ساختن سطرها بود كه آنها را حذف كردم ،

چون تكرار مكررات مي‌شد .

اما از سطر مستحضره كار را دنبال مي‌كنيم .

روش استخراج حروف حاصل نهايي يا مستحضره

در اينجا به آخر كار استخراج حروفات براي رسيدن به

حرف مستحصله مي‌رسيم . اما قبل از آن بايد در باره

حروف قرآني هم توضيح بدهيم .

براي استخراج حروف مستحصله ما به يك ميزان حرفي نياز

داريم كه صحت حرف مستحصله را با آن بسنجيم ؛ اين چهار

حرف بايد به ترتيب (آتشي - بادي - آبي - خاكي) باشند .

تشخیص عناصر حروف هم از دایره عناصر است که در اینجا رسم کرده ایم .

روش استخراج این چهار حرف به این شکل است که شخص وضوگرفته و کلام الله مجید را می‌گشاید؛ سپس به صفحه سمت راست نگاه می‌کند و اگر حرف اول آن صفحه جزو حروف آتشی

آتشی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
آبی	ج	ز	ك	س	ق	ث	ظ
خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

بود آن را یاد داشت کرده و باز قرآن را می‌گشاید و اگر به حرف بادی رسید آن را برمی‌دارد. اگر نه، باید آنقدر قرآن را باز کند تا به حرف مورد نظر برسد و در اینجا یکی از عجایب قرآن مجید هم آشکار می‌شود که در اکثر اوقات جواب سؤال را در همین چهار حرف هم می‌توان یافت . همچنان که در سؤال ما هم همین اتفاق افتاد. بعد از اینکه چهار حرف به دست آمد، عدد صغیر هر چهار حرف را با هم جمع می‌بندیم. مبنای محاسبه هم دایره ایقغ است. حال به این نکته توجه کنید، جمع اعداد ما نباید از ۹ بیشتر شود، یعنی اگر عدد شما ۱۰ بشود، صفر آن حذف می‌شود و اگر عدد ۱۱ باشد هر دو يك را با هم جمع می‌بندیم و همینطور بقیه اعداد را ، تا به عددی برسیم که یا خود ۹ باشد یا کمتر از ۹ . بعد از اینکه عدد مزبور را به دست آوردیم نوبت آن می‌رسد که سطر حرف حاصل یا مستحضره را تشکیل دهیم .

حرف مستحضره را به این صورت به دست می‌آوریم که عدد حروف اساس و نظیره و حرف حاصل و حرف قوا و چهار حرف قرآنی را بر مبنای دایره ایقغ و به صورت صغیر با هم جمع می‌بندیم و حاصل کار حرف مستحضره خواهد بود.

نکته : اگر بر فرض جمع ما بیشتر از عدد ۲۸ شد، اضافی آن را کم کرده و ما بقی را به حرف تبدیل می‌کنیم بر مبنای دایره ابجد وسط.

در اینجا یک نمونه را شرح داده و مابقی را در جدول به نظر شما خواهیم رساند.

برای این سؤال ما از قرآن چهار حرف به ترتیب (ط و ق ل)

استخراج کردم که حاصل جمع اینها شد: $۱۹ = ۳ + ۱ + ۶ + ۹$

سپس دو عدد را با هم جمع کردیم شد: $۱۰ = ۹ + ۱$

و در انتها صفر را حذف کردیم و عدد ۱ باقی ماند.

پس عدد حروف قرآنی ما یک است. در اینجا حروف اول اساس

و نظیره و حرف حاصل و قوا را با این عدد جمع می‌بندیم

به این شکل:

۶	و	اساس
۲	ر	نظیره
۶	خ	حرف حاصل
۶	س	حرف قوا
۱	۱	عدد قرآنی
۲۱		نتیجه
ش		حرف مستحضره

در جدول صفحه آینده که عملیات ما به اتمام می‌رسد تمام حروف را نوشته و آماده استخراج حروف مستحضره خواهیم بود.

جدول کامل استخراج حروف مستحضره از ابتدا تا کنون

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ي	ط	ل	ح	غ	ج	ر	و	اساس	۲
خ	ث	ض	ت	ن	ف	و	ر	نظيره	۳
۶	۹	۹	۲۴	۸	۳	۶	۶	نسبت اساس	۴
۶	۳۰	۴۰	۴	۲۰	۴۰	۲۴	۶	نسبت نظيره	۵
۱۲	۲۱	۳۱	۲۰	۱۲	۳۷	۱۸	۱۲	تعديل اول	۶
۶	۴۵	۲۴	۴	۵	۲۴	۶	۶	ضرب سطرین	۷
۶	۶	۴۵	۲۴	۴	۵	۲۴	۶	سطر معکوس	۸
۱۲	۳۹	۲۱	۲۰	۱	۱۹	۱۸	۱۲	سطر تته	۹
۲۴	۱۸	۱۰	۴۰	۱۱	۱۸	۳۶	۲۴	تته نهایی	۱۰
خ	ص	ي	ل	ك	ص	ح	خ	حروف حاصل	۱۱
و	ظ	ط	ش	ي	ظ	ض	س	حروف قوا	۱۲
ر	ه	ت	ق	ي	ب	ذ	ش	حروف مستحضره	۱۳

ستونهای رنگی، همان سطرهایی هستند که حروف آنها با هم جمع بسته شده و در نهایت با حاصل جمع عدد چهار حرف قرآنی هم جمع شده و به حرف تبدیل می شوند.

در این سطر آخر هم باز گوشه ای از جواب ما آشکار شده است که در آخر کار به این نکات هم خواهیم پرداخت.

دایره دور کبیر چگونه دایره ای است ؟

هر حرفی در ابجد چهار حرف مستحصله دارد و این معنی همان شعری است که می گوید :

سؤال از جفر جامع چون نمایی بکن مستحصله بهر خود آسان
به قسمت چهار کن هر حرف خود را به جای خود گذار از بهر درمان

مثلاً حرف « الف » يك حرف در پشت سردارد که عبارت است از « غ » و يك حرف در جلو که عبارت است از « ب » دو حرف هم در دایره ایقغ بعنوان قوای حروف دارد به این شکل :

ق
غ ا ب
ی

به این دایره، دایره ی دور « صغیر » گفته می شود. و اما دایره دور کبیر اینگونه ساخته می شود که نظیره

حرف « الف » از چهار دایره (ابجد- ابث- ا هطم- ایقغ) هم به این حروف اضافه می شود به این شکل :

ض	ق	ج
غ	ا	ب
ن	ی	س

((دایره دور کبیر حروف))

ض ق ج	ط ر د	غ ش ا	ك ت ب	ش ث ز	س خ ح	ن ذ ه
غ ا ب	ب ج د	ب ج د	ج د ه	د ه و	ه و ز	و ز ح
ن ی س	خ ك ع	ذ ل ف	ض م ص	ظ ن ق	ق س ر	ك ع ش
ف ض و	ب ظ ك	ص ق ل	د ر ط	ذ ش ی	ر ت س	ز ث ع
ز ح ط	ح ط ی	ط ی ك	ی ك ل	ك ل م	ل م ن	م ن س
ل ف ت	م ص ث	ث ا خ	ز ب ذ	ح ج ض	ط د ظ	ا ه غ
و خ م	ث ذ ن	ح ض ق	ی ظ ر	خ غ ف	م ك ص	ه ل ث
ن س ع	س ع ف	ع ف ص	ف ص ق	ص ق ر	ق ر ش	ر ش ت
غ و ا	ر ز ب	ش ح ج	ت ط د	و ی ه	ع ب و	ف ج ز
ظ م خ	ع ن ش	ق س ت	ل ع ظ	ا ف غ	ت ص ذ	ج ق ض
ش ت ث	ت ث خ	ث خ ذ	خ ذ ض	ذ ض ظ	ض ظ غ	ظ غ ا
ص د ح	ی ه ط	ب و ی	ج ز ك	د ح ل	ه ط م	س ی ن

از این دایره در استخراج حروف مستحصله استفاده می شود.

کاربرد دایره دور کبیر حروف

هر حرفی که بعنوان مستحصله استخراج می شود باید دارای شرایط خاصی باشد تا بعنوان حرف جواب پذیرفته شود. در هر روشی میزانی برای سنجش حروف وجود دارد. در روش پانزده سطری هم میزان این دایره است. روش کار با آن هم به این صورت است که اگر فرضاً برای حرف « الف » حرفی بعنوان مستحصله استخراج می شود، آن حرف باید یا خود « الف » باشد یا باید یکی از حروف دور کبیر آن حرف در دایره مذکور باشد. مثلاً حرف « ض » می تواند مستحصله حرف « الف » باشد. زیرا یکی از حروف دور کبیر آن حرف است. حال اگر حرفی بعنوان مستحصله استخراج شد که در خانه دور کبیر حرف « الف » قرار نداشت، مثل حرف « ش » اما شرایط مستحصله بودن را داشت چه باید کرد؟ برای این کار دو فرمول وجود دارد.

۱- اگر حرف « ش » در یکی از خانه های دایره دور کبیر حروف، حال خانه هر حرف که باشد در کنار حرف الف بیاید (یعنی در آن خانه هم حرف الف باشد هم ش) باز هم می تواند مستحصله باشد.

۲- اگر خود حرف « ش » با « الف » همراه نباشد اما نظیره ابجدی آن « ز » با الف در یک خانه ظاهر شود باز هم می تواند بعنوان مستحصله این حرف مورد استفاده قرار بگیرد.

سؤال ما این بود : عاقبت کار معمر قذافی رهبر لیبی چگونه خواهد بود؟

ما تا حروف مستحضره پیش رفتیم حال از آنجایی که هنگام استخراج حروف مستحصله به سطرهای دیگر نیازی نیست چهار سطر بیشتر تشکیل نمی دهیم. دو تا برای اساس و نظیره و یکی حروف مستحضره و آخری هم برای حروف مستحصله است.

ابتدا جدول خود را رسم می‌کنیم.

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ي	ط	ل	ح	غ	ج	ر	و	اساس	۲
خ	ث	ض	ت	ن	ف	و	ر	نظيره	۳
ر	ه	ت	ق	ي	ب	ذ	ش	حروف مستحضره	۱۳

ابتدا باید مستحصله حرف « ر » را استخراج کنیم. تمامی اعمالی که از این به بعد گفته می‌شود فرمول استخراج و ثابت است.

ابتدا باید حرف « ر » را با یکی از حروف اساس و نظیره از نظر بعد ابجدی بسنجیم که چقدر با هم فاصله دارند. این حرف هر چقدر که نزدیکتر باشد بهتر است. در اینجا حرف « خ » به « ر » نزدیکتر از حرف « ي » می‌باشد. پس در دایره ابجد این فاصله را شمردیم، شد ۴ به این صورت :

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظيره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

در اینجا عدد ما ۴ است. پس ابتدا به خانه چهارم دایره دور کبیر مراجعه می‌کنیم که متعلق به حرف « د » است. حال اگر در آن خانه حرفی از حروف دور کبیر « د » با حروف « ر » مشترك باشد با توجه به موضوع سؤال خود می‌توانیم آن را بعنوان مستحصله مورد استفاده قرار دهیم. ابتدا هر دو خانه را ببینید.

خانه حرف (دال)

ك	ت	ب
ج	د	ه
ض	م	ص

خانه حرف (ر)

م	ك	ص
ق	ر	ش
ع	ب	و

در اینجا می بینیم که حروف (ب ك م ص) می توانند به عنوان مستحصله مورد استفاده قرار گیرند. اما ما در اینجا قانونی داریم و آن این است که اولویت با حروف قوای حرف مستحضره است. در دایره ایقغ، قوای حرف « ر » حروف (ب ك) می باشند. حال کدام يك از این دو حرف را باید بعنوان مستحصله انتخاب کرد؟ در اینجا حرف « ك » را انتخاب می کنیم. زیرا عدد حرف « ر » در دایره ابجد ۲۰۰ است و برگشت از ۲۰۰ به ۲ برای حرف « ر » خفت بار است. پس حرف «ك» را بعنوان حرف اول مستحصله انتخاب کردیم.

حرف دوم مستحضره ، « ش » است. نزدیکترین حرف به این حرف ، « ر » می باشد. پس خود حرف « ش » مستحصله است. زیرا بعدی ندارد که با آن سنجیده شود. اگر هم بخواهیم بعد يك را حساب کنیم در خانه حرف « الف » حرفی یافت نمی شود که بتوان آن را بعنوان حرف دور انتخاب کرد.

تا اینجا ما دو حرف از حروف مستحصله را استخراج کرده ایم و با همین دو حرف هم جواب ما خارج شد. (زیرا کلمه «گشته» در سطر مستحضره هویدا شد.) اما کار را ادامه می دهیم.

حرف سوم مستحضره ما « ه » می باشد. نزدیکترین حرف به آن در سطر اساس و نظیره، حرف « ط » می باشد و فاصله این دو در دایره ابجد باز ۴ است. با ملاحظه حروف دو دایره دیدیم که فقط حرف « د » است که مشترک است. اما این حرف ضعیف است. پس چه باید کرد؟ در اینجا حرف « ت » می تواند مستحصله باشد، به دو دلیل ،

- ۱- در بین حروف مستحضره هم در کنار حرف « ه » قرار دارد.
- ۲- در دایره دور کبیر، حرف « ت » جزو حروف دور کبیر حرف « ه » می تواند قرار بگیرد. به خانه حرف « ث » نگاه کنید، در آنجا حرف « ت » در کنار حرف « ه » قرار گرفته است. پس حرف « ت » مستحصله سوم شد.

حرف چهارم مستحضره ما ، « ذ » است . نزدیکترین حرف به آن در سطر اساس و نظیره حرف « ر » است. فاصله این دو در دایره ابجد ۵ است . تنها يك حرف مي تواند بعنوان مستحصله مورد قبول قرار گیرد و آن حرف « ظ » مي باشد. از آنجايي كه خود اين حرف در زبان فارسي کاربردي ندارد، لذا نظيره آن را كه « م » مي باشد مورد استفاده قرار مي دهيم. با مراجعه به دایره دور کبیرمی بینیم که این حرف می تواند مستحصله حرف « ذ » باشد. زیرا در چند خانه به همراه هم حضور یافته اند. پس مستحصله چهارم ما حرف « م » شد.

حرف پنجم مستحضره ما ، « ت » است. نزدیکترین حرف به «ت» حرف « ض » است. فاصله این دو نیز ۴ است. در اینجا بین دو حرف م - د باید یکی را بعنوان مستحصله انتخاب می کنیم. در اینجا اولویت با حرف « د » است. زیرا اولاً شمارش به عدد ۴ ختم شده ؛ ثانیاً، ما حرف « م » را فعلاً در میان مستحصله ها داریم. پس حرف « د » را بعنوان مستحصله پنجم انتخاب کردیم.

حرف ششم مستحضره ما ، « ب » است. در اینجا نزدیکترین حرف به « ب » حرف « جیم » است. بعد آن نیز يك است. در خانه حرف « الف » حرف « ج » جزو یکی از حروفی است که می تواند مورد استفاده قرار گیرد و در سطر اساس و نظیره هم آمده است. از طرفی اگر عدد ۱ را به اضافه دو کنیم می شود ۳ ، پس حرف « ج » مستحصله است. اما این حرف به حروف دیگر نمی چسبد و کلمه ای با معنی تولید نمی کند. چه باید کرد؟

به ناچار نظیره آن را مورد استفاده قرار می دهیم و در خانه حرف « ع » می بینیم که این حرف با حرف « ب » همراه گردیده است. پس حرف « ف » مستحصله ششم ما شد.

حرف هفتم مستحضره، « ق » است. نزدیکترین حرف به آن « ت » است. فاصله این دو در دایره ابجد عدد ۳ است. با این عدد حرف مستحضره به دست نمی آید پس به همین عدد در خود سطر اساس و نظیره از حرف ق شمرديم به حرف « و » رسیدیم. حال اگر این حرف در دایره دور کبیر جزو حروف همراه با « ق » باشد می تواند مورد استفاده قرار گیرد. در خانه حرف « و » این دو حرف با هم ظاهر شده اند. پس مستحضره هفتم ما حرف « و » شد. با این حساب حرف هشتم هم که « ن » بود خود جواب است.

جواب ما این شد :

۱	ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۲	اساس	و	ر	ج	غ	ح	ل	ط	ي
۳	نظیره	ر	و	ف	ن	ت	ض	ث	خ
۱۳	حروف مستحضره	ش	ذ	ب	ي	ق	ت	ه	ر
۱۴	جواب	گ	ش	ت	م	د	ف	و	ن

اگر از اول و ابتدا حروف مداخل را ملاحظه کنید خواهید دید که این جواب به صورت پنهان وجود دارد. زیرا کلمه « رفتن » به وضوح در سطر نظیره دیده می شود و کلمه فوت تخت (به معنی مرگ سخت) هم دیده می شود. اصل جواب این است : **ن ض ر ف و ت ث خ**.

در جفر بجز موقع نوشتن ، می توان حروف را به جای هم بکار برد. مثلاً حرف « ق » با حرف « غ » موقع تلفظ فرق نمی کند. حال اگر به حروف مستحضره نگاه کنید کلمه « بیشک » به این شکل ظاهر شده است : **ش ذ ب ي -** که اگر نظیره حرف « ذ » را که « ك » است به آن اضافه کنیم با جابجایی حروف این کلمه به دست خواهد آمد و با دقت در حروف مستحضره و اساس و نظیره کلمه قتل را هم می توانید مشاهده کنید. کلمات : **تنفر - حمله - شورش - خطر** و بسیاری از مفاهیم دیگر را هم می توان مشاهده کرد.

روش دوّم براي استخراج جواب در جفر پانزده سطري

در اين روش مانند قبل، ابتدا نوع سيستم استخراج پاسخ را با ضمير ناخودآگاه خویش هماهنگ کرده و سپس به اين صورت اقدام کنید که در ادامه شرح خواهيم داد.

اینبار جواب را به صورت مستقیم در يك سطر و با کمک نظيره ابجدي استخراج مي‌کنيم. پس ابتدا جدول خود را رسم مي‌کنيم .

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف	۱
ي	ط	ل	ح	غ	ج	ر	و	اساس	۲
خ	ث	ض	ت	ن	ف	و	ر	نظيره	۳
ر	ه	ت	ق	ي	ب	ذ	ش	حروف مستحضره	۱۳
ت	ز	ذ	ض	ح	ه	ض	ت	مستحصله	۱۴
ت	ش	ك	ل	ت	ق	ل	ح	نظيره ابجدي	۱۵

جواب : حَل قتل گشت .

حال توضیح می‌دهیم که این پاسخ چگونه به دست آمد.

حرف اوّل مستحضره ما « ش » است . چون حرف اوّل است، پس يك قدم به جلو می‌رود و تبدیل به حرف « ت » می‌گردد. حال باید دید در دایره دور کبیرحروف، آیا این دو حرف با هم موافقت دارند یا خیر؟ به دایره که نگاه کنیم می‌بینیم که این دو حرف کاملاً با هم هم‌دور هستند. پس حرف « ت » اولین حرف از پاسخ ما را تشکیل می‌دهد.

حرف دوّم مستحضره ما، « ذ » است . براي این حرف ما دو بار می‌توانیم به جلو برویم. پس اوّل يك قدم به جلو حرکت می‌کنیم و به هر حرفی که رسیدیم آن را در دایره دورکبیر ملاحظه می‌کنیم. این بار به حرف « ض » رسیدیم و چون مشکلي نداشت به عنوان مستحصله نوشتیم .

حرف سوّم مستحضره ما، « ب » است . بعد از شمارش به حرف « ه » رسیدیم و چون در دایره وجود داشت آن را به عنوان مستحصله انتخاب کردیم .

حرف چهارم مستحضره ، « ي » است . بعد از شمارش درمسیر رو به جلو دیدیم که هیچ کدام از حروف نمی توانند مستحصله باشند، زیرا در پیوند با حرف « ه » که نظیره آن « ق » خواهد بود ناتوانند. پس شمارش را به سمت عقب انجام داده و به حرف « ح » رسیدیم . از آنجایی که این حرف در دایره دور کبیر موجود بود بعنوان مستحصله انتخاب شد .

حرف پنجم مستحضره ما ، « ق » است . از این حرف چه به صورت توالی و چه برخلاف توالی شمردیم به حرف مستحصله نرسید، لذا جای آن را با حرف بعدی عوض کردیم . بنابراین حرف « ت » را مبنا قرار داده و در شمارش از این حرف به حرف « ض » رسیدیم و آن را قبول کردیم . زیرا حرف همدور بود .

بعنوان حرف ششم در اینجا ابتدا « ق » را مبنا قرار می دهیم . در شمارش ششم به حرف « ذ » رسیدیم . در دایره دور کبیر، این حرف یکی از مستحصله های حرف « ق » است؛ پس آن را انتخاب می کنیم .

حرف هفتم ، مستحضره هفتم ما حرف « ه » می باشد . در شمارش از این حرف به حرف « ز » رسیدیم ، این حرف، یکی از مستحصله های حرف « ه » می باشد، همچنین چون به عدد ۷ هم رسیده ایم پس همان حرف « ز » را به عنوان مستحصله انتخاب کردیم .

حرف هشتم ، مستحضره هشتم ما حرف « ر » می باشد . در اینجا چون عدد به ۸ می رسد، باید شمارش را از نو شروع کرد . البته از عدد ۲ ، در اینجا از حرف « ر » ۲ شماره شمردیم و به حرف « ت » رسیدیم . این حرف هم از حروف دور بود و آن را بعنوان مستحصله پذیرفتیم . در اینجا پاسخ ما بطور کامل استخراج شد .

روش سوّم از جفر پانزده سطري

در اين روش، بعد از اينكه حروف مستحضره را به كمك جدول استخراج كرديم، مستحصله را به كمك دايره ابجد و انسغ استخراج مي كنيم.

دايره انسغ

دايره انسغ براساس كواكب هفتگانه است، يعني در ۴ ستون ۷ حرفي ساخته مي شود، به اين شكل :

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	۴	ل	ك	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

از دايره انسغ در روش پانزده سطري براي استخراج حروف مستحصله استفاده مي شود، روش استخراج حروف را هم توضيح خواهيم داد.

در روش سوّم ما بر اساس خانه هاي جفر جامع حركت مي كنيم؛ به عبارت ديگر بعد از اينكه قرار گذاشتيم كه از چه طرفي و چگونه مي خواهيم حروف جواب را استخراج كنيم، ابتدا حرف مستحضره را به يكي از حروف اساس يا نظيره نسبت مي دهيم، به شرطي كه فاصله اين حروف در دايره ابجد بيشتر از هفت عدد نباشد. سپس از حرف مستحضره تا حرفي كه در سطر اساس يا نظيره به آن نسبت داده شده در دايره ابجد مي شماريم و عدد آن را ياد داشت مي كنيم.

حالا ز همان حرف مستحضره در دايره ابجد، چهار چهارمي شماريم و هر يك بار شمارش را يك عدد به حساب مي آوريم.

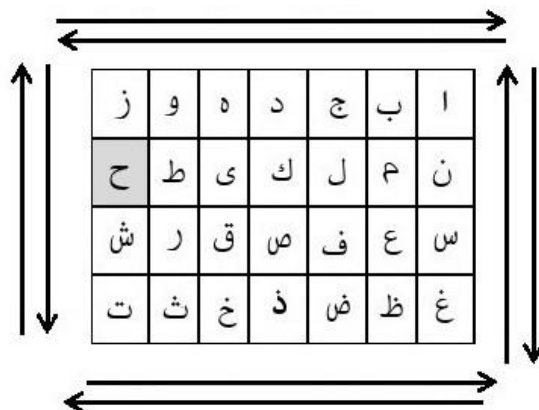
۱	رديف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۲	اساس	و	ر	ج	غ	ح	ل	ط	ي
۳	نظيره	ر	و	ف	ن	ت	ض	ث	خ
۱۳	حروف مستحضره	ش	ذ	ب	ي	ق	ت	ه	ر

مثال عملي
جدول مابين است :

حروف قرآني هم عبارتند از: **ط و ق ل**
(كلمه قتل در اينجا كاملاً پيدا است)

حرف اوّل مستحضره ما در اینجا حرف « ر » می باشد . این حرف را به حرف « خ » نسبت دادیم که نزدیکترین حرف به آن است؛ زیرا در دایره ابجد فاصله این دو حرف فقط ۴ است. به این صورت : **ر ش ت ث خ** . حال اگر شمارش بیشتر از ۷ بود، باید حرف دیگری را که عددش کمتر بود پیدا می کردیم و به آن نسبت می دادیم ، حال اگر هیچ حرفی پیدا نشود، باید یکی از حروف اساس یا نظیره را به جای حرف مستحضره قرار دهیم و با آن کار را ادامه دهیم . در اینجا به حرف « خ » مستحصله خام می گوئیم . حال باید مطمئن شویم که این حرف همان مستصله اصلی است. در اینجا ابتدا هم عنصر حرف « خ » را در میان چهار حرف قرآنی جستجو می کنیم، اینبار حرف « ل » هم عنصر است، چون هر دو خاکی اند. حال فاصله حرف مستحضره یعنی « ر » را با حرف « ل » در ابجد می سنجیم و در اینجا مهم نیست که شمارش بیشتر از ۷ باشد. پس برخلاف توالی از حرف « ر » تا « ل » شمردیم ، شمارش به عدد ۸ رسید. حال عدد شمارش اوّل را که چهار بود به اضافه عدد ۸ می کنیم و یک بار هم منها می کنیم به این شکل : $۱۲ = ۴ + ۸$ -- $۴ = ۴ - ۸$

حال باید در دایره انسغ از حرف « الف » که اوّلین حرف آن است بشماریم تا ببینیم که شمارش ۱۲ به چه حرفی منتهی می شود. شمارش در دایره انسغ به این صورت است:



درون خانه ها هم بهمین شکل می توان شمارش را انجام داد. هم می توان حرف الف را در شمارش به حساب آورد و هم می توان از آن صرف نظر کرد، مهم این است که به حرف مستحصله برسیم. مثلاً در اینجا عدد شمارش ما ۱۲ است. پس در جهت حرکت عقربه های ساعت از حرف « الف » می شماریم و به حرف « ح » می رسیم. حال از حرف « ر » هم به صورت ۴-۴ می شماریم به این شکل :

ش ت ث خ - ذ ض ظ غ - ا ب ج د - ه و ز ح

چون عدد ما ۴ بود در شمارش چهارم به حرف « ح » رسیدیم و در اینجا مشخص شد که این حرف مستحصله نهایی است. **مستحصله دوم** ما حرف « ش » است. این حرف را هم به حرف « ر » نسبت می دهیم که فاصله آن در ابجد عدد یک است. پس یک شمارش چهار تایی انجام می دهیم به این شکل : ت ث خ ذ - حال هم عنصر حرف « ر » را در میان چهار حرف قرآنی جستجو می کنیم، آن حرف « ل » است. زیرا هر دو خاکی اند. فاصله حرف « ش » تا « ل » در دایره ابجد ۹ است. این عدد را به اضافه و منهای عدد ۴ می کنیم.

$۹ + ۴ = ۱۳$ -- $۹ - ۴ = ۵$ / حال در دایره انسخ به

			ج	ب	ا
		ك	ل	م	ن
			ف	ع	س
		ذ	ض	ظ	غ

همین عدد می شماریم. به این شکل :

اگر بخواهیم مسیر شمارش را به صورت

افقی نشان دهیم اینگونه خواهد بود :

ا ن س غ ب م ع ظ ج ل ف ض ذ

پس حرف « ذ » مستحصله نهایی است، اما چون قرار ما بر این است که از حروف بدون نظیره مستحصله استخراج کنیم، پس نظیره آن را که « ك » است انتخاب می کنیم. در دایره انسخ هم اگر الف را به حساب نیاوریم و اینبار در ستون چهارم از بالا بشماریم به همین حرف خواهیم رسید که در داخل دایره با رنگی تیره مشخص کرده ایم.

مستحضره سوّم ما حرف « ه » است . آن را به حرف « ط » نسبت مي دهيم که از نظر شمارش در دایره ابجد فقط ۴ شماره با هم فاصله دارند. سپس حرف هم عنصر « ط » را در میان چهار حرف قرآني جستجو مي کنيم و در مي يابيم که خود حرف « ط » است. پس در اینجا عدد ۴ را نصف مي کنيم زیرا حرف « ط » دو بار تکرار شده است. حال از حرف « ه » شروع به شمارش مي کنيم و در دور دوّم شمارش به حرف « م » مي رسيم .

در دایره انسخ هم از حرف الف ۲ شماره مي شماريم و به حرف « م » مي رسيم؛ به این شکل :

				ج	ب	ا
				ل	م	ن

نکته: شما همواره و بهنگام استخراج حروف مستحصله باید آن موضوع حروف دوست را در نظر داشته باشید؛ ممکن است يك حرفي قطعاً مستحصله باشد اما جزو حروف دوست محسوب نشود، در این صورت باید آن را تغییر

دهيم. همچنین اگر شما با خودتان قرار گذاشته اید که ابتدا حروف را استخراج کرده بعد نظيره گرفته و جواب را استخراج کنید؛ پس باید يك جدول براي حروف دوست نظيره دار تهیه کنید. مثلاً نظيره حرف « الف » « س » است . حال اگر حرفي که استخراج کرده اید « الف » باشد، پس باید بدانید که آن قرار است تبدیل به حرف «س» شود، بنابراین حرف دوّم باید با حرف «س» سنجیده شود نه با « الف » .

حرف چهارم مستحضره ، « ذ » است . آن را به حرف « ر » نسبت مي دهيم که فاصله بين آنها ۵ است. هم عنصر حرف « ر » در میان حروف قرآني ، حرف « ل » است. فاصله بين حرف « ذ » تا « ل » در دایره ابجد ۱۳ شماره است. حال این عدد را به اضافه عدد ۵ مي کنيم و يك بار هم کم مي کنيم .
 $۱۳ + ۵ = ۱۸ // ۱۳ - ۵ = ۸$ -- در اینجا شمارش ۱۸ به خود حرف « الف » ختم مي شود و در شمارش از حرف « ذ » هم به همین حرف مي رسيم . پس مستحصله چهارم ما حرف « الف » شد.

حرف پنجم مستحضره ما حرف « ت » است. آن را به حرف « ض » نسبت می دهیم که فقط ۴ حرف با هم فاصله دارند. حرف هم عنصر « ض » در میان چهار حرف قرآنی ، حرف « و » است . فاصله این حرف با حرف « ت » در دایره ابجد ، ۱۶ حرف است. این عدد را به اضافه و منهای ۴ می کنیم .
 $۱۶ + ۴ = ۲۰ // ۱۶ - ۴ = ۱۲$ در دایره انسخ شروع به شمارش کردیم بدون اینکه حرف الف را حساب کنیم ، اینبار به حرف « و » رسیدیم .

حال از حرف « ت » شروع به شمارش می کنیم ، در شمارش اول به حرف « ض » می رسیم که نمی تواند مستحصله ما باشد، در شمارش سوم به حرف « و » می رسیم . به این شکل:
 ث خ ذ ض - ظ غ ا ب - ج د ه و . پس این حرف مستحصله ما شد. در دایره دورکبیرهم نگاه کنید این حرف یکی از حروف دوریه ی حرف « ت » می باشد. در خانه حرف « خ » این دو با هم حضور پیدا کرده اند.

حرف ششم مستحضره ، حرف « ب » است . آن را به حرف « ج » نسبت دادیم. در اصل بدون بعد است. هم عنصر حرف « ج » در بین چهار حرف قرآنی ، حرف « ق » است. فاصله بین حرف « ب » و « ق » ۱۷ است. چون بین ب و ج بعدی وجود ندارد، بهمین دلیل می توانیم حرف « ج » و یا نظیره آن را که « ف » می باشد انتخاب کنیم. در اینجا « ج » را انتخاب می کنیم. اما « ف » را هم در نظر داریم .

حرف هفتم مستحضره ، حرف « ق » است . آن را به حرف « ت » نسبت دادیم . عدد ۳ به دست آمد. هم عنصر « ت » حرف « و » است . فاصله حرف « ق » تا حرف « و » ۱۳ است .
 $۱۳ + ۳ = ۱۶ // ۱۳ - ۳ = ۱۰$ - حرف شانزدهم در شمارش انسخ به « غ » می رسد . شمارش ۳ هم روی حرف غ متوقف می شود. بنابراین این حرف مستحصله می باشد؛ اما هنوز از طرف حرف « ق » تأیید نشده است. در

شمارش از حرف « ق » و در شمارش دوّم با احتساب يك حرف به جلو به حرف « غ » مي رسيم. از طرفي اين حرف جزو حروف مستحصه حتمي « ق » است. پس بعنوان مستحصه تأييد مي گردد. اما ما نظيره آن را استفاده مي كنيم. زيرا خود حرف نمي تواند يا حروف ديگر مستحصه پيوند ايجاد كند.

حرف هشتم مستحصه، حرف « ي » مي باشد. آن را به حرف « ن » نسبت داديم كه فقط ۴ حرف با هم فاصله دارند. هم عنصر حرف « ن » حرف « و » است. فاصله حرف « ي » با « و » در دايره ابجد فقط ۴ حرف است. در شمارش از دايره انسخ بدون احتساب حرف « الف » به حرف « ك » مي رسيم. به اين شكل :

			د	ج	ب	ا
			ك	ل	م	ن

در شمارش روي حرف « ي » هم با احتساب يك حرف به عقب به حرف « ذ » مي رسيم كه نظيره آن « ك » است. همچنين در دايره دور كبير حروف، حرف « ك » جزو حروف مسلم مستحصه « ي » است.

در اينجا پاسخ ما اين شد : **حکم او جنگ .**

سؤال : آیا عیسی مسیح (ع) به صلیب کشیده شد یا نجات یافت ؟

مدخل کبیر : ۲۰۱۸ تعداد حروف : ۳۴ تعداد نقاط : ۲۹ حروف قرآنی : (ا ی ث) = ۹

اعداد مداخل را به حرف برگردانیده و وارد جدول می کنیم.

حروف مداخل : ح ی ب غ - د ل - ط ک

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف
ک	ط	ل	د	غ	ب	ی	ح	اساس
ذ	ث	ض	ص	ن	ع	خ	ت	نظیره
ر	ه	ب	ض	ذ	ب	ذ	ذ	مستحضره

نحوه استخراج حروف مستحصله

برای استخراج حروف مستحصله در این روش شما باید ابتدا حرف مستحضره را به یکی از حروف اساس و یا نظیره نسبت بدهید که بعد ابجدی آن از ۷ بیشتر نباشد. حال عددی که به دست می آید نشان دهنده شماره خانه‌ای در دایره دور کبیر حروف است که از آن خانه باید حروف مستحصله خود را استخراج کنید. مثلاً اگر عدد شما ۷ باشد، باید از خانه شماره هفت که مربوط به حرف « ز » است جواب خود را به دست آورید و برای اینکار، حروف خانه حرف مستحضره را با حروف خانه حرف « ز » مطابقت می دهیم؛ هر حرفی که در هر دو خانه تکرار شده باشد می تواند بعنوان مستحصله قرار گیرد. البته اولویت اول با نظیره حرف مستحضره یا قوای حرف مستحضره از نظر دایره ایتقی است که اگر در خانه حرف مورد نظر (یعنی خانه حرف « ز ») تکرار شده باشد می تواند مستحصله باشد.

جدول حروف ما این است :

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف
ک	ط	ل	د	غ	ب	ی	ح	اساس
ذ	ث	ض	ص	ن	ع	خ	ت	نظیره
ر	ه	ب	ض	ذ	ب	ذ	ذ	مستحضره
								جواب

اولین حرف مستحضره از سمت چپ را انتخاب می کنیم که حرف « ر » است. آن را با حرف « ذ » نسبت دادیم عدد ۵ به دست آمد. پس به خانه شماره پنج « حرف ۵ » در دایره دور کبیر حروف مراجعه می کنیم و حروف داخل آن را با خانه حرف « ر » مطابقت می دهیم. به این شکل که می بینید:

فانه حرف (ر)

م	ک	ص
ق	ر	ش
ع	ب	و

فانه حرف (ه)

ش	ث	ز
د	ه	و
ظ	ن	ق

برای مطابقت دادن اصل، حروف خانه « ر » است. در این مثال حروف واجد شرایط عبارتند از: (ش ق و). نکته: گاهی اوقات نظیره حروف هم می توان بعنوان مستحصله قرار گیرد. مثلاً در یک خانه حرف « ر » باشد و در خانه دیگر حرف « و ».

چگونگی انتخاب حروف مستحصله

بهنگام انتخاب حروف باید به این نکته مهم توجه داشته باشید که حرف اول تعیین کننده است؛ زیرا بقیه حروف باید در کنار آن قرار بگیرند تا یک ترکیب معنی دار ساخته شود. بهمین دلیل باید ابتدا حرف دوم هم در نظر گرفته شود تا مشخص شود حرفی که بعنوان مستحصله اول انتخاب شده می تواند با حرف دوم دوست شود یا خیر؟ حال به مطلب بعدی توجه کنید که خیلی مهم است.

در اینجا بعد از بررسی حروف ما حرف « و » را بعنوان مستحصله اول انتخاب می کنیم. چرا؟ برای اینکه این حرف نظیره حرف مستحضره است. (مستحضره حرف « ر » بود و ما حرف « و » را بعنوان مستحصله انتخاب می کنیم زیرا اولویت با این حرف است).

مستحضره دوم ما که از راست انتخاب می شود حرف « ذ » است. این حرف را به حرف « ت » در نظیره نسبت دادیم بعد ابجدی ۳ است. پس از خانه سوم که متعلق به حرف « ج » است باید مستحصله را استخراج کنیم. برای این کار، حروف خانه حرف « ذ » را با خانه حرف « ج » مطابقت می دهیم. حرف « ل » را بعنوان مستحصله انتخاب می کنیم. این حرف با حرف « و » دوست است.

مستحضره سوم، را از طرف چپ باید بگیریم که حرف « ه » است. این حرف را به حرف « ط » در نظیره نسبت دادیم؛ بعد ابجدی ۴ شد. از خانه چهارم که متعلق به حرف « د » است خود این حرف را بعنوان جواب انتخاب می کنیم. زیرا که با عدد شمارش که ۴ بود یکی است. تا اینجا کلمه « ولد » به معنی پسر را به دست آوردیم. اینجا مشخص می شود که چرامسیحی ها حضرت عیسی را پسر خدا می دانند.

مستحضره چهارم، را از راست میگیریم که حرف «ذ» است. آن را با حرف «خ» در نظیره نسبت دادیم که فاصله آن دو ۱ است. پس از خانه شماره یک که تعلق به حرف «الف» دارد باید جواب خود را استخراج کنیم. با مطابقت دادن حروف دو خانه، حرف «ج» را بعنوان مستحضره یا جواب انتخاب می کنیم.

مستحضره پنجم، از چپ می گیریم که حرف «ب» است. این حرف را نمی توانیم به هیچ یک از حروف اساس یا نظیره نسبت دهیم. اما می توانیم به حرف «د» که نزدیکترین حرف به این حرف است نسبت دهیم. بعد ابجدی این دو حرف ۲ است. این عدد حرف «ب» است. پس خود حرف «ب» را بعنوان مستحضره انتخاب می کنیم. تا اینجا حروف «ج ب» را استخراج کرده ایم.

مستحضره ششم ما، از سمت راست حرف «ف» است و خود این حرف در اساس تکرار شده است. اما چون حرف قبلی هم «ب» است، پس یا باید نظیره این حرف استفاده شود یا اینکه حرف منسوب تغییر یابد. در اینجا نظیره آن را بعنوان مستحضره انتخاب می کنیم.

مهم: اگر توجه داشته باشید در اینجا حروف «ج ب ع» هیچ سنخیتی با هم ندارند که بتوانند یک ترکیب با معنی را بسازند. اما بهمین شکل فرمولی جلو بروم تا شما ببینید که هیچ دستکاری در حروف نشده، بالاخره مشخص می شود که به جواب می رسیم یا خیر؟

مستحضره هفتم، از سمت چپ حرف «ض» است. این حرف را نمی توان به هیچ یک از حروف اساس یا نظیره نسبت داد. اما می توان به حرف «ض» دیگر در همان نزدیکی نسبت داد. فاصله این دو حرف در جدول ۲ است. پس از خانه دوم که تعلق به حرف «ب» دارد باید استخراج جواب کرد. با مطابقت دادن حروف این دو خانه، حرف «ا» را بعنوان مستحضره انتخاب کردیم.

مستحضره هشتم، را از سمت راست انتخاب می کنیم که حرف «ذ» است. این حرف را به حرف «غ» در اساس نسبت دادیم و فاصله این دو حرف عدد ۳ است. با مطابقت دادن حروف خانه حرف «ج» با حرف مستحضره، حرف «ل» را انتخاب کردیم. در اینجا هشت حرف مستحضره ما به پایان رسید و حال وقت آن رسیده که نگاهی به حروف جواب بیاندازیم.

حروف استخراج شده عبارتند از: (ول د ج ب ع ا ل)

سؤال ما این بود که: آیا عیسی مسیح (ع) به صلیب کشیده شد یا نجات یافت؟

در اینجا جواب این می شود: ولد بعلاج

ولد یعنی پسر و به علاج هم یعنی اینکه شخص نجات یافت.

با توجه به سؤال و انتظاری که ما داشتیم می توان این جواب را قبول کرد.

سؤال : پدر عیسی مسیح که بود؟

مدخل کبیر : ۵۱۱ تعداد حروف : ۱۶ تعداد نقاط : ۸ مروف مداخل : ا ی ث - و ی - ح

مروف قرآنی (ا و ث ل) = ۶

حال حروف را بهمین شکل وارد جدول کرده و برایشان مستحضره می گیریم.

۶	۵	۴	۳	۲	۱	ردیف
ح	ی	و	ث	ی	ا	اساس
ت	خ	ر	ط	خ	س	نظیره
ت	ف	ذ	ی	ظ	غ	مستحضره
د	ز	غ	ع	ض	ت	مستحصله
د	ش	ن	ب	ل	ح	جواب

مستحضره اول : حرف اول « ت » است و چون در سطر نظیره تکرار شده، پس خودش مستحصله است.

مستحضره دوم : حرف دوم از راست، « غ » است. این حرف را به « خ » نسبت دادیم. فاصله ۴ است. از خانه چهارم حرف « ض » را به عنوان مستحصله استخراج کردیم.

مستحضره سوم : حرف سوم از چپ حرف « ف » است. این حرف را به حرف « ی » نسبت دادیم. فاصله ۷ است. پس از خانه هفتم حرف « ع » را به عنوان مستحصله استخراج کردیم.

مستحضره چهارم : از سمت راست حرف « ظ » را به حرف « خ » نسبت دادیم. فاصله ۳ شد، از خانه سوم حرف « غ » را به عنوان مستحصله گرفتیم.

مستحضره پنجم : از چپ حرف « ذ » است. این حرف را به حرف « ر » نسبت دادیم، فاصله ۵ بود. از خانه پنجم حرف « ز » را به عنوان مستحصله گرفتیم.

مستحضره ششم : از راست حرف « ی » بود، آن را به حرف « ط » نسبت دادیم، با احتساب خود حرف فاصله ۲ شد. از خانه دوم، حرف « د » را استخراج کردیم.

بعد از اتمام کار حروف را کنار هم گذاشته و نظیره گرفتیم. جواب این شد: **حل ب ه** نشد .

در اینجا منظور این است که این سؤال جواب ندارد. حال به حروف مستحضره نگاه کنید، این حروف

عبارتند از :

مستحضره	غ	ظ	ی	ذ	ف	ت
---------	---	---	---	---	---	---

 حال اگر نظیره این حروف را

بگیریم خواهیم داشت : **نمی گفت** . پس جواب ما درست است .

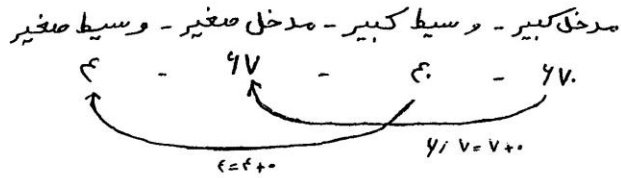
حجر صدیقی یا ثوری
۱۵ اسطری معروف

۱- سوال را بنویسید: امام زمان کیست.

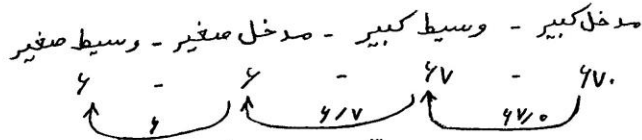
۲- اعداد کبیر ابجدی حروف سوال را بنویسید: م ا م ز م ا ن ک ی س ت
۴ ۱ ۴ ۷ ۴ ۱ ۵ ۲ ۱۰ ۶ ۴

۳- مدخل اربعه بگیرد که بر پنج نوع است:

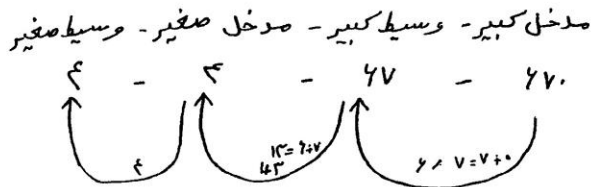
اول: مدخل کبیر یعنی جمع عدد کل سوال ۲- وسط کبیر یعنی کل اعداد سوال را یکبار فرض کنید و همه را جمع کرده بنویسید.
۳- مدخل صغیر یعنی دورقم سمت راست مدخل کبیر را آنقدر با هم جمع کنید تا بشود یک رقم و کنار عدد سمت چپ قرار داده و آنرا جداگانه بنویسید ۴- وسط صغیر که آن هم از وسط کبیر با همان روش مدخل صغیر بدست می آید.



دوم: مدخل کبیر یعنی جمع عدد کل سوال ۲- وسط کبیر یعنی یکبار از سمت راست حذف و باقی را بنویسید.
۳- مدخل صغیر یعنی یکبار از سمت راست وسط کبیر حذف و باقی را بنویسید ۴- هر چه باقی در مدخل صغیر همه را با هم جمع کرده و تبدیل به یک عدد یک رقمی کرده و بنویسید.



سوم: ۱- مدخل کبیر یعنی جمع عدد کل سوال ۲- وسط کبیر یعنی دو عدد سمت راست را با هم آنقدر جمع کنید تا بشود یک رقم و کنار اعداد سمت چپ قرار داده بنویسید ۳- مدخل صغیر یعنی دو عدد سمت راست وسط کبیر را با هم آنقدر جمع کنید تا بشود یک رقم و کنار اعداد سمت چپ قرار داده بنویسید ۴- وسط صغیر هم مثل باقی دو عدد سمت راست جمع و کنار عدد سمت چپ نوشته شود.



چهارم: ۱- مدخل کبیر یعنی جمع عدد کل سوال ۲- وسط کبیر یعنی دو عدد سمت راست را فقط یکبار جمع کنید و بنویسید ۳- مدخل صغیر که مثل وسط کبیر عمل میشود ۴- وسط صغیر که آن هم مثل وسط کبیر عمل میشود.

مدخل کبیر - وسط کبیر - مدخل صغیر - وسط صغیر

$$\begin{array}{ccccccc}
 ۶۷۰ & - & ۶۷ & - & ۱۳ & - & ۴ \\
 \uparrow & & \uparrow & & \uparrow & & \uparrow \\
 ۲۰۰ & + & ۲۰ & + & ۲۰ & + & ۲
 \end{array}$$

پنجم: ۱- مدخل کبیر یعنی جمع عدد کل سوال ۲- وسط کبیر یعنی دو رقم سمت راست مدخل کبیر را یکبار با هم جمع کنید و بعد رقم دهگان آن را با رقم سمت راست اعداد کناری مدخل کبیر جمع کرده و بنویسید ۳- مدخل صغیر یعنی با عدد وسط کبیر بازمین روش را یکبار کرده و عدد حاصله را بنویسید ۴- وسط صغیر یعنی باز مثل وسط کبیر عمل کرده و عدد حاصله را بنویسید.

مدخل کبیر - وسط کبیر - مدخل صغیر - وسط صغیر

$$۶۷۰ - ۶۷ - ۴ - ۴$$

برای توضیح بهتر مدخل پنجم یک مدخل کبیر فرضی مینویسیم و راه را عمل میکنیم:

مدخل کبیر - وسط کبیر - مدخل صغیر - وسط صغیر

$$\begin{array}{ccccccc}
 ۲۷۹۵ & - & ۲۸۴ & - & ۳۲ & - & ۵ \\
 \uparrow & & \uparrow & & \uparrow & & \uparrow \\
 ۱۰۰۰ & + & ۱۰۰ & + & ۲۰ & + & ۲
 \end{array}$$

(توضیح: با هر روشی که بر روی فرقی ندارد جواب یکی است فقط گویش جواب متفاوت است. ما با روش اول میرویم)
 ۴- اعداد بدست آمده را بر اساس ابجد کبیر تبدیل به حرف کنید:

$$۴ - ۶۷ - ۴ - ۶۷$$

$$۴ \text{ خ } ۴ \text{ م } ۴ \text{ ز } ۴ \text{ د}$$

۵- حروف حاصله را به سطر ملفوظی بدهید:

$$\begin{array}{cccc}
 ۴ & ۴ & ۴ & ۴ \\
 \text{خ} & \text{خ} & \text{م} & \text{ز} \\
 \text{س} & \text{س} & \text{س} & \text{س} \\
 \text{د} & \text{د} & \text{د} & \text{د}
 \end{array}$$

۶- حروف وسط داده شده را نظیره ابجدی بنویسید. همانطور که میدانید ابجد ۲۸ حرف است که به ترتیب ۱ تا ۲۸ حرف اول و قرار میگیرد. حرف دهم زیر که هر کدام نظیره هم دیگر بنویسید. عبارتی هر حرفی ۴ حرف بعد از خودش نظیره اش میباشد.

نظیره	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ابجد	س	ح	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن د ا ل = اساس
 س خ غ ی س ظ خ ن ا ش ی س ا غ غ ص س س = نظیره ابجد

۷- اکنون اعداد حروف سطر اساس را یکبار فرض کنید و سپس عدد هر خانه ای را در خانه بعدی ضرب کرده و حاصل را در زیر حرف بنویسید. حرف آخر را در حرف اول ضرب کنید.

۸- سپس اعداد حروف سطر نظیره را هم مثل اساس ضرب کرده و بنویسید.

نکته مهم اینست که ضرب در اینجا متغیرت از قانون ضرب ریاضی است و کس فرق دارد. شرح ضرب بصورت زیر است:

یکه اگر اعداد مساوی باشند یعنی مثل هم خود همان را بنویسید مثلاً $۳ \times ۳ = ۳$ ، $۴ \times ۴ = ۴$ ، $۵ \times ۵ = ۵$ ، $۶ \times ۶ = ۶$ ، $۷ \times ۷ = ۷$ ، $۸ \times ۸ = ۸$ ، $۹ \times ۹ = ۹$

دو اگر اعداد متوازی باشند مثل ۵ و ۱۵ و ۳ و ۱۲ و ۴ و ۱۲ یعنی عدد کوچکتر چند بار بزرگتر شود مساوی عدد بزرگتر شود.

سه اگر اعداد متعاقب باشند مثل ۴ و ۱۴ و ۶ و ۹ و ۶ و ۸ و ۱۵ و ۶ با نصف کتبیها کتبه دیگری است ضرب نباید کرد. مثل اینجا

در ۱۴ دو کتا نصف ۷ است هم بر ۷ وقتی میدهد هم بر ۱۴ این سبب $۲ \times ۲ = ۴$ و $۷ \times ۲ = ۱۴$ پس باین صافقت میدهد و با

این سبب ۷×۴ و بیشتر ۲۸ و آنرا بنویسیم. یعنی عدد بزرگتر چند مرتبه کوچکتر شود مساوی عدد کوچکتر کرد که در این

صورت عدد وقتی را در عدد بیشتر ضرب کنند مثلاً ۴ و ۱۴ عدد سوم آنها ۱۴ میشود.

چهار- اگر اعداد متباین باشند یعنی دو عددی که با هم تناسب نداشته باشند. مثل ۵ با ۸ یعنی ۸ را اگر ۵ قسمت کنند باقی بماند

۳ و اگر ۸ را ۵ قسمت کنند باقی بماند ۳ و اگر ۵ را ۸ قسمت کنند باقی بماند ۱. در اینصورت باید یکی از این دو عدد را در دیگری ضرب کنید.

برای راحتی کار جدول ضرب اعداد را در اینجا رسم میکنیم:

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱
۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰	۸	۶	۴	۲	۲
۲۷	۲۴	۲۱	۱۸	۱۵	۱۲	۹	۶	۳	۳
۳۶	۳۲	۲۸	۲۴	۲۰	۱۶	۱۲	۸	۴	۴
۴۵	۴۰	۳۵	۳۰	۲۵	۲۰	۱۵	۱۰	۵	۵
۵۴	۴۸	۴۲	۳۶	۳۰	۲۴	۱۸	۱۲	۶	۶
۶۳	۵۶	۴۹	۴۲	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۷
۷۲	۶۴	۵۶	۴۸	۴۰	۳۲	۲۴	۱۶	۸	۸
۸۱	۷۲	۶۳	۵۴	۴۵	۳۶	۲۷	۱۸	۹	۹

۹- در روشهای متفرقه با جای ضرب و محاسبات آن فقط اعداد را جمع کرده و مینویسند:

اساسی	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
تظریه	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
ضرب اعداد حروف اساسی در هم	۷	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ضرب اعداد حروف نظریه در هم	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰

۱۰- اکنون اعداد حاصل را از هم کم کنید. نامش تعدیل اول است.

ضرب اعداد حروف اساسی در هم	۷	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ضرب اعداد حروف نظریه در هم	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۰	۰	۰	۰
تعدیل اول (کم کردن)	۵	۱	۱۱	۲۹	۱۲	۲	۲	۲	۲۵	۲	۲	۲	۱۲	۱۲	۹	۱۷	۱۷

۱۱- اکنون اعداد سطر اساسی را در اعداد سطر نظریه ضرب کرده و در ستون بعدی بنویسید. سپس عدد اول این سطر را در آن سطر بگذرانید و عدد دوم را در خانه اول و عدد سوم را در خانه دوم و همینطور کل اعداد سطر ضرب اساسی در نظریه را با ناصلا یک عدد در سطر بعدی بپر کنید. بعد هر دو سطر را از هم کم کنید که نامش تعدیل دوم است. سپس اعداد سطر تعدیل اول را از سطر تعدیل دوم کم کنید. در ضمن اگر هر دو عدد یکسان و شبیه هم بودند از هم کم نمیشوند بلکه با هم جمع میشوند. اگر جای ضرب جمع عمل شده در روشهای دیگر با یکدیگر یا بدو وقتی که اعداد یکسان و شبیه هم هستند در هم ضرب شوند نگامر شوند.

تعدیل اول	۵	۱	۱۱	۲۹	۱۲	۲	۲	۲	۲۵	۲	۲	۲	۱۲	۱۲	۹	۱۷	۱۷
ضرب اعداد حروف نظریه و اساسی در هم ۱	۱۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ضرب اعداد حروف نظریه و اساسی در هم ۲	۲	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
تعدیل دوم	۸	۱	۱	۱۲	۲۰	۲	۲	۲	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۱۰	۲۱	۲۰	۱۸	۱۰
حاصل کم کردن هر دو تعدیل ۱-۲ از هم	۳	۲	۲	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۱۴	۱۴	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۹	۷

۱۲- اکنون حروف حاصل را تبدیل به حرف کنید:

حاصل کم کردن هر دو تعدیل از هم	۳	۲	۲	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۱۴	۱۴	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۹	۷
تبدیل به حروف کردن اعداد حاصل در ابجد وضعی	ج	ب	ع	ح	خ	ن	غ	غ	خ	ن	ک	خ	خ	ب	ر	غ	ط

۱۳- برای آشنایی کار با جدولی را ترسیم میکنیم تا مستقیم از سطر اساس با حروف دور برسیم:
 برای همین حرف اول اساس را از بالای جدول بگیریم و حرف دوم اساس را از طرف راست جدول بگیریم و در تقاطع این دو حرف
 به حرف رسیدیم آن حرف دور با همان حرف حاصل از کم کردن تعدیل ۱ از تعدیل ۲ است. بدون طی کردن مراحل ضرب:

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	
ا	ه	ح	م	م	و	ک	ب	و	د	ه	خ	م	م	و	ز	ی	ن	ط	ر	ح	خ	ن	ک	ز	ی	ن	ط	ر	
ب	خ	ق	ل	م	ک	ط	ک	و	خ	ق	ل	م	ب	س	ط	ع	س	ز	ر	ط	ن	ی	ط	ف	ز	س			
ج	ل	ش	خ	و	ب	ب	و	و	م	ل	س	خ	و	ن	خ	ک	ه	ن	ص	ت	ر	ص	ن	خ	ک	ه	ن		
د	م	م	خ	ل	و	ب	ج	ک	م	م	خ	ش	ل	ط	ز	ه	م	ح	ن	ص	ر	ک	ط	ز	ه	م	ح		
ه	و	ک	و	ل	ح	ف	ع	ن	غ	و	ک	و	ل	د	ر	ذ	ن	ح	و	ط	ل	ج	ص	ر	خ	ن	ح	و	
و	ک	ط	ب	ر	و	ف	د	ط	ر	ن	ک	ط	ب	و	ف	ح	ر	ص	ن	ط	ح	ک	ن	ف	ح	ر	ص	ن	ط
ز	ب	ط	ب	ع	ط	ص	ط	ف	ب	ط	ب	ج	ف	ر	ک	د	ل	ک	ی	م	ع	ص	ر	ک	ص	ل			
ح	و	ک	و	ج	ن	ر	ط	ا	د	ح	و	ک	و	ط	ح	ن	ط	ر	ر	چ	ک	م	ل	س	ن	ط	ر	ر	چ
ط	و	و	ک	غ	ن	غ	خ	ط	د	ن	ب	ک	خ	ک	ن	ص	ک	ص	ت	ع	س	ن	د	ن	ص	ک	ص		
ی	ه	خ	م	م	و	ک	ب	و	د	ه	خ	م	م	و	ز	ی	ن	ط	ر	ح	ص	ن	د	ر	ی	ن	ط	ر	
ک	خ	ق	ل	م	ک	ط	ک	ن	خ	ق	ل	م	ک	ی	ط	ع	س	ر	ر	ط	ن	ی	ط	ف	ز	س			
ل	م	ل	ش	خ	و	ب	ب	و	ب	م	ل	ش	خ	و	ن	خ	ک	ه	ن	ص	ک	ر	ص	ن	خ	ک	ه	ن	
م	م	م	ف	ش	ل	و	ب	ط	م	م	خ	ش	ل	ط	ز	ه	م	ح	ن	ص	ر	ک	ط	ز	ه	م	ح		
ن	و	ک	و	ل	د	ع	ک	ح	غ	و	ک	و	ل	د	ر	خ	ن	ح	و	ط	ل	ج	ص	خ	ذ	ن	ح	و	
س	ز	ی	ن	ط	ر	ح	ف	ن	ک	ز	ی	ن	ط	ر	ه	خ	م	ن	و	ک	ب	و	س	ه	خ	م	ن	و	
ع	ی	ط	ف	ز	د	ر	ط	ن	ی	ط	ف	ز	خ	خ	ق	م	م	ک	ط	ط	ک	و	خ	ق	م	م	ک		
ف	ن	ف	ک	ه	ن	ص	ک	ز	ص	ن	ف	ک	ه	ن	م	ش	خ	و	ب	ب	ب	ب	م	م	ش	خ	و		
ص	ط	ع	ه	م	ح	م	د	ر	ک	ط	ع	ه	م	ح	ن	م	خ	ش	ل	غ	ب	ع	ک	ن	م	خ	ش	ل	
ق	ر	س	ز	ح	و	ط	ل	ج	ص	ر	س	ن	ح	و	ر	ک	ر	ل	د	ع	خ	ن	غ	و	ک	و	ل	ن	
ر	ح	ر	ص	ن	ط	ح	ک	ک	ف	ح	ر	ص	ن	ط	ک	ط	ب	ع	ف	د	ط	د	ن	ک	ک	ب	و	ث	
ش	خ	ر	ت	ص	ل	ک	ی	م	ع	ص	ر	ک	ص	ل	ب	ط	ب	ح	ط	ص	ط	ل	ب	ط	ب	ط	ب	ح	
ت	ن	ط	ر	ر	ج	ن	م	ل	س	ن	ط	ر	ر	ج	و	ک	ب	ع	ن	د	ط	د	ح	و	ل	و	ل	ح	
ث	د	ن	ص	ک	ص	ف	ع	س	ن	د	ن	ص	ک	س	و	ب	ک	غ	ن	ل	ح	ط	س	س	خ	ک	غ		
خ	ز	ی	ن	ط	ر	ح	ص	ن	د	ز	ی	ن	ط	ر	ه	خ	م	ن	و	ک	ب	و	س	ه	خ	م	ن	و	
ذ	ط	ف	ز	خ	ر	ط	ن	ی	ط	ف	ز	خ	ق	م	م	ک	ک	ط	ل	س	ص	ق	م	م	ک				
ض	ن	ف	ک	ه	ن	ص	ک	ر	ص	ن	ف	ک	ه	ن	م	ش	خ	و	ب	ب	و	خ	م	م	ش	خ	و		
ظ	ط	ز	ه	م	خ	ن	ص	ر	ک	ط	ز	ه	م	ح	ن	ح	م	ک	ل	و	ب	ل	ک	ن	م	خ	ش	ل	
غ	س	و	ح	و	ط	ل	ج	ص	ر	س	ن	ح	و	ر	ک	و	ل	ن	ع	خ	ح	غ	م	ر	ذ	و	ل	ن	

۱۴. اکنون باید حروف قوای حروف بدست آمده از سنطر قبل را بدست آورد:

محرّف ۱ حرف قوی دارد - ۱. ترفع ۲. ترقی ۳. تنزل ۴. تساوی .
مثلاً الف لا اگر با هر چهار طرف یک حرکت بدسیم بشکل روپرو حروف قوایش معلوم میشود تنزل ۱. ب ترقی
حرفی را که میخواهیم قوای آنرا بگیریم اول باید عدد صغیر ابدی آنرا گرفت و بعد آن بعد از حرف
اساس که مقابل آنست در اجد بشمارید بقوای اگر با یکی از حروف چهارگانه قوی رسید فیهما وگرنه

خلاف توالی بشمارید اگر رسید به حرفی از حروف قوا فیهما وگرنه با همین منوال از حرف نظیره بشمارد یکبار بقوای و یکبار خلاف توالی
اگر به حرف قوی رسید فیهما وگرنه یک حرف بعد از حرف اساس را گرفت از دایره اجد بشمارید اگر نرسید یک حرف قبل را بگیرد و بشمارید
اگر به حرف قوی رسید فیهما وگرنه دو حرف بعد از حرف اساس را گرفت و بشمارید اگر باز به حرف قوی نرسید یک حرف بعد از حرف
اساس را در اجد بگیرد و به آن وبعد نظیره آن عمل کنید. اگر باز به حرف قوی نرسید تا یک حرف از بعد از حرف اساس در اجد
عمل کنید اگر باز به حرف قوی نرسید به حروف سته عمل کنید: یعنی اول ۱ تا ۲ تا بعد ۳ تا ۴ تا بعد ۵ تا ۶ تا بعد ۷ تا ۸ تا بعد از آن
۲۸ تا ۲۹ تا بعد ۳۰ تا ۳۱ تا بشمارید که قطعاً به حرف قوی خواهید رسید.

جدول حروف قوای چهارگانه ۲۸ حرف بصورت زیر است:

ع	س	ن	م	ل	ک	یا
و ز ح	ه و ز	د ه و	ج د ه	ب ج د	ا ب ج	غ ا ب
ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق
ث	ت	ثا	ر	ق	ص	ف
م ن س	ل م ن	ک ل م	ی ک ل	ط ی ک	ح ط ی	ز ح ط
ه	د	ج	ب	غ	ظ	ض
ج	ب	غ	ظ	ض	ذ	خ
ر ش ت	ق ر ش	ص ق ر	ف ص ق	ع ف ص	س ع ف	ن س ع
ل	ک	ی	ط	ح	ز	و
ی	ط	ح	ز	و	ه	د
ظ غ ا	ض ظ غ	ذ ض ظ	خ ذ ض	ث خ ذ	ت ث خ	ش ت ث
ق	ص	ف	ع	س	ن	م

اکنون جدولی را ترسیم میکنیم که کل حروف را قوا گرفته و در این جدول گنجانده ایم و شما میتوانید

بدون زحمت مستقیماً حرف قوا را بدست بیاورید:

جدول قوامی حفری در حفر صدیقی ۱۵ اسطری

ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا	اساس
نظيره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	ب	پ	ف	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	غ
ب	ج	چ	ا	ر	ج	ج	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ا
ج	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	ب
د	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ج
ه	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	و	د
و	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ه
ز	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	و
ح	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ز
ط	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ح
ی	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ط
ک	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ی
ل	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	ک
م	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ل
ن	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	م
س	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ن
ع	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	س
ف	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ص	ع
ص	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ف
ق	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ص
ر	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ق
ش	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ش
ت	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ت
ث	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	ث
ث	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ث
ذ	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ض	ذ
ض	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ض
ظ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	غ	ظ
غ	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ظ

حرف اساس یا نظیره را از بالای جدول بگیرید و حرف دور را از کنار جدول و در تقاطع آنها هر حرفی که بود همان حرف قوا است.

(توضیح): شش حرف از حروف وجود دارند که برای گرفتن حرف قوی آنها روش جداگانه‌ای وجود دارد. این حروف را ستاره مشهوره میگویند. برای اینکه بدانید کدام حروفند از حرف غی خلاف توالی که حرف بشمارید به حرف ذ میرسید بعد از حرف شمردیم به ت رسید بعد ۹ حرف شمردیم به ر رسید بعد ۱۱ حرف شمردیم به ف رسید بعد ۱۸ حرف شمردیم به ا رسید بعد ۱۸ حرف شمردیم به ض رسید. بنابراین حروف ستاره از طروج ستاره (ذت رف اض) میباشد. عدد وضعی هر کدام را گرفته و با آن عدد از حرف اساس بعد از نظیره بشمارید در ابجد بقوالی و اضافه کردن عدد جایز نیست. اگر با حرف قوی نرسید باید با طروج ستاره عمل کنید یعنی از خود این حروف اول بقوالی با اعداد ۴-۷-۹-۱۲-۱۸-۲۰ بعد بخلاف توالی بشمارید اگر باز به حرف قوی نرسید در اینجا میتوانی یک عدد اضافه و بعد کم کنید و بشمارید حتی با حرف قوی میرسید.

اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	س	م	ی	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
تظیره	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	ع	ص	ص	س	ض
تعديل تعاديل	۳	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۴	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۲۸	۹	۷	
حروف تعاديل با دور	ج	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ن	ک	خ	خ	ب	ب	ع	ط	ز	
حروف قوا	د	ک	ظ	و	ا	ظ	س	ظ	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و	

۱۵- اکنون باید حروف حاصل را بدست آورد.

این بخش دو مرحله دارد. اول اینکه باید چهار حرف از تاریخ و ساعت و طالع وقت و حروف قرآنی بگیریم یا بصورت:

۱- تاریخ سوال را بنویسید و عدد کبیر آنرا بدست آورده و کل اعداد را هم با هم جمع کنید و بعد تبدیل به حرف کنید در ابجد وضعی.

روز سه شنبه سیزدهم صفر سال هزار و سیصد و سی و یک

روز سه شنبه نهم سی و سه روز ماه دهم سی و سه روز سال هزار و سیصد و سی و یک

$$۱۷۵۱ = ۱ + ۷ + ۵ + ۱ = ۱۴ = ن$$

۲- ساعت سوال ۷ بود = ز ۳- چهار بار قرآن را باز کرده و حرف اول سمت راست را بنویسید و یا اینکه ۴ بار تعدادی از

دانه‌های تسبیح را بگیرید و ۱۸ تا ۲۸ تا کم کرده و باقی هر چه شد با ابجد وضعی برده و تبدیل به حرف کنید و بصورت زیر تبدیل به یک حرف کنید:

حرف اول قرآن صفحه سمت راست = م حروف م + ا + و + ل
 حرف دوم قرآن صفحه سمت راست = ا اعداد صغیر ۳ + ۱ + ۱ + ۳ = ۸ در ابجد وضعی میشود ن
 حرف سوم قرآن صفحه سمت راست = و حرف سوم قرآن صفحه سمت راست = ل
 حرف چهارم قرآن صفحه سمت راست = ل

۴- طالع وقت = برج ثور = ث و ر
 $۱۳ = ۲ + ۶ + ۵$ در ابجد وضعی میشود م

اما روش بدست آوردن طالع وقت:

ظرف ۲۴ ساعت خورشید بازماندهای متفاوت در کلا برچ سیر و گردش میکند. در زمان سوال ببینید چه ساعتی است. ساعت در زمان سوال ما ۷ بوده آفتاب در برجی که باشد ساعت اقل آفتاب طالع آن برج است مثلاً هنگام سوال خورشید برچ دلو یا همان بهمن ماه بود. عدد ساعت سوال را در ۱۵ ضرب کرده و با عدد برچ جمع کنید و سپس با هر برجی که عدد بدهید با هر برجی که تمام شد آن طالع وقت سوال است. در مثال سوال ما اینگونه شد:

$$\text{ساعت } 7 \times 15 = 105 + 11 \text{ عدد برچ دلو} = 116$$

دلو - حوت - حمل - ثور
۳۰ ۶ ۹۰ ۱۱۶

پس طالع وقت ما ثور بود.

نوع دیگری هم ممل میشود که ببینید چه ساعتی است و در جدول زیر ببینید در سهم کدام برج است آنرا طالع قرار دهید.

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
۰-۱۶۰	۱۶۰-۲۱۰	۲۱۰-۲۶۰	۲۶۰-۳۱۰	۳۱۰-۳۶۰	۳۶۰-۴۱۰	۴۱۰-۴۶۰	۴۶۰-۵۱۰	۵۱۰-۵۶۰	۵۶۰-۶۱۰	۶۱۰-۶۶۰	۶۶۰-۷۱۰

مثلاً اگر سوال ما در ساعت ۱۲/۳ صبح بود این عدد مربوط به برج سنبله است چون بین ۱۲ تا ۱۴ قرار دارد.

نوع دیگر: ببینید ساعت چند است آنرا ضرب در ۱۵ کرده و حاصل را با عدد بعد برچ ششم جمع کرده و با هر برجی که عدد بدهید در هر برجی عدد تمام شد آن برج طالع است. عدد بعد همان مجموع اعداد صغیر حروف برچ است که با هم جمع میشوند تا بشوند یک عدد یک رقمی مثلاً دلو = ۳ + ۲ + ۱ = ۶ و ۳ + ۲ + ۱ = ۶ پس بعد دلو است و حوت = ۸ + ۶ + ۴ = ۱۸ = ۱ + ۸ = ۹ عدد برچ حوت است.

ایا ادامه بحث حرف حاصل:

از اعداد تاریخ و ساعت و طالع و حروف قرآنی چه حرف پرست آمده آنها را حروف صفحه اربعه میگویند و در سطر سیزدهم با همان مستحله کنار میروند. ایا در اینجا ما با یک عدد بدست میاوریم که مربوط به بخش حرف حاصل است. بدینصورت که

$$\text{حروف صفحه اربعه} = 7 + 5 + 2 + 3 = 17$$

اعداد صغیر این حروف شدند = ۵ + ۷ + ۲ + ۳ = ۱۷ = حرف بی در ایجاد وضعی و عدد صغیرش ۱۷ این عدد مورد نیاز

ما برای بدست آوردن حرف حاصل است بدینصورت که اعداد سطرهای اساس + نظیره + قوا + عدد بدست آمده از حروف

صفحه اربعه = عدد حرف حاصل که باید این عدد را در ایجاد وضعی تبدیل به حرف کنید و در سطر حاصل قرار دهید.

$$\text{مثلاً حرف اساس } 7 = 7 + 2 + 4 + 3 = 16$$

حرف نظیره ب = ۲

حرف قوا د = ۴

عدد حاصل از حروف = ۳

در ایجاد وضعی حرف ع شاتردهمین حرف است پس حرف اول حاصل ع است.

باقی حروف را هم بنظر قیاس کنید.

بعلا از بدست آوردن کل حروف حاصل جدول باشد:

اساس	ع	س	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	س	ن	د	ا	ل	
تغییر	ب	غ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض	
حروف دوریه	ج	ب	غ	خ	غ	غ	غ	غ	ن	ک	خ	ب	ر	غ	ط	ز	
حروف قضا	د	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ظ	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و	
حروف حاصل	ع	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر

۱۶- اکنون نوبت با گرفتن حرف مستحصلا رسید

اتول باید حروف ۱۸ گانه را در کبیر داد. یعنی هر حرفی با یک ترفع و یک ترق و یک تنزل و یک تساوی و یک نظیره ابجدی و یک

نظیره ابجدی و یک نظیره ایضی و یک نظیره اهلطی را در اطرافش نوشتن مثلاً برای حرف الف =

نظیره ابجدی
ترفع ق ج ح ه
تنزل غ ا ب ترق

نظیره ایضی
ن س ی
نظیره اهلطی
تساوی

دور کبیر حروف بیست و هشتگانه

ض	ق	ج	ط	ر	د	غ	ش	ا	ک	ت	ب
غ	ا	ب	ا	ب	ج	ب	ج	د	ج	د	ه
ن	ی	س	خ	ک	ع	ذ	ن	ف	ض	م	ص
ش	ث	ز	س	خ	ح	ن	ذ	ه	ف	ض	و
ر	ه	و	ه	و	ز	و	ز	ح	ز	ح	ط
ظ	ن	ق	ق	س	ر	ک	ع	ش	ل	ف	ت
ب	ظ	ک	ص	ق	ل	ر	ر	ط	ذ	ش	ی
ح	ط	ی	ط	ی	ک	ی	ک	ل	ل	ل	م
م	ص	ش	ث	ا	خ	ز	ز	ذ	ح	ج	ض
ر	ت	س	ز	ث	ع	و	خ	م	ث	ذ	ن
ل	م	ن	م	ن	س	ن	س	ع	س	م	ف
ط	ر	ظ	ا	ه	غ	ع	و	ا	ر	ز	ب
ح	ض	ف	ی	ظ	ز	خ	غ	ف	م	ک	ی
ع	ف	ص	ف	ص	ق	ص	ص	ر	ق	ر	ش
ش	ح	ج	ن	ط	د	و	ی	ه	ع	ب	و
ه	ل	ث	ظ	م	خ	ع	ن	ش	ق	س	ت
ر	ش	ت	ث	ت	ش	ت	ش	ح	ح	ح	ذ
ف	ج	ز	ص	ر	ح	ی	ه	ط	ب	و	ی
ل	ع	ظ	ا	ف	غ	ت	ص	ذ	ح	ف	غ
ن	ز	ک	ر	ح	ل	ه	ط	م	س	س	ن

برای حرف مستحصلا از سه نوع بُعد استفا ده میشود بشرح زیر:

اول: بُعد اجزای که بر اساس حرف حاصل یا مالمها یا مالمها تعیین میشود و از ۱۰ بیشتر نیست ،
دوم: بُعد جدولی که بر اساس شمارش فاصلات حرف حاصل تا خانه ای که در سطر اساس یا نظیره تکرار شده برست
می آید که عدد معینی ندارد و میتواند هر عددی باشد .

سوم: بُعد حرف حاصل یا مالمش یا مالمش از حرف هم عنصرش در حروف صفحه اربعه است. یعنی از حرف حاصل تا
حرف هم عنصرش در حروف صفحه اربعه در آنچه چند حرف فاصلات است این عدد را بعد عنصری میگویند که برای امتحان در
مستحصلا بکار می رود .

در گرفتن مستحصلا با ی عرض را که میخواهید مستحصلا بگیرد اول نسبت آن را با حرفی از حروف اساس یا نظیره تا بُعد
هفت حرف از آنچه معلوم کرد. یعنی در نسبت دادن حرف حاصل با حرفی از حروف اساس یا نظیره باید دو شرط را ملاحظه کرد .
اول آنکه این حرف حاصلی که منسوبست با اساس یا نظیره ای که منسوب الیه است در دایره ابعده وضعی بیش از هفت حرف فاصلات
نباشد که اگر زیادتر فاصلات باشد نسبت نمیتوان داد . دوم آنکه هم عنصر منسوب الیه که حرف اساس یا نظیره است در چهار حرف
صفحه باید باشد که اگر نباشد نمیتوان نسبت حرف حاصل را حرف اساس یا نظیره ای که منسوب الیه است داد. مثلاً اگر حرف
حاصل \bar{r} باشد و در سطر اساس در خانه محاذی آن \bar{e} باشد اگر در \bar{e} هم عنصر \bar{e} که حرف خاصی است در چهار حرف
صفحه نیست نمیتوانیم حرف حاصل را با آن نسبت بدهیم پس اگر حرف حاصل را هم حروف اساس نسبت دادیم و در امتحان
درست نیامد باید آنرا نسبت به حرف نظیره بدهیم اگر با حرف اول نشد با حرف دوم نظیره و اگر نه آن هم نشد با حرف
سوم و همینطور تا آخر حروف سطر. بعنوان مثال \bar{r} را که حرف حاصل است اگر نسبت آن را با هر یک از حروف سطر اساس
دادیم و در \bar{e} یا \bar{h} یا \bar{m} مطیع نشد اعتنا نمیکنیم و با هر یک از حروف سطر نظیره نسبت میدهیم از باب مثال فرض میکنیم که
حرف \bar{r} که حرف حاصل است با \bar{h} یک از حروف سطر اساس هم عنصر نشد و رجوع کردیم با سطر نظیره و آنرا نسبت دادیم
با حرف اول و دوم نظیره با آنها هم عنصر نشد رسیدیم به حرف سوم نظیره دیدیم حرف \bar{e} است و منسوب الیه حرف \bar{r} و آن
درجه صدگان \bar{e} به هر درجه صدگان از حیث مرتبه است و با هم هم مرتبه اند و در صفحه تکرار کردیم هم عنصر \bar{e} را که \bar{r} باشد
موجود دیدیم. اینها بُعد ابعده منسوب و منسوب الیه را ملاحظه میکنیم. یعنی بُعد ابعده \bar{e} را میبینیم \bar{e} است در
ابعده وضعی چنانچه عدد \bar{e} و عدد \bar{e} است و نیز بُعد جدولی \bar{e} را \bar{e} ملاحظه میکنیم \bar{e} است مجموع دو بُعد \bar{e} شد
رجوع میکنیم به دایره انسج \bar{e} را پیدا میکنیم و در همان دایره آن را دور \bar{e} دهیم با عدم توالی یعنی از حرف \bar{e} شروع
و برعکس جهت میشماریم. یعنی \bar{e} را میگیریم و از قبل \bar{e} سا حرف شمرده و حرف چهارم را \bar{e} است میگیریم باز
سا حرف شمرده و حرف چهارم را \bar{e} است میگیریم باز بعد از \bar{e} سا حرف شمرده و حرف چهارم را \bar{e} است میگیریم باز
بعد از \bar{e} سا حرف شمرده و حرف چهارم را \bar{e} است میگیریم باز بعد از \bar{e} سا حرف شمرده و حرف چهارم را \bar{e} است
را میگیریم پس حروفی که از عدم توالی گرفتیم این شش حرف شدند (\bar{e} \bar{e} \bar{e} \bar{e} \bar{e} \bar{e}) پس بر میگردیم از حرف \bar{e} در همان
دایره با عدم توالی از بعد \bar{e} سا حرف شمرده و حرف \bar{e} را میگیریم بعد از آن سا حرف دیگر شمردهیم با خود \bar{e} میگردیم که حرف

هشتم است می‌بایم کاخودر مستحصلا رکاء حرف حاصل میشود و مطلع آن . فرض میکنیم در همین سیمیل کاء حرف دوقم حاصل ن آنرا یک با یک از حروف سطر اساسی نسبت دادیم با هیچکدام درست نیامد تا رسیدیم با حرف ط کاء حرف ۲۴ اساس است دیدیم بعد ن کا منسوب است با ط کاء منسوب الیه است در دایره ابعده است و هم عنصر ط کاء منسوب الیه است نیز در صفا خود ط است پس میتوان نسبت داد با جهت آنکه شرط مستحصلا این بود کاء بعد منسوب با منسوب الیه در ابعدها در از هفت نباشد و بعد جدولی هر قدر باشد نقص ندارد سپس بعد ابعدهی منسوب ک ن است با منسوب الیه ک ط است در دایره ابعده است و شرط دیگر مستحصلا این بود کاء هم عنصر منسوب الیه در حروف صفا باشد پس در این صورت ن را با ط میتوان نسبت داد با جهت آنکه بعد ابعدهی او ۵ و بعد جدولی آن ۲۲ است و جمع بعدین ۲۷ میشود در این دایره انسخ کاء دور میزنیم با ط منتهی میشود یعنی اینطور شماره میکنیم (ن ۳ ل ک س ط ح س ع ف ص ق ر ش غ ظ ض ذ خ ث ت) باز از ت با خلاف توالی دور میزنیم یعنی این طریق (ت خ ذ ض ظ) پس ط مستحصلا ن میشود و در امتحان درست در آمد.

توضیحی دیگر برای مستحصلا گرفتن :

حرف حاصل را با حرف از حروف اساسی یا نظیره نسبت بدهید بشرطی که بیش از هفت حرف فاصله در ابعده در بینشان نباشد مثل همان توضیح قبل منسوب الیه برای منسوب پیدا کنید، مثلاً حرف حاصل ضی بود و با حروف \geq و نظیره اش من نسبت نداشت. در سطر اساسی و نظیره حرف غ نسبت داشت. در ابعده فاصله من با غ ۳ بود کاین را بعد ابعدهی میگویند. و در سطر نظیره فاصله غ از من ۲ بود کاین را بعد جدولی میگویند. جمع هر دو بعد شد $۳ + ۲ = ۵$ اکنون در دایره انسخ بتوالی و خلاف توالی از حرف حاصل بشمارید و دو حرف را بنویسید. در اینجا شد :

۵ حرف بتوالی از حرف ضی شد \geq و ۵ حرف خلاف توالی شد ط یکی از این دو حرف مستحصلا است ک باید امتحان کرد. منسوب الیه ضی حرف غ بود و حروف صفا اربعه هم (س - ن - ع - م) بودند. حرف غی خاکی بود و هم عنصر آن حرف ع بود فاصله حرف ضی با ع در ابعده ۱۰ بود ف ص ق ر ش ت خ ذ ضی اکنون با یو این بود

حاصل از عنصر را یکبار با مجموع بعدین جدولی و ابعدهی افزوده و یکبار هم کم کنید و در دایره انسخ بشمارید اگر با یکی از این دو حرف در شمارش بتوالی یا خلاف توالی رسید همان مستحصلا است و گرنه باید با مملووب حرف حاصل عمل کرد.

$$۱۵ = ۵ + ۱۰ \quad ۵ = ۵ - ۱۰$$

بتوالی در انسخ با شمارش ۱۵ از حرف حاصل ضی = ض د ک ص ذ ه س ق خ و ط ر ش ز ح
خلاف توالی در انسخ با شمارش ۱۵ از حرف حاصل من = ض ف ل ج ظ ع م ب غ ن ذ ا ت ش ح

بتوالی در انسخ با شمارش ۵ از حرف حاصل ضی = ض د ک ص ذ

خلاف توالی در انسخ با شمارش ۵ از حرف حاصل ضی = ض ف ل ج ظ

پس دیدیم ک در شمارش توالی ۵ از حرف حاصل با حرف \geq رسیدیم پس \geq مستحصلا حرف ضی است.

هر حرفی ک در انسخ بدست آمد و در جدول دور کبیر هم بود قوت آن حرف است برای ناطق شدن و مستحصلا بودن.

یکی از قوانین اصلی مستحیلا اینست که اگر حرف حاصل زوم است حرف مستحیلا فرد است و بالعکس.

حروف زوم کامونث نیزگونه = ب د و ح ک م س ف ر ت خ ض

حروف فرد کامونث نیزگونه = ا ج ه ز ط ی ل ن ع ص ق ش ث ذ ظ غ

طبق این قاعده اگر مستحیلا گرفته شود قطعاً ناطق خواهد شد.

در نمونه قبل همانطور که دیدیم حرف حاصل فی بود و صونث و مستحیلا آن خ بود و صدکر بود.

گاهی اوقات همان سطر مستحیلا جواب مستقیم است و گاهی در صدر و موخر جواب حاصل میشود و بالاضره در

صدر و موخر کردن جواب واضح روشن میگردد.

اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
نظیره	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض
حروف حاصل	ع	ل	ص	م	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر
حروف مستحیلا	ت	ص	ق	خ	س	ص	ظ	ظ	س	س	ز	ع	ص	ظ	ظ	ظ
صدر و موخر	ظ	ت	ظ	ص	ظ	ق	ص	خ	ع	س	ز	ص	س	ظ	س	ظ
نظیره ابجد	م	ح	م	د	م	ه	د	ی	ب	ا	ش	د	ا	م	ا	م
ترکیب حروف	م ح د			م ه د ی				ب ا ش د				ا م ا م				

توضیحی دیگر برای مستحیلا گرفتن :

حرف حاصل را ملاحظه کنید که هم در سطر اساس یا نظیره موجود باشد و هم در حروف صفحه اربعه هم عنفرد داشته باشد و گرنه باطلوب و طالب آن عمل کنید. اگر حرف حاصل هم در حروف صفحه اربعه هم عنفرد داشته و هم در اساس یا نظیره موجود بود از حرف حاصل تا حرف موجود در اساس یا نظیره را بشمارید ببینید چند است. این ناهش بجز جدولی است. با همان عدد از حرف حاصل در دایره انسخ بشمارید یکبار بتوالی و یکبار بخلاف توالی و در حرف بدست آمده در انتهای شمارش را بنویسید و سپس امتحان کنید اگر نا امتحان صحیح بیرون آمد حرف مستحیلا است و گرنه باید با حرف دیگری از حروف طالب یا مطلوب حرف حاصل عمل کرد. در دایره اچهر هم ببینید بجز ابجد پیش چند است آنرا هم با عدد بجز جدولی افزوده سپس در دایره انسخ بشمارید.

روش امتحان دیگر :

بجز فاصل حرف حاصل را از حرف صفحه که هم طبع منسوب الیه است گرفته و آن عدد را بر مجموع عدد بجز این افزوده یکبار هم کم کنید و از حرف حاصل در دایره انسخ بشمارید اگر حرف مستحیلا ای که گرفته اید رسید صحیح است و الا غلط است.

نوع دیگر امتحان مستحصلا :

بُعد حرف منسوب الیه را از حرف هم عنصر خودش بگیرید در ابجد و آنرا از بُعدین مذکورین کم کرده و یکبار هم زیاد کنید و در دایره انسخ از حرف حاصل بشمارید اگر بجز مستحصلا ای که گزینا اید رسید صحیح است و الا غلط است.

اگر بعد جدولی و ابجدی هنگام جمع کردن از ۱۲ افتاد تا ترشد هر کدام را جداگانه در انسخ بشمارید.

اگر بعد حرف مستحصلا رسیدید بعد خود حرف حاصل را از حرف هم عنصر را ملاحظه کنید ببینید در ابجد چند حرف فاعلا دارند این عدد را با عدد دو بعد جدولی و اجزای افزوده و یکبار هم کم کنید و با این عدد از خود حرف حاصل در دایره انسخ بر توالی یا خلاف توالی بشمارید اگر حرف بدست آمده رسید ضمهها و الا بعد منصفه را با خود حرف منسوب الیه از اساس یا نظیره در ابجد ملاحظه کرده ببینید این حرف صفحه که هم عنصر حرف منسوب الیه است از اساس یا نظیره حرف حاصل است یا این منسوب الیه چند بُعد دارد این عدد بُعد را با جو بُعد اقل که حرف حاصل با حرف منسوب الیه جدولی و ابجدی داشته یا فراتر باشد و در دایره انسخ بر توالی یا برخلاف توالی آن بشمارید اگر حرف بدست آمده رسید ضمهها و الا این یک بُعد تنها را با همان دو بعد مقایسه کرده ببینید کدام بیشتر است آنها را از هم کم کرده و بعد باقیانده در دایره انسخ از خود حرف حاصل سیر بدهید اگر با حرف بدست آمده رسید ضمهها و الا با مطلوب حرف حاصل عمل کنید.

تجربہ مهم :

حرف حاصل را با حازی آن در اقل از اساس و نظیره ملاحظه کنید که آیا از هفت حرف توالی است یا خلاف توالی اگر هست هم عنصر او را در منصفه نگاه کنید عمل بر اینست و اگر وفق نداد حرف کناری حاذی را از اساس و نظیره متوالیا یا برخلاف توالی ملاحظه کنید تا یافت شود از طالب یا مطلوب یا قرینها ایشان یک از هر دو از شماره بُعد با بُعدین در انسخ است بر حسب خود و در شماره امتحان در انسخ بر حسب توالی یا خلاف توالی بجز رسید یا با دو بُعد یا یک بُعد متوالی و غیره متوالی یا بخود حرف بدون ملاحظه قوی از زیاد کردن یا کم کردن بجز فیکه برسد همان مطلوب است.

تجربہ مهم :

در سطر نظیره هرگاه نظیره متفاوت گردد خود بخود حروف عناصر نیز عوض شده و جدا اول انسخ و دایره اجفر برای طالب و مطلوب نیز عوض شده و بشکل دیگری درمی آید که در منصفه بُعد تقابله بعد با جدا اولشان را می آوریم:

نظيره ابعدي:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

دایره طالب و مطلوب:

ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	س	ف	ق	ش	ن	ذ	ظ
ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

دایره انسج برای مستحصلا

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

دایره عناصر اربعه بخرم ابعدي

حروف آتشی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
حروف بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
حروف آبی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
حروف خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

نظيره اعظم:

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ع	ل	ر	خ	غ	

دایره طالب و مطلوب:

ا	ط	ف	ذ	و	ن	ت	ج	ک	ق	ظ	ح	ع	خ
ه	م	ش	ب	ی	ص	ض	ز	س	ث	د	ل	ر	غ

دایره اصبح برای مستحصلا

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
ض	ت	ص	ن	ی	و	ب
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
غ	خ	ر	ع	ل	ح	د

دایره عناصر اربعه بخرم اعظم

حروف آتشی	ا	ف	و	ت	ک	ظ	ع
حروف بادی	ه	ش	ی	ض	س	د	ر
حروف آبی	ط	ذ	ن	ج	ق	ح	خ
حروف خاکی	م	ب	ص	ز	ث	ل	غ

نظیره ابنتش:

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	ل	م	ن	و	ه	ی

دایره طالب و مطلق:

ا	ت	ج	خ	ذ	ز	ش	ض	ظ	غ	ق	ل	ن	ه
ب	ث	ح	د	ر	س	ص	ط	ع	ف	ک	م	و	ی

دایره امضی برای مستحصلا

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ
ص	ش	س	ز	ر	ذ	د
ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق
ی	ه	و	ن	م	ل	ک

دایره عناصر اربعه بطرح ابنتش

حروف آتش	ا	ج	ذ	ش	ظ	ق	ن
حروف باد	ب	ح	ر	ص	ع	ک	و
حروف آب	ت	خ	ز	ض	غ	ل	ه
حروف خاک	ث	د	س	ط	ف	م	ی

نظیره ایقغ:

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ

دایره طالب و مطلق:

ا	ق	ب	ر	ل	د	ت	ن	و	خ	ع	ح	ض	ص
ی	غ	ک	ج	ش	م	ه	ث	س	ز	ذ	ف	ط	ظ

دایره اهتظ برای مستحصلا

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر
ه	ث	م	د	ش	ل	ج
ن	ث	و	س	خ	ز	ع
ظ	ص	ط	ض	ف	ح	ذ

دایره عناصر اربعه بطرح ایقغ

حروف آتش	ا	ب	ل	ت	ص	ع	ض
حروف باد	ی	ک	ش	ه	س	ذ	ط
حروف آب	ق	ر	د	ن	خ	ح	ص
حروف خاک	غ	ج	م	ث	ز	ف	ظ

بسی نظایر مختلف نیز بر این قیاس دارای دایره طالب و مطلق و دایره عناصر و دایره مستحصلا مستقل هستند.

بخش پنجم اسطرلاب مورس:

در این روش تمام مراحل مانند حرف مد پیش میآید و هر کجا که مثلا شرح داده شده است، فقط نحوه مستعمل گرفتن در این روش متفاوت میآید و هر کجا که بشرح زیر است:

(نظر بعضی از اساتید اینست که در سطر اساس تا لا حرف بمقاله و لا حرف خلاف تقالی (یا چپ و راست) جایز است که تحصیل حروف دور و حروف حاصل بنا بیند) پس آن حرفیکه دوری حرف حاصل را نسبت به او مقایسه کردند او را در اصطلاح منسوب الیه خوانند، و همچنین است در بعد از بدست آوردن مقام حرف حاصل نسبت به حرف منسوب الیه در دایره ایجاد پس هر حرف حاصل را با یکی از مطالبها و مطالبها و تقابلینش که در سطر اساس و نظیره موجود است نسبت بدهد که در سطر اساس یافت نشود آن حرف از میزان حمل خارج است و اعتبار ندارد. بعد از آنکه در سطر اساس یا نظیره وجود داشت مراتب ترتیب را در سلسله مطلوبات و مطالبات و قراین بناید. با بر اول بعد مطلوب حرف حاصل بود اگر در سطر اساس یا نظیره یافت نشود و یا در حروف صغحه هم طبع نداشت و یا بعد او بقوی دور وسطیا یا کبیر حرف حاصل نرسد و یا امکان بر او جاری نگردد بعد از آن ملاحظه مطلوب مطلوب کنید و اگر او هم ناقصا صلاحیت بود به مطلوب مطلوب مطلوب رجوع کنید (بعضی از اساتید بعد از طالب با مطلوب و بعد از مطلوب با طالب طالب والی آخر یک در میان حمل میکنند) و اگر از صلاحیت نداشتند با قراین آنها عمل کنید و اگر باز فاقد صلاحیت بودند خود حرف حاصل مستعمل است. پس مجموعا چنین شد که نسبت بدهید حرف حاصل را با یکی از مطالبات یا مطالبات یا تقریب یا نظایر آنها که صلاحیت باشد با مراتب ترتیب پس بعد ایجاد حرف حاصل را تا لا حرف نه بیشتر و بعد جدولی او را با همان حرف از جدول مساوی خانه حرف حاصل ملاحظه کنید چه بتالی چه خلاف تقالی هر چه در آن باشد بشرطی که هم طبع آن حرف منسوب الیه بحسب عناصر چهارگانه در بین حروف چهارگانه صغحه یافت نشود پس از آن که بعد ایجاد و جدولی حرف حاصل با یکی از این حروف جامع شرط معلوم شد پس بعد ایجاد و جدولی را جمع کنی و اگر در آن بعد وجود باشد و آنها نیز منسوب الیه در اساس یا نظیره در خانه مساوی خانه حرف حاصل باشد پس بعد جدولی را بنا قدر است و منحصر باین بعد ایجاد می است. و اگر نه بعد ایجاد در آن بعد جدولی هیچ یک موجود نبود از جهت آنکه هر یک از مطالبات و مطالبات و قراین جامع شروط نباشد در اینصورت خود حرف حاصل را باید گرفت. پس بعد بعد در صورت وجود بعد و آن بعد بعد ایجاد فقط در دایره انسوخ یا اهلیم ابتدا به حرف حاصل نود بر تقالی یا خلاف تقالی شمرده به حرفی که عدد منتهی شود ملاحظه کنید اگر حرف دور کبیر حرف حاصل است و امکان بر او جاریست پس مستعمل است و آن از درجه اعتبار ساقط است و باید بعد به لا کرد. مطلوبات یا مطالبات یا قراین یا نظایر قراین و مطالبات (بعضی اساتید بشرح روش را از حرف بعد از حرف حاصل بشروع میکنند. بعضی حمل به بعد اساس یا نظیره را اقوی دانسته اند. بعضی در شماره چهار انسوخ یا اهلیم واجب دانسته اند که بطرف حرف صغحه هم طبع منسوب الیه شماره شود و نظایر آنها درست است).

نسخه استخوان:

بعد دوری حرف صغحه، هم طبع منسوب الیه جامع الشرایط را بحسب دایره ایجاد از حرف حاصل (اگر فاعلا دارد) بر بعد ایجاد، اگر هر دو بعد وجود بنا فرستد و آن بر بعد ایجاد فقط افزوده اگر موجود باشد و آن پس نفس

بعد و دومی حرف وصله از حرف حاصل که گرفته از حرف حاصل بعدد مجموع در دایره انشعاب بتوالی یا مخالف توالی شمارش کنید اگر رسید به حرفی که قبل از امتحان در انشعاب یا اهلتم گرفته بودید پس همان حرف مستصلا می باشد. و اگر در شماره اول به ایزه اهلتم بوده امتحان هم بدایره اهلتم می باشد. اگر بعدین یا بعد و احد موجود باشد پس نفس حرف حاصل را و اگر امتحان درست نبود پس دومی حرف که طبع را به حساب ابجدی از خود منسوبه الیه اگر فاصله داشته باشد برنگین اگر باشد و الا برنگین ابجدی فقط اگر باشد و الا نفس حرف حاصل از خود منسوبه الیه اگر فاصله داشته باشد به کتور بعد و کتور بشمارید اگر رسید به حرفی که قبل از امتحان یا آورید به بودید پس مستصلا است و الا بعد حرف صفا را از حرف حاصل یا بعدین اگر باشد و الا با بود ابجدی فقط اگر باشد و الا نفس حرف حاصل را با خط کشید بعد اقل را از اکثر شمارش کنید و بعد باقی مانده از حرف حاصل در دایره انشعاب بشمارید اگر با حرف دور نظر رسید مستصلا است. بطور مثال سوالی را می نویسیم و جواب میگیریم:

سوال: نام پیغمبر آخر الزمان چیست. عدد کبیر - وسط کبیر - عدد صغیر - وسط صغیر
 ۲۷۵۱ - ۶۷ - ۲۸۳ - ۴
 حروف صفا اربعه = ط ط ح ش ح ن ذ ی ع ز س ج ف ر د

اساس	ح	ا	ن	ع	ر	ن	ذ	ا	ل	ب	ا	خ	ی	ن	ز	ا	س	ی	ن	ج	ی	م	ی	ف	ا	ر	ا	د	ا	ل			
تظریه	ت	س	خ	ر	خ	ک	س	س	س	س	س	خ	ن	خ	ش	س	ا	خ	خ	ف	خ	ظ	ج	س	س	س	س	س	س	س	س		
حاصل	ا	م	س	س	س	ن	س	س	س	س	س	س	ل	س	ن	ف	س	ج	ک	ک	ک	ک	س	ق	س	ق	ق	ق	ق	ق	ق		
مستصلا	س	ع	ن	ع	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	ز	ع	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	س	س	س	س	س	ظ	خ	ظ	خ		
تظریه	ا	ب	خ	ب	ا	ر	ل	م	ن	ح	د	س	ا	د	ش	پ	م	م	م	م	م	م	ا	ز	ا	خ	ر	م	ی	م	ن		
دور و صغر	ن	ا	م	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	
در کبیر و جواب	نام	پیغمبر			آخر			الزمان			محمد			صیبا شد																			

حرف اول ره هم طبعش ح در خود اساس هم ح در عدد ما موجود بود گفتیم $10 = 8 + 2$ در انشعاب از شهر دیم به حرف س رسیده. در امتحان هم صحیح بود.

حرف آخر = مطلوبش حرف ش بود که در جدول دهانه ۱۴ بود و معطوب او حرف ط در صفا بود و در ابجد بعد دارد و جمعاً ۱۴ شد و در انشعاب از ق شهر دیم به خ رسید که از حروف دور وسطا ق بود امتحان لازم نداشت و خود حرف مستصلا است.

حرف اول ره = مطلوبش خ هم طبعش ح بود جدول ۱۱ بعد ابجدی ۴ جمعاً ۲۳ از حرف ر در انشعاب شهر دیم بخلاف توالی به الف رسید. امتحان کردیم بعد ابجدی حرف ر تا ح هم طبع در صفا ۱۶ بود از ۲۳ کم کردیم ۷ باشد از حرف ر در انشعاب شهر دیم به س رسید که نظیره الف است و الف درست است قطعاً.

حرف ۲۷ حاصل کی = مطلوب م = مطبعش در صنفه ظ و بعد جدولی که تمام در جدول آ؟ و بعد ابجدی آ جمعاً آ؟
 با سقا کا از حرف حاصل ۲۳ حرف در انسخ شهر دیم با ظ رسید امتحان کردیم بجز حرف منسوب الیها
 م است تا حرف مطبع در صنفه کا کا باشد آ؟ باز به همان طریق اسقاط از حرف حاصل شهر دیم آ؟
 حرف باز با رسید کا قطعاً مستحصلا است.

حرف دوم م = مطلوب در سطر نظیره مقابل م داشت چون مطبع حرف م در صنفه ش بود و بعد جدولی
 نداشت بعد ابجدی آ بود از حرف م در دایره انسخ آ حرف شهر دیم با م رسید و امتحان کردیم
 بجز حرف منسوب الیها را که م بود تا حرف ش صنفه آ بود از م در انسخ آ حرف شهر دیم با حرف
 م رسید پس مستحصلا است.

حرف ۲۶ حاصل کا = مطلوب مطبعش در جدولی م مطبعش ط در صنفه پس از حرف ش تا ف آ بعد جدولی
 آ جمعاً آ پس از حرف م آ حرف در انسخ شهر دیم با م رسید و امتحان کردیم بعد ابجدی ش تا ط در
 ابجد ۱۶ بود بر آ بعد ابجدی سابق افزودیم همان آ باشد از شهر دیم با م رسید پس مستحصلا است.

سوالی دیگر برای نمونه:

سوال: با ضمیمه زیر اگریم خان ثمان الاوله با قصر تاج خانم اصلاح خواهد کرد یا خیر.

مدخل کبیر و وسط کبیر مدخل صغیر و وسط صغیر حروف صنفه اریه = ف د م م
 ۵۲۴ ۱۷۵ ۵۴۴ ۴
 دت هج هم ق د م ث د = دالت اء اء ی ن ق ا ف د ا ل م م ش ا د ال

اسامی	د	ا	ل	ت	ا	ه	ا	غ	ی	ن	ه	ا	خ	ی	ن	ق	ا	ف	د	ا	ل	م	م	ی	م	ش	ا	د	ا	ل		
نظیره	ص	س	ص	ح	ص	ق	س	ن	خ	خ	ق	س	ب	خ	غ	ر	ص	ج	ص	ض	خ	ف	ا	ط	س	ص	س	س	س	س	س	
حاصل	ش	خ	ص	خ	ق	ض	ن	خ	ص	ر	س	ر	ت	ص	م	ت	ش	ت	ش	ت	د	ف	ث	ذ	ث	ف	ت	ف	ت	ف	ت	
مستحصلا	خ	ش	ا	خ	ی	م	س	خ	ل	م	س	ط	ا	د	س	ت	ن	س	غ	ی	س	ع	ه	ع	س	ظ	و	س	ر	ظ	ا	
نظیره	ی	ز	ک	ی	خ	ن	ا	م	ت	ج	ا	م	ص	ا	ح	ل	ا	ن	خ	ا	ر	ق	ب	ا	م	ر	ا	ر	ا	م	ا	
مدررتقریر	م	ی	ر	د	ا	ک	ی	م	خ	ا	ن	ب	ا	ق	م	ر	ت	ا	ج	خ	ا	ن	م	ا	ص	ل	ا	ح	ا	ح	ا	ح
ترکیب و اب	میرزا	سکریم	خان	با	قصر	تاج	خانم	اصلاح																								

اکنون شرح حرف با حرف مستحصلا این سوال و جواب را من نویسیم:

حاصل اولی ش = طالب م بعد با خود حرف حاصل جدولی ش با ف آ بعد حاصل طالب ش تا ف در ابجد سوالی
 آ م خلاصه تا کی لا انسخن آ سوالی ش الخ خلاف سوالی ش الی ت آ بعد طالب م بعد انسخ لا جمعاً آ مستحصلا
 م است چون م طرف منسوب الیها در صنفه است و نیاز با امتحان ندارد.

حرف دهم فن = بعد جدولی ف با خود فن یا انسفی یا تنالی فن خلاف تنالی ر چون حاصل در صفت هیطبع حرف خودش بود امتحان لازم ندارد پس اولین حرف حاصل یعنی فن مستحصلا است .

حرف ستم فن = بعد جدولی هیطبع ی فن بعد فن آ طرف و بشماره ۱۱ است بعد ابجدی حاصل را باطلوب ی فن یا ۳ کما بلیم می شود و از فن تنالی ذ از فن تنالی ح امتحان بعد هیطبعش هم از فن بشماره مستحصلا ذ است . امتحان: بعد حرف منسوب الیه هیطبع حرف منسوب الیه که فن است در ابجدی و ۱۱ بعد بعد بعدین ابجدی جدولی که کسر کردیم از حرف حاصل بشماره تنالی ذ شد

چون چهارم فن = جدول مطلوب ف تا ب ۱۹ طرف را بشماره حاصل باطلوب ابجدی فن با ب ح انسفی تنالی ی فن خلاف تنالی ش مستحصلا تنالی ح است چون ظاهر هیطبع نوشت مطلوبین بر اگر کنیم که خودش در حرف صفت اربعه بود و امتحان لازم نداشت .

حرف پنجم فن = ق هیطبع ن وارد فن مطلوب بعد جدولی فن فن فن خلاف تنالی طرف را بشماره ۱۱ است . انسفی تنالی ی خلاف تنالی فن بعد جدولی یسار فن ه تا ضه طرف را بشماره ۱۱ انسفی ح تنالی ش خلاف تنالی ن حاصل هیطبع فن با ب ۱۷ خلاف تنالی لا و ۱۱ جدولی یسار فن تنالی انسفی فن مستحصلا است .

حرف ششم فن = حرف ش بعد جدولی ی بشماره از ابجدی حاصل باطلوب تنالی ۱۵ خلاف تنالی این سه بعد آخرش از ۱۱ کم میشود ۲۲ تنالی در انسفی ح خلاف تنالی ی هیطبع باطلوب بعد اربعه مستحصلا ح است

حرف هفتم فن = بعد جدولی م تا ب ۱۱ انسفی ا تنالی م خلاف تنالی ق امتحان شد صمیم و مستحصلا م است .

حرف هشتم فن = بعد جدولی ن تا ن ۱۱ بعد ابجدی حاصل باطلوب ح تا ن تنالی لا ۱۵ خلاف تنالی ح انسفی ح تنالی م خلاف تنالی ف هیطبع ۱ باطلوب ن ب تنالی ۱۱ خلاف تنالی انسفی ی ۱۲ فن م بین فاستحصلا است .

حرف نهم فن = بعد جدولی ط تا ط ۱۱ حاصل طاب باصول خلاف تنالی بعد اقبه تنالی ۱۱ هیطبع طاب تنالی ا خلاف تنالی و ۱۱ پس ۱۱ ا تنالی از فن تا م پیرو ح مستحصلا است .

حرف دهم ر = بعد طاب خلاف تنالی م ۱۱ ابجدی حاصل باطلوب خلاف ر م ۱۱ هیطبع باطلوب م با ب ۱۱ انسفی بر تنالی ۱۱ م خلاف تنالی ف مستحصلا ف است .

حرف یازدهم فن = فن بعد جدولی ن ا هیطبع با حاصل تنالی انسفی ا م خلاف تنالی م هیطبع با حاصل بعد طاب تنالی ا تنالی انسفی چون امتحان بر خلاف است تنالی انسفی را قبول میکنند نطق میدهد . از ا خلاف تنالی حرف م مستحصلا است .

حرف دوازدهم ر = فن جدول طاب ح حاصل طاب فن ف ۱۱ فن با هم هیطبع باطلوب ۲۵ - ۶ = ۱۱ از ر بخلاف تنالی ف مستحصلا بود .

حرف بیزدهم است = جدولی طالب من ۹ حاصل با طالب ۱۱ جهت ۱۱ در انسخه بتوالی در شکره مستحصلا است .
حرف چهاردهم است = بعد عدد طالب ۱۱ حاصل با طالب ۱۱ جهت ۱۱ استوالی ش خلاف توالی من ۱۱ مستحصلا من شود .
حرف نوزدهم است = جدولی مطلوب حاصل با طالب ۱۱ انسخه بتوالی من خلاف توالی من ۱۱ مستحصلا من شود .
حرف شانزدهم است = مع من جدول مطلوب ۱۱ مع من حاصل با مطلوب ۱۱ استوالی من ۱۱ مستحصلا من شود .
حرف هفدهم است = بعد طالب من حاصل با طالب ۱۱ انسخه بتوالی من ۱۱ مستحصلا من شود .
حرف هجدهم است = جدولی حاصل با مطبع است ۱۱ انسخه بتوالی من خلاف توالی من ۱۱ استوالی من ۱۱ مستحصلا شود .
حرف نوزدهم است = بعد جدول طالب ۱۱ حاصل با طالب ۱۱ انسخه بتوالی من ۱۱ انسخه بتوالی من ۱۱ مستحصلا شود .
حرف بیستم است = جدولی مطلوب خلاف جهت ۱۱ حاصل مطلوب من ۱۱ - ۱۱ - ۱۱ جمع توالی من خلاف من ۱۱ امتحان من مستحصلا شود .
حرف ۲۱ است = جدولی تالی ۱۱ انسخه بتوالی من خلاف حاصل با مطبع ۱۱ توالی خلاف ۱۱ - ۱۱ - ۱۱ مستحصلا شود .
حرف ۲۲ است = جدولی انسخه ۱۱ توالی من خلاف جمع و چون امتحان لازم نبود هر مستحصلا شود .
حرف ۲۳ است = جدولی خلاف توالی من ۱۱ انسخه خلاف توالی من چون خلاف جهت بود مع مستحصلا شود .
حرف ۲۴ است = جدولی دایره طالب ۱۱ حاصل طالب ۱۱ است ۱۱ انسخه بتوالی من ۱۱ من من مستحصلا شود .
حرف ۲۵ است = جدولی دایره طالب ۱۱ حاصل طالب ۱۱ انسخه بتوالی من خلاف خط بعد از امتحان مستحصلا شود .
حرف ۲۶ است = جدولی مطلوب ۱۱ حاصل مطلوب من ۱۱ و ۱۱ بعد از انسخه بتوالی من ۱۱ مستحصلا شود .
حرف ۲۷ است = بعد جدولی خلاف توالی من ۱۱ حاصل با طالب ۱۱ است ۱۱ انسخه بتوالی من بعد از امتحان مستحصلا بود .
حرف ۲۸ است = جدولی خلاف توالی من ۱۱ انسخه بتوالی من ۱۱ شد حاصل بعد از امتحان مستحصلا شد .
حرف ۲۹ است = بعد جدولی مطلوب است ۱۱ است ۱۱ انسخه بتوالی من ۱۱ بعد از امتحان مستحصلا شد .

بود آن بعد از بعد از جدولی که در آن اول است از الف در دایره ابجدی
 باز مثل بعد از ابجدی که در آن اول است از با و اگر از جدول دوم است از جیم را اگر از جدول
 چهارم است از اول و همینطور نسبت می‌دهند الی بعد هشتم بتوالی یا معکوس الی حرف بر شرط مذکور و
 بعد از وضعی او در دایره ابجدی مذکوره می‌شوند در انشعاب بعد از ملاحظه بعدین یا متصل خواهد
 شد یا متصل یا هر دو بعد یک حرف خواهد شد هرگاه متصل باشد حاصل اکتفا یکی میکنند یعنی یا بعد
 حرف هتھی الیه بعد جدولی می‌شمارد از حرف حاصل در انشعاب بتوالی یا خلاف بتوالی و یا بعد حرف وضعی
 هتھی الیه بعد ابجدی می‌شود از حرف حاصل در انشعاب و هرگاه متصل باشد مثل (ح-ط) و (ل-م)
 هر دو را جمع میکنند و بعد جمع هر دو می‌شمارند از حرف حاصل هرگاه یک حرف شد مثل آنکه بعد جدول
 ۸م با ح رسید و بعد ابجدی هم با ح رسید در اینصورت همان خود حرف را حفظ میکنند و امتحان کنند
 امتحان: بعد حرف حاصل یا منسوب الیه ابجدی یا جدولی را از حرف صنفه موافق منسوب الیه ملاحظه
 میکنند در ابجدی چه قدر است همان قدر از بعد یا زیاد میکنند در صورت انفصال بعدین که یک بعد را اختیار
 کنند بر بعد ابجدی یا جدولی یا هر دو در صورتیکه متصل باشد که جمع باید نبود یا کم کنند و بعد می‌بینند
 سه چه قدر است بهما بقدر از ابتدای دایره انشعاب بتوالی یا برعکس از ثانی بشمارند اگر
 بهمان حرفیکه بعد ابجدی یا جدولی با آت رسید بود باز رسیدن بهمان مستحله است و آت
 حرف دیگر از حرف هتھی که نمی‌رسد نسبت حرف حاصل را به حرف دیگر بدهید در اینصورت که بعد
 از ملاحظه بعد ابجدی و جدولی و یا بعد ملاحظه نمود که کوا همیکه از اقسام بعدا گانه است یا از هم
 بعد دارند یعنی منقطعند یا آنکه متصلند و یا آنکه هر دو بعد هتھی هتھی با حرف واحد است اگر بعد
 دارند مثل (ض-س) پس حفظ کن یکی را از عدد وضعی یا بعد جدولی از حرف حاصل در انشعاب
 بتوالی یا خلاف بتوالی بشمارید و هر دو هتھی را گرفته که مستحله است بشرط اینکه امتحان شود
 اگر سنار هم نباشند و بعد هم نداشته باشد مثل بعد ابجدی که بعد جدولی هم که پس در این
 صورت نفس کافی را گرفته و بعد وضعی او از این انشعاب بشمارد از حرف حاصل بتوالی یا خلاف بتوالی
 و به هر حرف رسید آنرا امتحان کنید که مستحله است و اگر صحیح نبود به حرف دیگر عمل کنید و
 امتحان چنین است که بعد حرف حاصل یا حرف منسوب الیه از حرف سطر اساس یا نظیره را ببینید
 از حرف صنفه که موافق منسوب الیه است چند است اگر بعد داشته باشد بر بعد جدولی و ابجدی
 و اگر با هم باشند و الا برکنه اگر منقطع باشند اگر بعدین متحد باشند یا نفس او یا ترانیه

شرح مسئله سوال این الیهی :

حرف حاصل از حروف مضاعف اریزه شد = ر

۱- حرف رکاب حاصل است با حرف دور که با بود و نظیره کس و اساس الف بود جمع کردیم یا شد س و با شد نظر کردیم در اساس مطلوبش از درجه یکده نشسته بود در صفا برهان طبع شماره کردیم ای می منتفی شد و آنرا در سطر مستحله نوشتیم .

۲- حرف رکاب حاصل است با حرف دور که با بود و نظیره فن و اساس ل بود یا شد س و حرف من مطلوبش در پایه و پیش بود همان نسبت را در صفا بطریق مذکور شدیم در پایه و پیش حرف ق را جستیم و در پایه نظیره در سطر مستحله نوشتیم .

۳- حرف رکاب حاصل است با حرف دور که با بود و نظیره ج و اساس ف بود در صفا متوجه شدیم و مطلوبش را در چهارم درجه یافتیم در صفا با همان نسبت را جاری کردیم فن یافتیم و در زیر نظیره در سطر مستحله نوشتیم .

۴- حرف رکاب حاصل است با حرف دور که با بود و نظیره غ و اساس ن بود یا شد مطلوبش در درجه پنجم بود یا در صفا درجه همان طبع شد حرف شمریم با حرف پ رسیدیم و مطلوبش را گرفتیم و س را در مستحله نوشتیم .

۵- حرف رکاب حاصل حرف دور من نظیره ر اساس و شد یا در درجه اول شد و مطلوبش در اساس نوشتیم و خود که در درجه بود برگشتنا و طالبش در چهارم در صفا متوجه شدیم بهمان نحو بود و نظر بر پایه کردیم که شد نوشتیم

۶- حرف رکاب حاصل حرف دور ح نظیره خ اساس و شد یا شد مطلوبش بود و طالبش در درجه بود از سابق نظر در طبع و بعد کردیم همان نسبت را جاری ساختیم یا غ رسید و در سطر مستحله نوشتیم .

۷- حرف رکاب حاصل حرف دور ک نظیره ح اساس ق جمعاً ای و مطلوبش در پنجم خانه فاصله نشسته بود و در صفا با همان طبع متوجه شدیم همان نسبت برض رسید و در سطر مستحله نوشتیم .

۸- حرف رکاب حاصل حرف دور س نظیره س اساس الف با هم ای اس شد س را گرفتیم و مطلوبش بود و نظیره اش خودش بود و در صفا با همان شیوه رفتار کردیم یعنی خود تن را گرفتیم و در مستحله نوشتیم .

۹- حرف رکاب حاصل حرف دور ه نظیره ح اساس ف بطریق مذکور ای کردیم س حاصل شد و طالب طالبش در خانه ستم بود در صفا متوجه شدیم بهین نسق را جستیم ای حاصل شد و در سطر مستحله نوشتیم .

۱۰- حرف رکاب حاصل حرف دور خ نظیره ق اساس ه جمعاً ای ن شد و طالبش در خانه ای نشسته بود و در صفا بهمان نسق رفتار نمودیم و آن نسبت را جاری کردیم و را یافتیم و در سطر مستحله نوشتیم .

۱۱- حرف رکاب حاصل حرف دور ذ نظیره س اساس الف جمعاً ای ن شد و طالبش را در خانه ای یافتیم در صفا هم بهین نسق رفتار نمودیم و مطلوبش را گرفتیم س شد در سطر مستحله نوشتیم .

۱۲- حرف رکاب حاصل حرف دور گ نظیره ذ اساس ک جمعاً ای ن شد و مطلوبش در خ درجه بود همان نسبت را جاری ساختیم در صفا ل بود آمد و در سطر مستحله نوشتیم .

- ۳- حرف حاصل ف و در اساس مطلوبش بود که سادگی از حرف ق در اساس جدول خودش را و خود ق چگونگی حاصل بود پس جدولش را که چنانچه بودین ۳ شد از حرف حاصل ف در انسخه شهر داریم با س رسید. لذا از بر اصل ق با س رسیدیم.
- ۴- حرف حاصل ح در اساس مستقیم جدول ق بود و هم طبقش در جدول منصفه اریجا بود. بعد شریح مطلوب یعنی سا بود و بعد جدولی گذاشتیم. پس از ج در انسخه شهر داریم با غ رسیدیم که مستحله بود. امتحان کردیم تا صلا حرف ق از هم طبقش شد که بود شهر داریم صحیح نشد پس بعد ج را با ش که هم طبق منسوب الیها بود را ملاخلاف کردیم تا بود ام الاعداد را کم کردیم تا ماند و امتحان در صورت کسر ام الاعداد صحیح شد.
- ۵- حرف حاصل ش نسبت او با الف در محاذی خود میکن نیست بر لیل زیاد بود از لا پس نسبت را با ف دادیم هم طبق ف بود بود یعنی خود ف بود بود پس بعد جدولی را و بعد ابجدی که چنانچه از خودش شهر داریم در انسخه جدول کم کردن ام الاعداد با ص میرسد و چون ف در انسخه برای همین اعتبار نکردیم پس نسبت را با ق دادیم بعد جدولی را و بعد ابجدی که چنانچه در انسخه از ش شهر داریم با و رسیدیم که مستحله بود.
- ۶- حرف حاصل نا حرف غ نسبت دادیم در جدول و هم طبقش در بعد ابجدی را و بعد جدولی که چنانچه و با خلاف توان شهر داریم با ش رسیدیم که مستحله بود.
- ۷- حرف حاصل ن بود نسبت دادیم با غ بعد ابجدی نوشت و بعد جدولی که بود در انسخه شهر داریم مستحله شد.
- ۸- حرف حاصل ه بود در جدول با حرف ب نسبت دادیم هم طبق در صنف نیز بود بعد ابجدی که بود جدولی هم چنانچه در انسخه شهر داریم با حرف س رسیدیم که مستحله بود.

سوال: ذغال چه رنگ است مدخل کبیر ۲۷۰ که صوری ۳ و سیط ۲۷ صغیر ۴

حروف صفحه اربعه د م ذک
خاک آتش آتش آب

اساس	م	س	ن	ر	ا	ب	ا	غ	خ	ی	ن	ز	ا	ک	ا	ف	ر	ا	م	س	م	ی	م	د	ا	ل
نظيره ابجد	۳	۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
نسب حروف اساس	۷	۵	۱۰	۲	۲	۲	۱	۱	۵	۵	۷	۲	۲	۲	۸	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۲
نسب حروف نظيره	۳	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
تعدیل اول	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
نسب اساسی بانظيره	۱۴	۶	۵	۳	۶	۱۴	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵
نسب دوم اساسی و نظيره	۶	۵	۳	۶	۱۴	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۶
تعدیل دوم	۸	۱	۲	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
تعدیل تقادیل	۴	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
حروف دور	د	ب	ب	ا	ه	ه	غ	غ	ب	ع	ل	ه	ه	م	ر	ب	غ	غ	ع	م	غ	م	غ	ط	ز	
حروف قوا	ه	ک	ا	ق	و	و	ا	ظ	ک	س	ک	ه	و	ن	ک	ج	ا	ظ	ی	ل	ق	ی	و			
حروف حاصل	م	ک	ک	ک	س	ف	ی	ف	ک	ن	ن	ن	ن	ف	س	م	ی	ج	ی	ص	ع	ی	ق			
مستحصلا	خ	س	ن	ن	خ	ق	غ	خ	س	ز	ص	ع	ظ	ز	و	س	ا	س	ا	ک	س	ا	س			
نظيره ابجد	ی	ا	ل	م	ل	ی	ه	ن	ی	ا	ش	د	ب	م	ک	ر	ا	س	ا	ذ	ا	س	ا			
مدرو صوفی	ا	ی	س	ا	ا	ل	ل	غ	ا	ل	س	ی	ا	ه	ر	ن	ک	م	ی	ب	ا	ش	د			
ترکیب و جواب	ای سادل ذغال سیاه رنگ میباشد																									

سوالی شد و مداخله اربعه شدند ۸ - ۲۷۵ - ۶۷ - ۲۱۳ - ۴ حروف صفحه اربعه ظاهر شد
 ح ن ذ ی غ ز ع ج خ ر د

اساس	ح	ا	ن	و	ن	ذ	ا	ل	ب	ا	غ	ی	ن	ز	ا	ع	ی	ن	ج	ی	م	ف	ا	ر	ا	د	ا	ل	
تظيره	ت	س	غ	ر	غ	ک	س	ض	ع	س	ن	خ	غ	ش	س	ب	خ	غ	ف	خ	ظ	ج	س	و	س	س	س	س	ن
حروف دور	د	ب	ذ	خ	ح	ط	م	ه	غ	خ	ب	ن	ک	خ	خ	ب	ل	ط	غ	ک	م	ح	ح	ع	غ	غ	ط	م	
قوی	ه	ج	خ	ع	ث	ل	ی	ن	و	ا	ظ	ک	ع	ی	ذ	و	ک	ک	ح	ی	ی	د	ط	ف	ا	ق	ی	ن	
حاصل	ر	ه	س	ص	ن	س	ک	ق	س	ک	ص	ل	ع	ر	ف	ع	ک	ک	ت	ک	ف	ص	ق	ق	ل	ف	ک	ق	
مستصلا	س	ع	ن	ع	س	و	ض	ظ	غ	ت	ص	خ	س	ص	ز	ع	ظ	ظ	س	ش	س	ی	و	ظ	خ	ظ	غ		
تظيره	ا	ب	غ	ب	ا	ر	ل	م	ن	ح	د	ی	ا	د	ش	ب	م	م	م	ا	ز	ا	خ	م	ی	م	ن		
مدرومتر	ن	ا	م	ب	ی	غ	م	ب	ر	ا	خ	ر	ا	ل	ز	م	ا	ن	م	ح	م	د	م	ی	ب	ا	ش		
ترکیب و جواب	نام پیغمبر آخر الزمان محمد صیبا شد																												

عدد حروف مستصراه را با عدد حرف هفتیم او و عدد اساس و لا او اربعه را جمع کردیم. در صورتیکه بعدی بعدی نقص نرساند بعد از طرح ۷-۷ عدد باقی میماند یا نه در صورت نبودن همان عدد حروف حاصل را اخذ کن و اگر فرد است تا م آزا و الا اگر زوج است آنرا نصف کن و اگر از اعداد اربعه بعد از طرح باقی ماند باقی را با نصف عدد حرف حاصل جمع نموده بهمان عدد از همان حرف ما یحصل شماره نموده که مستصلا است.
 توضیح: با هر عدد که رسیدی در اول ایجاد حساب کن به هر حرفی منتهی شد عدد آن حرف را اخذ نموده و از مستصراه در آنسج شماره کن توالی و خلاف توالی که مستصلا خواهد بود.

حرف چهارم = غن بود آنرا با نسبت دادیم و بعد جدولی و ابجدی آن دو حرف بخلاف توالی ۱۱ بود در دایره انسخ با حرف ر منتهی شد و بعد ابجدی را با ح کاهم عنفرش بود که بود چون از غن بتوالی ۱۱ شهرتیم باز با رسید و فهمیدیم مستحلا غن است.

حرف پنجم = ش بود آنرا با نسبت دادیم که حرف چهارم نظیره است و بعد بتوالی ابجدی آنها ۱۲ است در انسخ شهرتیم بخلاف توالی با غن رسید و چون ط در حروف صفحا بود امتحان لازم نداشت، پس غن مستحلا ش شد.

حرف ششم = ث بود آنرا با نسبت دادیم و بعد بخلاف توالی ابجدی آن دو ۱۷ بود در انسخ شهرتیم بخلاف توالی با ط رسید و بعد و با ب کاهم عنفر او بود که بود چون که را از ۱۷ کم کردیم ۳ ماند از ش در انسخ بتوالی شهرتیم بهمان حرف ط رسید و فهمیدیم که حرف ط مستحلا ث است.

حرف هفتم = ع بود آنرا با نسبت دادیم که در خانه ۱۹ سطر نظیره بود و بعد بخلاف توالی ابجدی آن دو ۲ بود به این عدد از حرف ف در دایره انسخ شهرتیم بتوالی با ط رسید و بعد ق از س کاهم عنفر او در حروف صفحا است بخلاف توالی که بود و چون از ف شهرتیم نیز با ط رسید و فهمیدیم ط مستحلا ع است.

حرف هشتم = ن بود آنرا با نسبت دادیم که در خانه ۱ اساس است و توالی آن ۲۳ است چون در انسخ بتوالی ۲۳ شهرتیم با ث رسید و چون خود ب در حروف صفحا بود امتحان نمی خواهد پس ث مستحلا ن شد.

حرف نهم = ر بود با نسبت دادیم که در خانه ۱۷ سطر نظیره بود و بعد آنها بخلاف توالی ۱۷ بود چون در انسخ از ۱۷ عدد بخلاف توالی شهرتیم با ع رسید و دوری و با ب کاهم عنفر او است که بود چون که را از ۱۷ کم کردیم ۳ ماند در دایره انسخ از ۱۳ حرف بتوالی شهرتیم با ع رسید معلوم شد ع مستحلا ر است.

حرف دهم = م بود آنرا با نسبت دادیم که در خانه ۱۷ سطر اساس است نسبت دادیم و بعد ص از ر ۱ بود از دایره انسخ بخلاف توالی از ص ۱۱ عدد شهرتیم با غ رسید و چون دوری را از خانه که در صفحا هم عنفر او است ۱۱ است بخلاف توالی شهرتیم با غ رسید و فهمیدیم غ مستحلا م است.

حرف یازدهم = ف بود آنرا با نسبت دادیم که در خانه ۱۹ سطر نظیره است نسبت دادیم بعد خلا ف توالی آنها ۱۱ بود چون در دایره انسخ با خلا ف توالی از ف شهرتیم با ر رسید و بعد ق که منسوب الیه است از س کاهم عنفرش در حروف صفحا است در ابجدی است و که را از ۱۷ کم کردیم ۳ ماند بتوالی ۱۳ حرف در انسخ شهرتیم بهر منتهی شد و فهمیدیم ر مستحلا ف است.

حرف دوازدهم = م بود آنرا با نسبت دادیم که در خانه ۱ اساس است نسبت دادیم و دیویم بعد خلا ف توالی جدولی آن ۱ بود چون به آن شماره در انسخ از ف شهرتیم بخلاف توالی با غ رسید و انستیم غ مستحلا م است.

حرف سیزدهم = خ بود با ط که در خانه ۱ نظیره بود نسبت دادیم و بعد ابجدی و جدولی منسوب و منسوب الیه بخلاف توالی ۱۲ بود از غ بتوالی شهرتیم با ص رسید و چون ط در حروف صفحا بود امتحان نداشت و فهمیدیم ص مستحلا خ است.

حرف چهاردهم = ش بود آنرا به ۴ که خانه ۴ اساس بود نسبت دادیم و بعد توالی ابجدی و جدولی آن دو ۱۷ بود در انسخه
ازش ۱۷ حرف شهردیم به من رسید، فهمیدیم من مستحصلا ش است.

حرف پانزدهم = خ بود آنرا به ۵ که در خانه ۵ اساس است نسبت دادیم و بعد توالی ابجدی و جدولی آنها ۱۳ بود در دایره انسخه
ازش خلاف توالی شهردیم به من رسید چون بعد از ۵ که هم عنقریب در حروف صفحه بودیم است آن عدد را بر ۱۳ افزودیم ۱۷ شد از خانه
۱۷ بتوالی شهردیم به من رسید فهمیدیم ظ مستحصلا خ است.

حرف شانزدهم = ث بود آنرا به ۶ که در خانه ۶ نظیره است نسبت دادیم جمع دو بعد ابجدی و جدولی آنها بتوالی ۲۴ بود
در دایره انسخه ازش برخلاف توالی ۲۴ حرف شهردیم به من رسید و چون من از حروف صفحه است امتحان ندارد و غ مستحصلا ث است.

حرف هفدهم = ج بود نسبت دادیم به ۷ که در خانه ۷ نظیره بود جمع بعدین آنها بخلاف توالی ۳۱ بود در انسخه ازش بخلاف
توالی ۳۱ حرف شهردیم به من رسید و چون خود من در صفحه است امتحان ندارد و من مستحصلا ج است.

حرف هجدهم = ح بود آنرا به ۸ که در خانه ۸ اساس نسبت دادیم و بعد توالی ابجدی آن دو ۱۱ است در انسخه بخلاف توالی ازش ۱۱
حرف شهردیم به من رسید چون دوری و کلا منسوب الیها است از ۸ که هم عنقریب است و از حروف صفحه بودیم بود آنرا بر ۱۱ افغانه
کردیم ۱۹ شد ازش در انسخه ۱۹ خانه شهردیم بتوالی به من رسید فهمیدیم من مستحصلا ح است.

حرف نوزدهم = ق است آنرا به ۹ که در خانه ۹ اساس نسبت دادیم، بعد خلاف توالی و جدولی آن ۱۰ بود در انسخه بخلاف توالی شهردیم
به من رسید. چون زرا از ۹ که هم عنقریب بود ملاحظه کردیم بعد آنها ۸ بود بتوالی و ۱۰ برخلاف توالی بود در دایره انسخه از ق
چون برخلاف توالی شهردیم نیز به من رسید فهمیدیم ق مستحصلا ق است.

حرف بیستم = ک بود آنرا به ۱۰ که در خانه ۱۰ نظیره نسبت دادیم بعدین آنها بتوالی ۱۰ بود چون در انسخه ازش بخلاف توالی
شهردیم به من رسید و چون امتحان لازم نداشت پس خ مستحصلا ش است.

حرف بیست و یکم = ت بود آنرا به ۱۱ که در خانه ۱۱ اساس نسبت دادیم مجموع بعدین ابجدی و جدولی آنها برخلاف توالی ۱۰ بود
در انسخه ازت ۱۰ حرف بتوالی شهردیم به من رسید و بعد ح که منسوب الیها حرف صفحه است ۱۱ بود ۱۰ لا از ۱۱ کم کردیم ۱۰ ماند
در انسخه ازت ۱۰ حرف شهردیم به من منتهی شد فهمیدیم ب مستحصلا ت است.

حرف بیست و دوم = ر بود آنرا نسبت دادیم به ۱۲ که در خانه ۱۲ نظیره و بعد توالی ابجدی منسوب از منسوب الیها ۱۰ عدد بود در انسخه از
حرف ۱۰ عدد بتوالی شهردیم به من رسید و بعد خ از ح که هم عنقریب است ۱۲ بود ۱۰ را بر ۱۲ افزودیم ۱۰ شد در
انسخه بخلاف توالی از ر ۱۰ حرف شهردیم به من رسید فهمیدیم من مستحصلا ر بود.

حرف بیست و سوم = ز بود آنرا به ۱۳ که در خانه ۱۳ اساس بود نسبت دادیم بعد توالی ابجدی آنها ۱۱ بود از انسخه از حرف ر ۱۱ حرف
حرف بتوالی شهردیم به من رسید دوری هر هم از ۱۳ که هم عنقریب است ۱۱ بود ۱۱ را بر ۱۳ افزودیم ۱۲ شد بخلاف توالی از دایره
انسخه شهردیم به من رسید دانستیم مستحصلا ز حرف ع بود.

حرف بیست و چهارم = ق بود با و در خانه ۱۱ اساس نسبت دادیم. جمع بعدین آنها بتوالی ۱۷ شد در انسخ از قبلا ف توالی ۲۷ حرف شمریم با و رسید بعد امتحان ۲۴ است از ۱۷ کم کردیم ۷ ماند از ق بتوالی ساختن در انسخ شمریم با و رسید پس مستحلا ق حرف و است.

حرف بیست و پنجم = ر بود آنرا با ف که در خانه دوم سطر نظیره است نسبت دادیم و جمع بعدین آنها بتوالی ۱۸ بود در انسخ از ر بتوالی ۱۸ حرف شمریم با ت رسید. بعد ف با ح که هم عنصر او در صفا بود ۱۸ شد از ۱۸ کم کردیم ۰ ماند از انسخ بتوالی شمریم با ت رسید فهمیدیم ت مستحلا راست.

دایره امتحان مستحلا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	
	۱۶	۴	۲۴ — ۱۲	۸	$\frac{۲۰}{۲۰}$ $\frac{۲۰}{۲۰}$	۱۲	$\frac{۱۶}{۸}$	۱۶	$\frac{۱۲}{۲۴}$ — ۶	۲۰	۸ — ۴	۲۴	۴	$\frac{۲}{۲}$

حقیقت شایسته نوری :

در این روش تمام مراحل مانند هر صدیق میباشند که تنها شرح داده شده است. فقط نحوه مستحله گرفتن در این روش متفاوت میباشد که بشرح زیر است :

(نظر بعضی از اساتید اینست که در سطر اساس تا لا حرف بتوالی و لا حرف خلاف توالی (بچاپ و راست) جایز است) اما در تحصیل حروف دور و حرف حاصل بنا بر اینست که آن حرفیکه دوری حرف حاصل را نسبت به او مقایسه کردند او را در اصطلاح منسوب الیه خوانند و همچنین است در ایجاد بحسب بعد مقام حرف حاصل نسبت به حرف منسوب الیه در دایره ایجاد پس اگر حرف حاصل را با یکی از مطلوبها و مطالبها و قراینش که در سطر اساسی و نظیره موجود است نسبت بدهد که در سطر اساسی یافت نشود آن حرف از میزان عمل خارج است و اعتبار ندارد. بعد از آنکه در سطر اساسی یا نظیره موجود داشت مراعات ترتیب را در سلسله مطلوبات و مطالبات و قراین نماید. با پراکت بعد مطلوب حرف حاصل بعد اگر در سطر اساسی یا نظیره یافت نشود و یا در حرف صفحه همطبع نداشت و یا بعد او بتوالی دور وسطیا یا کبیر حرف حاصل نرسد و یا امتحان بر او جاری نگردد بعد از آن ملاحظه مطلوب مطلوب کنید و اگر او هم فاقد صلاحیت بود به مطلوب مطلوب رجوع کنید (بعضی از اساتید بعد از طالبی به مطلوب و بعد از مطلوب به طالب طالب والی آخر یکی در میان عمل میکنند) و اگر باز صلاحیت نداشتند به قراین آنها عمل کنید و اگر باز فاقد صلاحیت بودند خود حرف حاصل مستحله است. پس مجموع چنین شکله نسبت بدهید حرف حاصل را با یکی از مطلوبات یا مطالبات یا قراین یا نظیر آنها که جامع شرایط باشد با مراعات ترتیب پس بعد ایجاد حرف حاصل را تا لا حرف نه بیشتر و بعد جدولی او را به همان حرف از جدول و ... از بی خانه حرف حاصل ملاحظه کنید چه بتوالی چه خلاف توالی هر چه در کتاب باشد بشرط سه همطبع آن حرف منسوب الیه به سبب نامرچهارگانه در بین حروف چهارگانه صفحه یافت شود. پس از آن که بعد ایجاد و جدولی حرف حاصل با یکی از این حروف جامع شرط معلوم شد پس بعد ایجاد و جدولی را جمع کنی اگر هر دو بعد موجود باشند و الا چنانچه منسوب الیه در اساسی یا نظیره در خانه مجازی خانه حرف حاصل باشد پس بعد جدولی را فاقد است و منحصراً همان بعد ایجاد است. و اگر نه بعد ایجاد و نه بعد جدولی هیچ یک موجود نبود از جهت آنکه هیچ یک از مطلوبات و مطالبات و قراین جامع شرط نباشد در این صورت خود حرف حاصل را باید گرفت. پس بعد بعدین در صورت وجود بعدین و الا بعد بعد ایجاد فقط در دایره انسخ یا اهلیم ابتدا به حرف حاصل نموده بر توالی یا خلاف توالی شمرده به حرفی که عدد منتهی شود ملاحظه کند اگر حرف دور کبیر حرف حاصل است و امتحان بر او جاریست پس مستحله است و الا از درجه اعتبار ساقط است و باید تجدید عمل کرد مطلوبات یا مطالبات یا قراین یا نظیر قراین و مطالبات (بعضی اساتید مثلاً روش را از حرف بعد از حرف حاصل شروع میکنند. بعضی عمل به بعد اساسی یا نظیره را اقلوی دانسته اند، بعضی در شماره چه در انسخ یا اهلیم واجب دانسته اند که بطرف حرف صفحه هم طبع منسوب الیه شماره شود، و ظاهراً همه درست است).

نحوه امتحان :

بعد دوری حرف صفحه همطبع منسوب الیه جامع شرایط را بحسب دایره ایجاد از حرف حاصل (اگر فاصلاً دارد) بر بعد ایجاد، اگر هر دو بعد موجودند بیافزائید و الا بر بعد ایجاد فقط افزوده اگر موجود باشد و الا پس نفی

بعد دوری حرف صفحه از حرف حاصل گرفته از حرف حاصل بعد مجموع در دایره انسخ بهتوالی یا خلاف توالی
 شماره کنید اگر رسید با حرف که قبل از امتحان در انسخ یا اهلیم گرفته بودید پس همان حرف مستعمله میباشند و
 اگر در شماره اول دایره اهلیم بوده است آن هم در دایره اهلیم میباشند. اگر بعدین باشد با آنها و آمده موجود نباشند پس نفس
 حرف حاصل را و اگر امتحان درست نبود پس دوری حرف هم طبق رابطه سبب ابعادی از خود منسوب الیه اگر حاصل
 داشته باشد بر بعدین اگر باشد و الا بر بعد ابعادی فقط اگر باشد و الا نفس حرف اصلی افزوده از حرف حاصل در
 دایره انسخ مذکور بعد مذکور بشمارید اگر رسید با حرف که قبل از امتحان با او رسیده بودید پس مستعمله است
 و الا بعد حرف صفحه از حرف حاصل با بعدین اگر باشد و الا با بعد ابعادی فقط اگر باشد و الا نفس حرف حاصل را باطل
 کنید بعد اقل را از اکثر خارج کنید و بعد باقی مانده از حرف حاصل در دایره انسخ بشمارید اگر با حرف مورد نظر رسید
 مستعمله است. بطور مثال سوالی را می نویسیم و جواب میگیریم:

سوال: اسم پیغمبر آخر الزمان چیست. عدد کبیر - وسط کبیر - عدد صغیر - وسط صغیر
 ۲۷۵۸ - ۶۷ - ۲۸۳ - ۴
 حروف صفحه اربعه = ظ ح ط ج ز س ج ن ف ر د

اساس	ح	ا	ن	ر	ن	ذ	ا	ل	ب	ا	غ	ی	ن	ز	ا	س	ی	ن	ج	ی	م	ا	ر	ا	د	ا	ل		
تظیره	ت	س	غ	ر	ع	ک	س	ن	س	خ	ن	خ	ن	ش	س	ا	خ	غ	ف	خ	ظ	ج	س	و	س	ص	س	ض	
حاصل	م	س	ص	ن	س	ک	ق	س	ک	ص	ل	س	ن	ف	ع	ک	ک	ک	ک	ک	ص	ق	ق	ق	ل	ف	ک	ق	
مستعمله	س	ع	ن	س	ر	ض	ظ	غ	ت	ص	خ	س	س	ز	ع	ظ	ظ	ظ	س	ش	س	ی	ر	ظ	خ	ظ	غ		
تظیره	ا	ب	غ	ب	ا	ر	ل	م	ن	ح	د	ی	ا	د	ش	پ	م	م	م	م	ا	ز	ا	خ	ر	م	ی	م	ن
مورد و مخر	ن	ا	م	ب	ا	ر	ل	م	ن	ح	د	ی	ا	د	ش	پ	م	م	م	م	ا	ز	ا	خ	ر	م	ی	م	ن
رکب و جواب	نام	پیغمبر	آخر	الزمان	سجد	سیب شد																							

حرف اول ر = همطبعی ح در خود اساس هم ح در هر دو جا موجود بود گفتیم $۲ + ۸ = ۱۰$ در انسخ از شهر داریم به
 حرف س رسید. در امتحان هم صحیح بود.
 حرف آخر ق = مطلوبش حرف ش بود که در جدول دهانه می بود و همطبع او حرف ط در صفحه بود و در ابعادی بعد
 دارد و حقیقاً بر شد و در انسخ از ق شهر داریم با غ رسید که از حروف دور وسط ق بود امتحان لازم
 نداشت و خود حرف مستعمله است.
 حرف اول ر = مطلوبش خ همطبعی ح بعد جدولی ا بعد ابعادی می حقیقاً ۲۳ از حرف ر در انسخ شهر داریم بخلاف
 توالی با الف رسید. امتحان کردیم بعد ابعادی حرف ر تا ج همطبع در صفحه ۱۶ بود از ۲۳ کم کردیم
 لا شد از حرف ر در انسخ شهر داریم با ی رسید که نظیر الف است و الف درست است تلفظاً.

حرف ۲۷ حاصل ک = مطلوب م همطبعش در صفحه ظاهر جدولی که تا م در جدول ۲۲ و بعد ابجدی ۱ جمعاً ۴۲
 با سقا ها ۱ از حرف حاصل ۲۳ حرف در انسخ شهر دیم با تا رسید امتحان کردیم بعد حرف منسوب الیه
 م است تا حرف همطبع در صفحه که ط باشد ۴۲ باز به همان طریق اسقاط ۱ از حرف حاصل شهر دیم ۲۳
 حرف باز به ط رسید که قطعاً مستحصلاً است.

حرف دوم م = مطلوب در سطر نظیره مقابل س داشت چون همطبع حرف س در صفحه ۳ بود و بعد جدولی
 نداشت بعد ابجدی ۲ بود از حرف س در دایره انسخ ۱ حرف شهر دیم با ع رسید و امتحان کردیم
 بعد حرف منسوب الیه را که س بود تا حرف ۳ صفحه ۱ بود از م در انسخ ۱ حرف شهر دیم با حرف
 ع رسید پس مستحصلاً است.

حرف ۲۶ حاصل ف = مطلوب م طلبش در جدولش همطبعش ط در صفحه پس از حرف ش تا ف بعد جدولی هم
 ۱۶ جمعاً ۱۶ پس از حرف ف ۱ حرف در انسخ شهر دیم به خ رسید و امتحان کردیم بعد ابجدی ش تا ط در
 ابجد ۱۶ بود بر ع بعد ابجدی سابق افزودیم همان ۱۶ شد از ف شهر دیم به خ رسید پس مستحصلاً است.

سوالی دیگر برای نمونه :

سوال: با خبیر، میرزا کریم خان تباران، الاول با قهر تاج خانم اصلاح خواهد کرد یا خیر.

مدخل کبیر - وسط کبیر - مدخل صغیر - وسط صغیر حروف صفحه اربع = ف د ب م

۵۴۴ ۱۷۵ ۴

د ت ع ه م ق ر م ث د = ز ا ل ت ا ه ا غ ی ن ه ا غ ی ن ق ا ف د ل م ی م ش ا د ا ل

اساس	د	ا	ل	ت	ا	ه	ر	ا	غ	ی	ن	ه	ا	غ	ی	ن	ق	ا	ف	د	ل	م	ی	م	ش	ا	د	ا	ل	
نظیره	م	س	م	ح	س	ق	س	ن	خ	غ	ق	س	ب	خ	غ	ن	ه	س	ج	ص	ص	ض	ظ	ظ	ط	س	ص	ص	ض	ض
حاصل	ث	ف	ث	ق	ض	ف	خ	م	ز	ص	ر	ص	ر	ت	ص	ع	ت	ش	ث	غ	ت	د	ف	ث	ذ	ث	ث	ث	ث	ث
مستحصلاً	خ	ث	ذ	خ	ی	غ	س	ظ	ح	ف	س	ظ	د	س	ت	ض	غ	ی	س	ع	ه	ع	س	ظ	و	س	ح	ظ	ظ	ظ
نظیره	ی	ز	ک	ی	غ	ن	ا	م	ث	ج	ا	م	ص	ا	ح	ل	ا	ن	خ	ا	ر	ق	ب	ا	م	ر	ا	ر	ا	م
صدر موقر	م	ی	ر	ز	ا	ک	ر	ی	م	خ	ا	ن	ا	ب	ا	ق	م	ر	ت	ا	ج	خ	ا	ن	م	ا	ل	ا	ح	ح
ترکیب و جواب	میرزا	کریم	خان	با	قهر	تاج	خانم	اصلاح																						

اکنون شرح حرف با حرف مستحصلاً این سوال و جواب را می نویسیم :

حاصل اول ث = طالب ف بعد با خود حرف حاصل جدولی ش با ف ۱۷ بعد حاصل طالب ش تا ف در ابجد سوالی
 ۳۴ و خلاف سوالی ۱۵ انسخی ۲۵ سوالی ش الی خ خلاف سوالی ش الی ت ۲۵ بعد طالب ۱۱ بعد انسخ ۱۵ جمعاً ۲۵ مستحصلاً
 خ است چون خ طرف منسوب الیه در صفحه است و نیاز با امتحان ندارد.

حرف دهم فن = بعد جدولی با خود فن لا انسخی لا توالی شی خلاف توالی ر چون حاصل در صفحه مطبع حروف خود شی بود امتحان لازم ندارد پس اولین حرف حاصل یعنی شی مستحصلا است .

حرف سدهم فن = بعد جدولی مطلوب لا فن بعد فن ۲ طرف و بشمارد ملاق است بعد ابجدی حاصل را با مطلوب لا فن یا ۴ که با هم جمع شود و از فن توالی ذ از فن توالی ح امتحان بعد مطبعش هم از فن بشمارد مستحصلا ذ است .
 امتحان: بعد حرف منسوب الیا مطبع حرف منسوب الیا ک ف است در ابجدی ۱۰ و ۵ عدد بعد بعدین ابجد و جدولی که کسر کردیم ۵ از حرف حاصل شدیم بتوالی ذ شد

حرف چهارم فن = جدولی مطلوب ظ تا ب ۹ که طرف را بشمارد حاصل با مطلوب ابجدی ظ با ب یخ انسخی بتوالی ۱۲
 مخ خلاف توالی ث مستحصلا توالی ح است چون ظاهر مطبع نداشت باطلوبین ب را گرفتیم که خودش در حروف صفحه اربع بود و امتحان لازم نداشت .

حرف پنجم فن = ق مطبع ندارد مطبوع بعد جدولی عین ص با فن خلاف توالی که طرف را بشمارد ع است . انسخی توالی سی خلاف توالی من بعد جدولی یساری ص تا فن طرف را بشمارد ۱۴ انسخی ع توالی ست خلاف توالی ن حاصل مطبع ص با ب لا خلاف توالی لا ۱۴ و جدولی یساری توالی انسخی سی مستحصلا است .

حرف ششم فن = حرف ف بعد جدولی ۱۱ بشمارد از ابجدی حاصل با طالب توالی ۵۲ خلاف توالی این سه بعد آخرش از ۵۲ کم میشود ۲۲ توالی در انسخی مخ خلاف توالی سی مطبع با طالب بعد او ۲ مستحصلا مخ است

حرف هفتم فن = بعد جدولی ن تا ب ۱۲ انسخی ۱۲ توالی س خلاف توالی ق امتحان شد صحیح و مستحصلا س است .
 حرف هشتم مخ = مخ بعد جدولی ع تا ن لا بعد ابجدی حاصل با طالب ع تا ن توالی ۱۲ خلاف فن انسخی مخ توالی م تا ن توالی ظ مطبع ۹ با طالب ن ب توالی ۱۳ خلاف فن توالی انسخی لا ب خلاف فن بین ما مستحصلا است .

حرف نهم ص = بعد جدولی م تا ب یخ حاصل طالب با فن ل خلاف توالی بعد ا قهره توالی ۵۱ مطبع طالب توالی ۱۲ خلاف ۹ و ۱۰ پس ۱۱ توالی از ص تا ع بین ح مستحصلا است .

حرف دهم ر = بعد طالب خلاف توالی ص ۱۰ ابجدی حاصل با طالب خلاف ر ص ۱۲ مطبع با صل ص با ب ۱۳ انسخی بر توالی کلام خلاف ۱۱ ف مستحصلا ف است .

حرف یازدهم ص = فن بعد جدولی بنه ۱۱ مطبع با حاصل توالی انسخی ۱۱ سی خلاف توالی س مطبع با حاصل بعد خلاف توالی ۱۲ توالی انسخی چون امتحان برخلاف است توالی انسخی را قبول میکنند نطق میدهد .
 از خلاف توالی حروف س مستحصلا است .

حرف دوازدهم ر = فن جدولی طالب ی حاصل طالب شی ۵۲ ف با هم مطبع با طالب ۲۵ - ۶ = ۱۹ از ر بخلاف توالی ظ و مستحصلا بود .

توضیح برای مستحصره سطر ۱۳:

اول حرف سوال زمان ف مطلوبش ق همطبع با چهار حرف صغیر نبوده مطلوبه مطلوبش بی بود
 سه همطبع داشت، در نظیره هم موجود ۴ بعد ابجدی ۸ بعد جدولی چهار ۱۲ شد در دایره انسخ بر توالی
 شهریم ط شد. در دو کبیر حرفش ط نبود، برخلاف توالی ق شد. دیدیم درش، ق موجود است.
 امتحان به دو بعد رسید به همان بعد واحد اکتفا کردیم در دایره انسخ بسیر کواکب ق شد. پس مستحصره
 ف حرف ق شد. برای امتحان اول حرف حاصل را با همطبع منسوب الیه در دو بعد از ابجد و
 جدول حاصل شده بینا نشد. هرگاه به حرف نشان کرده رسید مستحصره است و الا بعد واحد و یا کم
 را از زیاد کسر کرده و یا خود منسوب الیه را با همطبع خود در صغیر هر قدر باشد بر دو بیافزائید
 اگر رسید فیه و الا اقل از اکثر طرح کنید و یا بعد واحد عمل کنید.

توضیحی دیگر:

حرف را که میخواهند مستحصره بگیرند ببینند چندمین حرف از حروف حاصل است. اگر
 حرف اول است از الف در دایره ابجدی باز مثل بعد ابجدی نسبت دهد او را به حرف از حروف
 سطر اساس و نظیره به همان شروطی که در بعد ابجدی گفته شد و اگر حرف دوم بود حرف پ
 و اگر حرف ستم بود حرف ج و همیشه تا حرف ۲۸ حرف غ را عمل کنند، یعنی به عدد وضعی
 او در ابجدی و در انسخی شماره کرده و بعد از جلا حفظ بعدین با یو جلا حفظ نمود زیرا
 خالی از سه قسم نیست. یا آنکه از هم منفصلند یا اینکه متصلند و یا اینکه هر دو بعدش با
 حرف واحد میشود مثلی س و ص پس حفظ کند واحدها را یعنی که مختارید در میان
 آنکه به عدد وضعی بعد جدولی از حروف حاصل در انسخ متوالیاً و معکوساً شماره کنید
 حرف منتهی الیه را بگیرید و یا آنکه به عدد وضعی بعد ابجدی از حرف حاصل در دایره انسخ
 و حروف منتهی الیه را اخذ کنید پس در مثال ض - س مختارید در اینکه به عدد وضعی ض
 از حرف حاصل در انسخ بشمارید، پس در منفصلین بعد و وضعی واحد طرفین از حرف
 حاصل م الا که در تعیین یک از آن دو حرف عامل مخیر است و اگر متصل باشند مثل آنکه
 بعد جدولی ض باشد و بعد ابجدی ظ و یا اینکه بعد ابجدی ح و بعد جدولی ط باشد.
 پس در چنین صورت جمع کن در میان ایشان یعنی عدد ح و عدد ط را جمع کرده ۱۷۹
 میشود و عدد حرف حاصل در دایره عمل کند تا استنساخ عمل حاصل آید و جواب حاصل گردد.

سؤال: سید مرتضی پیرسید خلیل عراقی مسافر کجا آیا سالم است و کی می آید.

تاریخ: روز بیست و هشتم ماه صفر هزار و سیصد و بیست.

مداخله = ۲۷۱۹-۱۵۸-۲۸۰-۱

اساس	ط	ا	ی	ا	ذ	ا	ل	ب	ا	غ	ی	ن	ح	ا	ن	و	ن	ق	ا	ف	ا	ر	ا	ا	ل	ف	
تظیره	ش	س	خ	س	ک	س	ض	ع	س	ن	خ	غ	ت	س	غ	ر	غ	س	ج	ج	س	و	س	س	خ	ج	
حاصل	خ	ع	س	ع	ف	ط	ع	ک	ط	ح	ی	م	ص	ک	س	ص	ح	ح	ت	ع	ی	ع	ط	ر	ر	ر	
مستحله	د	ح	ا	ر	ر	ق	ص	ظ	ع	ب	غ	ع	ق	ض	س	س	خ	و	ق	ض	و	ح	ق	ت	ع	ع	
تظیره	ص	ت	س	و	و	ه	د	م	ب	ع	ل	و	ب	ه	ل	ا	ا	ی	ر	ه	ج	ز	ر	ت	ه	ح	ب
صدر و مخر	ب	ص	ح	ت	ه	س	ت	و	ر	و	ز	ه	ج	د	ه	م	ر	ب	ی	ع	ا	ل	ا	و	ل	ب	ه
جواب	بصحت	هست	و	روز	هجدهم	ربیع	الاولی	به																			

سؤال: یا خیر حسین جان پسر میرزا دشتی صاحب دواي شمس حقانی خواهد شد یا نه بنر ما بید.

مداخله = ۹-۴۵-۴۵۰-۴۵-۹ حروف صفحه اربعه = ح و د ط

اساس	ط	ا	ش	ا	د	ا	ل	غ	ی	ن	ن	و	ن	ت	ا	ه	ا	م	ی	م	ط	ا
تظیره	ش	س	ط	س	ص	س	ض	ن	خ	غ	غ	ر	غ	ح	س	ق	س	ظ	خ	ظ	ث	س
حاصل	ظ	ا	ر	ض	ر	خ	ت	ر	ش	ض	ص	ف	ت	ش	ر	ض	ر	خ	ظ	ث	س	س
مستحله	خ	خ	ظ	ع	ص	ا	غ	ص	س	ز	ا	ظ	خ	ع	خ	ت	ا	خ	ع	و	ع	ع
تظیره	ی	ی	م	ر	د	س	ن	د	ا	ش	س	م	ی	و	پ	ی	ح	س	ی	پ	ر	پ
صدر و مخر	ب	ی	ر	ی	م	ی	ر	س	د	ح	س	ی	ن	ب	د	و	ا	ی	ش	م	س	س
جواب	بی	ریب	میرسد	حسین	بدوای	شمس																

سؤال: مزی فلانہ عیال فلان دشتی حاملہ است یا نہ .
 مداخل = ۳۶۴۹-۳۶۴-۳۶-۹ حروف صفحہ اربعہ = ی د ج ذ

اساس	ط	ا	م	ی	خ	ا	ج	ی	م	غ	ی	ن	د	ا	ی	س	ی	ن	ش	ی	ن	م	ا	و	ل	ا	م	ط	ا	
تظیرہ	ش	س	ظ	خ	غ	ی	س	ف	ظ	ن	خ	غ	ی	س	م	ن	ا	غ	خ	ز	خ	غ	ر	س	ر	ض	س	ظ	ش	س
حاصل	خ	ن	ش	ن	ر	ف	ش	ن	ظ	م	ق	س	ش	ن	ش	ر	ق	س	ذ	ق	ر	ع	س	م	ش	ف	ش	خ	ق	
مستحلا	د	خ	ص	ع	ع	ظ	ش	ف	ر	ف	و	ت	ظ	ع	ز	س	خ	غ	خ	ش	خ	ق	ر	ن	ت	س	و	ب	ص	ح
تظیرہ	ص	ی	د	ب	م	ز	ج	و	ج	ر	ح	م	ب	ش	ا	ی	ن	ن	ز	ی	ہ	و	ل	ح	ا	ر	ع	د	ت	
مدر و مؤخر	ت	ص	د	ی	د	ر	ب	ا	ب	ح	م	ل	ز	و	ج	ہ	و	ی	ج	ز	ر	ن	ج	ن	م	ی	ب	ا	ش	
جواب	تصدیع	در	باب	حاصل	زوجہ	وی	جز	رنج	نہیباش + د																					

سؤال: یاخیر این اقل حسین جان دشتی ولد مرحوم میرزا جان نریارت رضا مشرف خواہد شد یا نہ بفرمایید.
 مداخل = ۷۷۵۷-۷۷-۷۷۵-۷ حروف صفحہ اربعہ = ی ا ط س

اساس	ز	ا	ن	و	ن	ذ	ا	ل	ز	ا	غ	ی	ن	ہ	ا	ع	ی	ن	ذ	ا	ل	ز	ا	ع	ی	ن	ز	ا	
تظیرہ	ش	س	ن	غ	ر	غ	ک	س	ن	ش	س	ن	خ	غ	ق	س	ب	خ	غ	ک	ن	ض	ش	س	ب	خ	غ	ش	س
حاصل	ر	ش	ت	ذ	ق	ص	ق	ر	ع	س	ش	ق	ر	ف	ص	ش	ق	ا	ص	ق	ر	ر	ف	ص	س	ر	ر	ف	
مستحلا	ن	و	ذ	ج	ت	خ	ف	غ	س	ت	و	ظ	ا	ز	و	خ	ح	ل	غ	ع	س	غ	ا	و	ا	ز	خ	ع	
تظیرہ	غ	ر	ک	ف	ح	ی	ج	ن	ا	ح	ر	م	س	ش	ر	ی	ت	ض	ن	ب	ا	ن	س	ر	س	ش	ی	ب	
مدر و مؤخر	ب	غ	ی	ر	ش	ک	س	ف	ر	ح	س	ی	ن	ج	ا	ن	ب	ا	ن	ح	ض	ر	ت	م	ی	س	ر	ش	
جواب	بغیر	شک	سفر	حسین	جان	جان	بآن	حضرت	میسرش																				

سوال: با علم برای رفع غم‌های زندگی و افزایش رزق و سلامتی چه توصیه‌ها میشود. حروف صغیر اربعه = ل م ا ن
 ۸۱۴۲ = ۱۶

مداخل اربعه: ۳۲۴۱ - ۱۸۸ - ۳۲۳ - ۱۷
 حرف حاصل = م = ۷

ا	س	ا	ز	ن	ش	س	ا	ف	ش	ا	ک	م	س	ج	س	ا	ق	ا	ف	ا	ح	ن	س	خ	م	س	ج	ا	ر	م	ی	م	ا	ح	ا	س
س	خ	س	ش	خ	ز	ج	ز	ج	س	ذ	س	ظ	خ	ف	س	س	س	س	س	ت	س	خ	ن	خ	ظ	ن	خ	ظ	و	س	ظ	و	س	ظ	و	س
۹	۲	۲	۸	۱۲	۶	۴	۱۱	۹	۳	۶	۵	۴	۱۱	۹	۲	۲	۹	۲	۹	۱۳	۶	۲	۵	۵	۴	۴	۳	۶	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۹	
۲	۱۳	۱۳	۹	۴	۷	۱۳	۱۱	۹	۱۳	۱۷	۱۵	۱۳	۱۲	۹	۱۱	۱۱	۹	۹	۱۰	۵	۷	۱۱	۱۲	۱۵	۱۳	۱۳	۱۲	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۰		
۱	۱۰	۱۰	۱	۸	۱	۹	۱	۱۸	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۸	۹	۹	۱۸	۱۹	۱	۱	۹	۹	۱۰	۹	۱۰	۱۰	۹	۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰		
۷	۷	۷	۱۰	۶	۷	۱۰	۱۱	۷	۹	۱۳	۷	۱۱	۱۱	۷	۶	۷	۱۱	۷	۱۲	۶	۷	۶	۷	۱۳	۷	۱۱	۷	۸	۱۳	۷	۱۳	۷	۱۳	۷	۱۲	
۱۲	۷	۷	۱۰	۶	۷	۱۰	۱۱	۷	۹	۱۳	۷	۱۱	۱۱	۷	۶	۷	۱۱	۷	۱۳	۶	۷	۶	۷	۱۳	۶	۱۱	۷	۸	۱۳	۷	۱۳	۷	۱۳	۷	۱۳	
۵	۱۴	۱۴	۳	۴	۱	۳	۱	۴	۲	۴	۶	۴	۲۲	۴	۱	۴	۴	۵	۶	۱	۷	۶	۴	۴	۱	۵	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۵	
۴	۴	۴	۲	۴	۲	۶	۲	۱۴	۸	۶	۴	۶	۱۴	۸	۸	۱۴	۱۴	۴	۲	۲	۸	۲	۴	۶	۶	۸	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	
د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	
م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س	ق	س
س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س
ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د
تکمیل و جواب	استغفار	صلوات	ساز	اول	وقت	توصیه	میگردد																													

می

یا حکیم بهترین چیز برای تقویت و فعال سازی سلولهای مغز چیست . حروف صغره اربعه = م ف ن ق
۱ ۸ ۸ ۴ = ۲۱

مداخل اربعه: ۳۸۳۲ - ۱۶۰ - ۳۸۵ - ۱۶
۳ = حرف حاصل = ش = می

اساس	ب	ا	ل	ا	م	ن	ا	د	ج	ی	م	ن	ی	ن	س	ی	ن	ق	ا	ف	ه	ا	ن	ا	ش	ی	ن	و	ا	و	س	ا						
تظيره	س	ن	س	ظ	ل	س	ن	س	ف	خ	ظ	ن	خ	غ	ا	خ	غ	ه	س	ج	ق	س	ج	س	ز	خ	ن	س	ر	خ	س							
نسبه اساس	۳	۴	۴	۵	۶	۷	۵	۴	۵	۵	۲	۶	۷	۷	۷	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۷	۷	۷	۷	۷	۳						
نسبه نظيره	۱۳	۱۴	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۵	۱۴	۱۵	۱۵	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۳							
تعديل اول	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰							
نسب اساس و نظيره اول	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷						
نسبه اساس و نظيره دوم	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷						
تعديل دوم	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲					
تعديل تعاريف	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱					
دور	ح	و	و	د	ن	د	ح	و	د	ب	ح	و	د	ب	خ	ح	د	ب	ن	و	و	ب	و	ب	و	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب				
قوا	ط	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز			
حاصل	ش	ف	ق	س	ق	ق	س	ا	ن	ف	خ	ل	ص	ک	ل	م	ف	س	ل	ع	ص	ع	ق	ل	م	ن	ق	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن			
مستحصلا	د	ج	و	ن	ر	ز	ص	ع	س	ر	خ	ع	ر	ع	ش	ص	ح	ا	و	د	و	ا	ش	خ	و	ق	ظ	خ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ	ظ			
نظيره ابجد	ص	ن	ن	ن	و	ک	د	ب	ا	و	ی	و	ب	ز	د	ت	س	ر	ر	س	ز	ی	ر	ه	م	ی	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز		
مدروموز	م	ن	ن	ن	و	ک	د	ب	ا	و	ی	و	ب	ز	د	ت	س	ر	ر	س	ز	ی	ر	ه	م	ی	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	
ترکیب و جواب	ص	ن	ن	ن	و	ک	د	ب	ا	و	ی	و	ب	ز	د	ت	س	ر	ر	س	ز	ی	ر	ه	م	ی	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	
مصرف	ز	ر	م	ن	ی	و	ک	د	ب	ا	و	ی	و	ب	ز	د	ت	س	ر	ر	س	ز	ی	ر	ه	م	ی	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م
زر منیوم	ز	ر	م	ن	ی	و	ک	د	ب	ا	و	ی	و	ب	ز	د	ت	س	ر	ر	س	ز	ی	ر	ه	م	ی	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م
س	د	ر	ب	ی	ا	ز	س	ی	و	ب	ز	د	ت	س	ر	ر	س	ز	ی	ر	ه	م	ی	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م	ز	م
سیر	و	ص	ب	ر	د	س	ت																															
زرد بست																																						

سوال : عاقبت دولت اسرائیل چیست .
 حروف صافه اربعه = ب ه خ ک
 مواخل اربعه : ۱۷۹۸ - ۶۱ - ۱۷۸ - ۷
 حرف حاصل = ی = ۱
 ۲ ۱ ۵ ۲ = ۱۰

ح	ا	ص	ا	د	ذ	ل	خ	ی	ن	ا	ل	خ	س	ی	ن	ف	ا	م	ی	ن	ق	ا	ف	ز	ا
ت	س	د	س	ک	س	خ	ن	خ	خ	س	خ	ج	ا	خ	ن	ج	ب	خ	خ	غ	ه	س	ج	ش	س
۹	۱۰	۱۰	۱۱	۱۱	۸	۴	۴	۲	۲	۶	۴	۱۱	۱۱	۷	۶	۱۳	۹	۸	۱	۶	۶	۲	۹	۱۵	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۱	۱۱	۷	۷	۴	۱۱	۷	۷	۴	۷	۹	۸	۸	۷	۶	۶	۹	۱۰
۱	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
۱۲	۷	۱۳	۷	۱۳	۷	۹	۱۱	۷	۶	۷	۷	۱۱	۱۱	۷	۷	۷	۷	۱۱	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۷	۱۳	۷	۱۳	۷	۹	۱۱	۷	۶	۷	۷	۱۱	۱۱	۷	۷	۷	۷	۷	۱۱	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۵	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	ن
م	س	ه	ط	م	ز	ک	ا	ز	س	خ	ا	ک	ج	م	س	س	ک	ش	ض	س	ط	ر	ه	م	
ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن	ق	ف	ن
س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س	س
ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ت	ا	س	ا	ل	ت	خ	ث	و	س	ط	ا	ر	ا	ن	م	ن	م	ز	م	ی	م	ا	ی	ل	س
ت	ا	س	ا	ل	ت	خ	ث	و	س	ط	ا	ر	ا	ن	م	ن	م	ز	م	ی	م	ا	ی	ل	س
ترکیب و حساب	تا	سال	ت	خ	ث	و	س	ط	ا	ر	ا	ن	م	ن	م	ز	م	ی	م	ا	ی	ل	س	ت	

بسم الله الرحمن الرحيم

روش حقیقی بدست آوردن حروف صفحه اربعه در جفر ۱۵ سطری:

زمانی که سوال طرح شد در همان لحظه باید به نرم افزار نجومی مراجعه کنید و ببینید چهار گزینه خاص نجومی در کدام منزل قمر (ناکشا ترا) قرار دارند. قمر دارای ۲۸ منزل میباشد که هر کدام نیز به حرفی از حروف ایچد مربوط است.

این چهار گزینه در هر منزلی قرار داشتند حروف آن منزل را باید به عنوان حروف صفحه اربعه انتخاب کنید.

این چهار گزینه از این قرار هستند:

۱- برج طالع وقت در کدام منزل قرار دارد.

۲- خورشید در کدام منزل قرار دارد.

۳- ماه (قمر) در کدام منزل قرار دارد.

۴- کوکب مرتبط با سوال در کدام منزل قرار دارد.

هر کوکبی منسوباتی دارد که بر اساس آن منسوبات باید به سوال ارتباط داده و حرف منزل آن کوکب را بدست بیاورید.

بطور مثال سوال ما از امور معنوی بود که به کوکب مشتری مربوط میشود.

پس باید ببینیم مشتری در چه منزلی از منازل قمر ساکن است. در مثال زیر مشتری در منزل صرفه قرار دارد و منزل صرفه به حرف ل منسوب است.

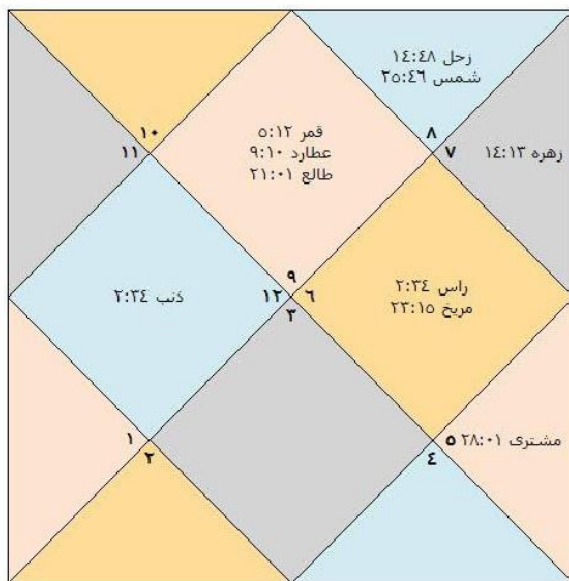
برج طالع وقت قوس بود که در منزل بلده قرار دارد و منزل بلده به حرف ش منسوب است.

خورشید در منزل شوله قرار دارد و منزل شوله به حرف ق منسوب است

ماه در منزل تعالیم قرار دارد و منزل تعالیم به حرف ر منسوب است

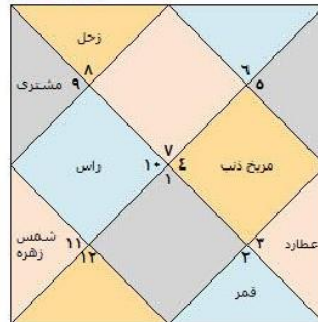
پنابراین حروف صفحه اربعه شد: **ل ش ق ر**

برای این منظور میتوانید از نرم افزارهایی مانند تشر و سون آسترو کمک بگیرید. در این نرم افزارها بطور دقیق نشان داده میشود که هر سیاره و برج طالع در چه منزلی قرار دارد. نمونه ای از چارت لحظه نرم افزار تشر را در زیر می آوریم.



مشخصات
 نمودار لحظه
 8:56:59
 شنبه 21 آذر 1394
 دیسمبر 2015
 تهران : 35 N 41 - 51 E 25
 آبانامشا لاهیری : 24°04'47"
 روز زولیانی : 2457368.72707176
 اختلاف زمانی : 3:30
 ساعت روشنایی : 0:0

Navamsa (D/9)



نام	درجه	برج	منزله	سرور منزله	سباب
طالع	"۱۱۸°۰۱'۲۱"	قوس	بلده - بوروشاد	زهره	مشتری
شمس	"۱۱۸°۲۵'۴۵"	عقرب	شوله - جیهستا	عطارد	رأس
قمر	"۲۲°۵۱'۵۵"	قوس	نعایم - مولا	ذنب	مریخ
مریخ	"۳۲°۱۵'۲۳"	سنبله	سماک - هاشتا	قمر	شمس
عطارد	"۴۲°۰۱'۴۵"	قوس	نعایم - مولا	ذنب	مشتری
مشتری	"۲۵°۰۱'۲۸"	اسد	صرفه - اوتارایها	شمس	قمر
زهره	"۵۷°۱۳'۱۴"	میزان	زیانیان - سوانی	رأس	عطارد
زحل	"۵۷°۴۸'۱۴"	عقرب	قلب - انوردها	زحل	رأس
رأس	"۲۵°۲۴'۲۵"	سنبله	صرفه - اوتارایها	شمس	مشتری
ذنب	"۳۵°۲۴'۲۵"	جوت	فرغ مقدم - بورواهدارا	مشتری	رأس

نام	خانه	برج	خانه
طالع	آتش	آتش	آتش
شمس	آب	آب	آب
قمر	آتش	آب	آب
مریخ	خاک	آب	آب
عطارد	آتش	آب	آب
مشتری	آتش	آب	آب
زهره	یاد	آب	آب
زحل	آب	آب	آب
رأس	خاک	آب	آب
ذنب	آب	آب	آب

همانطور که میبینید منازل قمر که کواکب در آن قرار دارند در زیر چارت نجومی محاسبه شده است.

منسوبیات زحل :

عدد مثبت: ۸ عدد منفی: ۳ رنگ: سیاه؛ ذات: فحش اکبر زمان: روز جنسیت: مذکر
شغل: مشایخ و دهقانان سن: بسیار پیر حرف کوب: ن د خ ن فز: سرپا و فولاد
طعم: شاد و شیر جبهت: غرب مزاج: سودا نشان: پدربزرگی طبیعت: سرد و خشک
حروف ابجد: ا، ج، د حرف ملکه: ا، پ، ت، ث، خ، ص، ح، ط، ز، ح، ک، ن، گ، ف، ک، ن، ج، د
گیاهان: سرخس، کام، شقایق، خلنگ، شاه بلوط، زیتون، عدس، کتان، کنف، گنبد
انار، ترش، گیاهان مخدر، پروانگردان، سنگ، یاغوت، کبود، راج، سنگهای آبی تیره و سیاه
کمانها: کوهستانهای بی حاصل و بی گیاه - سردابها - چاهها - بناهای کهن - ویرانههای کهن
ارتباطات اجزایی: اشتباهه سفکوش و تنگین و درونگرایی های بد، چاکرایی مربوطه: ۷
اعضای: ناخن - سو - روده ها - زانو ها - پشت - گوش راست - دندانها - استخوانها - طحال
رسوبات معدنی بدن - شکل گیری سنگها - بندها - مفاصل - گرفتگی رگها - پیرست - سرمازدگی
ناشنوایی - قفق - بیماری پیری - رنگ: سیاه - موهه ای - بفتنی تیره - آبی
شغل: فروشنده خصوصاً املاک - راهب - مترجم - استاد محسوب - معدنچی - مشاور غل پست
رهبانی - سیاستمداری - قانون گذاری - زاهد - خدمتگاری - پادشاه عالیج - محاسب یا محاسبچی
عالم بینان (ستون پنجمی) - والای خاکستری (ذاتای صامت) - مالک

منسوبیات اصلی: مغناطیسی - منفعل - جانب با مرکز - عنایت با تدبیر - تحت تاثیر باد -
نهاد تبخیر - دوام - پایداری بر امور - احتیاط - ساختار درونی هر چه - نظم و ترتیب - ایمن
منبع درگداری - محدودیت - وفاداری - استواری - ثبات - قدرت مرکزی - تجزیه و تحلیل - اقتصاد
راه ورش - اسلوب و فاعله - طبیعت و سرشت سازنده و بنا کننده - مهارت و کاردانی که از
تجزیه و تحلیل شده - سیاست - فکر - تحلیل - انصاف - عدالت - صرفه جویی و عقل و معاش
صبر و تحمل - برتری از امور - پیر مرد مند - همراه - زهد عارفانه - قدرت رهبری و توفیر مستقر
عقلانیت منطقی - صبر و بردباری - نیروی بازدارنده - خلوت - تجربه - شرافت - حافظه - نظم - تعجب
منسوبیات مثبت: نبوغ حاصل از تجربه - توانا تها ای والای انسانی - بزرگ منشی - ثروتمندگری
رازداری - مرکز - استقامت - پایداری - جدیت - تحقیق - یادگیری با تجربه - پیشنگار - تحمل
آگاه از وظایف و قدرتها - تحقیق درونی - ماندگاری - اقتصاد - احتیاط - شکوایی - وفاداری
پایداری در عشق - پیرمندی از جد نمی کند - جایل با گذشته بود به در امور مادی
منسوبیات منفی: بدبینی - سرکوب شدگی درونی - دنبال هیچ شادی و تفریحی نمی خورد - همیشه
جلوی خوش بودن را میگیرد - در خود فرو رفتن - تنها ماندن - مایل به کلبه ای - نیمه و اندوه - کمبود
قابلیت - انعطاف شکاکیت و عدم آرمغان - خصاست - سردی - لجبازی - محدودیت - دورویی
ریاکاری - در اختیار تقدیر بودن - خودخواهی - بد دل گرفتن - دشمنی - شکست - جدایی - مرگ
درد درنج - تهی دستی و فقر - سرقت بی کلاس (دولادزدی) - بزرگی - ستوفی - پنهان کاری - طمع
مشخصات نیرنگی: چشمان گود - قد بلند و لاغر - چهره ای پیر و عصبی - ناخن و دندانهای بلند
کف پاها یا دستها نشان بزرگی است - پوست و موی خشک - ناخن شکفته - کلام محبت نارسا

منسوبات مشتری

نبت : ر عدد مثبت ; ۳ عدد منفی ; ۶ رنگ : زرد و سفید عسفی : آتش (اثر)

ایام : پنجشنبه ذات : سعد مطلق جنسیت : مذکر زمان : روز طبیعت : گرم و گرم

عقد : حیرت بخش حروف ابجد : هر وزح حروف کوچک : ط ق ک ض حروف فلک : ج خ ذ

طالع : شیرین مزاج : بلغم فلز : مس برنج جهت : شمال شرقی نشان : برادر بزرگتر

سنگ : یاقوت زرد - توتیا - کمر سنگهای سفید و زرد مشتری یاد پدر و جنوی نیز هست .

تکیه های : اکالیمپتوس - سیب - برنج - ذرت - نخود - بادام - مرزنجوش - نیسکر -
 مکانها : زمینهای خوش آب و هوا - خانه های زیبا - مکانهای مقدس حریز برای

اعضا : ران - گلو - گوش چپ - شریانهای اصلی - اکسیژن خون - حساسیتها - کبد - صفرا - نبض -
 برنج - مرغ - دانه ها - ریه ها - توانایی گوارش - اضافه وزن - نطفه - رحم - پانکراس - هورمونهای مرد -
 شغل : منجم - بانکدار - عیالت - سیاستداری - خلیسوف - قانونگذار - قاضی - مصلح دین -
 کارمند دولت - شغلای آزاد و دانشگاهی - اداره کردن هزینه ها - زندان - مربوط به عدالت - صلواتی -
 شغلای کلیسای - آدمهای پولدار - انبای غنی از نظر پولی و فکری یا مذهبی - جاسوس -
 عزیزان حرفه ای - قمار - شغلای مربوط به اسب - تیراندازی - کمانچیکاموردتوبه آدمهای

بزرگ هستند . جایگرمی مربوطه : ۶

منسوبات اصلی : سهم سعادت - شرافت - ثروت - شانس - انبساط - توسعه - گستردگی - فکر -
 روح تحریر و عصبی میشود - فعال - گریز از مرکز - بعیرت - دین و مذهب - طلب و جستجو برای
 هر چه کم دارد - زودت فراغت - نوع دوستی - پختا و وسعت - امور اجرایی - امور حقوق -
 امور قانونی - امور شرعی - قانون - شهرت و افتخار - مرادان - تعلیم - نظارت - کامیابی - پول -
 خودداری - توانایی رشد - هر چه پسندعا با بردن - پیروزی و موفقیت - سعادت - نجوم -
 الهیات - سفرهای طولانی .

منسوبات منفی : اعتقاد و ملینان پیش از حد - افراط - عدم تعادل - تنبلی و راحت طلبی - بهالقه
 و لخریبی و اسراف - خود فروشی - خوردنهای - گمراهی گویند - عیاشی - جلف و سبکی - سرکش - تیار
 اعتیاد به شرط بندی - رها کردن کارها به صورت غیر کاره - تحت تاثیر حواس کشیده شدن به لذات
 جسمی - بیخوری - خودنمایی عجیب - بی تدبیر و قانون - به تعهدی - مسئولیت ناپذیری -
 میتوانند تا قانون متشکل پیدا کنند - پراکندگی ذهن - اسراف - عدم آینده نگری - بی وجدانی - مادی گرایی
 کمبود حس شرافت - کمی سدا اجتماع - با هر جایی که نومی خوشگذرانی در آن باشد سری میزند
 حسن و کیفیت .

خصوصیات فیزیکی : درشت هیكل - موها و چشمهای تیره ای رنگ - رنگ پریده - هوشمند
 امکان جاق شدن - بدست چرب و مرطوب - ناخنهای محکم -

فلسفه دینی : تا فیزیکی - الهی - سرزشت - آگاهی - آنچه را برای فرد در نظر گرفته شده را معین میکند
 خط سرزشت را بشخص میکند - حس شتوایی و احساس - نهاد در آن کمال و آغاز کمال است - پیچگی ،
 هارمونی - عدالت - دکوراسیون - تدبیر - بازی (تجار) - دست عدل بازی - رشد تعقل - شوق
 شکوفایی - عاطف - قدرت ارگان نیزه کردن و نظم دادن - فقط به خاطر عدالت عملی میشود

منسوبات مثبت : میکوباری - دستگیری - حرمت و احترام - پروردگاری - کارهای عاطفی - شادی -
 راست گوئی - دین داری و تدین - مورد اعتماد بودن - خوش بینی - نوع دوستی - صداقت - آزادی
 رک بودن - حمی عدالت - روح سازندگی - حمی اجتماعی - قابلیت ابداع و زایش - قانون بندی
 خویش با اخلاق و مذهب - کمال بینی - توانایی جمع بندی - رابطه نریزه و منطقی - ادب و نزاکت .

منسوبات صریح:

جهت: جنوب ایام: سه شنبه سن: جوان رنگ: سرفخ عنصر: آتش زبان: شب
 عدد مثبت: ۹ عدد منفی: ۵ نشان: برادر کوچکتر سنگ: مرجان سرفخ: مت ص
 خاصیت: صفتی ذات: نحس امیر جنسیت: مذکر طبیعت: گرم و خشک
 شغل: نظامیان و ارتشیان حرفه کوچک: اتم حرفه ابجد: طای کمال حرفه فلک: ذریز
 مزاج: صغرا ملهم: تلفظ ملنز: آهن عده: خوف کلیوی ارتباط اجزای: برادران چاکرانی: ا

عیاهان: سیر- پیاز- ترب- نعنا یکانها: زمینهای بی حاصل هر چه سنگ
 سرور بروج: حمل و عقرب شغل: کشتی گیر- قصاب- آهنگر- مکانیک- تکنسین- جراح- مهندس.
 اعیان: رگ سیر- فرم صورت- عضلات- حلق- کیمیا صغرا- بویایی- شوک سیرتهای جنسی- روده کوچک و کبیر
 منسوبات اصلی: حساس- خشن- الکتریک- تمایل به سرگردان- طبع سنگی- عمل- اراده.
 زود عصبانی میشود- انرژی تضاد- معشوق- نیروی حیات- سرعت- جاه طلبی- خونریزی.
 احساسات خیلی تند- نیروی سرد انگلی- نژاد جنگی- صفت شخص را تشکیل میدهد.
 منسوبات مثبت: قدرت اراده- انرژی- شجاعت- پیشگام- رک گویی- تهور- بی باکی- مستقل-
 حرکت گرا- میدانچه میخواهد- قابلیت اقدام کردن- مغرور- دست و دلباز- چاره جو و چاره اندیش.
 از کار و مبارزه لذت میبرد- احتیاج به فعالیت دارد- جدایی- سریع الذهن- قوی و پرتعلیم.
 منسوبات منفی: نیرو را هدر میدهد- سریع العجل بی فکر- کمبود انرژی و پیشگام- لجاجت و کینه دهنه.
 نامانگار با جاه و جاهایی خطر- آزار دهنده- عصبانیت کنترل نشده- بدرون- مستخف- بی رحم.
 با چیزهایی به ارزش اهمیت میدهد- بی وفا- بدینال دعوا- حرف گویش کنن- انتقام جو.
 سینه ای- رقابت جو- سخت و خشن- انحراف همراه با خشنونت.

منسوبات خورشید؛

ایام: یکشنبه، عنصر: آتشی، ذات: سعد اکبر (اسلامی) نصیب (وادی) طبیعت: گرم و خشک
 حروف کوکبا: ح هری ع حروف ابجد: م ن س ع حروف فلک: ش ص ض ط خاصیت: مثبت
 جهت: شرق مزاج: صفرا ماهیت: جلال طعم: تند و تیز سببها: لیمو - آفتابگردان
 شغل: پادشاهی - پزشکی - شیمی - داروسازی - کپی‌نگر - تفاوت فلز: طلا نشان: پدربن: جوان
 سنگ: یاقوت سرف - رخام - گونگرد - سندروس - عور شیب: اوج - عدد جنسی: ۲
 مکانها: کوه‌های دارای معادن - منازل مجلل - کاخها - مکانهای خورشیدی - زمان: روز
 ارتباطات اجتماعی: پدر - شوهر - رئیس - دولت‌مدکار - رنگ: زرد جنسیت: مذکر نیت: فنا
 منسوبات اصلی: شخصیت - وجود - ماهیت فردی واقعی - قدرت - خواست - اراده - مردانه -
 ایال و آرزو - روح و روان - حاکم بر میانجی عمر - قدرت بینایی - خودشناسی - استعداد - ریاست -
 نیروی زیستن - دولت - روشنائی - زندگی - ریتم - انسانیت - تحقق - زمان حال - بودن گمراهی -
 منسوبات مثبت: پیروزی و افتخار و سلامتی - بلندی - کشفاده دستی - سخاوت - بزرگی - گرم -
 شان و مقام - شهرت و افتخار - برتری - محبوبیت - نیکی - شرافت - احساس مسئولیت - زواجه -
 صداقت - وفاداری - پیشگام - نیرو - آگاهی - درک درونی - حکومت کننده - محمل گمراهی -
 منسوبات منفی: کمبود نیروی حیات و اراده - بی‌تعمیر - بی‌نظمی - علاقه با سلفاگری -
 بدست آوردن توفیق با سختی - شکرگزی خوانی - از خود راضی - شهاست سازب - بدقولی - دوروز

منسوبات زهره :

عدد منفی: ۶ عدد مثبت: ۱ رنگ: سفید فلز: برارید- مس جیاکرامی مربوطه: ۲
 نشان: خوارکویکتور نامادری ذات: سعد مطلق جنسیت: مؤنث زمان: شب
 طبیعت: سردتر سن: جوان کامل عذبه: صنوبری خاصیت: مثبت طعم: چرب و خوشمزه
 حروف کوچک: ش و ط ک حروف بزرگ: ف ص ق ر حروف فلک: ط م خ ف جهت: جنوب شرق
 ارتباط اجتناب: پخش و تفریح جوان رنگ: صورتی و سبز مایل با زرد مزاج: بلغم
 گیاهان: پرتقال- یاس- رز- بنفشه- پنجه روغنیهای گیاهان- شکوفه های بهاری- ثعلب
 سنگها: الیاس - زر- سرس- سنگ بر رنگ ایام: چهار نیت: نعل
 مکانها: مکانهای خوش گذرانی- زمینهای مرطوب و هم باران- خانه در مکان بلند- ویلا-
 مشغلهها: مشاغله مرتبط با هنر و زیبایی- آرایشگری- بازیگری- نوازندگی- چهارم سازی- کوراسیون-
 چهارم فروشی- روابط عمومی- سخنرانی- زهره لها در معنوی نیز هست.
 اعصاب: اعصاب تناسلی و تولید مثل- سورنخ چیه بینی- دستها از کتف تا انگشتان- غفرونها-
 سیستم غدوی و هورمونی- کلیه ها- لوزه ها- کله- تخمدانها- چانه و لپ- سیستم موی سر-
 رنگ و روی صورت.
 منسوبات اصلی: بیان کشفی- جاذبه- پیوستگی- چسبندگی- همبستگی- اتحاد- عشق زمینی.
 اختلاف: تاثیر پذیر- فرار و گریز از مرکز- عزیزه جنس- عشق فردی فردی به تن- آرایش و تزئین
 توله گرایه و زیبایی- نرم و لطافت- از کار و ابراد در سحر- وسایل نقلیه- واروها- شهرت.
 در چارت مردها نشان همسر است- نامزدی (چراغ سبز اولیا)- رقص- موسیقی- حس بویایی و
 دستیابی با سحر- امور عشق و عاشقانه- عطر و چیزهای خوشبو- آلات نوازندگی- جوانی و بلوغ.
 حساسیت در ریش و هارمونی- گرس در شخصیت- لذت بردن در سطح بالا- مالکیت- زن جوان-
 محشوقه- ازدواج عاشقانه- تواناییهای هنری- قدرت جذب دیگران- اسوال منقول و غیره مقول.
 منسوبات مثبت: هماهنگی و توازن- توانایی و قابلیت در هنرندگی- هنر پیشگی و اصغر هنری.
 خوشی و حضور در- خوشی روی- احساسات- سرزندگی و شادایی- تعقیقه های جوانی- شاعری.
 حاضر جوانی، ملایم و نرمی- هنر محاسرت- طرافت رنسانری- عشق و زیبایی- شیک پوشی.
 روابط اجتماعی راحت- مغانا طیبی- عشق با وسع و دل کوکس- جنسیت زنانه به صورت فریاد.
 منسوبات منفی: شهوت زانی- هوسرانی- پستی- ابتذال- کنجی- حس بطلت و بیحیوگی.
 احساسات تند و پراکنج شده- غرور و خود بینی- بی ثباتی و بی وفایی- روانیک نابجا.
 به بند و باری جنس- سلیقه بد- جیغ کشی- از این شاخه به آن شاخه پریدن- شلی و ول.
 حسادت- شلخنگی- خودخواهی- بی حیایی- به بند و بار احساس و جنس.
 خصوصیات فیزیکی: جویهای بحد و شکن- پوست سفید- چشمان درست- چهره زیبا-
 بدن خوش فرم- دست و پا کمالاً محزون- پوست نرم و لطیف و چرمی-.

منسوبات عطارو:

ایام: چهارشنبه رنگ: آبی عدد مثبت: ۵ عدد منفی: ۹ نت: لا جنسیت: خنثی زمان: روز
ذات: بانسی نفس با سعد سعد طبايع: معتدل شغل: نویسندگان سن: نوجوانی فلز: جیوه
حروف کوچک: پ ر س ذ حروف ابجد: ش ت ش خ حروف فلک: ق ک ل م نشان: خواهر بزرگتر
جهت: شمالی طعم: بی مزه

سنگها: زمرد - زرنیخ - کهربا - زبرجد - جید - صیقل سنگهای سبز ارتباط اجتماعی: برادران کوچکتر
نمایان: اقا قیا - شاپست - کل مروارید - عمر - انجیر - خرما - تره چاکرهای مربوطه: ۵
مکانها: کویرها - بیابانها - رنگ زارها - بازارها - باغها - آتلها هنری - ادارات دولتی
معنوی: ریاضها - روده ها - زبان - دستها - پوست - مخزوم - هذو: پاکو اس مزاج: معتدل
شغل: دبیری - مجلسی - کاهن - منجم - کیمیاگر - شاعر - فیلسوف - تاجر - طبیب - کاتب - ریاض دان
منسوبات اصلی: عقل و طرح داری - توه استدلال - قدرت بیان - کلام - سخنوری - نوشتن - گفت زبان
تعیین اشعار در حین سخن - دانش و عزت بر پایه برهان و دلیل - حسن تشخیص - تحصیلات - شعر
سرمت و تیزهوشی - زبردستی و چالاکي - کتاب و مطالعه - سلیقه در انتخاب دوستان - علاقه با یادگیری
ریاضیات و هندسه و نجوم - سفرهای کوتاه - بیکه آسمان - تعلیم و آموزش - حکومت الهی - وحی و
الهام - علوم آسمانی - فلسفه علم - خط - روابط عمومی - ناهج - رسولان و پیام آوران
منسوبات مثبت: فصاحت و شیوایی در سخن - توانایی انجام کارهای ادبی - تخیل قوی - دوراندیشی
منسوبات منفی: بی قراری - بدگویی - بدزبانی - سخن چینی - نیش زبانی - کنزگویی - عوام فریبی
خیانت در باطن - دستپاچگی - نگرانی و دلواپس - اضطراب - عصبانیت - تردید و روی - فراموشی
امراض ذهنی - ناآزادگی - فریب و حیله و شیرینی - اگر از کسی سرد شود خیلی سرد و راحت رهايش میکند
خصوصیات فیزیکی: پوست خوب - چشمان درشت - خوش اندام - عصبه مزاج - بین تلسی - بلند و لاغر
مورث و عضلات ظریف.

عطار در مثبت: فصاحت و شیوایی در سخنوری، توانایی انجام کارهای ادبی و تخیل نیرومند و دوراندیشی که
حاضر جوی، مثبت، قابلیت‌های عمیق ذهنی، محاسبات و قدرت عمیق در توسعه ذهن در زندگی، رضایت شغلی،
عطار در منفی: سبب عدم اعتماد و حساسیت زیاد، مشکلات در تکلم و در عقل، دانش کم، ضرر و نارضایتی
شغل را پشت سر میگذارد، تفکر قربانی بودن و نداشتن فرصت شکوفایی، رنج و ریاضی درونی، تریس
از شکست، دوری از روابط و شکار عشق من از تو بهترم.

منسوبات ماه :

ایام: روشنیا رنگ: روشنی و سفید عدد مثبت: ۲ عدد منفی: ۷ طبیعت: سرد و تر نیت: سی
ذات: سرد و صغر جنسیت: مؤنث زمان: شب شغل: بیکها و ظهیرساینها سن: نوزاد
حروف کوچک: بر که س ف حروف ابجد: ذن ط غ حروف فلک: ن هوس جهت: شمال غربی
ظرف: نقره خاصیت: مثبت نشان: مادر نشان مادرین نیز هست چاکراس: مریوطه: ۴

سنگها: سروارد - حجر القمر ملجم: شور مزاج: بلغم

تنباهان: حیوانات - زنبق - نیلوفر - کتدم - جو - خیار - انار شیرین - انگور - خربزه

مکانها: دشتها - مکانهای فراخ - پررطوبت - جوی - چشمه - جنگل

شغل: آشپز - سرمستخوم - معازره دار - دریانوردی - کارهای کامیاب آب حرارتها است.

اعضا: پوست - چشم راست زن و چشم چپ مرد - مایعات بدن - سرم - خون - لنت - مخچه

جهازها: سنه - قواسم مغزی - ریه - حس چشمی - سمت چپ بدن

منسوبات اصلی: ذهن - زمانه - معناطیس - اخلاق - قوه تخیل - خبر مهم - احساسات - تغییر

ذکرگوش - باروری و حاصلخیزی - عادات و رسوم - آگاهی جزئی - اقبال - شهرت - زاد عشق

عشق الهی - عواطف سعادت کمال - زیبایی - ترقی و تنزل - جذابت - دوران کودکی خوشها جنبش

منسوبات مثبت: کیفیت ذهن خوب - قدرت هیپوتیزم و جذب افراد - خوش خلقی و مهربانی - تغییر خلیل

توانایی - احساس مادرانه و وابستگی به خانواده - رفت و آمد - نرس - محافظه خوب - شکوفایی - رشد ترشحات

تکرر یا عقل عمل گرا یا نه - خوش شانسی - قدرت تجارت - خوش بختی ظاهری و مطنی - آرامش در

زندگی - عشق به علوم و ادبیات - تنوع طلبی و نوگرایی - جابجایی - رفقا بیعی - نفس - زندگی روانی - آرایشگری

ناخود آگاه - شب - راز - خواهر بزرگ - گذشته لباس - وراثت - عادات و سننها - پیشی داورس - رزورگ

منسوبات منفی: منفی گرایی شدید - تصورات مبهم و غمگین - رویاهای بد - ترزدودگی - بی بندوباری

پوچی - ناراحتیهای بی دلیل - کارهای نیکوکاره و معوق - فقدان عزم و اراده - سخن چینی و ظهیری - مکلون

احساس مادرانه و ظهورده و پهن زده - تاثیر پذیری - عدم پایداری - عدم دلبستگی جمعی - وابستگی

عیب و نقص و کمزوریها - حساسیت بیش از اندازه - کودکی سخت - مشکل تطبیق خود با جمع

شکستگی - بی تمیزی - رویا خوری - تنبلی - ولگردی - درانتظار چیزی بودن - خوشگواران زمین

ناروانی همیشه

منسوبیات رأس :

منافع بزرگ - سهوم - جنایت - اعتیاد - پدربزرگ پدری - تنبل - لذتهای حسی - دزدی -
 ذمعی - علایت سعیری نا پذیر - ساحری - شیطان - رازداری - ژرف نگری - بزرگی منشی - نبوغ باطنی
 سنگ ؛ سحر - عمیق عسلی نشان ؛ رقبا رنگ - رنگارنگی جهت ؛ جنوب غربی
 خاصیت ؛ نفس اعظم سنگ ؛ عمیق عسلی - گویا سزه ؛ سهوم روابط ؛ خامیل دور
 در حالت مثبت ؛ با یک همسوی با چرا بشارت درست و مثبت در اجتماع و ایجاد پرستیژ و شخصیت
 خوب اجتماعی میشود ؛ رأس مسئول اعمال ستره مثبت میباشد - مدیوم -
 در حالت منفی ؛ عامل اغلب مشکلات - ناراحتیهای اعصاب - توهم - تجایل با اعتیاد - انواع
 ناآرامیهای رمعی و روانی است .

کف دستها با رأس مربوط میباشد . رأس بر اشتیاق و فراز و نشیب و تاثیرات از برای ناخود آگاه ولایت دارد
 مشکلات ظنیکیه ؛ درشت هیکل - پوست تیره - خاله تیره در چشم - پوست خشک - دارای ضعف عمومی .

منسوبیات ذنب :

شیوه های طبیعی شفا - درمانگری - نذاهای شفا بخشی - ارواح - عوالم غیر مادی - سهوم -
 موجودات غیر ارگانیک - پدربزرگ مادری - عدم وابستگی - جهالت - کنوسی - جنایت - دزد
 سرقت - تجایل با نا شناختا بودن - ریاضت - سحر و جادو - شیطان - جذابت - معنوی
 طبیعت ؛ سرد و خشک با افرا ها سنگ ؛ چشم گیر با - عمیق با با تهوری جهت ؛ جنوب غربی
 رنگ ؛ سیاه - قهوه ای - بنفش تیره زمان ؛ روز جنسیت ؛ مذکر نشان ؛ دشمنان
 گیاهان ؛ سرخس - کاج - شقایق - خالک - شاه بلوط - عدس - کتان - کف - انار ترش - کنجد
 زیتون - گیاهان مخدر خاصیت ؛ نفس اصغر سزه ؛ سهوم روابط ؛ نیاکان
 ذنب نیروهای دنیوی را ناپرد میکند ولی از لحاظ معنوی بسیار قوی است . ذنب میل با
 ویرانگری دارد . سم حرض و تجایل با نا شناختا بودن از ویژگیهای او است . افرا دی که
 در کنارشان نموی آرامش حسی میکنیم استعداد در مانگری دارند . ذنب حاکم برداروها
 است و معجون های جادویی به آن منسوب است . ذنب در مانگری نجوی خیلی
 مهم است . ذنب تجایل بتایسه با سریش است . ذنب مسئول اعمال ستره منفی میباشد .
 در حالت مثبت ؛ با عت قدرت تمرکز - نیروی اوراک - رشد معنوی میشود و معرف برای
 و آزادی در حوزه دانشهای معنوی میباشد میتواند اوج کنترل و تسلط و استادی بدهد .
 در حالت منفی ؛ با عت شک و تردید و انتقاد و خنوسا نسوری است .
 عقلا نیت ذنب ناگهانی و خطرناکی است . معنویت ذنب باز چکر کشیدن و پریدن از خلق و
 ریاضت است و زود رس و عجول است . ذنب سرری از برج حوت میباشد .
 کف پاها با ذنب مربوط میباشد و از این طریق امواج ذهن و جادویی را از کف پا جذب میکند

منازل قمر بشرح زیر میباشند:

ناکشا ترا	ابجد	ابتد	عدد کبیر	عدد صغیر	مربوط به متولدین طالع
۱ شرطین	ا	ا	۱	۱	حمل
۲ بطین	ب	ب	۲	۲	حمل
۳ ثریا	ج	ت	۳	۳	۲۷ حمل تا ۸ ثور
۴ دبران	د	ث	۴	۴	ثور
۵ مقعہ	ه	ج	۵	۵	۲۲ ثور تا ۲ جوزا
۶ صنعه	و	ح	۶	۶	جوزا
۷ ذراع	ز	خ	۷	۷	جوزا
۸ نثره	ح	د	۸	۸	۳ جوزا تا ۱ سرطان
۹ طرفه	ط	ذ	۹	۹	سرطان
۱۰ جبهه	ی	ر	۱۰	۱۰	۲۵ سرطان تا ۲ اسد
۱۱ زبره	ک	ر	۲۰	۲	اسد
۱۲ صرفه	ل	س	۳۰	۲	۲۰ اسد تا ۱ سنبله
۱۳ عوا	م	س	۴۰	۴	سنبله
۱۴ سپاک	ن	ص	۵۰	۵	سنبله
۱۵ مخمر	س	ض	۶۰	۶	۱۸ سنبله تا ۹ میزان
۱۶ زبان	ع	ط	۷۰	۷	میزان
۱۷ اکلیل	ف	ظ	۸۰	۸	۲۳ میزان تا ۱ عقرب
۱۸ قلوب	ص	ع	۹۰	۹	عقرب
۱۹ شعله	ق	غ	۱۰۰	۱	۱۹ عقرب تا ۱ قوس
۲۰ زجاج	ر	ف	۲۰	۲	قوس
۲۱ بلده	ش	ق	۳۰	۳	قوس
۲۲ ذابح	ت	ک	۴۰	۴	۲۸ قوس تا ۱ جدی
۲۳ بلع	ث	ل	۵۰	۵	جدی
۲۴ سعور	خ	م	۶۰	۶	۲۴ جدی تا ۱ دلو
۲۵ اخیع	ذ	ن	۷۰	۷	دلو
۲۶ مقدم	ض	و	۸۰	۸	۱۰ دلو تا ۱ حوت
۲۷ مدخر	ظ	ه	۹۰	۹	حوت
۲۸ رشا	غ	ی	۱۰۰	۱	حوت

تاریخ قمری

شب پنجمینه سوم ماه شعبان سال هزار و نوبست و هشتاد و دو هجری قمری

ساعت	تاریخ شمسی
۰۵:۰۰	۱۳۴۴/۹/۳۰

حروف قرآن	طالع وقت
ح ج د	د سبيله

ساز: امام زمان کیست؟

مدخل کبیر	مدخل وسپه کبیر	مدخل وسپه کبیر	مدخل مسنیر
۶۷۰	۴۰	۶۷	۴

حرف تاریخ	حرف ساعت	حرف طالع	حرف قرآن	حرف حاصل
ف	ه	ل	ن	ش

۱	حروف اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	حروف نظیر	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	ص	ض
۳	نسبت مبسوط	۷	۵	۳۰	۶	۴	۴	۴	۲۸	۷	۶	۶	۲۰	۴	۳	۲۱	
۴	نسبت نظیره	۲	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۹	۶	۱۲	۴	
۵	تیمه اول	۴	۱	۲۹	۱۲	۲	۲	۲	۲۵	۴	۱۲	۶	۱۱	۲	۹	۱۷	
۶	حروف اساس و نظیره	۱۴	۶	۵	۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۵	۶	۶	۲۴	
۷	مامل دیم اساس و نظیره	۶	۵	۶	۶	۲۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۶	۵	۶	۲۴	۱۴	
۸	تیمه دوم	۸	۱	۱۲	۱۲	۳۰	۳۰	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۳۱	۲۰	۱۸	۱۰	
۹	تیمه کتبین	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲	۲۰	۲۸	۹	۷	
۱۰	حاصل اعداد	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	ب	ک	غ	ط	ز	
۱۱	سفر قبا	هـ	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ک	ی	ق	ی	و	
۱۲	سفر حاصل	ف	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	د	ن	ف	ل	ی	ف	ک	ر	
۱۳	مستحصله	ت	ص	ق	خ	س	ص	ظ	ظ	س	ز	ع	ص	ظ	ظ	ظ	
۱۴	نظیره	ح	د	هـ	ی	ا	د	م	م	ا	ب	ب	د	م	م	م	
۱۵	مؤخر و صبر	م	ح	م	د	م	هـ	د	ی	ب	ا	د	م	ا	م	م	

جواب: محمد مهدی باشد امام.

حرف ق و ص | ک م ذ | ط | ب | ر | ز | ل | ذ | خ | ح | ع | ل | ا | ح | ک | ی | ص | ح | ع | ق | ح | ک | ل | ی | و | ق | ی | ح | ک

وضعیّت سطر مستحصّله و امتحان حروف ناطقه

حرف طغصا	ف	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر
تسیت	م	م	طغظ	صم	ق	ق	ق	م	ق	صم	ظ	م	م	ظ	م	م
حرف مشوب الیا	ش	ع	ل	ش	ل	خ	ل	ب	م	خ	م	ن	ل	ع	ن	خ
طبع	آتش	خاک	خاک	آتش	خاک	باد	خاک	باد	آتش	خاک	آتش	باد	خاک	خاک	باد	خاک
بد ایچنه	4	24	22	5	1	4	27	23	1	21	4	26	26	1	3	24
دوات بد ایچنه	←	→	←	←	←	→	→	→	→	→	→	→	→	→	←	→
بد حدرام	8	15	3	11	11	9	7	9	1	8	11	9	13	3	4	14
دوات بد حدرام	←	←	→	←	←	←	→	→	→	→	→	→	→	←	←	→
جمع بصر	12	24	25	16	12	9	7	9	2	21	15	26	26	4	7	14
دوات جمع بصر	→	→	→	→	→	←	→	→	←	←	←	←	←	→	→	←
حرف هسطع	ف	ل	ل	ه	ل	ف	ل	ن	ف	ل	ف	ن	ل	ل	ن	ل
بد آن هسطع	0	0	0	16	0	4	0	12	4	12	0	0	0	4	0	16
دوات بد آن هسطع	-	-	-	→	-	-	-	←	←	→	←	-	-	→	-	←
جمع با بصر	12	24	25	16	12	21	7	21	2	9	15	26	26	4	7	16
مفصله	ک	ص	ق	خ	س	ص	ظ	ظ	س	س	ز	ع	ص	ظ	ظ	ظ

ساعت		تاریخ شمسی		سؤال: یا الله القاب حضرت محمد بن عبدالله را بگو؟											
۰۹:۲۱:۰۹		۱۳۹۱/۸/۱۶													
حروف قرآن		طلوع وقت		تاریخ قمری											
۳۴		۱۳:۰۸:۰۹		روز به شنبه بیست و یکم ماه ذی الحجه سال هزار و چهارصد و سی و سه هجری قمری											
م		عقرب		مدخل صغیر		مدخل کبیر		مدخل متوسط		مدخل کبیر		مدخل متوسط		مدخل کبیر	
۳۴		۱۳		۱		۲۱۳۴		۱۰۹		۲۱۷		۲۱۳۴		۲۱۳۴	
ی		ق		ل		ط		ث		ط		ل		ط	
ق		ق		ل		ط		ث		ط		ل		ط	
ق		ق		ل		ط		ث		ط		ل		ط	

۱	حروف اساس	د	ا	ل	ل	ا	م	ق	ا	ف	ب	ا	غ	ی	ن	ط	ا	ق	ا	ف	ا	ز	ا	ی	ا	ر	ا	ا	ل	ف
۲	حروف نظیره	ص	س	ض	ض	س	ظ	ه	س	ج	ع	ن	خ	غ	ث	س	ه	س	ج	ش	س	س	خ	س	و	س	و	س	س	ج
۳	نسبت اساس	۴	۳	۳	۳	۴	۴	۱	۸	۴	۲	۱	۵	۴۵	۱	۱	۱	۸	۵۶	۷	۱	۲	۶	۱	۲	۱	۲	۳	۲۴	
۴	نسبت نظیره	۶	۱۲	۸	۱۲	۶	۴۵	۳۰	۳	۲۱	۴۲	۳۰	۶	۳۰	۳۰	۳۰	۳	۳	۳	۳	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۱۲	۲۴	
۵	تتمه اول	۲	۹	۵	۹	۲	۴۱	۲۹	۵	۱۷	۴۰	۱	۴۰	۲۱	۲۹	۲۹	۵	۵	۳	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۹	۴۸	
۶	حروف اساس نظیره	۳۶	۶	۲۴	۲۴	۶	۳۶	۵	۶	۲۴	۱۴	۶	۵	۴۵	۶	۴۵	۶	۶	۲۴	۲۱	۲۴	۲۱	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	
۷	حاصل دوم اساس و نظیره	۶	۲۴	۲۴	۲۴	۶	۵	۶	۲۴	۱۴	۶	۵	۴۵	۶	۴۵	۶	۶	۲۴	۲۱	۲۴	۲۱	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	
۸	تتمه دوم	۳۰	۱۸	۱۸	۱۸	۳۰	۳۱	۱	۱۸	۱۰	۸	۱	۴۰	۱۸	۲۸	۱۸	۱	۱۳	۱۵	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	
۹	تتمه تثنین	۲۸	۹	۴۳	۹	۲۸	۱۰	۲۸	۷	۳۲	۲۸	۲	۸۰	۲۸	۲۸	۲۸	۱	۵۰	۱۱	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	
۱۰	حاصل اعداد	غ	ط	ز	ط	غ	ی	غ	م	ز	ه	غ	ب	ص	غ	غ	م	ن	ک	ز	ح	ع	ب	ق	ق	ق	ق	ق	ق	
۱۱	سطر قرا	ق	ی	و	ص	و	ط	ق	ن	ذ	و	ظ	ک	ع	ا	ق	ن	م	ی	ح	ع	ب	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق	
۱۲	سطر حاصل	ق	م	ت	ذ	ص	ظ	ل	ف	ث	ر	ن	خ	ص	غ	م	ل	ف	و	ر	ع	ر	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	
۱۳	مستحصله	س	غ	ر	ع	ض	خ	س	ز	ی	خ	ب	ع	ق	ث	ی	ی	ق	و	ه	ق	س	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	
۱۴	نظیره	ا	ن	و	ب	و	ی	ا	ش	ی	ل	ع	ی	ه	ط	ح	خ	خ	ر	ی	ه	س	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
۱۵	مؤخر و صدر	ف	ا	ش	ن	ش	و	ا	ب	ه	ل	ی	س	ا	ش	ر	خ	خ	ی	خ	ی	ع	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ	خ

جواب: فاش ن توأب هلیخ یس اه شرح هیخ عخ بحی طه. (به زبان سریانی ظاهر شدند. اشعار شمس المعارف در باب اسم اعظم.)

سؤال: یا ناطق! فایده دریا در چیست؟ جواب ناب.

ساعت	تاریخ شمسی	
۰۴:۱۳	۱۳۹۱/۷/۱۶	
حروف قرآن		تاریخ قمری
م	ن	ف
م	ن	ف
طلوع وقت		روز یکشنبه هجرت ماه ذی القعدة سال هزار و چهارمصد و سی و سه هجری قمری
دلو	۴	۱۳۰
۱۲۲۸	۸۵	۱۳۰
مدخل کبير	مدخل وسط	مدخل صغير
۱۲۲۸	۸۵	۴
مدخل کبير	مدخل وسط	مدخل صغير
۱۲۲۸	۸۵	۴

حروف اساس	۱	ح	ا	ک	ا	ف	ر	ا	غ	ی	ن	هـ	ا	ف	ا	ل	ا	ف	ا	ف	ا	د	ا	ل
حروف نظيره	۲	ت	س	ذ	س	ج	و	س	ن	خ	غ	ق	س	ج	س	ف	س	ا	س	ج	س	ن	س	ص
نسبت اساس	۳	۸	۲	۲	۸	۴	۲	۱	۵	۵	۱	۸	۳	۸	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۴
نسبت نظيره	۴	۶	۴۲	۶	۴۲	۳	۶	۳۰	۳۰	۶	۱	۶	۳۰	۳	۶	۱۲	۶	۳	۳	۳	۳	۳	۱۲	۴
تتمه اول	۵	۲	۴۰	۲	۴۰	۱	۴	۲۹	۲۹	۱	۴	۱	۲۹	۵	۹	۲	۵	۲۹	۲۹	۲	۵	۲	۲۰	۲۰
حروف اساس و نظيره	۶	۴	۶	۱۴	۶	۲۴	۳	۶	۵	۶	۵	۶	۵	۲۴	۶	۲۴	۶	۵	۲۴	۶	۵	۳۶	۲۴	۲۴
حاصل دوم اساس و نظيره	۷	۶	۱۴	۶	۲۴	۳	۶	۵	۶	۵	۵	۶	۵	۲۴	۶	۳۶	۵	۲۴	۶	۵	۳۶	۲۴	۲۴	۴
تتمه دوم	۸	۲	۸	۸	۱۸	۲۱	۳	۱	۱	۱	۱۰	۱	۱	۱۸	۱۸	۳۰	۱	۱۸	۱۸	۱	۳۱	۲۰	۲۰	۲۰
تتمه تتمتين	۹	۴	۳۲	۳۲	۱۳	۲۰	۱	۲۸	۲۸	۲	۶	۲	۲۸	۱۳	۹	۲۸	۱۰	۲۸	۱۳	۲۸	۱۰	۴۰	۴۰	۴۰
حاصل اعداد	۱۰	د	هـ	م	م	ک	ا	غ	ب	و	هـ	ج	د	م	ط	غ	ی	م	ک	ر	ن	ط	ف	م
سطر قرا	۱۱	هـ	و	ع	ن	ر	ق	ا	ظ	ک	هـ	ج	د	م	ط	غ	ی	م	ک	ر	ن	ط	ف	م
سطر حاصل	۱۲	ص	ن	ع	م	ن	ی	ط	ع	ک	ل	ی	ص	م	ع	ظ	ث	ح	م	ن	س	غ	ص	ع
مستحصله	۱۳	ر	ع	ز	س	ع	ث	ص	ز	ی	ف	ص	س	ع	س	ظ	ع	س	س	غ	س	ن	ب	ع
نظيره	۱۴	و	ب	ش	ا	ب	ط	د	ش	ی	ل	د	ش	ا	د	م	ب	ع	ا	ن	ا	ا	ب	ب
مؤخر و صبر	۱۵	ب	و	د	ب	ا	ش	ن	ا	ا	ب	ش	ا	ط	ف	ش	ی	د	د	ل	ا	ا	م	م

جواب: بود با شنا آبش طب دم شفی دل آدم. (دم=خون ، بوسيله شنا کردن، آبش درمان بیماری های خونی و شفای دل و آرامش قلب است)

ساعت	تاریخ شمسی	امام زمان چه کسی می باشد؟	
۱۲:۰۰	۱۳۹۱/۶/۱۳	حرف قرآن	تاریخ قمری
ل	ه	ط	م
ل	ه	ط	م

۱	حروف اساس	۱	ه	۱	ل	۱	م	خ	ا	ط	ا	ن	و	ن	ح	ا	س	ی	ن	ه
۲	حروف نظیره	۲	ق	۳	ض	۴	ظ	ی	س	۹	ث	۵	ر	غ	ت	۱	خ	غ	ق	۳
۳	نسبت اساس	۳	۵	۳	۳	۴	۶	۶	۹	۹	۳۰	۳۰	۲۰	۴۰	۸	۶	۵	۵	۵	۵
۴	نسبت نظیره	۴	۶	۱۲	۱۲	۶	۹	۶	۳۰	۳۰	۲	۲	۲	۴	۶	۶	۶	۱	۶	۶
۵	تتمه اول	۵	۱	۹	۲	۳	۲	۱۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۸	۲۸	۳۶	۲	۱۲	۱	۴	۱	۱
۶	حروف اساس و نظیره	۶	۵	۲۴	۶	۳۶	۶	۶	۴۵	۴۵	۶	۵	۳	۴	۴	۶	۶	۵	۵	۵
۷	حاصل نوم اساس و نظیره	۷	۶	۲۴	۶	۳۶	۶	۶	۴۵	۴۵	۶	۵	۵	۴	۶	۶	۵	۵	۵	۵
۸	تتمه دوم	۸	۱	۱۸	۱۸	۳۰	۳۰	۱۲	۳۹	۳۹	۱	۲	۲	۱	۲	۱۲	۱	۱۰	۱	۱
۹	تتمه تتمین	۹	۲	۹	۹	۲۸	۲۸	۲۴	۱۸	۱۸	۲	۲۶	۲۶	۳۵	۴	۲۴	۲	۶	۲	۲
۱۰	حاصل اعداد	۱۰	ب	ط	ص	غ	ظ	خ	ص	ص	ب	ح	ح	د	د	خ	ب	و	ب	ب
۱۱	سطر اول	۱۱	ج	ی	ص	ا	ض	و	ق	ظ	ج	ذ	ح	ه	ذ	ک	ه	و	ج	ج
۱۲	سطر حاصل	۱۲	م	ل	خ	ل	ذ	ف	ل	ظ	ن	ف	ر	ف	ص	م	م	و	م	ن
۱۳	مستحصله	۱۳	ظ	ظ	غ	غ	غ	ق	ق	خ	ز	ص	د	م	ظ	ث	ث	م	ث	ث
۱۴	نظیره	۱۴	م	م	ن	ن	ه	ه	ی	ی	ث	د	د	م	د	ا	ا	ز	ا	ا
۱۵	مؤخر و صدر	۱۵	ا	م	م	ز	م	م	ا	ن	ز	ن	د	ه	م	ی	ی	ب	ث	د

جواب: امام زمان زنده مهدی بشد. (امام زمان زنده است و نامش مهدی(عج) می باشد.)

ساعت	تاریخ شمسی	سؤال: یا محبوب عشق چیست؟	
۰۹:۰۴	۱۳۹۱/۷/۱۸	حروف قرآن	تاریخ قمری
۱	۱	طلوع وقت	شب به شب پوست و یکم ماه ذی القعدة سال هزار و چهارمست و سی و سه هجری قمری
ح	د	ثور	
ر	ع	۱۰۳	۴۹
ط	م	۱۰۱۲	۱۰۱۲
آتش	آتش	ع	ع
ساعت	حرف طالع	مدخل صغیر	مدخل کبیر
حرف تاریخ	حرف قرآن	مدخل ویدیه مجموعی	مدخل ویدیه کبیر
حرف ساعت	حرف حاصل	مدخل ویدیه متوسط کبیر	مدخل ویدیه کبیر
حرف ط	حرف حاصل	مدخل صغیر	مدخل کبیر
حرف ر	حرف حاصل	۴	۱۰۱۲

۱	حروف اساس	۱	ب	۱	ی	۱	غ	۱	ی	۱	غ	۱	ن	۱	ط	۱	ا	۱	م	۱	ی	۱	م	۱	ج	۱	ی	۱	ق	۱	ف	۱	د	۱	ل	
۲	حروف نظیره	۲	س	۲	خ	۲	ن	۲	س	۲	خ	۲	غ	۲	ث	۲	س	۲	ظ	۲	خ	۲	ظ	۲	ف	۲	خ	۲	ه	۲	ج	۲	ص	۲	ض	
۳	نسبت اساس	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱	
۴	نسبت نظیره	۴	۴۲	۴	۶	۴	۳۰	۴	۶	۴	۳۰	۴	۵	۴	۲۰	۴	۶	۴	۶	۴	۶	۴	۶	۴	۱۲	۴	۶	۳۰	۴	۳	۴	۶	۱۲	۵۶		
۵	تتمه اول	۵	۴۰	۵	۵	۵	۲۹	۵	۵	۵	۲۹	۵	۴۰	۵	۲۱	۵	۲	۵	۲	۵	۲	۵	۲	۶	۵	۲	۲۹	۵	۵	۲	۵	۹	۵۰			
۶	حروف اساس و نظیره	۶	۱۴	۶	۶	۶	۵	۶	۶	۶	۵	۶	۵	۶	۴۵	۶	۳۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۶	۲۴	۶	۳۶	۵	۶	۲۴	۶	۲۴	۶	۲۴		
۷	حاصل دوم اساس و نظیره	۷	۶	۷	۶	۷	۵	۷	۶	۷	۵	۷	۶	۶	۳۶	۷	۳۰	۷	۳۰	۷	۳۰	۷	۳۰	۷	۲۴	۷	۳۰	۶	۲۴	۷	۳۰	۷	۲۴	۱۴		
۸	تتمه دوم	۸	۸	۸	۱۲	۸	۱	۸	۱۲	۸	۱	۸	۴۰	۸	۳۹	۸	۳۰	۸	۳۰	۸	۳۰	۸	۳۰	۸	۱۸	۸	۳۰	۱۲	۸	۱۱	۸	۳۰	۱۰	۱۸		
۹	تتمه تمثیل	۹	۳۲	۹	۷	۹	۲۸	۹	۷	۹	۲۸	۹	۸۰	۹	۱۸	۹	۲۸	۹	۲۸	۹	۲۸	۹	۲۸	۹	۴۸	۹	۲۸	۲۸	۹	۱۳	۹	۲۸	۹	۴۰		
۱۰	حاصل اعداد	۱۰	هـ	۱۰	ز	۱۰	غ	۱۰	ز	۱۰	غ	۱۰	ف	۱۰	ص	۱۰	غ	۱۰	غ	۱۰	غ	۱۰	غ	۱۰	ط	۱۰	غ	م	۱۰	ک	۱۰	م	۱۰	م		
۱۱	صنایع قوا	۱۱	و	۱۱	ح	۱۱	ع	۱۱	ع	۱۱	ع	۱۱	ع	۱۱	ظ	۱۱	ا	۱۱	ظ	۱۱	ا	۱۱	ظ	۱۱	ح	۱۱	ی	ن	۱۱	ر	۱۱	ی	ن	۱۱		
۱۲	سطر حاصل	۱۲	ت	۱۲	ن	۱۲	ش	۱۲	ش	۱۲	ش	۱۲	ع	۱۲	ب	۱۲	س	۱۲	ا	۱۲	س	۱۲	ا	۱۲	ض	۱۲	س	ا	۱۲	ر	۱۲	ش	۱۲	س	۱۲	
۱۳	مستحصله	۱۳	ظ	۱۳	ش	۱۳	ر	۱۳	ر	۱۳	ع	۱۳	ر	۱۳	خ	۱۳	و	۱۳	ض	۱۳	خ	۱۳	ض	۱۳	ا	۱۳	س	غ	۱۳	و	۱۳	ز	۱۳	س	۱۳	
۱۴	نظیره	۱۴	م	۱۴	ز	۱۴	و	۱۴	و	۱۴	و	۱۴	د	۱۴	ی	۱۴	ر	۱۴	ل	۱۴	ی	۱۴	د	۱۴	س	۱۴	ا	۱۴	هـ	۱۴	ر	۱۴	ا	۱۴	غ	۱۴
۱۵	مؤخر و صبر	۱۵	غ	۱۵	م	۱۵	ا	۱۵	ا	۱۵	ز	۱۵	ش	۱۵	ب	۱۵	هـ	۱۵	ح	۱۵	ب	۱۵	و	۱۵	ن	۱۵	د	۱۵	س	۱۵	ر	۱۵	د	۱۵	ی	۱۵

توجه: غم از شور به حب و ندای سر دلی. (حب=علاقه ، غم از شور به محبوب، و ندای نهانی قلب.)

ساعت	تاریخ شمسی	سؤال: یا الله دین اسلام چه دینی است؟	
۱۲:۴۵ ق.ظ	۱۳۹۱/۶/۱۵	حرف تاریخ	حرف ساعت
حروف قرآن	طلوع وقت	حرف طالع	حرف قرآن
ل ل ل	جوزا	و باد	ل عای
		مدخل صغیر	مدخل کبیر
		۶	۸۱۶
		مدخل وسط	مدخل وسط و کبیر
		۶۹	۸۷
		تاریخ قمری	تاریخ شمسی
		شب چهارشنبه	شب چهارشنبه
		۱۳۹۱/۶/۱۵	۱۳۹۱/۶/۱۵

۱	حروف اساس	و	ا	ی	ی	ا	ض	ا	د	ط	ا	س	ی	ن	ز	ا	ف	ا	و	ا	و
۲	حروف نظیره	ر	س	خ	س	ل	س	س	ص	ث	س	ا	خ	غ	ش	س	ج	س	ر	س	ر
۳	نسبت اساس	۶	۶	۱	۸	۸	۴	۴	۳۶	۹	۶	۶	۵	۳۵	۷	۸	۸	۶	۶	۶	۶
۴	نسبت نظیره	۳	۳	۶	۳	۳	۶	۶	۴۵	۳۰	۶	۶	۶	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۵	تتمه اول	۳	۳	۵	۵	۵	۲	۵	۹	۲۱	۱۲	۱۲	۱	۳۲	۴	۵	۵	۳	۳	۳	۳
۶	حروف اساس و نظیره	۳	۶	۶	۶	۲۴	۶	۴۵	۳۶	۴۵	۶	۶	۶	۵	۲۱	۶	۲۴	۶	۳	۳	۳
۷	حاصل دوم اساس و نظیره	۶	۳	۶	۲۴	۶	۳۶	۶	۴۵	۶	۶	۶	۵	۲۱	۶	۲۴	۶	۳	۳	۳	۳
۸	تتمه دوم	۳	۳	۱۲	۱۲	۱۸	۳۰	۱۸	۹	۳۹	۱۲	۱۲	۱	۱۶	۱۵	۱۸	۱۸	۳	۳	۳	۳
۹	تتمه تمجین	۶	۶	۷	۱۳	۱۳	۲۸	۱۳	۱۸	۱۸	۲۴	۲۴	۲	۱۶	۱۱	۱۳	۱۳	۶	۶	۶	۶
۱۰	حاصل اعداد	و	و	ز	م	م	غ	ص	ص	ص	خ	خ	ب	ع	ک	م	م	و	و	و	و
۱۱	سطر قوا	س	ز	س	ع	ن	ا	ن	ط	ظ	ا	ک	س	ی	ی	ن	د	ز	س	ز	ج
۱۲	سطر حاصل	ع	ع	ع	ع	ص	ی	ص	خ	ذ	ی	ع	ن	م	م	ف	ع	ع	ع	ع	م
۱۳	مستحصله	خ	ت	س	س	ا	ع	ا	ب	ظ	ع	ا	ض	ح	ح	ض	ض	ص	ه	غ	ص
۱۴	نظیره	ی	ح	ا	ت	س	ب	س	ع	م	ت	س	ل	ا	ت	ل	ل	د	ق	ن	د
۱۵	مؤخر و سدر	د	ی	ح	ح	ق	د	ع	ا	ل	ت	ا	س	ت	ب	ا	ع	ل	م	س	ت

جواب: دین حق عدالت است با علم است. (عدالت حق در آن است و علم جهان در آن نهفته است.)

ساعت		تاریخ شمسی		سؤال: یا الله فواید سبب چیست؟	
۰۴:۳۱		۱۳۹۱/۸/۱۰			
حروف قرآن		تاریخ قمری			
ب ج ا د		حاصل		روز چهارشنبه یازدهم ماه ذی الحجه سال هزار و چهارصد و سی و سه هجری قمری	
حاصل		مدخل صغیر		۳	
مدخل کبیر		مدخل وسط کبیر		۷۵	
مدخل وسط صغیر		مدخل وسط کبیر		۵۷	
مدخل کبیر		مدخل وسط صغیر		۷۲۳	
حرف حاصل		حرف قرآن		حرف طالع	
س		س		س	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	
ی		ی		ی	
ج		ج		ج	
س		س		س	
ی		ی		ی	
ب		ب		ب	
ا		ا		ا	
د		د		د	
ع		ع		ع	
ح		ح		ح	
ط		ط		ط	
ظ		ظ		ظ	
ف		ف		ف	
خ		خ		خ	

ساعت		تاریخ شمسی		سؤال: یا واحد راز فوتبال چیست؟ جواب ناب.	
۰۳:۰۸		۱۳۹۱/۷/۱۷			
حروف قرآن		تاریخ قمری		حرف تاریخ	
طلوع وقت		روز دوشنبه بیست و یکم ماه ذی القعدة سال هزار و چهارصد و سی و سه هجری قمری		حرف ساعت	
جدی				حرف طلوع	
ج				حرف قرآن	
ع				حرف حاصل	
و				مدخل کبیر	
				۱۲۹۵	
				مدخل وسط	
				۸۹	
				مدخل وسط	
				۱۳۴	
				مدخل صغیر	
				۸	
				مدخل کبیر	
				۱۲۹۵	
				مدخل وسط	
				۸۹	
				مدخل وسط	
				۱۳۴	
				مدخل صغیر	
				۸	

۱	حروف اساس	ه	ا	ص	ا	د	ر	ا	غ	ی	ن	ط	ا	ف	ا	د	ا	ل	ل	ا	م	ق	ا	ح	ا
۲	حروف نظیره	ق	س	د	س	ص	و	س	ن	خ	غ	ث	س	ج	ص	س	ض	ض	س	ظ	ه	س	ت	س	
۳	نسبت اساس	۵	۹	۴	۲	۲	۲	۱	۱	۵	۴۵	۹	۸	۸	۳	۴	۳	۳	۴	۴	۱	۸	۸	۵	
۴	نسبت نظیره	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۳۰	۳۰	۶	۵	۳۰	۳	۳	۶	۱۲	۸	۵	۴۵	۳۰	۳	۳	۶		
۵	تتمه اول	۱	۳	۳	۲	۴	۴	۲۹	۲۹	۱	۴۰	۲۱	۵	۵	۹	۲	۲	۹	۴۱	۴۱	۲	۲	۱		
۶	حروف اساس و نظیره	۵	۶	۳۶	۶	۳۶	۳	۶	۵	۶	۵	۴۵	۶	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۵	۲۴	۶	۶	۶		
۷	حاصل دوم و نظیره	۶	۳۶	۶	۳۶	۳	۶	۵	۶	۵	۴۵	۶	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۵	۲۴	۶	۶	۵		
۸	تتمه دوم	۱	۳۰	۳۰	۳۰	۳۳	۳	۱	۱	۱	۴۰	۳۹	۱۸	۱۸	۱۸	۳۰	۱۸	۴۸	۳۱	۱۰	۲۸	۲	۱		
۹	تتمه تثنین	۲	۲۷	۲۷	۲۸	۲۹	۱	۲۸	۲۸	۲	۸۰	۱۸	۱۳	۱۳	۹	۲۸	۲۸	۴۳	۲۸	۲۸	۱۳	۴	۲		
۱۰	حاصل اعداد	ب	ظ	ظ	غ	ک	ا	غ	غ	ب	ف	ص	م	م	غ	ط	ز	ط	غ	ی	م	د	ب		
۱۱	سطر قرا	ج	غ	ص	ا	ب	ق	ا	ظ	ک	ع	ظ	ن	د	ی	و	ص	ا	ط	ا	ن	ه	ج		
۱۲	سطر حاصل	ن	م	ظ	م	ر	ن	م	ر	ن	غ	ف	ف	ر	م	ت	ذ	م	ظ	ل	ف	ت	س		
۱۳	مستحصله	س	س	ص	س	و	س	ر	ر	س	ف	غ	ق	و	ر	ش	ج	ظ	ی	ق	ظ	ش	و		
۱۴	نظیره	ا	ا	د	ا	ر	ا	و	و	ا	ج	ن	ه	ر	و	ز	ف	م	خ	ه	م	ز	ر		
۱۵	مؤخر و صدر	ر	ا	ز	ا	م	د	ه	ا	خ	ر	ک	ا	م	و	ز	ا	و	و	ن	م	ه	ر		

جواب راز آمده آخر کام و فوز او چون مهر. (کام و فوز = پیروزی ، راز آن در دقائق آخر است و پیروزش با مهر و همکاری حاصل می شود.)

ساعت		تاریخ شمسی		سوال: یا الله جن ها چه می خورند؟	
۰۷:۰۸		۱۳۹۱/۷/۱۶			
حروف قرآن		تاریخ قمری		حرف تاریخ	
حامل		شماره یکشنبه یازدهم ماه محرم سال هزار و چهارم و سی و سه هجری قمری		حرف ساعت	
۱		۱		حرف طالع	
		مدخل صغیر		حرف قرآن	
		۱		ل خای	
		مدخل کبیر		حرف حاصل	
		۱۰۵۴		ت	
		مدخل وسط		حرف طالع	
		۶۴		س	
		مدخل وسط کبیر		حرف ساعت	
		۱۰۹		ز	
		مدخل وسط کبیر		حرف تاریخ	
		۱۰۹		آب	
		مدخل وسط کبیر		حرف ساعت	
		۱۰۹		س	
		مدخل وسط کبیر		حرف تاریخ	
		۱۰۹		آب	

۱	حروف اساس	۱	د	۱	ل	ن	و	ن	غ	ی	ن	د	ا	ل	س	ن	ط	ا	ف	ا	ل	ف	ج	و
۲	حروف نظیره	۳	ص	۳	ض	غ	ر	۵	۳۰	۵	۴	۴	ص	۳	ا	۳	۱	۸	۸	۳	۲	۲	۳	ب
۳	نسبت اساس	۴	۴	۱۵	۱۵	۳۰	۲۰	۱	۵	۳۰	۶	۴	۸	۳	۶	۴۵	۹	۳	۳	۳	۱۲	۴	۴	ع
۴	نسبت نظیره	۶	۶	۸	۲	۲	۲	۵	۲	۳۰	۹	۶	۱۲	۵	۶	۴۰	۳۰	۵	۵	۵	۹	۲۴	۳	ع
۵	تتمه اول	۲	۲	۷	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۲۹	۱	۱۱	۲	۵	۶	۴۵	۲۱	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۴۸	۱	۱	ع
۶	حروف اساس و نظیره	۳۶	۶	۶	۲۴	۵	۳	۵	۵	۶	۵	۶	۶	۲۴	۵	۴۵	۶	۵	۶	۶	۲۴	۲۴	۱۱	ک
۷	حاصل دوم اساس و نظیره	۶	۲۴	۵	۳	۳	۵	۵	۶	۵	۳۶	۶	۶	۲۴	۵	۴۵	۶	۶	۲۴	۶	۲۴	۲۴	۱۱	ر
۸	تتمه دوم	۳۰	۱۸	۱۹	۲	۲	۲	۱۰	۱	۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۸	۴۰	۳۹	۱	۱۸	۱۸	۱۸	۴۸	۱۲	۱۱	و
۹	تتمه تثنین	۲۸	۹	۱۲	۲۶	۲۶	۲۶	۲۰	۲۸	۲	۲۰	۲۸	۹	۱۳	۲۴	۱۸	۲۸	۲۸	۱۳	۹	۹۶	۱۱	ک	
۱۰	حاصل اعداد	غ	ط	ل	ض	ض	ض	ک	غ	ب	ک	غ	ط	م	خ	ب	ص	غ	م	م	س	ک	ک	
۱۱	سطر ثواب	ق	ی	ل	ذ	ح	ی	ظ	ک	ک	ی	ق	ی	ن	ذ	ع	ظ	ا	ن	د	ی	ر	ر	
۱۲	سطر حاصل	ص	ل	ف	ف	ر	ر	ک	ق	م	ص	ص	ل	ر	ص	م	ظ	ک	ع	ق	ل	ف	ع	
۱۳	مستحصله	ر	ض	ع	ع	ع	ع	ز	و	س	ب	ص	ض	ر	ق	ر	غ	ر	س	ص	ذ	ع	ع	
۱۴	نظیره	و	ل	ب	ب	ب	ب	ش	ر	ا	ع	د	ل	و	ه	ب	ن	ک	ا	د	ک	ب	ب	
۱۵	مؤخر و صبر	ب	و	د	ل	ک	ب	ب	د	ب	ا	ب	و	ش	ک	ا	ب	ع	و	د	ه	ل	و	

جواب: بود دل کبد با بو شکر ناب عود هل. (هل = یکی از انواع ادویه ، بوی دل و بوی کبد و بوی شکر و بوی عود و بوی هل. غذای جنیان بو است.)

ساعت		تاریخ شمسی	
۰۴:۵۵		۱۳۹۱/۷/۲۴	
حروف قرآن		تاریخ قمری	
طلوع وقت		روز دوشنبه بیست و هشتم ماه ذی القعدة سال هزار و چهارصد و سی و سه هجری قمری	
ص	م	حوت	م
ت	م	حوت	م
ب	م	حوت	م

بازار مرکز ایران کدام شهر است؟ دقیق بگو.

حرف تاریخ	حرف ساعت	حرف طالع	حرف قرآن	حرف حاصل	مدخل کبیر	مدخل وسط	مدخل وسط	مدخل وسط	مدخل کبیر	مدخل صغیر	تاریخ قمری	
ر	د	ط	ق	ع	۱۸۰۲	۷۴	۱۸۲	۱۸۲	۲	۲	تاریخ قمری	

۱	حروف اساس	۱	ب	ا	ض	ا	د	غ	ی	ن	د	ا	ل	ع	ی	ن	ب	ا	ف	ا	ق	ا	ف	ب	ا
۲	حروف نظیره	۲	ع	س	ل	س	ص	ن	خ	غ	ص	س	ض	ب	خ	غ	ع	س	ج	س	ه	س	ع	ع	س
۳	نسبت اساس	۲	۲	۸	۴	۴	۴	۱	۵	۲۰	۴	۳	۲۱	۷	۵	۱۰	۲	۸	۱	۱	۸	۳۰	۲	۲	۲
۴	نسبت نظیره	۴۲	۴۲	۳	۶	۴۵	۴۵	۳۰	۶	۹	۱۲	۴	۴	۳	۶	۷	۴۲	۳	۳۰	۳	۳۰	۲۱	۴۲	۴۲	۴۲
۵	تنبه اول	۴۰	۴۰	۵	۵	۴۱	۴۱	۲۹	۱	۱۱	۲	۹	۱۷	۴	۳	۴۰	۵	۵	۲۹	۵	۲۹	۱۷	۴۰	۴۰	۴۰
۶	حروف اساس و نظیره	۱۴	۱۴	۶	۶	۳۶	۳۶	۵	۶	۵	۶	۲۴	۲۴	۱۴	۵	۱۴	۶	۲۴	۶	۵	۶	۲۴	۱۴	۱۴	۱۴
۷	حاصل دوم و نظیره	۶	۶	۲۴	۶	۵	۵	۶	۵	۳۶	۶	۲۴	۱۴	۶	۵	۱۴	۶	۲۴	۵	۶	۶	۱۴	۶	۱۴	۱۴
۸	تنبه دوم	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۳۰	۳۰	۱	۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۰	۸	۹	۱۸	۸	۱۸	۱	۱	۱۸	۷	۳۲	۳۲	۳۲
۹	کتمه کتبین	۳۲	۳۲	۱۳	۱۳	۲۸	۲۸	۲۸	۲	۲۰	۲۸	۹	۷	۴	۲	۳۲	۳۲	۱۳	۲۸	۲۸	۱۳	۷	۳۲	۳۲	۳۲
۱۰	حاصل اعداد	ه	ه	م	م	غ	ی	غ	ب	ک	غ	ط	ز	د	ب	ه	م	م	م	م	غ	ز	ه	ه	ه
۱۱	سطر قوا	و	ن	ن	ن	ا	ط	ظ	ک	ی	ق	ی	و	ه	ه	و	ن	د	د	ا	ق	ذ	و	و	و
۱۲	سطر حاصل	ت	ق	ق	ث	س	ا	ت	ع	ن	ش	س	خ	ش	ع	ظ	ت	ت	ت	ن	ق	ذ	ت	ت	ت
۱۳	مستحصله	ن	خ	خ	ث	و	غ	ظ	ذ	ز	و	و	ذ	ش	س	ظ	ت	ت	ت	ن	ق	ع	ص	ص	ص
۱۴	نظیره	ح	ی	ی	ط	ر	ن	م	ک	ش	ر	ر	ک	ز	ا	د	ه	د	د	ا	ه	ب	د	د	د
۱۵	مؤخر و صدر	ب	ح	ح	د	ب	ب	ط	ه	ر	ا	ن	ا	م	د	ک	ه	ث	د	د	م	ر	ک	ک	ک

توجه: بجدی بطهران آمد که شدتش مراکز حد و حدود.

ساعت		تاریخ شمسی		سؤال: یا الله صلوات چیست؟ بفرمایید.																			
۰۲:۱۱		۱۳۹۱/۱۰/۱۳																					
حروف قرآن				طلوع وقت				تاریخ قمری															
و	ح	ع	و	ثور	روز چهارشنبه نوزدهم ماه صفر سال هزار و چهارصد و سی و چهار هجری قمری																		

۱	حروف اساس	د	ا	ل	ک	ا	ف	ت	ا	مدخل کبیر	مدخل وسط	مدخل وسط کبیر	مدخل صغیر	ع	ی	ن	و	ا	و	م	ی	م	ق	ا	ف	ب	ل	۱
۲	حروف نظیره	ص	س	ض	ذ	س	ج	ح	س	س	ن	ص	ض	ب	خ	غ	ر	س	ر	ظ	خ	ظ	ه	س	ج	س	ب	۲
۳	نسبت اساس	۴	۳	۶	۲	۸	۴	۴	۱	۱	۵	۳	۲۱	۷	۵	۳۰	۶	۱۸	۶	۴	۴	۱	۸	۴	۳	۳	۳	۳
۴	نسبت نظیره	۶	۱۲	۵۶	۴۲	۳	۲۴	۱۲	۳۰	۳۰	۶	۴	۴	۳	۲	۳	۲	۳	۲	۶	۶	۴۵	۳۰	۲۱	۳	۳	۳	۳
۵	تسه اول	۲	۹	۵۰	۴۰	۵	۲۰	۸	۲۹	۲۹	۱	۱۷	۱۴	۴	۱	۲۸	۳	۱۲	۳	۲	۴۱	۲۹	۱۷	۵	۵	۵	۵	۵
۶	حروف اساس و نظیره	۳۶	۶	۲۴	۱۴	۶	۲۴	۴	۶	۶	۵	۲۴	۱۴	۶	۵	۳	۶	۳۶	۳	۶	۳۶	۵	۲۴	۶	۱۴	۶	۳۶	۳۶
۷	حاصل دوم و نظیره	۶	۲۴	۱۴	۶	۲۴	۴	۶	۵	۵	۶	۱۴	۱۴	۶	۳	۲	۳۶	۳۶	۳	۶	۳۶	۵	۲۴	۶	۱۴	۶	۳۶	۳۶
۸	تسه دوم	۳۰	۱۸	۱۰	۸	۱۸	۲۰	۲	۱	۱	۳۱	۳۰	۱۰	۸	۱	۲	۳	۳۳	۳	۳۰	۳۱	۱۰	۱۸	۷	۱۰	۱۸	۳۰	۳۰
۹	تسه تمیز	۲۸	۹	۴۰	۳۲	۱۳	۴۰	۶	۲۸	۲۸	۲	۷	۴	۴	۲۶	۶	۲۱	۲۱	۲۸	۲۸	۱۰	۲۸	۷	۱۳	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۱۰	حاصل اعداد	غ	ط	م	هـ	م	م	و	غ	غ	ب	ط	د	د	ب	و	ش	و	غ	غ	ی	غ	م	ز	م	ن	ع	م
۱۱	سطر قوا	ق	ی	ن	و	ن	د	س	ا	ظ	ک	ی	و	هـ	ک	س	ل	ش	ظ	غ	ط	ی	ذ	و	ا	و	ا	ا
۱۲	سطر حاصل	ص	ل	ر	ق	ع	ق	ت	ل	ظ	م	ل	ش	ص	ف	ص	س	س	ظ	ل	ظ	ک	ع	ق	و	ق	س	ل
۱۳	مستحصله	ض	ظ	س	ص	س	ظ	و	ض	غ	ظ	س	س	و	ر	ب	ر	خ	ا	ظ	ح	ی	ز	ع	س	ا	ا	ا
۱۴	نظیره	ل	م	ا	د	ا	م	ر	ل	ن	م	ن	ا	ر	ی	ع	و	ی	س	م	ت	خ	ش	ب	ا	س	س	س
۱۵	نؤخر و صدر	س	ل	ا	م	ب	ا	ش	د	خ	ا	م	ر	س	ل	و	م	ع	م	ص	و	م	ی	ن	ر	ا	ا	ا

جواب: سلام باشد خاتم مرسلین و معصومین را.

